

مطابق با فتاوی
آیة اللہ العظمیٰ مکارم شیرازی



احکام خانواده

در برائت



مسیح و تعلیم
در عین شکر

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مَدَظَلَه العالی) / تهیه و تنظیم وحید علیان نژاد. - قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۸.
ISBN: 978-964-533-105-2
ص ۵۱۱.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

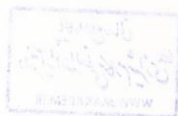
۱. فقه جعفری، رساله عملیه، ۲. فتاویهای شیعه - قرن ۱۴. ۳. اسلام و خانواده، الف. علیان نژاد، وحید، ۱۳۶۰ - .. گرد آورنده، ب: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ج. عنوان.

۲۹۷/۳۴۲۲

BP ۱۸۳ / ۹ / ۷ م

ناشر برتر

نوزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران



احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مَدَظَلَه العالی)

تهیه و تنظیم: وحید علیان نژاد

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

صفحه و قطع: ۵۱۱ صفحه / وزیری

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸

چاپخانه: سلیمانزاده

ناشر: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۱۰۵-۲



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفن: ۷۷۲۳۴۷۸ دورنگار: ۷۸۴۰۰۹۹

www.amiralmomeninpub.com

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

احکام خانواده

در پرتو فقه اسلامی

تألیف:

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله)

تهیه و تنظیم:

وحید علیان نژاد

فهرست مطالب

| | |
|----|--------------------------------------|
| ۱۲ | پیشگفتار |
| ۱۷ | بخش اول: روابط مرد و زن |
| ۱۸ | ۱ احکام نگاه |
| ۱۸ | ۱. نگاه به محارم |
| ۱۸ | ۲. نگاه به نامحرم |
| ۲۰ | ۳. نگاه به عورت |
| ۲۱ | ۴. نگاه و مشاغل خاص |
| ۲۱ | ۵. نگاه در دانشگاه |
| ۲۲ | ۶. نگاه به چهره آرایش شده |
| ۲۳ | ۷. نگاه به فیلم و عکس |
| ۲۴ | ۸. نگاه به برنامه های تلویزیون |
| ۲۵ | ۹. نگاه به برنامه های ماهواره |
| ۲۶ | ۱۰. نگاه به زنان غیر مسلمان |
| ۲۶ | ۱۱. نگاه به جسد میت |
| ۲۷ | ۲ احکام پوشش |
| ۲۷ | ۱. تعریف، جایگاه و فلسفه حجاب |
| ۲۸ | ۲. محدوده پوشش |
| ۳۰ | ۳. استثنائات حجاب |
| ۳۱ | ۴. حجاب زن غیر مسلمان |
| ۳۱ | ۵. نوع پوشش |
| ۳۲ | ۶. پوشاندن زینت و آرایش |
| ۳۳ | ۷. لباس زینتی و مبتذل |

- ۳۳ ۸. پوشش مردان
- ۳۶ ۳ احکام زینت و آرایش
- ۳۶ ۱. آرایش بانوان
- ۳۷ ۲. زینت و آرایش آقایان
- ۳۸ ۳. جراحی زیبایی
- ۴۰ ۴ احکام لمس
- ۴۰ ۱. لمس و بوسیدن همجنس
- ۴۰ ۲. لمس در اماکن عمومی
- ۴۰ ۳. لمس بیمار توسط پزشک و پرستار
- ۴۱ ۴. لمس جهت آموزش
- ۴۱ ۵. لمس غیر مسلمان
- ۴۱ ۶. دست دادن با نامحرم
- ۴۳ ۵ احکام صدای نامحرم
- ۴۵ ۶ احکام مراوده و معاشرت با نامحرم
- ۴۵ ۱. خلوت با نامحرم
- ۴۵ ۲. مراجعه به پزشک نامحرم
- ۴۶ ۳. گفتگو و مواجهه با نامحرم
- ۴۷ ۴. دوستی با نامحرم
- ۴۸ ۷ احکام اختلاط زن و مرد
- ۴۸ ۱. اختلاط در مجالس خانوادگی
- ۴۹ ۲. اختلاط در محیط های آموزشی
- ۵۰ ۳. اختلاط در محیط کار
- ۵۰ ۴. اختلاط در بازیگری
- ۵۲ بخش دوم: مقدمات زندگی مشترک
- ۵۳ ۱ ازدواج
- ۵۳ ۱. حکم ازدواج
- ۵۴ ۲. سن ازدواج

| | | |
|----|-------|--|
| ۵۵ | | ۳. انتخاب همسر |
| ۵۶ | | ۴. نذر ازدواج |
| ۵۶ | | ۵. ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده |
| ۵۷ | | ۶. دیگر مسائل ازدواج |
| ۵۹ | | ۲ خواستگاری |
| ۵۹ | | ۱. نگاه |
| ۶۰ | | ۲. استخاره |
| ۶۰ | | ۳. دیگر مسائل مربوط به خواستگاری |
| ۶۲ | | ۳ نامزدی |
| ۶۴ | | ۴ شیربها |
| ۶۵ | | ۵ مهریه |
| ۶۷ | | ۶ آزمایش |
| ۶۸ | | ۷ دوران عقد |
| ۷۰ | | ۸ خرید حلقه نامزدی و امثال آن |
| ۷۲ | | ۹ جهیزیه |
| ۷۴ | | ۱۰ مراسم عروسی |
| ۷۴ | | ۱. برگزاری مجلس |
| ۷۵ | | ۲. موسیقی |
| ۷۶ | | ۴. رقص و شاباش |
| ۷۷ | | ۵. کف زدن |
| ۷۷ | | ۶. فیلم برداری و عکاسی |
| ۷۸ | | ۷. کادو |
| ۸۰ | | بخش سوم: محارم و گروهی از زنان که ازدواج با آنها حرام است |
| ۸۱ | | ۱ محارم |
| ۸۱ | | ۱. محارم نسبی |
| ۸۲ | | ۲. محارم سببی |
| ۸۷ | | ۲ گروهی از زنان که ازدواج با آنها حرام است و یا اینکه تصور می شود که حرام باشد |

۱. ازدواج با فرق و ادیان مختلف ۸۷
۲. ازدواج با محارم ۸۸
۳. ازدواج با خواهر مفعول ۸۸
۴. ازدواج با خواهر زن ۸۹
۵. ازدواج با خواهر زاده و برادر زاده همسر ۸۹
۶. ازدواج با دختر خوانده و عروس همسر ۹۰
۷. ازدواج با زن شوهردار ۹۰
۸. ازدواج در عدّه ۹۱
۹. ازدواج با زانیه ۹۱
۱۰. ازدواج کودک ۹۲
۱۱. ازدواج در حال احرام ۹۲
۱۲. ازدواج بعد از سه طلاق ۹۲
۱۳. ازدواج با سادات ۹۳
۱۴. ازدواج با دختر عمو ۹۴
۱۵. دیگر مسائل مربوط به حرمت و جواز ازدواج ۹۵
- بخش چهارم: دستور خواندن صیغه عقد ۹۸
- ۱ کلیات مربوط به صیغه عقد ۹۹
- ۲ صیغه عقد دائم ۱۰۱
- ۳ صیغه عقد موقت ۱۰۲
- ۴ عقد معاطاتی ۱۰۳
- بخش پنجم: شرایط مجاز و غیر مجاز عقد ازدواج ۱۰۶
- ۱ کلیات و شرایط لازم در عقد ازدواج ۱۰۷
- ۲ شرایط مجاز عقد ازدواج ۱۱۵
- ۳ شرایط غیر مجاز عقد ازدواج ۱۱۸
- بخش ششم: اولیای عقد ۱۲۱
- ۱ ولایت پدر بر دختر باکره ۱۲۲
- ۲ استثنائات ۱۲۴

| | | |
|-----|-------|-----------------------------|
| ۱۲۷ | | ۳ ولایت بر صغیره |
| ۱۲۹ | | ۴ ازدواج پسر |
| ۱۳۱ | | بخش هفتم: عیوب فسخ نکاح |
| ۱۳۲ | | ۱ کلیات |
| ۱۳۴ | | ۲ عیوب مرد |
| ۱۳۸ | | ۳ عیوب زن |
| ۱۴۰ | | ۴ تدلیس |
| ۱۴۰ | | ۱. تدلیس مرد |
| ۱۴۱ | | ۲. تدلیس زن |
| ۱۴۳ | | ۵ تخلف از شرط |
| ۱۴۷ | | ۶ مبطلات نکاح |
| ۱۴۷ | | ۱. کفر |
| ۱۴۷ | | ۲. ارتداد |
| ۱۴۷ | | ۳. مسلمان شدن اهل کتاب |
| ۱۴۸ | | ۴. زنده شدن کسی که فوت کرده |
| ۱۴۸ | | ۵. خنثی |
| ۱۴۹ | | ۷ مواردی که فسخ جایز نیست |
| ۱۵۲ | | بخش هشتم: احکام عقد دائم |
| ۱۵۳ | | ۱ نفقه |
| ۱۵۳ | | ۱. نفقه همسر |
| ۱۵۶ | | ۲. نفقه فرزندان |
| ۱۵۷ | | ۳. نفقه والدین |
| ۱۵۷ | | ۴. متفرقات نفقه |
| ۱۵۸ | | ۲ اطاعت |
| ۱۵۸ | | ۱. محدوده اطاعت |
| ۱۵۸ | | ۲. خروج از منزل |
| ۱۵۹ | | ۳. اشتغال زوجه |

| | | |
|-----|--|-----------|
| ۱۶۰ | موارد استثنا | ۴ |
| ۱۶۲ | حق آمیزش، تمکین | ۳ |
| ۱۶۵ | نشوز | ۴ |
| ۱۶۸ | کارهای منزل | ۵ |
| ۱۶۹ | أُجْرَة المِثْل | ۶ |
| ۱۷۰ | مهریه | ۷ |
| ۱۷۰ | ۱. کلیات مهریه | ۱ |
| ۱۷۰ | ۲. مهر السُّنَّة | ۲ |
| ۱۷۱ | ۳. مهر المِثْل | ۳ |
| ۱۷۲ | ۴. مقدار مهریه | ۴ |
| ۱۷۳ | ۵. تنصیف مهریه | ۵ |
| ۱۷۴ | ۶. زمان پرداخت مهریه | ۶ |
| ۱۷۴ | ۷. مسئول پرداخت مهریه | ۷ |
| ۱۷۵ | ۸. وصول مهریه | ۸ |
| ۱۷۶ | ۹. مهریه و تورم | ۹ |
| ۱۷۷ | ۱۰. بخشش مهریه | ۱۰ |
| ۱۷۷ | ۱۱. حق حبس | ۱۱ |
| ۱۸۰ | ۱۲. واجب الحج شدن به واسطه مهریه | ۱۲ |
| ۱۸۰ | ۱۳. مسائل متفرقه مهریه | ۱۳ |
| ۱۸۲ | ۸ مسکن | ۸ |
| ۱۸۵ | بخشش نهم: احکام عقد موقت | بخشش نهم: |
| ۱۸۶ | ۱. مشروعیت ازدواج موقت | ۱ |
| ۱۸۹ | ۲. موارد مجاز عقد موقت | ۲ |
| ۱۹۱ | ۳. احکام عقد موقت | ۳ |
| ۱۹۵ | ۴. اهداف عقد موقت | ۴ |
| ۱۹۸ | ۵. شرایط عقد موقت | ۵ |
| ۲۰۱ | ۶. اختلاف زوجین در عقد موقت | ۶ |

- بخش دهم: مسائل جنسی ۲۰۳
- ۱ شب زفاف ۲۰۴
- ۲ لذت های مجاز و غیر مجاز ۲۰۶
- بخش یازدهم: جلوگیری ۲۱۱
- ۱ راه های جلوگیری از بارداری ۲۱۲
- ۲ جلوگیری های مجاز ۲۱۵
- ۳ احکام جلوگیری از بارداری ۲۱۷
- بخش دوازدهم: تلقیح و باروری مصنوعی ۲۲۱
- ۱ تلقیح مجاز ۲۲۲
۱. مادر جانشین ۲۲۲
۲. تولید فرزند فقط با اسپرم مرد در رحم مصنوعی ۲۲۵
۳. تولید فرزند با استفاده از دانه ها و محصولات نباتی ۲۲۵
۴. تولید فرزند با اسپرم و نطفه نباتی در رحم مصنوعی ۲۲۵
۵. طلاق از شوهر اول و ۲۲۵
۶. لقاح خارج رحمی ۲۲۶
- ۲ تلقیح غیر مجاز ۲۲۷
۱. تلقیح نطفه متوفی به زوجه اش ۲۲۷
۲. پیوند تخمدان زن اجنبیه به زوجه ۲۲۷
۳. استفاده از نطفه های موجود در بانک نطفه ۲۲۸
۴. تلقیح نطفه اجنبی به اجنبیه ۲۲۸
۵. يك راه حل مناسب! ۲۲۹
- ۳ احکام تلقیح مصنوعی ۲۳۲
- بخش سیزدهم: سقط جنین ۲۳۴
- ۱ سقط غیر مجاز ۲۳۵
۱. بعد از انعقاد نطفه ۲۳۵
۲. جنین کافر ۲۳۵
۳. جنین غیر شیعه ۲۳۵

| | | |
|-----|--|-------------|
| ۲۳۷ | مواردی که سقط جنین جایز است | ۲ |
| ۲۳۷ | ۱. نطفه رشد یافته در لوله آزمایشگاه | ۱ |
| ۲۳۷ | ۲. در صورتی که جنین ناقص الخلقه شود | ۲ |
| ۲۳۸ | ۳. جان مادر در خطر باشد | ۳ |
| ۲۳۹ | ۴. سلامتی مادر در خطر باشد | ۴ |
| ۲۴۰ | ۵. جنین معیوب یا ناقص الخلقه باشد | ۵ |
| ۲۴۲ | انتقال جنین | ۳ |
| ۲۴۳ | ۴ احکام سقط جنین | ۴ |
| ۲۴۷ | بخش چهاردهم: احکام فرزند | بخش چهاردهم |
| ۲۴۸ | ۱ الحاق اولاد و نفی ولد | ۱ |
| ۲۵۳ | ۲ فرزند نامشروع | ۲ |
| ۲۵۵ | ۳ فرزند خوانده | ۳ |
| ۲۵۸ | ۵ عقیقه | ۵ |
| ۲۶۱ | ۶ حضانت | ۶ |
| ۲۶۹ | بخش پانزدهم: رضاع (شیر دادن) | بخش پانزدهم |
| ۲۷۰ | ۱ شرایط شیر دادنی که سبب محرم شدن است | ۱ |
| ۲۷۳ | ۲ کسانی که به واسطه شیر خوردن محرم می شوند | ۲ |
| ۲۷۶ | ۳ احکام شیر دادن | ۳ |
| ۲۷۹ | ۴ آداب شیر دادن | ۴ |
| ۲۸۰ | ۵ مسائل متفرقه شیر دادن | ۵ |
| ۲۸۳ | بخش شانزدهم: مسائل متفرقه ازدواج | بخش شانزدهم |
| ۲۸۴ | ۱ معاشرت زن و شوهر | ۱ |
| ۲۸۶ | ۲ محدوده پذیرش ادعای زن | ۲ |
| ۲۸۷ | ۳ مفقود الاثر | ۳ |
| ۲۸۸ | ۴ دیگر مسائل مربوط به زن و شوهر | ۴ |
| ۲۹۰ | ۵ اختلافات زوجین | ۵ |
| ۲۹۵ | ۶ حکمین | ۶ |

| | |
|-----|--|
| ۲۹۹ | بخش هفدهم: شرایط احکام طلاق |
| ۳۰۰ | ۱ بلوغ و عقل و اختیار |
| ۳۰۲ | ۲ عدالت شهود و صیغه عربی |
| ۳۰۵ | ۳ پاکی از حیض و نفاس و عدم آمیزش |
| ۳۰۷ | ۴ استثنائات |
| ۳۰۹ | بخش هجدهم: طلاق بائن و رجعی |
| ۳۱۰ | طلاق بائن و رجعی |
| ۳۱۶ | بخش نوزدهم: طلاق خُلْع و مبارات |
| ۳۱۷ | ۱ مسائل مشترك خُلْع و مبارات |
| ۳۱۹ | ۲ طلاق خُلْع |
| ۳۳۰ | ۳ طلاق مبارات |
| ۳۳۳ | بخش بیستم: طلاق غیابی |
| ۳۳۴ | طلاق غیابی |
| ۳۴۲ | بخش بیست و یکم: عدّه طلاق |
| ۳۴۳ | ۱ فلسفه عدّه |
| ۳۴۵ | ۲ عدّه عقد دائم |
| ۳۴۷ | ۳ عدّه عقد موقت |
| ۳۴۹ | ۴ عدّه زن باردار |
| ۳۵۱ | ۵ عدّه وطی به شبهه |
| ۳۵۳ | ۶ استثنائات |
| ۳۵۷ | بخش بیست و دوم: عدّه وفات و ترك زینت در ایام عدّه وفات |
| ۳۵۸ | ۱ عدّه وفات |
| ۳۶۱ | ۲ ترك زینت در ایام عدّه وفات |
| ۳۶۴ | بخش بیست و سوم: احکام محلل |
| ۳۶۵ | احکام محلل |
| ۳۶۸ | بخش بیست و چهارم: احکام متفرقه طلاق |
| ۳۶۹ | احکام متفرقه طلاق |

| | | |
|-----|-------|----------------------------------|
| ۳۷۷ | | بخش بیست و پنجم: ارث زن و شوهر / |
| ۳۷۸ | | ۱ ارث شوهر |
| ۳۸۲ | | ۲ ارث زن |
| ۳۸۸ | | واژه ها و اصطلاحات فقهی |

پیشگفتار

سپاس خداوندی که انسان را نهاد و فطرتی پاک عطا فرمود تا همواره در جستجوی حق باشد و هیچ گاه از توفیق هدایت محروم نساخت و بعضی از بندگان پاکش را یکی پس از دیگری مُرشد آدمیان ساخت و بهترین آنان محمد امین(صلی الله علیه وآله) را بزرگ ترین معلّم اخلاق و خاتم رسولان قرار داد، رسول رحمت که دو امانت به یادگار گذاشت، اوّل قرآن مجید و دوم تمام کننده نعمت الهی یعنی ولایت مولی الموحّدین، امیرمؤمنان، اسدالله الغالب، علی ابن ابی طالب(علیه السلام) و دو سیّد جوانان اهل بهشت حضرت امام حسن و امام حسین(علیهما السلام) و نه تن از اولاد امام حسین(علیهم السلام); آنان که پاکترین پاکان و از نسل زهرای اطهر(علیها السلام) هستند.

خدایی که هیچ گاه انسان را تنها نگذارد و از آغاز غیبت مهدی فاطمه(علیه السلام) با اشاره حضرتش هدایت بشر را بر عهده فقها گذاشت، همان فقهای وارسته ای که عمر خود را وقف راه خدا کردند.

بشریت همیشه مُحتاج تعالیم حقّه الهی بوده، تا بتواند به آرامش برسد و مسیر تکامل را طی نماید و امروز پیمودن این راه فقط در پرتو فقه شیعی ممکن است و آنان که از پرتو فقاقت دور شدند، در ظلمت دنیا اسیر شیطان و شیطان صفتان گشته، دنیا و آخرت خود را تباه شده دیدند.

مردان الهی همانند خورشید تابناک هستند; همان گونه که اگر کسی خانه خود را رو به خورشید بسازد و پنجره اش را به سوی خورشید بگشاید، خانه ای روشن از انوار، گرم از حرارت و به دور از آلودگی به برکت پرتو خورشید خواهد داشت; آنان که پنجره دل را به سوی انوار فقاقت بگشایند، معنای کامل حَرَمُ الله را درک می کنند زیرا نور فقاقت قلبشان را روشن، حرارت عشق الهی، دلشان را گرم و تعالیم اسلامی آنان را از آلودگی ها پاک می کند و آنگاه انسان می شود خلیفه الله و قلبش هم می شود حَرَمُ الله و این همان لقاءالله است که محقق نمی شود مگر با زندگی در پرتو فقه شیعی.

در طول تاریخ بعضی انسان ها گاه با تکیه بر علم، ادراک و آگاهی زندگی خود را بنا نهاده و در راه مستقیمی که خداوند فرموده حرکت کرده اند، ولی بعضی دیگر به دنبال امیال، غرایز و شهوات رفته و گمراه شده اند اما همواره فقه اسلامی با ضمانت های اجرایی قوی مثل اخلاق، انسان ها را به راه حق و حقیقت دعوت نموده و تا مقصد همراهی کرده است.

مجموعه حاضر نظرات فقیه عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله العالی) است، پیرامون روابط مرد و زن، مقدمات و مراسم عروسی، ازدواج دائم و موقت، مسائل زناشویی، احکام فرزند، طلاق و ارث زن و شوهر و بعضی مسائل مرتبط با این موضوعات، به انضمام بخشی دیگر که شامل ۲۴۰ واژه و اصطلاح فقهی همراه با معانی آنها بیان شده است.

یکی از مهم ترین دلایل گردآوری این مجموعه روشن نمودن افکار عمومی نسبت به برخی رسوم بی اساس و دست و پا گیر در امر ازدواج و به تعبیری دیگر تولد دوم که تولدی است ارادی و اختیاری و پا نهادن به دنیایی جدید که اگر در پرتو فقه و با بصیرت و تعقل همراه شود، سبب آرامش و تکامل و اگر بر اساس معیارهای اشتباه انجام شود سبب طوفان در زندگی و ایجاد مشکلات فراوان می شود؛ طوفانی که گاه منتهی می شود به هلاکت، و مشکلاتی که نمی توان برای آنها راه حل مناسبی پیدا کرد. در کنار این بحث نیز به بیان بعضی احکام برای پیشگیری از ورود برخی انحرافات در ساختار روابط اجتماعی و خانوادگی در جامعه اسلامی پرداخته ایم؛ البته با توجه به این که این مجموعه مختص به بیان احکام است بیشتر به مسائل فقهی و احکام عملی پرداخته شده و إن شاء الله اگر عمر باقی و توفیق رفیق بود در مجال دیگر به واکاوی ساختارهای اجتماعی و مسائل خانوادگی خواهیم پرداخت.

جا دارد از تمام عزیزانی که در تهیه این مجموعه یاریم نموده اند و با نظرات خود راهگشایم بوده اند بویژه جناب حجت الاسلام والمسلمین ابوالقاسم علیان نژادی که از ابتدا تا انتهای کتاب را با دقت مطالعه نموده، و نکاتی ظریف و دقیق را برای پربارتر شدن کتاب یادآور شده اند، تقدیر و تشکر نمایم؛ مشتاقانه منتظر راهنمایی ها، انتقادات و پیشنهادات خوانندگان محترم خصوصاً جوانان پویا و حقیقت جو هستیم.

در آخر عرض می کنم، پروردگارا! هر چند عمل و کردار ما بندگان تو، ناچیز است، اما گرم تو بی حدّ است، از ذات پاکت می خواهم این اثر ناقابل را از این بنده ناچیز بپذیری و پدر و مادر، خانواده، اساتید و دوستان و تمام کسانی که به گردنم حقی دارند و تمام آهایی که در طول تاریخ خالصانه در حدّ فهم خود. برای خدا زیستند، را در ثوابش شریک گردانی و مهدی فاطمه (علیه السلام) را از ما راضی و خشنود سازی.

وحید علیان نژاد

میلاذ مسعود پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و امام جعفر صادق (علیه

السلام)

۱۷ ربیع الاول ۱۴۳۰ ق

برابر با ۲۵ اسفند ۱۳۸۷ ش

بخش اوّل:

روابط مرد و زن

بخش اول: روابط مرد و زن

۱ احکام نگاه

۱. نگاه به محارم

سؤال ۱. محارم تا چه مقدار مجاز هستند به بدن یکدیگر نگاه کنند؟

جواب: مرد و زنی که باهم محرمند (مانند خواهر و برادر) می توانند به بدن یکدیگر به آن مقدار که در میان محارم معمول است نگاه کنند و در غیر آن احتیاط آن است که نگاه نکنند.

سؤال ۲. نگاه به بدن همجنس با قصد لذت چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به بدن همجنس با قصد لذت حرام است.

سؤال ۳. آیا خواهر و برادر، یا پسر و مادر، یا دختر و پدر، یا عمو و دختر برادر، و مانند آن، می توانند با همدیگر به حمام بروند (با توجه به این که در حمام معمولاً تمام بدن به جز عورتین برهنه است). مخصوصاً در مواردی که افراد مسنّ نیاز به همراه و مراقبت دارند؟

جواب: تا ضرورتی نباشد اقدام به این کار نکنند.

۲. نگاه به نامحرم

سؤال ۴. نگاه به نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم، خواه با قصد لذت باشد یا بدون آن حرام است و همچنین

نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم، ولی نگاه کردن

به صورت و دست های زن نامحرم تا میج اگر به قصد لذت نباشد و مایه فساد

و گناه نگردد اشکال ندارد، همچنین نگاه کردن به بدن مرد نامحرم به آن مقدار

که معمولاً آن را نمی پوشانند مانند سر و صورت و گردن و مقداری از پا

و دست.

سؤال ۵. نگاه به دختر نابالغ چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن ترس از افتادن در حرام نداشته باشد جایز است، ولی بنا بر احتیاط واجب باید به جاهایی مثل ران و شکم که معمولاً می پوشانند نگاه نکند.

سؤال ۶. نگاه کردن به زن نامحرم برای شناختن او به منظور شهادت دادن در دادگاه چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به زن نامحرم برای شناختن او به منظور شهادت دادن در دادگاه و امور مهم و لازمی از این قبیل جایز است.

سؤال ۷. در مسأله ۲۰۹۳ توضیح المسائل جنابعالی، چاپ بیست و هشتم (که در سؤال بالا هم آمده)، چنین می خوانیم: «نگاه کردن به زن نامحرم برای شناختن او به منظور شهادت دادن در دادگاه و امور مهم و لازمی از این قبیل جایز است». آیا حکم فوق اختصاص به مردان دارد؟
جواب: در این گونه مسائل فرقی میان زنان و مردان نیست.

سؤال ۸. نگرستن به مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ آیا می توان به مردانی که پیراهن آستین کوتاه می پوشند، نگاه کرد؟

جواب: هر گاه نظر از روی شهوت نباشد، اشکالی ندارد.
سؤال ۹. نگاه کردن به صورت زنان چادرنشین که معمولاً قسمتی از موی سر آنها نیز دیده می شود برای مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ توضیح این که آنان به این نوع پوشش عادت کرده اند و اگر تذکر داده شود نمی پذیرند.

جواب: اگر قصد تلذذ و ریه نباشد اشکالی ندارد.
سؤال ۱۰. بیرون بودن مقداری از موی سر، امروزه در شهرهای بزرگ امری عادی شده است، آیا می توان از این جهت که این مقدار از موی سر بیرون است به آن نگاه کرد؟ (همانند برخی قبایل که معمولاً مقداری از موی سر آنها در معرض دید است).

جواب: اگر با نخی از منکر رعایت نمی کنند مصداق «**اِذَا نَهَيْتِ لَا يَتَّهِنُ**» هستند و نگاه کردن بدون تلذذ و ریه اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱. اگر انسان بداند وقتی به خیابان و بازار می رود نگاهی به نامحرم می افتد، وظیفه اش چیست؟

جواب: نظر و نگاه اتفاقی حرام نیست؛ لکن عمداً نگاه نکند.

سؤال ۱۲. نگاه کردن به زن هایی که رعایت حجاب شرعی نکرده و بی مبالا هستند، در گذرها، یا به هنگام گفتگو، یا در وسایل نقلیه، که طبعاً نگاه انسان به آنها می افتد، چه حکمی دارد؟
جواب: نگاه قهری و بدون قصد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳. نگاه کردن به اعضای جدا شده از بدن نامحرم چه حکمی دارد؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴. اگر انسان همان طور که از دیدن يك باغ و گلستان لذت می برد از نگاه کردن به صورت انسان دیگر (مرد یا زن) لذت ببرد، آیا این کار حرام است و مصداق قصد ریه و لذت به حساب می آید؟
جواب: غالباً این گونه نگاه ها جنبه لذت جنسی دارد لذا اشکال دارد.

۳. نگاه به عورت

سؤال ۱۵. نگاه به عورت دیگران چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به عورت دیگری حرام است هر چند در آئینه یا آب صاف و مانند آن باشد خواه محرم باشد یا نامحرم، مرد باشد یا زن و احتیاط واجب آن است که به عورت بچه ممیز نیز نگاه نکنند، ولی زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

سؤال ۱۶. هنگامی که با مادرم به حمام می روم هیچ کدام شورت نمی پوشیم، آیا این کار برای ما اشکال دارد؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۷. زنان تا چند سالگی می توانند به بدن پسر بچه ها نگاه کنند؟ نگاه به عورت بچه های کوچک تا چند سالگی برای مادران آنها، مخصوصاً در موارد ناچاری، مثلاً هنگامی که می خواهند آنها را شستشو بدهند یا تطهیر کنند جایز است؟

جواب: آنها می توانند به قسمت هایی از بدن بچه های غیر بالغ که معمولاً پوشانیده نمی شود نگاه کنند. و نگاه به عورت بچه غیر ممیز اشکالی ندارد، و مادران در موارد ضرورت می توانند آن را جهت شستشو یا غیر آن لمس کنند.

سؤال ۱۸. در سازمان های نظامی کشور، اعم از ارتش، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و برخی دیگر از سازمان های دولتی از این قبیل، برای استخدام نیروی جدید، ابتدا بایستی شخص را از هر جهت معاینه کامل بدنی نمایند، تا از سلامت جسمی شخص اطمینان حاصل گردد. در این آزمایشات

تمامی اعضای بدن، از جمله دستگاه تناسلی، مورد معاینه قرار می گیرد. آیا پزشک همجنس اجازه دیدن و لمس آن قسمت از بدن را جهت معاینه و احراز سلامتی دارد؟

جواب: در مواردی که ضرورت دارد مجاز است. و منظور از ضرورت این است که معاینه بدنی برای آن کار لازم است، و بدون معاینه بدنی استخدام نمی کنند، و شخص هم نیاز به استخدام دارد.

سؤال ۱۹. در بعضی از حمام های داخل شهر يك نفر کیسه می کشد، و موهای زائد بدن را زایل می کند. با توجه به این که نگاه به عورت جایز نیست، آیا این کار جایز است؟

جواب: نگاه به عورت دیگری، خواه برای زائل کردن مو باشد، یا چیز دیگر، جایز نیست. ولی زایل کردن موهای زیر بغل و مانند آن، به وسیله همجنس مانعی ندارد.

سؤال ۲۰. گذراندن واحدهای زنان و زایمان برای دانشجویان پزشکی و پرستاری الزامی است آیا این الزام، نگاه کردن به عورت زن را برای آموزش تجویز می کند؟

جواب: تنها در صورت ضرورت چنین آموزشی، جایز است.

۴. نگاه و مشاغل خاص

سؤال ۲۱. نگاه کردن طیب به زن نامحرم جهت معالجه چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن طیب مرد به زن نامحرم برای معالجه در صورتی که ضرورت داشته باشد جایز است.

سؤال ۲۲. با توجه به اینکه به هنگام تدریس معلم و شاگرد به یکدیگر نگاه میکنند، تدریس معلمان، دبیران و اساتید مرد برای دختران و بالعکس چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه تمام موازین شرعی مراعات شود و مفساسدی بر آن مترتب نشود اشکالی ندارد، ولی به یقین استفاده از دبیران همجنس به احتیاط نزدیک تر است.

۵. نگاه در دانشگاه

سؤال ۲۳. در کلاسهای دانشگاه، هم اساتید مرد و هم اساتید زن، تدریس می کنند، نگاه کردن دانشجویان مرد به استاد زن و بالعکس چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که نگاه هوس آلود نباشد، در مورد وجه و کفین اشکالی ندارد.

سؤال ۲۴. حکم مشاهده دست ها و موهای سر و صورت زن، بیش از مقدار شرعی که در هنگام نوشتن روی تخته سیاه ظاهر می گردد چگونه است؟ (البته به منظور تفهیم استاد و دریافت و درک دانشجویان).

جواب: باید حجاب را طوری مراعات کنند که زاید بر وجه کفین ظاهر نشود.

سؤال ۲۵. آیا خواهران دانشجو می توانند در مورد امور کلاس یا مسائل علمی در میان برادران دانشجو کنفرانس ارائه نمایند؟

جواب: هرگاه موازین شرعی در آن رعایت گردد و مفسده خاصی نداشته باشد مانعی ندارد.

۶. نگاه به چهره آرایش شده

سؤال ۲۶. اخیراً برخی از بانوان نسبت به ابرو یا دور لب، عملیات تاتو انجام می دهند، (پرننگ کردن دور ابرو و لب با خال کوبی) که طبعاً زینت تلقی می شود. و گاه پوشاندن آن نیز مقدور نمی باشد. لطفاً بفرمایید که این عمل مشمول آیه شریفه (وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ)^۲ می باشد، یا نه؟ نگاه به صورت چنین زنانی چه حکمی دارد؟

جواب: آیه (وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ) با توجه به جمله (إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا)^۳ زینت های موجود در صورت و دست ها تا مع را شامل نمی شود. ولی اگر این زینت تند و زننده باشد، و منشأ مفاسدی شود، جایز نیست.

سؤال ۲۷. در کتاب تفسیر نمونه در شرح آیه ۳۱ سوره نور آورده اید که: «از آیه استفاده می شود زینت هایی که در صورت و دست باشد تابع صورت و دست می باشد و پوشاندن آنها لازم نیست» آیا فتوای اجتهادی شما نیز چنین است؟ آیا اصلاح صورت و ابرو زینت است؟

جواب: فتوای اجتهادی ما هم همین است و اصلاح صورت و ابرو اشکالی ندارد.

سؤال ۲۸. امروزه زن های آرایش کرده در جامعه زیاد ظاهر می شوند، آیا نگاه کردن به آنها بدون قصد شهوت جایز است؟ و اگر جایز نیست حکم نگاه غیر عمدی چیست؟

جواب: نگاه غیر عمدی اشکال ندارد و رفت و آمد چنین زن هایی در کوچه و خیابان نمی تواند مانع رفت و آمد مردان مسلمان گردد اگر چه بدانند بدون قصد، نگاهشان به آنها می افتد.

سؤال ۲۹. معمولاً خانم ها در مجالس جشن و عروسی لباس های زیبا پوشیده، و خود را آرایش می کنند، گاه آرایش آنها بقدری غلیظ است که ما زن ها هم از نگاه به آنان لذت می بریم، آیا نگاه کردن در این صورت جایز است؟

جواب: در صورتی که نگاه هوس آلود بوده باشد جایز نیست.

۲. سوره نور، آیه ۳۱.

۳. سوره نور، آیه ۳۱.

۷. نگاه به فیلم و عکس

سؤال ۳۰. در صورتی که زنی مقید به حفظ حجاب شرعی است نگاه کردن به عکس بدون حجاب او اشکال دارد؟

جواب: اشکال دارد؛ مگر این که او را نشناسد و مفسده دیگری از نگاه کردن حاصل نشود.

سؤال ۳۱. زن و شوهری که حجاب کامل و کافی نداشته اند با هم عکس گرفته، سپس از هم جدا شده، یا یکی از آنها فوت کرده است، آیا بعد از طلاق یا فوت یکی از آنها، یا دیگری می تواند به آن عکسها نگاه کند؟

جواب: در صورت وفات اشکال ندارد؛ ولی در صورت جدایی نگاه نکنند.

سؤال ۳۲. آیا دیدن عکس ها، یا فیلم های مبتذل برای متأهلین که جهت تحریک برای آمیزش به آن نگاه می کنند، اشکال دارد؟ اگر اشکال دارد، برای کسانی که جهت تحریک جنسی ناچار از نگاه کردن آن فیلم ها هستند، چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده از این فیلم ها جایز نیست، مگر در حال ضرورت. ضمناً توجه داشته باشید مشاهده این فیلم ها تدریجاً نیروی جنسی را ضعیف می کند.

سؤال ۳۳. دیدن فیلم های ویدئویی که در آن زن ها در برابر زن ها، و مردان در برابر مردان می رقصند چه حکمی دارد؟

جواب: مشاهده این فیلم ها موجب فساد است، و جایز نیست.

سؤال ۳۴. با توجه به این که زنان و مردان به همدیگر ناخرم می باشند، آیا جایز است از مجلس مردان فیلمبرداری شود و در پشت پرده برای خواهران به صورت مستقیم و به وسیله تلویزیون مدار بسته نمایش دهند؟

جواب: در صورتی که مردان برهنه نباشند، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۵. آیا صحیح است در کشور ما که مسلمان هستیم ناخرمها در فیلم ها بازی کنند؟

جواب: اگر شئون اسلامی در آن رعایت شود اشکالی ندارد.

سؤال ۳۶. حکم نگاه کردن بدون ریبه به تصویرها و فیلم هایی که موضعی از بدن را نمایش می دهند که معمولاً پوشانده می شود، چیست؟ همچنین نگاه به تصویر و فیلم عورتین بدون ریبه چه حکمی دارد؟ آیا شناختن صاحب تصویر و فیلم، دخالت در حکم دارد؟ شناختن از نظر شرعی به چه معنا است؟ آیا صرف دانستن اسم و رسم کافی است؟

جواب: در مورد فیلم هایی که اعضای بدن را نشان می دهد چنانچه به قصد شهوت نگاه نکنند، و خوف مفسده ای نباشد، اشکال ندارد؛ ولی نسبت به عورتین مطلقاً جایز نیست. و اگر زنایی باشند که معمولاً خود را مستور می دارند، نگاه کردن به عکس های برهنه آنان مجاز نمی باشد. و منظور از شناخت، تنها شناخت اسمی نیست، بلکه مشخصات بیشتری لازم است.

سؤال ۳۷. نگاه کردن به عکسهای عریان موجود در کتب پزشکی که آموزش آن برای دانشجویان ضروری است و گاهی ریه آور است، چه حکمی دارد؟

جواب: بدون قصد لذت و ریه اشکالی ندارد و هرگاه چنین حالتی خود به خود حاصل شود تنها در موارد ضرورت و به مقدار ضرورت نگاه کنند.

۸. نگاه به برنامه های تلویزیون

سؤال ۳۸. آیا تصویر تلویزیون در حکم عکس متحرک است؟

جواب: آری منظری که در تلویزیون دیده می شود حکم عکس متحرک را دارد.

سؤال ۳۹. آیا دیدن سریال ها و فیلم های خارجی که بعضاً بطور نامناسبی از سیمای جمهوری

اسلامی ایران پخش می شود، و خانم های بی حجاب در آن بازی می کنند، جایز است؟

جواب: نگاه کردن به فیلم های مبتذل، که موجب فساد خود انسان یا خانواده اش می شود، جایز نیست، و باید از نگاه کردن به آن خودداری کرد؛ ولی برنامه هایی که موجب فساد نمی باشد، جایز است.

سؤال ۴۰. آیا دیدن فیلم های ایرانی که خانم های ایرانی با روسری در آن بازی می کنند جایز

است؟

جواب: هرگاه موجب مفاسد خاصّ و انحرافات اخلاقی نشود اشکال ندارد.

سؤال ۴۱. نگاه کردن به فیلم هایی که زن های بی حجاب و آرایش کرده در آن بازی می کنند و

بعضاً از تلویزیون پخش می شود چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که منشأ مفاسد خاصی بشود حرام است.

سؤال ۴۲. مشاهده فیلم های ایرانی در خارج و خارجی از سیمای جمهوری اسلامی ایران چه

حکمی دارد؟

جواب: مشاهده فیلم های ایرانی در صورتی که صحنه و آهنگ های نامشروعی در آن نباشد جایز است چه برای کسانی که در داخل هستند یا در خارج و در غیر این صورت جایز نیست و در مورد فیلم های خارجی چنانچه صحنه های نامشروع سانسور می شود مانعی ندارد.

سؤال ۴۳. آیا نشان دادن زنان بدحجاب یا بی حجاب، به عنوان مظهر فساد رژیم سابق، حتی با استفاده از موی مصنوعی و کلاه گیس و استفاده از چهره پرداز زن، در فیلم های سینمایی تلویزیون و نمایش های روی صحنه مجاز است؟

جواب: برای نشان دادن مفاسد بدحجابی و بی حجابی راه های بی اشکال تر پیدا می شود.

سؤال ۴۴. دیده می شود که گاهی تلویزیون شناگران را با بدن های عریان و یا فیلم های خارجی، زنان را نیمه عریان نشان می دهد، دیدن این مناظر چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه دیدن آنها منشأ فساد گردد جایز نیست.

سؤال ۴۵. نگاه کردن به بدن نیمه عریان زنان در فیلم های غربی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ حدّ مجاز نگاه کردن به آن چقدر است؟ آیا بین زنان مسلمان و غیر مسلمان و اهل کتاب تفاوتی وجود دارد؟ نگاه کردن زنان به بدن نیمه عریان مردان در مسابقات ورزشی از قبیل شنا، وزنه برداری و کشتی چه حکمی دارد؟

جواب: با توجه به این که نگاه به فیلم ها مشاهده مستقیم نیست، نگاه کردن به آنها مصداق نگاه به نامحرم نمی باشد، مگر این که منشأ فساد گردد، که در این صورت نگاه کردن به آنها در هر دو صورت حرام است.

۹. نگاه به برنامه های ماهواره

سؤال ۴۶. استفاده افراد از برنامه های ماهواره ای چگونه است، با این که بعضی برنامه های خوب نیز دارد؟

جواب: استفاده از این برنامه ها جایز نیست و برنامه های ظاهراً خوب یا بی ضرر آن وسیله ای است برای سوق دادن به برنامه های فاسد، بنابراین نباید مسلمانان از حيله های دشمنان اسلام برای نشر فساد در میان مسلمین غافل باشند.

سؤال ۴۷. آیا استفاده کودکان از برنامه های ماهواره ای مجوز تهیه و نصب آنتن و استفاده از آن می باشد؟

جواب: فرقی در میان کودکان و بزرگسالان نیست و خطر آن برای هر دو مسلم است.

۱۰. نگاه به زنان غیر مسلمان

سؤال ۴۸. دیدن عکس زنان بدون حجاب غیرمسلمان، بدون قصد لذت چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه بدون قصد لذت باشد و منشأ مفاسدی نگردد، اشکال ندارد.

سؤال ۴۹. نگاه کردن به موی سر زنان اهل کتاب بدون قصد لذت چه حکمی دارد؟

جواب: اگرچه قصد لذت نباشد اشکال ندارد.

سؤال ۵۰. نگاه کردن به عکس برهنه زنان اهل کتاب و مشرکین، بدون لذت و شهوت و بدون آن

که مقدمه گناه شود، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر منظور از برهنه این است که موهای سر خود را نپوشانده باشند در فرض مسأله بالا که

فسادی بر آن مترتب نمی شود، اشکالی ندارد؛ اما اگر منظور، برهنه مادرزاد و یا نیمه عریان است، جایز نیست.

سؤال ۵۱. نگاه کردن به اعضای بدن زن کافر غیر ذمی چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به اعضای که معمولاً در عرف آنها مکشوف است، بدون قصد لذت اشکالی

ندارد.

۱۱. نگاه به جسد میت

سؤال ۵۲. نگاه به جسد همجنس و غیر همجنس، مسلمان و غیر مسلمان در مقام آموزش پزشکی

برای معاینه و کالبد شکافی و تشریح یا پیوند زدن و قطع اعضا چه حکمی دارد؟

جواب: تنها در صورت ضرورت چنین آموزشی، جایز است.

۲ احکام پوشش

۱. تعریف، جایگاه و فلسفه حجاب

سؤال ۵۳. فلسفه حجاب بانوان چیست؟ آیا حجاب با آزادی زنان در جامعه منافات ندارد؟

جواب: حجاب برای حفظ شخصیت زن، و جلوگیری از انحراف جوانان، و (ممانعت از) گسترش فساد در جامعه اسلامی است. و همان گونه که اصل پوشیدن لباس برای زنان و مردان منافات با آزادی آنها ندارد، حجاب نیز چنین است.

سؤال ۵۴. آیا حجاب از ضروریات دین است؟ منکر حجاب چه حکمی دارد؟ لطفاً توضیح دهید

که منظور از «ضروری دین» چیست؟

جواب: آری حجاب از ضروریات دین و برگرفته از قرآن مجید است، و همه مذاهب اسلامی آن را قبول دارند. و منظور از ضروری دین چیزی است که هر کس با مسلمین مقداری معاشرت داشته باشد، می فهمد مسلمانان به آن پایبند هستند.

سؤال ۵۵. حجاب از نظر اسلام چیست؟ و چه نوع پوششی برای زن حجاب است؟ آیا موهای

مصنوعی، که بعضی از زن ها بر سر می گذارند، حجاب موهای طبیعی محسوب می شود؟

جواب: حجاب شرعی در مورد زنان پوشیدن تمام بدن به جز صورت و دست ها تا مچ می باشد، اما بعضی از انواع پوشش که زینت ظاهری محسوب می شود، مثل موهای مصنوعی کافی نیست. و همچنین لباسهایی که لباس زینت محسوب می شود، کافی نیست.

سؤال ۵۶. نظر حضرتعالی در مورد اصل مسأله حجاب چیست؟ رعایت آن، مخصوصاً در شهرهای

مذهبی، و بالاخص در اماکن مقدسه دینی، چه حکمی دارد؟

جواب: بدون شك حجاب از مسلمات اسلام است، و تمام فقهای اسلام در آن اتفاق نظر دارند، و هرگونه بد حجابی و بی حجابی بر خلاف شریعت مقدسه است. خصوصاً در شهرهای مذهبی، و از آن بالاتر در اماکن مقدسه دینی، باید بیشتر مراعات شود، و گناه بد حجابی و بی حجابی در این اماکن بیشتر است. و بدون شك پوشیدن چادر همه جا، مخصوصاً در این اماکن، اولی است.

۲. محدوده پوشش

سؤال ۵۷. محدوده ای که بر زنان واجب است پوشانند چه مقدار است و آیا لباس خاصی شرط است؟

جواب: کافی است که زن بدن خود را جز صورت و دست ها تا مچ به هر وسیله ای که می تواند پوشانند و لباس خاصی شرط نیست ولی پوشیدن لباسهای تنگ و چسبان و همچنین لباسهای زینتی اشکال دارد.

سؤال ۵۸. حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست؟ برای این منظور، آیا پوشیدن لباس بلند و آزاد و شلوار و روسری کفایت می کند؟ اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟

جواب: برای حجاب اسلامی کافی است تمام بدن را با لباس مناسب (به جز گردی صورت و دست ها تا مچ) پوشانند؛ ولی بی شك پوشیدن چادر به عنوان حجاب برتر خصوصاً در اماکن مذهبی مطلوبتر است.

سؤال ۵۹. آیا بر زنان و دختران لازم است پاهایشان تا مچ را نیز پوشانند؟ یا آنچه اکنون در جامعه رواج پیدا کرده، که با پای بدون پوشش ظاهر می شوند، اشکالی ندارد؟

جواب: پوشیدن روی پا و کف پا بهتر است.

سؤال ۶۰. آیا پوشیدن جوراب های نازک، در صورتی که پا در آن پیدا باشد، برای زنان جایز است؟

جواب: اگر پا در آن پیدا باشد جایز نیست؛ ولی معلوم بودن حجم پاها ضرری ندارد.

سؤال ۶۱. آیا پوشیدن جوراب ضخیم بدون شلوار، با این که حجم بدن مشخص و در بعضی موارد مهیج است، یا پوشیدن کفش هایی که در هنگام راه رفتن صدای مهیج دارد، جایز است؟

جواب: در صورتی که منشأ مفسده ای باشد، اشکال دارد.

سؤال ۶۲. چنانچه پوشاندن صورت و دست ها تا مچ، برای برخی از زنان در جامعه فساد را به دنبال داشته باشد، آیا پوشاندن آن واجب است؟

جواب: در این صورت واجب می شود؛ ولی تا یقین به چنین چیزی نداشته باشد پوشانیدن وجه و کفین لازم نیست.

سؤال ۶۳. آیا شوهر، یا پدر و مادر، می توانند همسر و یا دختران خود را مجبور کنند تا دست ها و صورتشان را نیز به هنگام خروج از منزل پوشانند؟

جواب: اجبار در این امر جایز نیست؛ ولی هر گاه پدر و مادر یا شوهر حساسیت خاصی داشته باشند رعایت آن خوب است.

سؤال ۶۴. پوشانیدن چهره برای زنان خوش سیما، که می دانند در صورتی که صورتشان پوشیده نباشد باعث گناه و انحراف جوانان می شوند، چه حکمی دارد؟
جواب: پوشانیدن صورت بر آنان واجب نیست؛ جوانان وظیفه دارند نگاه نکنند.

سؤال ۶۵. اگر خانمی به خاطر این که مبادا پوشانیدن وجه و کفّین موجب فساد شود آن را بپوشاند، آیا کار مستحیی را انجام داده است؟
جواب: عمل به احتیاط کرده است.

سؤال ۶۶. آیا پوشاندن صورت واجب است با توجه به این که در محیط درسی کار مشکلی است؟
جواب: وجه و کفّین از حجاب مستثنا هستند و پوشاندن آنها واجب نیست.

سؤال ۶۷. آیا حکومت می تواند، یا بر او لازم است، از بدحجابی یا بی حجابی بعضی از خانم هایی که در این امر مهم کوتاهی می کنند، جلوگیری نماید؟ توضیح این که: بنده دانشجو هستم. چندی قبل استاد در کلاس این شبّه را مطرح کرد، و مدّعی شد که هیچ دلیل فقهی وجود ندارد که حکومت را ملزم کند تا مواظب حجاب خانم ها باشد، همان طور که وظیفه ندارد مواظب نماز صبح افراد باشد. علاوه بر این گفتند: حضرت امیر (علیه السلام) دستور داد حجاب را از سر کنیزانی که خود را شبیه زنان آزاد کرده بودند، بردارند. نظر شما چیست؟

جواب: حکومت اسلامی و مسلمانان نسبت به گناهان پنهانی افراد وظیفه ای ندارند، ولی بدون شك نسبت به گناهانی که به طور علنی و آشکار، در سطح جامعه انجام می شود وظیفه نھی از منکر دارند، و الاّ جایی برای انجام این وظیفه مهم باقی نمی ماند. البتّه با این تفاوت که مردم باید به نھی از منکر زبانی اکتفا کنند. و از هرگونه برخورد فیزیکی اجتناب ورزند، ولی حکومت می تواند وارد این مرحله نیز شود؛ و در مورد کنیزها اساساً میزان پوشش آنها نسبت به زنان آزاد از نظر اسلام متفاوت بوده است.

سؤال ۶۸. برخی از مادران، دختران نابالغ خود را، با سر و پای برهنه در خیابان ها و مجالس در حضور ناخرمان ظاهر می کنند، وظیفه چنین مادرانی چیست؟

جواب: بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را از زمان طفولیت به مسائل اسلامی آشنا کنند.

سؤال ۶۹. محدوده پوشش در مقابل پسر نا بالغ چه میزان است؟

جواب: واجب است زن بدن و موی خود را از نامحرم بپوشاند و احتیاط مستحب آن است که از پسر نابالغ که خوب و بد را می فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است مستور دارد، ولی پوشانیدن صورت و دست ها تا میچ واجب نیست.

سؤال ۷۰. گفته می شود که زن باید خود را از پسر بچه ممیز بپوشاند، بفرمایید ممیز بودن پسر بچه از چه راهی شناخته می شود؟

جواب: مستحب است خود را از چنین پسری بپوشاند، و منظور از ممیز این است که از مسائل جنسی آگاه باشد.

سؤال ۷۱. مقدار پوشش زنان مسلمان، در برابر زنان غیر مسلمان چیست؟

جواب: بهتر آن است که بدن خود را در برابر زنان غیر مسلمان برهنه نکنند؛ هر چند با پوشاندن عورت، ظاهر کردن بقیه حرام نیست.

سؤال ۷۲. وظیفه خواهران مسلمان دانشجوی ترکیه را نسبت به «رعایت حجاب» در فرض های ذیل بیان فرمایید:

(الف) شرط طی کردن تمام ترم های دانشجویی در دانشگاه های تحت مدیریت لایک ها، رعایت نکردن حجاب شرعی است.

(ب) شرط اتمام چند ترم باقی مانده از رشته خاصی در دانشگاه، رعایت نکردن حجاب است.

جواب: با توجه به این که اگر دختران مسلمان و متدین دروس عالی را نخوانند تنها افراد بی بند و بار و لامذهب پست های مهم را اشغال می کنند، به افراد متدین اجازه داده می شود که مسأله حجاب را در خصوص مواردی که ضرورت دارد رعایت نکنند، ولی در غیر آن موارد حتماً رعایت نمایند.

۳. استثنای حجاب

سؤال ۷۳. شنیده شده که حجاب بر زنان بزرگسال، که امید ازدواج آنها نمی رود، لازم نیست، لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

(الف) چنین زنانی چه مقدار از بدنشان را می توانند در مقابل نامحرم بپوشانند؟

جواب: می توانند سر و گردن و مقداری از دست ها را بپوشانند؛ ولی پوشانیدن برای آنها نیز بهتر است.

(ب) آیا این حکم اختصاص به زنان بیوه دارد، یا شامل زنان شوهردار، که در این سن و سال هستند، نیز می شود؟

جواب: این حکم شامل همه زنان در این سنّ و سال می شود.

(ج) حکم مذکور مختصّ پوشش و نظر است، یا شامل لمس هم می شود؟

جواب: این حکم شامل لمس نمی شود.

۴. حجاب زن غیر مسلمان

سؤال ۷۴. همانطور که می دانیم خداوند متعال در سوره نور، حجاب را مختصّ مؤمنان، زنان

پیامبر(صلی الله علیه و آله) و زنان مؤمن دانسته است. حال سؤال این است که:

(الف) آیا حجاب برای غیر مسلمانان در کشورهای اسلامی واجب است؟

(ب) اگر واجب است، همانطور که در فرانسه و ترکیه بر اعتقادات اسلامی ما می تازند، و ما آنها را

ظالم و ضدّ اسلام می دانیم، آیا ما هم با پوشاندن زنان خارجی که به ایران می آیند، یا پیروان سایر

مذاهب داخل کشور، به آنها اجحاف نموده ایم؟

(ج) اگر حجاب اختیاری بود بهتر نبود، و معضلات اجتماعی حلّ نمی شود؟

جواب: يك اصل مسلم در اسلام داریم که هر حکمی برای مؤمنین و مسلمانان ثابت است، دیگران

نیز مکلف به آن هستند (الكفار مکلفون بالفروع كما أنّهم مکلفون بالاصول)، بنابراین آنها هم

موظّف به حکم حجاب و ترك شرابخواری (حدّ اقلّ آشکارا) و گناهان دیگر هستند، و نسبت به حجاب

که ما می توانیم اعمال کنیم کار صحیح و عادلانه ای است، و ما دوران قبل از انقلاب را فراموش

نکرده ایم که وقتی اختیار و آزادی داده شد چه زنانی با چه وضعی بیرون آمدند، و اکثر جوانان را به

فساد کشیدند؛ و نوشته اید که اگر ما به کشورهای آنها برویم و ما را اجبار به بی حجابی کنند، چه

می شود؟ فراموش نکنید که آنها بی حجابی را واجب نمی دانند در حالی که ما حجاب را واجب می دانیم.

۵. نوع پوشش

سؤال ۷۵. در مورد پوشش لباس خاصی شرط است ؟

جواب: لباس خاصی شرط نیست ولی پوشیدن لباسهای تنگ و چسبان و همچنین لباسهای زینتی

اشکال دارد.

سؤال ۷۶. گفته می شود که «استفاده از چادر مشکی مناسب نیست، بلکه کراهت دارد. و

خانم ها باید از پوشاک روشن و رنگ های متنوع استفاده نمایند. و دلیلی ندارد که توصیه شود خانم ها

کفش و مانتوی تیره بپوشند». نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: انتخاب چادر مشکی برای زنان مکروه نیست. و استفاده از رنگ های ساده دیگر، مادام که منشأ مفاسدی نشود، جایز است؛ البتّه رنگ های سنگین بهتر است.

سؤال ۷۷. آیا پوشیدن مانتو برای زنان، در صورتی که حجاب اسلامی حفظ نشود و برجستگی های اندام مشخص باشد، اشکال دارد؟

جواب: در صورتی که لباس چسبان باشد حرام است؛ ولی اگر گشاد باشد اشکال ندارد.

سؤال ۷۸. پوشیدن لباسهایی که فقط تنه را می پوشاند برای بانوان در مقابل بانوان دیگر در مکان های ورزشی مخصوص بانوان که هیچ مردی حضور ندارد چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مسأله مانعی نیست، مگر در مواردی که مفاسد خاصی ظاهر گردد.

سؤال ۷۹. اگر مدرسه ای ابلاغ کند که دختران به هنگام ورزش باید لباس مخصوص ورزش بپوشند، چه حکمی دارد؟

جواب: پوشیدن لباس ورزشی برای دختران، در صورتی که در محیط مخصوص خودشان باشند، مانعی ندارد.

۶. پوشاندن زینت و آرایش

سؤال ۸۰. لطفاً در مورد تزئین زنان به انگشتر و حلقه نامزدی به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) در دست کردن حلقه نامزدی طلا در جلوی مرد نامحرم چه حکمی دارد؟
جواب: اشکال ندارد.

ب) اگر در مورد سؤال استعمال آن بی اشکال باشد، ولی همین عمل از نظر مرجع تقلید بنده (شوهر) جایز نباشد، آیا استفاده از آن برای همسر منعی دارد؟ آیا لازم است از او بخواهم که استفاده نکند؟

جواب: هرکس باید به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند، و شما نمی توانید او را از این کار نهي کنید.

ج) زن از چه انگشتری می تواند در جلوی نامحرم استفاده کند؟

جواب: هر نوع انگشتری که منشأ مفسده خاصی نگردد اشکالی ندارد.

سؤال ۸۱. چنانچه زن با خود زینت داشته باشد (مانند حلقه ازدواج، یا انگشتر، یا آراستن چهره)

آیا واجب است صورت و دست ها را هم بپوشاند؟

جواب: در مورد حلقه و انگشتر مانعی ندارد؛ ولی در مورد آرایش های تند اشکال دارد.

سؤال ۸۲. در عرف مرسوم است که بانوان بعد از ازدواج، خود را به اموری از قبیل برداشتن زیر ابرو و زائل کردن موهای صورت و مانند آن زینت می کنند، آیا پوشیدن صورت در این حالت لازم است؟
جواب: اگر تنها کم کردن موهای صورت و ابرو و مانند آن باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۸۳. آیا سرمه کشیدن، ابرو چیدن، استفاده از انگشتر عقیق، ساعت، عینک طّیّ زیبا، برای زنان زینت به حساب می آید، که پوشش آن لازم باشد؟
جواب: ظاهراً جزء زینت ممنوع نیست.

سؤال ۸۴. آیا برای زن جایز است که با آرایش و زینتی که جلب نظر می کند بدون نیت سوء از منزل خارج شود؟
جواب: جایز نیست.

۷. لباس زینتی و مبتذل

سؤال ۸۵. منظور از لباس زینتی، که پوشیدن آن اشکال دارد، چیست؟

جواب: منظور لباسهایی است که در عرف مردم آن را لباس زینت می خوانند.

سؤال ۸۶. آیا لباس زینتی صرفاً شامل زیورآلات می شود، یا آنچه عرفاً لباس محسوب می شود نیز می تواند مصداق آن باشد؟

جواب: لباس زینتی چیزی است که زن ها برای زیبایی آن را می پوشند، و شبیه آرایشی است که در صورت خود انجام می دهند.

سؤال ۸۷. پوشیدن لباسهای مبتذل، یا لباسهای تنگ و مهیج، یا مدل هایی که موجب ترویج فرهنگ غرب است، بویژه برای زنان، چه حکمی دارد؟

جواب: این گونه لباسها اشکال دارد، و بر پسران و دختران و مردان و زنان مسلمان لازم است رعایت موازین عفت اسلامی را، که مایه سعادت دنیا و آخرت آنهاست، بنمایند.

۸. پوشش مردان

سؤال ۸۸. پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان چه حکمی دارد؟ اگر حرام است آیا علت تحریم احتمال معاونت بر اثم است؟ در این صورت، چگونه حکم قطعی می آورد و دوم این که با توجه به کیفیت لباس احرام که به مراتب بازتر از پیراهن آستین کوتاه است و استفاده از آن هنگام طواف برای

مردان که دوش به دوش زنان طواف می کنند الزامی است آیا احتمال معاونت برآثم در آن جا بیشتر نیست؟

جواب: استفاده از لباس آستین کوتاه برای مردان اشکالی ندارد مگر در مواردی که بدانیم مفسد خاصی بر آن مترتب می شود.

سؤال ۸۹. حجاب مرد را در برخورد با زن نامحرم بیان فرمایید.

جواب: نگاه کردن به بدن مرد نامحرم به آن مقدار که معمولاً آن را نمی پوشانند مانند سر و صورت و گردن و مقداری از پاها و دست ها اشکال ندارد.

سؤال ۹۰. حکم استفاده مرد از شال گردن ابریشم (یک طرف ابریشم، یک طرف پشم) چیست؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۹۱. استفاده از کراوات چه حکمی دارد؟

جواب: با توجه به این که در حال حاضر و در کشور ما، این امر به عنوان شعار بیگانگان و همبستگی با آنها محسوب می شود، از آن اجتناب کنید. ولی در کشورهایی که جزئی از لباس مردم محسوب می گردد، پوشیدن آن اشکالی ندارد.

سؤال ۹۲. در برخی از مراکز علمی مسائلی به وجود آمده که سبب ایجاد ذهنیت ناخوشایند، و بدبینی به دین، و موجبات دوری جوانان از دین و مذهب را فراهم آورده است؛ مسائلی که هیچ گونه ممانعتی برای انجام آن، نه از سوی دین و نه از سوی مراجع عالیقدر تقلید، ذکر نشده است. در دانشگاه «ع ک» پوشیدن لباسهای آستین کوتاه برای مردان ممنوع است، و این مسأله بحث و گفتگوهایی را در پی داشته است. از آن جا که طرح تمام گفتگوهای مطرح شده بین دانشجویان و مسئولین دانشگاه قدری مشکل است، سعی کرده ایم خلاصه آن را در این استفتا بگنجانیم:

دانشگاه: پوشیدن لباسهای آستین کوتاه ممنوع است.

دانشجویان: در کجای دین پوشیدن لباسهای آستین کوتاه برای مردان حرام شمرده شده است؟

دانشگاه: بعضی از مراجع تقلید حرام دانسته اند.

دانشجویان: کدام مرجع تقلید حرام شمرده است؟ شاید ما مقلد ایشان نباشیم.

دانشگاه جوابی ندارد و فقط می گوید: شما باید مقلد همان کسی باشید که ما هستیم.

چندی بعد یکی از روحانیون سرشناس به دانشگاه ما تشریف آوردند، موضوع را با ایشان در میان گذاشتیم، ایشان فرمودند: هیچ مرجع تقلیدی آن را حرام نشمرده است. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: پوشیدن لباسهای آستین کوتاه برای مردان شرعاً حرام نیست؛ ولی مسئولین دانشگاه حق دارند مقرراتی را طبق مصالحی که در نظر دارند برای محدوده دانشگاه ها وضع کنند، مثلاً بگویند شرط ورود به دانشگاه استفاده از فلان نوع و رنگ لباس است. همان گونه که در محیطهای نظامی و انتظامی لباسهای خاصی را شرط می کنند، بنابراین خوب است دانشجویان عزیز با مسئولین دانشگاه ها در این گونه مسائل بطور منطقی و بدون جرّ و بحث کنار بیایند تا مشکل شرعی برای هیچ يك از دو طرف پیدا نشود.

* * *

۳ احکام زینت و آرایش

۱. آرایش بانوان

سؤال ۹۳. آیا برای زن جایز است که عطر بزند و از منزل بیرون رود؟
جواب: در روایات متعددی^۴ از این معنا نهی شده و ظاهر بعضی از آنها حرمت است.

سؤال ۹۴. کوتاه کردن مو برای دختران چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مثل پسران و مردان نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۹۵. آیا زنان می توانند موهای سر خود را بتراشند یا کوتاه کنند؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۹۶. می خواستم نظر حضرتعالی را در مورد کوتاه نمودن موهای زائد بدن دختران قبل از ازدواج جویا شوم؛ زیرا مادرم مرا از این کار منع می کند، ولی دبیران دینی و قرآن در مدرسه همواره نسبت به کوتاه نمودن موهای زائد سفارش می کنند و می گویند: «بلند بودن این موها باعث باطل شدن غسل می گردد» حال وظیفه من چیست؟

جواب: کوتاه کردن موهای زائد بدن نه تنها اشکالی ندارد، بلکه کار خوبی است؛ ولی بودن و نبودن آن ضرری برای غسل ندارد، اما در مواردی که متعارف است دوشیزه ها موهای زائد را از بین نمی برند (مانند اصلاح ابرو و صورت) بهتر است مراعات عرف و عادت را بکنند.

سؤال ۹۷. حکم برداشتن ابرو در دختران از نظر شرعی و عرفی چه حکمی دارد؟

جواب: شرعاً اشکالی ندارد، ولی اگر در عرف محل کار خلافی محسوب می شود بهتر اجتناب از آن است.

سؤال ۹۸. آیا دختری که ازدواج نکرده و قصد دارد ازدواج کند می تواند کمی آرایش داشته باشد و خود را آراسته کند؟

جواب: آرایش برای این گونه دختران سزاوار نیست.

سؤال ۹۹. آیا اصلاح کردن در ماه محرم و صفر برای خانم‌ها از نظر اسلام و فقه اشکال دارد؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۰. آیا بلند بودن ناخن برای خانم‌ها زینت است و اشکال دارد؟
جواب: اشکالی ندارد، ولی باید آن را برای وضو و غسل تمیز نگه دارند.

سؤال ۱۰۱. حکم چیدن و برداشتن قسمتی از موهای ابروی خانم‌ها و خالکوبی چیست؟
جواب: اشکال ندارد.

۲. زینت و آرایش آقایان

سؤال ۱۰۲. استفاده از عینکی که دسته آن مخلوط به طلا، یا طلای آن ظاهر است، برای مردان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مخلوط به طلا باشد، اشکالی ندارد؛ اما اگر قسمت طلا به صورت روکش باشد، جایز نیست.

سؤال ۱۰۳. آیا دندان پزشك مجاز به نصب دندان طلا برای مردان می باشد؟

جواب: جز در موارد ضرورت و یا در جایی از دهان که در موقع سخن گفتن نمایان نمی شود مجاز نیست.

سؤال ۱۰۴. آیا بلند نگاه داشتن مو جزء سیره پیامبر یا امامان آمده است؟ من شنیده ام که پیامبر

زمانی که در شعب ابوطالب بودند مویشان به شانه های مبارکشان می رسید. آیا این صحت دارد؟
جواب: بلند بودن موی پیامبر یا ائمه هدی (علیهم السلام) بعید نیست؛ زیرا در آن زمان معمول بوده است.

سؤال ۱۰۵. اخیراً در میان برخی از جوانان مدل مو و لباسهایی (مانند رپ و غیره) رسم شده که از

کشورهای اروپایی و بلاد بیگانه اخذ می گردد نظر به این که پوشیدن این لباسها و انجام این گونه آرایش‌ها عرفاً از مصادیق تشبه به کفار است چه حکمی دارد؟

جواب: با توجه به این که این امور بخشی از فرهنگ منحط بیگانگان است، مسلمانان باید از آن پرهیز کرده، و فرهنگ خود را زنده کنند.

سؤال ۱۰۶. تراشیدن ریش چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط در ترك آن است، ولی چنانچه قسمت چانه باقی بماند، که گاه به آن ریش پروفیسوری گفته می شود، کافی است. و جوانانی که محاسن آنها به صورت نامنظم روئیده می توانند آن را بتراشند تا به صورت کامل درآید.

سؤال ۱۰۷. عده ای از جوانان که از نظر علمی نیز در حدّ بالایی هستند به طرز خاصی لباس می پوشند و بیش از اندازه محاسن می گذارند، داشتن محاسن به حدّی که مایه تمسخر شود، چه حکمی دارد؟

جواب: از پوشیدن لباس، یا گذاردن محاسن بیش از اندازه که موجب تمسخر و توهین به شخص باشد باید اجتناب کرد و شخص مؤمن همیشه باید عزّت خود را حفظ کند.

سؤال ۱۰۸. آرایش و اصلاح زنانه برای مردان چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست مردان خود را شبیه زنان کنند، ولی اصلاح جزئی و مرتّب کردن بعضی از قسمت ها که منظره خوشایندی ندارد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۹. بسیاری از خانواده ها براساس يك سنّت غلط به داماد خود انگشتی یا ساعت یا گردنبند یا حلقه طلا هدیه می دهند و آنها نیز از آن استفاده می کنند و در نتیجه زشتی این کار از بین می رود. نظر مبارك در مورد استفاده مردها از انگشت و دیگر زیورآلات و همچنین هدیه دادن آن به دامادها و جوانان و همچنین ساختن و خرید و فروش آن که مقدّمه و زمینه ساز این منکر است، چه می باشد؟

جواب: زینت طلا برای مردان مطلقاً حرام است و مسلمانان و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) باید به پیروی از دستورات آن بزرگواران از این امر اجتناب ورزند و فرقی میان هدیه و غیر هدیه و داماد و غیر داماد نیست. ساختن و خرید و فروش آنها نیز اگر استفاده اش مخصوص مردان باشد اشکال دارد و اگر زینت طلا به صورت صلیب باشد پوشیدن و ساختن و خرید و فروش آن گناه مضاعف دارد.

۳. جراحی زیبایی

سؤال ۱۱۰. عمل های جراحی که برای زیبایی است مانند عمل بینی چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد، ولی باید از طریق هم جنس بوده باشد مگر این که لمس صورت نگیرد.

سؤال ۱۱۱. نظر شما در مورد عمل جراحی زیبایی که بعضی انجام می دهند چیست؟ قابل توجه این که این عملیات گاه برای از بین بردن زشتی مادرزادی است و گاه برای از بین بردن زشتی غیر مادرزادی

است مثل زخم ها و جراحاتی که بعداً عارض می شود و گاه برای از بین بردن زشتی نیست، بلکه برای زیباتر شدن است؟

جواب: در صورتی که آمیخته با حرام دیگری نباشد در هیچ صورت اشکال ندارد؛ و در صورتی که مستلزم حرامی باشد (مانند نظر و لمس نامحرم) تنها در صورت ضرورت، جایز است.

* * *

۴ احکام لمس

۱. لمس و بوسیدن همجنس

سؤال ۱۱۲. بوسیدن و لمس کردن همجنس (مثل این که زنی، زن دیگری را ببوسد) اگر موجب لذت شود، یا مصداق ربه باشد، چه حکمی دارد؟
جواب: جایز نیست.

۲. لمس در اماکن عمومی

سؤال ۱۱۳. تماس زن با مرد نامحرم در موقع پول دادن، یا مبادله شیء، و یا تماس بدنی در معابر، یا نشستن کنار مرد نامحرم در وسیله نقلیه، چه حکمی دارد؟
جواب: اگر دست ها در موقع پول دادن و مبادله اشیاء، با هم تماس پیدا کند حرام است؛ ولی تماس بدنها از روی لباس در وسایل نقلیه یا مکان های پر ازدحام اشکالی ندارد؛ مگر این که مفسده خاصی بر آن مترتب شود.

۳. لمس بیمار توسط پزشك و پرستار

سؤال ۱۱۴. افعال و مشاغلی برای زن و مرد هست که مستلزم نظر و لمس بدن دیگری است مثل دندان پزشکی، زایمان، جراحی و... در این گونه موارد تکلیف چیست؟ و آیا فرقی بین حال ضرورت و غیر آن هست و ملاک ضرورت چیست؟
جواب: این گونه امور فقط در صورت ضرورت جایز است و معیار ضرورت تشخیص عرف عام و صالح است.

سؤال ۱۱۵. آمپول زدن زن توسط مرد نامحرم چگونه است؟

جواب: در غیر ضرورت جایز نیست.

سؤال ۱۱۶. آیا می توان بیماری که امکان طهارت عورتین توسط خودش وجود ندارد، را تطهیر

نمود؟

جواب: چنانچه مستلزم نگاه و لمس نباشد، یا این که به وسیله همسر انجام شود، اشکالی ندارد؛ در غیر این صورت تنها در موارد ضرورت می توان انجام داد.

سؤال ۱۱۷. لمس عورت و بدن بیمار توسط پرستار و طبیب چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه پرستار یا طبیب ناچار باشد به عورت بیمار دست بزند باید دستکش یا مانند آن در دست داشته باشد، همچنین اگر طبیب و پرستار مرد ناچار باشد دست به بدن زن بزند یا طبیب و پرستار زن دست به بدن مرد بزند، ولی در صورت ضرورت و ناچاری اشکالی ندارد.

۴. لمس جهت آموزش

سؤال ۱۱۸. لمس و تماس دست دانشجوی پسر با دست زن موقع گرفتن نبض و معاینه و معالجه در مقام آموزش علمی که از نظر استاد الزامی است در صورت ضرورت و غیر ضرورت چه حکمی دارد؟

جواب: تنها در مورد ضرورت جایز است و اگر امکان داشته باشد که از روی لباس بگیرد مقدم است.

سؤال ۱۱۹. آیا معاینه و لمس افراد غیر بیمار در مقام آموزش پزشکی جهت کنترل سلامتی و استخدام و سربازی و... در صورتی که همجنس نباشند جایز است؟

جواب: در اموری که برای جامعه ضرورت دارد جایز است.

۵. لمس غیر مسلمان

سؤال ۱۲۰. آیا در حکم تماس بدن مرد و زن نامحرم، فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان می باشد؟

جواب: فرقی نیست، هر دو حرام است.

سؤال ۱۲۱. دست دادن با غیر مسلمان چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که جنس مخالف نباشد اشکالی ندارد، و اگر رطوبت سرایت کننده ای در دست باشد، احتیاطاً بعداً دست ها را بشوید؛ ولی با جنس مخالف جایز نیست.

۶. دست دادن با نامحرم

سؤال ۱۲۲. دست دادن زن با مرد نامحرم با دستکش چه حکمی دارد؟

جواب: بهتر ترك این کار است؛ مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۱۲۳. آیا دست دادن با نامحرم از روی لباس اشکال دارد؟

جواب: تماس از روی لباس بدون قصد تلذذ و ریه اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۴. در منطقه ما رسم بر این است که گاه زن عمو دست پسر برادر شوهر خود را می گیرد و او را می بوسد، یا زن برادر و خواهر زن نیز خود را با برادر شوهر و شوهر خواهر محرم حساب می کنند، و یا دست دادن، خصوصاً بوسیدن سر و دست به هنگام بازگشت از سفر و ایام عید شدیداً رایج و مرسوم گردیده، و هر چه تذکر داده می شود نمی پذیرند، بلکه گاه ناراحت می شوند، تکلیف ما چیست؟ اگر موجب قطع صله رحم شود چه حکمی دارد؟

جواب: این گونه کارها حرام و خلاف شرع است، و نتیجه ناآگاهی بعضی از مردم می باشد. وظیفه شما آن است که با زبان خوش امر به معروف و نهی از منکر کنید، و اگر صله رحم بدون آن میسر نیست، صله رحم را ترك کنید.

سؤال ۱۲۵. در محیطهای دانشگاهی فرانسه، هنگام برخورد با اساتید مرد، یا دانشجویان پسر، ناگزیر به مصافحه هستیم، و گرنه حمل بر اسائه ادب دانشجویان مسلمان می شود، در این صورت مصافحه با مردان غیر مسلمان چه صورت دارد؟

جواب: وظیفه شرعی شما دست ندادن است، و باید این فرهنگ اسلامی را به آنها فهماند تا حمل بر اسائه ادب نشود.

۵ احکام صدای نامحرم

سؤال ۱۲۶. شنیدن صدای زن نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: شنیدن صدای زن نامحرم در صورتی که به قصد لذت نباشد و سبب افتادن در گناه نشود اشکالی ندارد، ولی زن نباید لحن صدای خود را طوری کند که هوس انگیز باشد.

سؤال ۱۲۷. گوش دادن به آواز زن نامحرم برای مرد در صورتی که اشعار مذهبی بخواند و موجب مفسده هم نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۲۸. شغل بعضی از خانم ها ذکر توسّل به اهل بیت (علیهم السلام) در مجالس زنانه است، گاهی از اوقات هنگامی که مشغول روضه خوانی هستند مرد و یا بچه هایی که خوب و بد را می فهمند وارد حیاط آن خانه می شوند و صدای این خانم را می شنوند، حکم این قبیل روضه خوانی ها چیست؟

جواب: در این مورد که نوشته اید، صدای خود را آهسته تر کند و یا بدون تکیه به صوت بخواند.

سؤال ۱۲۹. اگر زن با صوت قرآن بخواند، آیا مرد می تواند به آن گوش بدهد؟ آیا تفاوتی بین نوار و غیر آن هست؟

جواب: در صورتی که زن به طور ساده قرآن بخواند مانعی ندارد، ولی اگر با آهنگ یا صدای زیبا بخواند گوش دادن مرد اجنبی جایز نیست و نوار و غیر نوار فرقی نمی کند.

سؤال ۱۳۰. هنگامی که در مراسم صبحگاهی مدرسه یکی از خواهران قرآن را با صوت تلاوت می کند دبیران مرد صدای وی را می شنوند، آیا به طور کلی تلاوت قرآن در صورت شنیدن نامحرم توسط خواهران گناه است؟

جواب: اگر با آهنگ باشد اشکال دارد و اگر به طور ساده باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۱. گوش دادن به خنده زن نامحرم اگر موجب مفسده نباشد چه حکمی دارد و در صورتی که مفسده داشته باشد چه حکمی دارد؟

جواب: در مواردی که مفاسد خاصی بر آن مترتب نشود مانعی ندارد.

* * *

۶ احکام مراوده و معاشرت با نامحرم

۱. خلوت با نامحرم

سؤال ۱۳۲. خلوت با نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که مرد و زن نامحرم در محلّ خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمی تواند وارد شود، نمانند؛ حتّی اگر در آنجا نماز بخوانند نماز آنها اشکال دارد.

سؤال ۱۳۳. محدوده خلوت با اجنبیه چیست؟ اگر شخصی مطمئن باشد که در خلوت با اجنبیه به

گناه نمی افتد، باز هم این کار اشکال دارد؟

جواب: اگر در مکانی هستند که معمولاً هیچ کس رفت و آمد نمی کند، خلوت با اجنبیه محسوب

می شود. و خلوت با اجنبیه، حتّی اگر فکر می کنند به حرام نمی افتند، اشکال دارد.

سؤال ۱۳۴. آیا خلوت با زن نامحرم اگر چه مطمئن باشد مرتکب حرام نمی شود جایز است؟

محدوده خلوت اجنبیه چیست؟

جواب: اگر در مکانی هستند که معمولاً هیچ کس رفت و آمد نمی کند، خلوت با زن نامحرم محسوب

می شود و خلوت با اجنبیه اشکال دارد حتّی اگر فکر می کنند به حرام نمی افتند.

۲. مراجعه به پزشك نامحرم

سؤال ۱۳۵. مراجعه زن به دکتر مرد اگر دکتر حاذق زن نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۶. آیا مراجعه زن به پزشك مرد در صورتی که بتواند پزشك زن در آن رشته بیابد جایز

است؟

جواب: در صورتی که مستلزم نگاه به غیر وجه و کفّین یا مستلزم لمس کردن باشد فقط در صورت

ضرورت جایز است و با وجود پزشك زن جایز نیست.

۳. گفتگو و مواجهه با نامحرم

سؤال ۱۳۷. آیا بطور کلی گفتگو با زن نامحرم جایز است؟

جواب: در صورتی که بطور عادی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۸. گفتگو با مردان نامحرم با چه شرائطی جایز است؟

جواب: در حدود سخنان عادی، مشروط به این که منشأ فسادی نباشد، جایز است.

سؤال ۱۳۹. آیا سلام کردن مرد بر زن نامحرم کراهت دارد؟

جواب: کراهت ندارد؛ ولی از بعضی از اخبار استفاده می شود که سلام کردن به زن جوان مکروه

است.

سؤال ۱۴۰. گفتگو با همکاران نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که جهات شرعیه مراعات شود، و به جز آن دو نفر شخص ثالثی نیز وجود

داشته باشد، یا امکان ورود دیگری بدون اجازه آنها باشد، و سخنان عادی و معمولی باشد، اشکال

ندارد.

سؤال ۱۴۱. چت کردن با نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: این کار با جنس مخالف اشکال دارد، و غالباً پیامدهای منفی به همراه دارد، مگر این که

مقدمه ازدواج باشد. که در این صورت به مقداری که جهت ازدواج لازم است، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۲. دوختن لباس زنانه توسط خیاط مرد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مستلزم تماس بدنی و محرمات دیگری نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۳. جوان مجردی در برخورد با نامحرم دچار مشکل است. این برخوردها و نگاه های غیر

مستقیم و گاه مستقیم (که بنا به ضرورت و از روی ناچاری انجام می شود)، و حتی در برخی موارد

شنیدن صدای نامحرم و صدای پای او، برایش نوعی لذت به همراه دارد. لازم به ذکر است محدود کردن

خود و خانه نشینی برای فرار از مشکل مطرح شده، تنها برای مدتی او را از این صحنه ها دور

می کند، اما در برخوردهای بعدی، که به ناچار هر انسانی ناگزیر از آن است، اولاً: این حالت ها در

او تشدید می شود، به طوری که گاه حتی در برخورد با محارم نیز مشکل مطرح شده، بروز می کند،

ثانیاً: در دراز مدّت به علّت قطع ارتباط با دیگران، و بیرون رفتن از منزل، و حتی ترك درس و تحصیل

در دانشگاه، و چشم پوشیدن از تلویزیون و تصاویر و عکس ها، و در يك كلام به

انزوا نشستن، باعث بروز ناراحتی های مختلف جسمی و روحی از جمله افسردگی و ناراحتی های عصبی

او خواهد شد. وظیفه شرعی چنین شخصی چیست؟

جواب: به هیچ وجه لازم نیست با مردم قطع رابطه کند، و خانه نشین شود. همین اندازه که عمداً نگاه نکند مشکلی ندارد، حتی اگر قهراً و بدون اختیار برای او لذتی حاصل شود.

۴. دوستی با نامحرم

سؤال ۱۴۴. متأسفانه روابط بین پسر و دختر در جامعه ما بسیار بد جا افتاده، و پدر و مادرها از آن به عنوان يك کار زشت یاد می کنند. من به عنوان يك پسر جوان موارد زیادی از این روابط را دیده ام. اگر پسر و دختر در روابط خود، حدود را رعایت کنند، و بدون اطلاع پدر و مادرشان رابطه ای برقرار نمایند، و بین خود دوستی پایداری را برنامه ریزی کرده باشند، که به احتمال قریب به یقین به ازدواج آنها منتهی شود، آیا شرعاً مشکلی دارد؟

جواب: تجربه های مکرر در مکرر نشان داده که رابطه های دختران و پسران دام های شیطان است، و منجر به خلاف شرع می شود. بنابراین تنها در صورتی که قصد ازدواج داشته باشند، آن هم به مقداری که برای شناخت یکدیگر لازم است، می توانند تماس بگیرند.

سؤال ۱۴۵. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

(الف) آیا ارتباط نوشتاری و نامه نگاری دختر و پسر بالغ نامحرم از طریق کامپیوتر و شبکه اینترنت جایز است؟

(ب) پس از آشنایی طرفین از طریق بالا، آیا ملاقات عمومی تعدادی دختر و پسر بالغ و نامحرم، در مکان عمومی جایز است؟

(ج) آیا مصاحبه و نگاه به چشم ها و صورت همدیگر جایز است؟

(د) اگر موارد بالا جایز باشد، در چه مرحله ای اجازه پدر برای ادامه ارتباط دختر یا پسر بالغ و نامحرم، حضوری یا نوشتاری، واجب است؟

جواب: با توجه به این که این گونه ارتباطها غالباً منشأ مفاسدی می شود، جایز نیست.

سؤال ۱۴۶. مکالمه تلفنی پسر و دختر و مراوده طرفین جهت دوستی چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

۷ احکام اختلاط زن و مرد

۱. اختلاط در مجالس خانوادگی

سؤال ۱۴۷. مقدار و نوع پوشش زن در میهمانی های خانوادگی چه میزان است؟

جواب: زن باید در مقابل نامحرم بدن خود را جز صورت و دست ها تا مچ پپوشاند؛ و تفاوتی میان میهمانی خانوادگی و غیر آن نیست.

سؤال ۱۴۸. آیا عرف در نوع پوشش زنان در میهمانی های خانوادگی مؤثر است؟

جواب: اگر منظور این است که تمام بدن به غیر از گردی صورت و دست ها تا مچ پوشیده باشد تفاوت عرفها تاثیری ندارد، و در مقابل نامحرم در مجالس خانوادگی یا غیر آن باید پوشش اسلامی رعایت شود.

سؤال ۱۴۹. بوسیدن سر و دست زنان و مردان سالخورده فامیل که نامحرم هستند به جهت احترام

چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۵۰. شوخی و صحبت با اقوام نامحرم در مجالس چه حکمی دارد؟

جواب: صحبت های عادی مانعی ندارد ولی شوخی اشکال دارد.

سؤال ۱۵۱. در برخی مناطق اقوام نامحرم نزدیک را جزء محارم می دانند و حجاب را در مقابل آنها

رعایت نکرده و گاه با آنها دست می دهند و امثال آن، حکم این امور چیست؟

جواب: باید تمام این امور که خلاف شرع است ترك شود و آنان را با زبان خوب امر به معروف و

نهی از منکر نمود.

سؤال ۱۵۲. نشستن افراد نامحرم فامیل بر سر يك سفره چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که جهات شرعی را رعایت کنند مانعی ندارد.

۲. اختلاط در محیط های آموزشی

سؤال ۱۵۳. نظر حضر تعالی در مورد مدارس مختلط پسر و دختر، که در برخی مناطق بخاطر کمبود محلّ درس ناچار از آن هستند، چیست؟

جواب: در موارد ضرورت، با رعایت حجاب اسلامی و موازین شرعی مانعی ندارد؛ ولی کوشش برای جدا سازی این مدارس باید ادامه یابد.

سؤال ۱۵۴. خانمی می خواهد به تحصیل خود ادامه دهد، تا در آینده شغل مناسب و مشروعی انتخاب کند، ولی ادامه تحصیل مستلزم این است که با نامحرمان روبه رو شود؛ مثل این که نزد نامحرم درس بخواند، یا با دانشجویان پسر در يك کلاس بنشیند، آیا ادامه تحصیل در چنین شرایطی جایز است؟

جواب: هرگاه توأم با امر حرامی . مانند خلوت با اجنبیه یا مفاسد دیگر . نگردد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۵. گاه دانشجوی پسری در بین عده ای دانشجوی دختر، و یا بالعکس درس می خواند، با توجه با این که اگر با این شرایط تحصیل را ادامه ندهد متضرر می شود، آیا درس خواندن در فرض مسأله جایز است؟

جواب: اگر موجب کار حرامی نمی شود اشکالی ندارد؛ ولی سزاوار است مسؤولین کشورهای اسلامی برنامه ای برای جدا ساختن مراکز تحصیلی پسران و دختران تنظیم کنند.

سؤال ۱۵۶. آیا خواهران دانشجو می توانند در مورد امور کلاس، یا مسائل علمی در بین برادران دانشجو، کنفراس دهند؟

جواب: هرگاه موازین شرعی در آن رعایت گردد، و مفسده خاصی نداشته باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۷. خنده و شوخی استاد خانم در کلاس درس دانشجویان دختر و پسر به منظور رفع کسالت و خستگی و تجدید روحیه دانشجویان چه حکمی دارد؟

جواب: رعایت آداب عمّت در کلاس درس واجب است.

سؤال ۱۵۸. تبعیت از دستور استادی که مقید به فرایض شرعی نیست و با وجود دانشجویان دختر به دانشجویان پسر دستور معاینه زنان بیمار را می دهد چه حکمی دارد؟ البته تمرد از دستور استاد ممکن است در نمره قبولی یا رد او دخالت داشته باشد؟

جواب: در این مورد که ضرورت نیست باید به صورت معقولی تمرد کند مگر این که معاینه زنان برای تکمیل تحصیلات پزشکی لازم باشد (تحصیلاتی که سبب نجات جان زنان می شود) که در این صورت جایز است.

۳. اختلاط در محیط کار

سؤال ۱۵۹. آیا اشتغال زنان در اداراتی که محلّ مراجعه مردان است جایز است؟

جواب: با رعایت شؤون اسلامی اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۰. آیا شرکت دختران و بانوان همراه با مردان و پسران در ارگان های انقلابی، مانند جهاد

سازندگی، بنیاد شهید، سپاه پاسداران و مانند آن، و انجام امور محوّله و نشست با هم، که ناچار از

تماس و برخورد با هم می باشند، مشروع است؟

جواب: در صورتی که جهات شرعی رعایت شود، و منشأ فسادی نگردد، جایز است.

۴. اختلاط در بازیگری

سؤال ۱۶۱. آیا برای نمایش صحنه های تاریخی، اختلاط زن و مرد مسلمان که در نقش کفّار بازی

می کنند و همراه با مکالمات مهیج شهوت و عاشقانه است، جایز است؟

جواب: بازی کردن در نقش کفّار به منظور اهداف آموزنده مانعی ندارد؛ ولی مکالمات محرّک و

شهوت انگیز جایز نیست.

سؤال ۱۶۲. هنر پیشگی دختران و زنان در فیلم های تلویزیونی و سینمایی در کنار مردان نامحرم و به

عنوان همسر صوری آنان چه حکمی دارد؟ آیا در هنگام اجرای نقش، مجاز به خنده و گفتگوی

صمیمانه با یکدیگر هستند؟

جواب: صحبت های معمولی و ایفاء این نقش ها، اگر مفسده خاصی بر آن مترتب نشود و

حجاب اسلامی رعایت گردد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۳. فیلم هایی ساخته می شود که زن و مرد نامحرم در آن بازی می کنند، و به مقتضای

نقش محوّله، با هم شوخی کرده، و به یکدیگر نگاه های عاشقانه دارند. بازی کردن آنها در چنین

فیلم هایی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که آداب عفت اسلامی را رعایت کنند مانعی ندارد.

بخش دوم:

مقدمات زندگی مشترک

بخش دوم: مقدمات زندگی مشترک

۱ ازدواج

۱. حکم ازدواج

سؤال ۱۶۴. آیا ازدواج واجب است؟

جواب: ازدواج از مستحبات مؤکد است؛ مگر در مواردی که انسان بترسد که اگر آن را ترک کند به گناه می افتد، که در این صورت واجب می شود.

سؤال ۱۶۵. در توضیح المسائل حضرت عالی آمده: «کسی که به خاطر ازدواج نکردن به گناه می افتد، واجب است ازدواج نماید.» لطفاً بفرمایید:

الف) آیا منظور از گناه فقط زناست، یا چشم چرانی، خود نمایی زن، عشوه و ناز زن برای مرد نامحرم، و مانند آن را نیز شامل می شود؟
جواب: شامل تمام این گناهان می شود.

ب) منظور از عبارت «به خاطر ازدواج نکردن به گناه می افتد» کدام يك از این دو حالت زیر است؟

اول: اگر به خاطر ازدواج نکردن مرتکب گناه شد، بعد از آن ازدواج بر او واجب می شود.
دوم: وقتی به خاطر ازدواج نکردن میل شدیدی به گناه پیدا کرد، قبل از ارتکاب گناه ازدواج بر او واجب می شود.

جواب: منظور احتمال دوم است.

ج) آیا حکم مذکور اعم از دائم و موقت است، یا فقط منظور ازدواج دائم است؟

جواب: فرق نمی کند.

سؤال ۱۶۶. همان گونه که می دانید روز به روز فاصله بین بلوغ جنسی و سن ازدواج، رو به افزایش است و اکنون به حدود ۱۲ الی ۱۳ سال رسیده است (چه در مورد دختران و چه در مورد پسران)؛ این مسأله باعث شده که روابط پنهانی و نامشروع دختران و پسران از اصلی ترین مشکلات جوانان به حساب آید. در این رابطه ها حرمت شرعی ۱۰۰٪ است و گاهی آثار و تبعات اجتماعی و روانی نیز به دنبال دارد. حال سؤال این است که با توجه به خودداری جوانان از ازدواج (به دلیل مشکلاتی مانند

تحصیل، شغل و مسکن) و سود نبخشیدن تفریحاتی مانند ورزش، و غیره و همچنین نپذیرفتن ریاضت و رهبانیت در طیب این دوران (و بلکه ناممکن بودن آن در بعضی اوقات) و از همه مهمتر روا نبودن سکوت در مقابل این همه خلاف شرع و اثراتی که از بُعد معنوی و عبودی بر روح و جان جوانان می گذارد لطفاً بفرمایید: آیا دعوت عمومی دختران و پسرانی که دارای روابط نامشروع هستند و به ادامه آن اصرار مورزند، با حفظ همان میزان رابطه، به ازدواج غیر دائم، با اذن ولی یا بدون اذن ولی، صحیح است؟ آیا این عمل اخراج از حرام به حلال نیست، که در برخی روایات ابواب متعه به آن اشاره شده است؟

جواب: دعوت به سوی این رابطه ظاهراً مشروع، مفاسد زیادی در بر دارد و تجربه نشان داده که غریزه سرکش جنسی هرگز آنها را در یک مرحله محدود نمی کند؛ بلکه غالباً به مراحل دیگر می کشاند که سبب مشکلات عظیم برای جامعه می گردد. به علاوه چون این گونه ارتباط ها مسئولیت و تقید خاصی همراه ندارد، در یک نفر محدود نمی شود و ممکن است یک فرد با چند نفر نیز رابطه برقرار کند که مفاسد آن بر کسی مخفی نیست. بنابراین، از چنین روشی در شرایط فعلی جامعه ما باید صرف نظر کرد و به طرق دیگر، از جمله تشویق به ازدواجهای ساده، ازدواجهایی در حدّ عقد بدون عروسی و همچنین مبارزه با عوامل تحریک کننده اقدام شود، که اگر این عوامل کم شود مسأله بسیار محدودتر خواهد شد. تشویق به سرگرمی های سالم مانند ورزش و غیر آن نیز سهمی در کنترل این امر دارد، منتها باید جوانان را تشویق کرد در ورزش از لباسهای مناسب استفاده کنند، تا نتیجه معکوس ندهد.

۲. سنّ ازدواج

سؤال ۱۶۷. آیا در شرع مقدّس اسلام تغییر سنّ شرعی و قانونی ازدواج دختران از ۹ سال به ۱۵ سال مجاز است؟

جواب: سنّ نه سالگی سنّ تکلیف است، و الزاماً سنّ ازدواج نیست. توضیح این که: ازدواج در صورتی جایز است که دختر رشد جسمانی کافی برای ازدواج داشته باشد، و در صورتی که کارشناسان بطور خاص یا بطور عام تأیید کنند که فلان دختر یا عموم دختران در محیط ما، در فلان سن، رشد جسمانی کافی برای ازدواج ندارند، ازدواج در چنان سنّی حرام است. به تعبیر دیگر، بلوغ به حسب ادّله شرع، چهار مرحله دارد:

(الف) بلوغ به معنای سنّ تکلیف و رعایت واجب و حرام و انجام نماز و مانند آن.

(ب) بلوغ به معنای آمادگی برای روزه، بطوری که مایه ضرر و زیان و بیماری پسران و دختران نشود.

ج) بلوغ برای ازدواج، بطوری که دختران از نظر جسمی آمادگی کافی داشته باشند، و خطر إفضاء و نقائص دیگری در کار نباشد.

د) بلوغ و رشد برای مسائل اقتصادی و مالی، بطوری که در معاملات مغبون نشوند. از آنچه در بالا گفته شد، جواب سؤال روشن شد.

سؤال ۱۶۸. چهل وهفت سال سن دارم از نظر شرع اختلاف سن ازدواج چقدر باید باشد؟
جواب: اختلاف سن در ازدواج حدّ معینی ندارد ولی بهتر این است که فاصله زیادی نباشد تا پیوند آنها دوام بیشتری داشته باشد.

سؤال ۱۶۹. آیا دستوری در مورد تسریع در امر ازدواج داریم؟
جواب: مستحبّ است در شوهر دادن دختری که به حدّ بلوغ رسیده تعجیل کنند، همچنین در مورد زن دادن به پسرای که نیاز به همسر دارند.

۳. انتخاب همسر

سؤال ۱۷۰. به نظر حضرتعالی در ازدواج دو جوان بهتر است چه چیزهایی معیار باشد؟
جواب: بالاترین معیار ایمان و تقوا و اطاعت فرمان خدا و صفاتی است که موجب محبّت و سازش با یکدیگر است.

سؤال ۱۷۱. ازدواج مرد غیر سید با دختر سیده و بالعکس چه حکمی دارد؟ در صورتی که این کار باعث اختلافاتی شود وظیفه چیست؟

جواب: مسلماً از نظر شرع اسلامی اشکال ندارد ولی اگر در مناطقی بر اثر تعصّب یا ناآگاهی مردم منشأ اختلافاتی می شود از آن پرهیز نمایید.

سؤال ۱۷۲. آیا ازدواج با بستگان نزدیک مکروه است؟
جواب: طبق روایتی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به این مضمون رسیده است که: «با نزدیکان ازدواج نکنید به علّت این که فرزند ضعیف و لاغر به دنیا می آید» ازدواج با نزدیکان مکروه است.

سؤال ۱۷۳. آیا پسر مجبور است با دختری که مادرش پسندیده، اما مورد پسند خود نیست، ازدواج کند؟

جواب: پسر مجبور نیست با آن دختر ازدواج کند ولی در احترام مادر کوتاهی نکند.

۴. نذر ازدواج

سؤال ۱۷۴. بعضی از دختران که در سنّ بالا (۳۰ تا ۳۵ سال) هستند، خود را از نظر ازدواج در محدودیت هایی قرار می دهند، مثلاً می گویند: «فقط با سادات ازدواج می کنیم». آیا این کار در این شرایط سنّی جایز است؟

جواب: این گونه محدودیت ها به مصلحت دختران نیست؛ حتی اگر نذر کنند و آن نذر سبب مشکلاتی در زندگی آنها شود، آن نذر هم اعتباری ندارد.

سؤال ۱۷۵. بعضی از مؤمنین نذر می کنند که دختران خود را فقط به سادات بدهند، بدین جهت گاه برخی از این دختران تا سنّ سی سالگی، بلکه بالاتر، موقتاً به ازدواج نمی شوند، آیا چنین نذری ظلم به دختران و خلاف شرع محسوب نمی شود؟ آیا از نظر شرعی پدر و مادر حق دارند چنین محدودیتی برای دختر خود ایجاد کنند؟

جواب: پدر و مادر حق ندارند درباره دختر یا پسر خود نذر کنند، یا محدودیتی از این نظر قائل شوند؛ حتی اگر خود دختران هم نذر کنند و سبب بروز مشکلاتی شوند، نذرشان اعتباری ندارد.

۵. ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده

سؤال ۱۷۶. ازدواج دو قلوهای به هم چسبیده چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که بتوانند ترك ازدواج و عمل به احتیاط کنند و به عسر و حرج شدید گرفتار نشوند، احتیاط آن است که از ازدواج صرف نظر نمایند و اگر ناچار از ازدواجند، آن دو دختر می توانند به نوبت به ازدواج مرد واحدی در آیند. به این ترتیب که یکی را به عقد خود در آورد و بعد از طلاق و گذشتن عده دیگری را عقد کند (البته برای این که گرفتار مشکلات طلاق های متعدّد نشوند می توانند از عقد موقت استفاده کنند). در مورد دو پسر نیز احتیاط آن است که اگر ممکن است ازدواج نکنند و در صورت ضرورت انتخاب يك همسر در زمان واحد جایز نیست، ولی می توانند به طریق بالا با يك زن ازدواج کنند و به هر حال با توجه به این که وجود چنین افرادی بسیار کم است ذکر این احکام شرعی نیز اگر عجیب به نظر برسد، جای بحث و گفتگو نیست.

سؤال ۱۷۷. طبق جواب حضرتعالی، در خصوص ازدواج دو قلوهای به هم چسبیده، مسأله سه صورت خواهد داشت، که شما حکم دو صورت آن را ذکر فرمودید. به این نحو که دو قلوها یا هر دو پسر هستند، یا هر دو دختر، که حکم این دو صورت در جلد اول استفتائات جدید، پاسخ سؤال

۸۷۴ ذکر گردیده است. حال اگر یکی از دو قلوها پسر و دیگری دختر باشد، و نیاز شدید به ازدواج داشته باشند، ازدواج آنها به چه شکل خواهد بود؟

جواب: در صورتی که ضرورتی نباشد باید از ازدواج صرف نظر کنند، و اگر ضرورت قطعی و غیر قابل اجتناب باشد، هر کدام می توانند همسری انتخاب کنند. ولی تا آن جا که ممکن است باید جهات مربوط به محرم و نامحرم را رعایت نمایند، و از آن جا که این گونه مسائل بسیار نادر است، طبعاً احکام آن هم عجیب به نظر می رسد.

۶. دیگر مسائل ازدواج

سؤال ۱۷۸. با توجه به این که در حال حاضر تعداد دختران و زنان آماده ازدواج به مراتب بیشتر از پسران و مردان آماده ازدواج است و عدم توجه به این مسأله اساسی مشکلات عدیده اخلاقی در جامعه اسلامی ایجاد می نماید، آیا مردانی که شرایط لازم ازدواج مجدد را دارند، این ازدواج بر آنها واجب می شود؟

جواب: ارقامی که ذکر کردید چندان مطابق واقع نیست و ازدواج مجدد بر افرادی که گفتید واجب نمی باشد و اگر شرایط ازدواج برای افراد مجرد آسان بشود ظاهراً مشکل حل می شود.

سؤال ۱۷۹. اگر زانی و زانیه با یکدیگر ازدواج کنند فساد کمتری در محل آنها به وجود می آید و اصلاح می شوند در این صورت آیا می توان آن دو را مجبور به ازدواج کرد؟

جواب: کسی را نمی توان مجبور به ازدواج کرد ولی توصیه و ارشاد آنها بلامانع است، همچنین در مواردی که قاضی می تواند عفو کند و از اجرای حد صرف نظر کند حق دارد عفو کردن را مشروط به ازدواج آنها نماید.

سؤال ۱۸۰. بین دو طایفه، در محلی درگیری واقع شده و چشم پسر بچه ای نابینا می شود، به عنوان وجه المصلحه دختر ده ساله ای را با اجازه ولیش برای برادر بچه ۸ ساله ای که چشمش از بین رفته عقد می کنند. خود دختر ادعا می کند من راضی نبوده و نیستم. در قانون سنّ پسر و دختری که بتوانند مستقلاً در کارهای خود مداخله کنند ۱۸ سال است و کمتر از ۱۸ سال باید به دادگاه مراجعه و دادگاه به پزشک متخصص ارجاع می دهد که بالغ و رشیده باشند، چنانچه پزشک متخصص قانونی بر بلوغ و رشد گواهی کند، دادگاه قبل از سن ۱۸ سالگی حکم رشد صادر می کند. در این مورد چنین اقدامی نشده لیکن در سن ۱۸ سالگی صورت جلسه ای بین زوجین به این کیفیت که تا پایان تحصیلات متوسطه زوجین به تحصیل خود ادامه دهند، تنظیم شده است. در مورد همین صورت جلسه نیز

دختر ادعا می کند پدر و مادرم تهدیدم کردند من امضا کردم. این ازدواج در بعضی از روستاها مرسوم بوده و هست. در ضمن در مسأله ۴ تحریرالوسیله در فصل اولیای عقد آمده است که «بیشتر فی... صحه تزویج الاب و الجد و نفوذ عدم المفسده» و در آخر مسأله ذکر شده «بل الاحوط مراعات المصلحة» آیا این عدم مفسده و رعایت مصلحت مربوط به دختر می باشد یا به پدر و فامیل دختر؟ آیا چنین عملی صحیح است؟

جواب: رعایت مصلحت و مفسده مربوط به دختر است یعنی مصالح دختر باید در نظر گرفته شود و ارتباطی به پدر و مادر ندارد و ملاحظات فامیلی و جبران خسارت ها، نمی تواند مجوز باشد که صغیر مال المصلحه شود و اما در مورد کبیر شرعی واضح است که بدون رضای او عقد صحیح نیست.

سؤال ۱۸۱. اگر مردی به هیچ وجه قادر به ازدواج نباشد یعنی همیشه در امور زندگی با شکست مواجه بوده و حتی قادر به سبک ترین نوع ازدواج هم نیست و ازدواج نکردن هم موجب اختلالاتی در بدنش می شود، آیا می تواند به وسیله خوردن دارو و یا عمل جراحی، مردی خود را از بین ببرد؟

جواب: جایز نیست و باید صبر کند تا خداوند فرجی برای او فراهم سازد.

سؤال ۱۸۲. استمنا کردن برای شخص جوانی که ۲۵ سال سن دارد و نمی تواند ازدواج کند، چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است؛ باید به فکر راه های مشروع باشد و چنانچه از عوامل تحریک نظیر فیلم ها و کتاب ها و نشریات فاسد و مجالس آلوده، دوستان ناباب و حتی مناظر تحریک کننده اجتناب کرده و اوقات فراغت را با مطالعه و کار و مانند آن پر کنید و بر خداوند توکل نمایید و هر روز مقداری ورزش کنید، ان شاءالله بر هوای نفس و وسوسه های شیطان غالب می شوید. ما هم برای موفقیت شما دعا می کنیم.

۲ خواستگاری

۱. نگاه

سؤال ۱۸۳. نگاه کردن مرد به زنی که می خواهد با او ازدواج کند به منظور آگاه شدن از حسن و عیب او جایز است؟

جواب: آری جایز است.

سؤال ۱۸۴. اگر با يك بار نگاه کردن به زنی که می خواهد با او ازدواج کند به منظور آگاه شدن از حسن و عیب این منظور حاصل نشود می تواند چند بار در چند مجلس نگاه کند؟

جواب: آری جایز است.

سؤال ۱۸۵. در سؤالات بالا و مسأله ۲۰۹۱ رساله حضرتعالی آمده است که: «نگاه کردن مرد به زنی که می خواهد با او ازدواج کند، به منظور آگاه شدن از حُسن و عیب او جایز است». آیا برای زن نیز جایز است که به همین منظور به بدن مردی که به خواستگاری او آمده نگاه کند؟ محدوده این نگاه و شرایط آن چیست؟

جواب: آری برای زن هم جایز است، و محدوده آن قسمت هایی از بدن است که مشاهده آن در انتخاب همسر تأثیر دارد. و این امور باید در مواردی باشد که بطور جدی تصمیم بر ازدواج در فرض پسندیدن وجود دارد.

سؤال ۱۸۶. نگاه کردن به دختری که قصد ازدواج با او را دارد و برای آگاهی بیشتر باید به اندام و صورت او نگاه کند و نیز حرف زدن با او چطور است؟

جواب: به مقدار لازم برای شناخت او مانعی ندارد.

سؤال ۱۸۷. شخصی در جستجوی ازدواج موقت است و می داند که در فلان مکان با عده ای از زنانی که برای این امر آماده اند رو به رو می شود، آیا می تواند به آن مکان رفته و به آنها نگاه کند و یکی از آنها را انتخاب کند؟

جواب: در صورتی که به قصد ازدواج باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۸۸. امام خمینی (قدس سره) فرموده اند: «کسی که می خواهد با زن یا دختری ازدواج کند جایز است به صورت و مو و دست و مواضع زینت او نگاه کند» منظور از مواضع زینت چیست؟
جواب: به سر و صورت و گردن و مقداری از دست و بازو و مقداری از پاها می توان نگاه کرد.

۲. استخاره

سؤال ۱۸۹. با عنایت به این که گروه زیادی از متدینین در خصوص امر ازدواج قبل از هرگونه مشورت و معارفه ای متوسّل به استخاره می شوند و سنت نبوی ازدواج را به بهانه استخاره ردّ و یا به تعویق می اندازند و سدّی در جهت تشکیل کانون گرم، صمیمی و عاطفی زوجین جوان ایجاد می کنند، آیا این کار چه حکمی دارد؟

جواب: استخاره همیشه باید بعد از مطالعه جوانب مسأله و مشورت باشد، اگر فکر انسان بجایی رسید جای استخاره نیست و اگر فکر به جایی نرسید جای استخاره است.

سؤال ۱۹۰. آیا در صورت انجام استخاره، عمل به آن واجب است؟

جواب: عمل به استخاره واجب نیست ولی حتّی الامکان مخالفت نشود؛ مگر این که مدّت قابل ملاحظه ای تأخیر بیندازد و بعد اقدام کند.

سؤال ۱۹۱. آیا در مورد ازدواج، تجدید استخاره جایز است؟ به چه روش؟

جواب: در هیچ مورد تجدید استخاره درست نیست؛ مگر این که مدّت قابل ملاحظه ای بگذرد یا شرایط مورد استخاره تغییر کند.

۳. دیگر مسائل مربوط به خواستگاری

سؤال ۱۹۲. این جانب مدّت سه سال است که خواستگار دارم؛ ولی به علّت این که خواهر بزرگ ترم ازدواج نکرده، خانواده ام به خواستگارام جواب ردّ می دهند. در حال حاضر ۲۷ سال سن دارم. آیا جایز است که بنده برای حفظ حرمت خواهرم ازدواج نکنم؟ اگر ازدواج کنم آیا در حقّ خواهرم خیانت کرده و دچار معصیت شده ام؟

جواب: شما شرعاً و اخلاقاً می توانید ازدواج کنید و خیانت و بی احترامی نسبت به خواهرتان نخواهد بود.

سؤال ۱۹۳. آیا تحقیق کردن در مورد دختران یا پسران، یا فکر کردن در مورد آنها، و یا عاشق آنها

بودن، اشکال دارد؟

جواب: عشقی که آمیخته به گناه نشود، و مقدمه ازدواج باشد مانعی ندارد؛ ولی در جایی که انسان قصد ازدواج ندارد نباید تحقیق کند.

سؤال ۱۹۴. اگر دختر یا پسر به هنگام خواستگاری دارای مشکلی از نظر جسمی باشد، و آن مشکل آشکار نباشد، آیا واجب است آن را به طرف مقابل بگوید؟

جواب: واجب نیست؛ ولی خلاف آن را نگوید. اما اگر مشکل مهمی باشد، گفتنش بهتر است.

سؤال ۱۹۵. سختگیری های بیش از حدّ برخی والدین در مورد مسائل مقدماتی ازدواج (مهریه و مانند آن) موجب محروم شدن جوانان از ازدواج می شود، خواهشمند است بفرمایید عمل مذکور چه صورت دارد؟

جواب: سخت گیری های بی مورد در امر مقدّس ازدواج جایز نیست؛ و چنانچه بر اثر این سخت گیری ها برخی از ازدواج محروم شوند، و خدای ناکرده مرتکب گناهی شوند، کسانی که سخت گیری کرده اند نیز در این مورد مسؤولند.

سؤال ۱۹۶. نظرخواهی جوانی از دختری، بدون اجازه ولی، به وسیله نامه چه حکمی دارد؟ چنانچه در ابراز علاقه و به کارگیری الفاظ در این جهت اغراقهایی صورت بگیرد تا در تصمیم دختر مؤثر افتد چگونه است؟

جواب: خواستگاری اشکالی ندارد و مشروط به اجازه ولی نیست؛ مگر این که منشأ مفاسدی گردد، که در این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۹۷. چنانچه شخصی از دختری برای خودش خواستگاری کند و از طرف پدر دختر جواب مثبت بگیرد و پس از تحمّل مخارجی از قبیل مخارج جلسه خواستگاری، لباسهای نامزدی، جواهرات، سوغات و هدایا، جریان ازدواج به هم بخورد، چنانچه انصراف از طرف پدر دختر یا بالعکس از طرف داماد باشد، هر کدام چه حکمی دارد؟ آیا خواستگار می تواند مخارج خود را مطالبه نماید؟

جواب: هدایایی که موجود است بازپس گرفته می شود؛ ولی خرجهایی که شده است قابل بازپس گیری نیست؛ مگر این که قول قطعی داده باشد و بدون دلیل موجهی اعلان انصراف کند.

۳ نامزدی

سؤال ۱۹۸. گروهی از خانواده ها مقیدند قبل از ثبت رسمی ازدواج، جهت محرمیت و ارتباطات دختر باکره و پسر، عقد شرعی جاری شود. با عنایت به این که طبق قانون ثبت ازدواج، قبل از ثبت رسمی، عقد ممنوع است و از طرفی ثبت بدون ارتباطات و شناخت، متضمن مشکلاتی، از جمله طلاق زودرس خواهد بود که گاه حتی در هفته های اولیه ازدواج رخ می دهد، و از سوی دیگر عقد شرعی بدون ثبت رسمی هم مشکلات دیگری به وجود آورد که قانونگذار نیز این معنا را مراعات و به این خاطر آن را ممنوع نموده، بنابراین خواهشمندم بفرمایید که حدود شرعی ارتباط دختر و پسر که حقیقتاً قصد ازدواج دارند تا چه میزانی است؟ اگر دیده شود بعضی از پسرها و دخترهایی که به رسم سنتی نامزد هستند و در شهر تردد دارند، از سوی مسئولین امر تحت تعقیب قرار می گیرند، حکم چیست؟

جواب: مرد و زنی که می خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، می توانند به مقدار لازم در جلسه ای بنشینند و یکدیگر را ببینند و با یکدیگر صحبت کنند و اگر در يك جلسه مقصود حاصل نشد، می توانند در چند جلسه با هم بنشینند و صحبت کنند، سپس تصمیم بگیرند.

سؤال ۱۹۹. با توجه به این که قرار نامزدی تا قبل از وقوع عقد طبق قانون مدنی موجب علقه زوجیت نمی باشد، لطفاً بفرمایید: رفتن دو نامزد پسر و دختر باکره، یا دو نامزد مرد و زن بیوه به تنهایی به خیابان یا خارج از شهر و یا به شهر بمنظور تفریح و گردش جایز است؟

جواب: مادام که عقد شرعی خوانده نشده جایز نیست.

سؤال ۲۰۰. شیرینی دختر و پسری را می خورند، پسر و بزرگان او هدایایی را برای عروس و خانواده اش می برند، در صورتی که نامزدی به هم بخورد و یا یکی از پسر و دختر بمیزند، حکم این هدایا چیست؟

جواب: آنچه مصرف نشده باید برگردانند، ولی نسبت به آنچه مصرف شده مدیون نیستند.

سؤال ۲۰۱. حکم هدایای قبل از عقد در صورت تحقق عقد یا به هم خوردن آن چیست؟

جواب: چنانچه عقد به هم نخورد این اشیا جنبه هدیه از طرفین دارد و تصرف در آن جایز است ولی هرگاه ازدواج به هم نخورد باید آن هدایا را برگردانند زیرا مرسوم این است که هدایا را مشروط به انجام عقد می دانند مگر هدایای جزئی از قبیل موادّ خوراکی که از این حکم خارج است.

* * *

۴ شیربها

سؤال ۲۰۲. شیربها چیست؟ چه حکمی دارد؟ متعلق به کیست؟

جواب: شیربها معمولاً مبلغی است که در ضمن عقد شرط می شود، که به پدر یا مادر عروس بدهند؛ و به این صورت اشکالی ندارد.

سؤال ۲۰۳. آیا مادر دختر می تواند شیربها بگیرد؟

جواب: مادر در صورتی می تواند شیربها بگیرد که به صورت شرط ضمن العقد به هنگام خواندن عقد نکاح قید شود.

سؤال ۲۰۴. در بین مردم و شیعیان افغانستان مرسوم است که در ازدواج علاوه بر مهریه، پدر دختر

مبلغی پول از داماد می گیرد آیا این پول حلال است و اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد؟

جواب: اگر پول مزبور را به صورت شرط ضمن عقد جهت پدر قرار دهند حلال است و با گذشتن سال، خمس آن واجب می شود.

سؤال ۲۰۵. آیا در ازدواج، اخذ پول گزاف اضافه بر مهریه از داماد جایز است؟ به گونه ای که اگر

تیمه نشود عروسی معطل می ماند، در حالی که افراد پولداری که کفو دختر نیستند بدون در نظر گرفتن رضایت دختر، با پدر و مادر او سازش کرده، پول می دهند و دختر را می گیرند؛ اما جوان بی پول، هر چند کفو و مناسب دختر باشد، محروم می ماند. آیا در چنین مواردی اخذ پول جایز است؟

جواب: در ازدواج تنها پرداختن مهریه و آنچه در عقد شرط شده لازم است و در همه حال رضایت دختر شرط است، و مهریه و شرایط، منوط به رضایت زوج و زوجه است و زاید بر آن مشروع نیست. و سزاوار است مسلمانان در تمام این موارد از سختگیری و هزینه های گزاف پرهیز نمایند.

۵ مهریه

سؤال ۲۰۶. شایستگی زنان مسلمان را به چه مهریه ای می دانید؟ و برای دختران و پسران جوان و پدر و مادرهای آنان در این زمینه چه توصیه ای دارید؟

جواب: اخلاق اسلامی ایجاب می کند که مهریه ها سبک باشد، و اصولاً ازدواج با هزینه کم انجام گیرد، که مایه سعادت زوجین خواهد شد، و سنگین کردن بار ازدواج شرعاً مذموم و عواقب ناگوار و مسؤولیت شدید دارد.

سؤال ۲۰۷. مرسوم است که عقد را به انضمام يك جلد کلام الله مجید جاری می کنند، آیا این کار به معنی تعلیم قرآن به زوجه است، تا بر مرد واجب باشد قرآن را به همسرش تعلیم بدهد، یا معنای دیگری دارد؟

جواب: قرار دادن قرآن جزء مهریه کار خوبی است، و مفهومش تهیه يك جلد کلام الله مجید برای زوجه است، نه آموزش قرآن؛ ولی لازم است قیمت آن در موقع عقد تعیین شود، تا مبهم نباشد.

سؤال ۲۰۸. حدّ و میزان مهریه چقدر است؟ حدّاقلّ و حدّاکثر آن را بیان کنید.

جواب: مهر حدّ ثابتی ندارد، ولی شایسته است از مهریه های سنگین پرهیز شود، طبق برخی از روایات^۵ زنانی که مهریه سنگین دارند شوم هستند.

سؤال ۲۰۹. اگر مردی مهریه همسرش را به قدری سنگین کرده باشد که معادل حقوق ماهیانه تمام عمرش هم کفاف آن را نکند، چنین مهریه و عقدی چه حکمی دارد؟

جواب: کار خوبی نکرده، ولی عقد و مهر باطل نیست؛ مگر این که در حدّی باشد که آن مهریه را سفیهانه بدانند.

سؤال ۲۱۰. با توجه به این که مورّحین مهریه بزرگ بانوی اسلام، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را مختلف نقل کرده اند:

۵ . احادیثی به این مضمون در کتاب وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب مهوّر، باب ۵ آمده از جمله حدیث ۸ .

الف) برخی آن را يك زره جنگی به مبلغ ۴۸۰ درهم، به اضافه يك دست لباس كتان و يك قطعه پوست گوسفند گفته اند.

ب) بعضی آن را چهارصد درهم شمرده اند.

ج) و برخی دیگر چهارصد مثقال نقره بیان کرده اند.

و از طرف دیگر در روایتی مهریه آن حضرت «شفاعت گنهکاران از امت پدرش»^۶ آمده است، آیا صرف تعیین مهریه حضرت زهرا(علیها السلام)(مهرالسنة) برای عروسان، بدون تعیین ارزش فعلی آن، صحیح است؟

جواب: معروف است که مهرالسنة معادل پانصد درهم می باشد^۷ هر گاه در محیط زوجین این شهرت وجود داشته باشد کافی است، و الا باید تعیین کنند.

سؤال ۲۱۱. اگر مرد از اول قصدش این باشد که مهر زن را نپردازد عقد صحیح است؟

جواب: آری عقد صحیح است و پرداختن مهر بر او واجب است.

سؤال ۲۱۲. آیا زوج می تواند مهریه همسر خود را آموزش تلاوت قرآن قرار دهد؟ در صورت مثبت بودن، اگر مرد تلاش خود را انجام دهد، ولی زن به جهت کند ذهن بودن نتواند یاد بگیرد، وظیفه زوج چیست؟

جواب: آموزش قرآن می تواند مهریه بوده باشد و مرد باید وظیفه خود را انجام دهد، اگر زوجه استعداد نداشت و مرد کوشش لازم را کرد، دین خود را ادا کرده است.

۶. احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۳۶۷.

۷. مهرالسنة در تیرماه ۱۳۸۸ حدوداً معادل پانصد و بیست و نه هزار تومان بوده است.

۶ آزمایش

سؤال ۲۱۳. اگر از باب احتیاط، عروس برای بررسی بکارت به دکتر همجنس و در صورت نبودن همجنس به دکتر مرد مراجعه کند با توجه به لزوم لمس، آیا این کار جایز است؟
جواب: هرگاه ترك این کار مظنه مفاسد و اختلافات مهمی بوده باشد جایز است. و در این صورت باید حتی الامکان از طیب زن اگر ممکن است از غیر طریق رؤیت مثلاً با استفاده از لمس غیرمستقیم به وسیله دستکش و مانند آن انجام گیرد.

سؤال ۲۱۴. آیا شرعاً لازم است قبل از خواندن صیغه عقد دائم دختر و پسر آزمایش خون بدهند؟
جواب: واجب نیست ولی احتیاط ترك نشود.

سؤال ۲۱۵. جوانی جهت ازدواج برای آزمایش به پزشك مراجعه می کند. پزشك وی را دچار بیماری مسری می یابد، و یا متوجه می شود که معتاد است. در اینجا، اگر واقعیت را برای دیگران، که منتظر نتیجه آزمایش هستند بگوید، پرده از روی راز پنهان بیمار برداشته می شود، که قطعاً برای بیمار تبعات سوئی به دنبال خواهد داشت. و اگر نگوید همسر آینده وی دچار بیماری مسری شده، و گرفتاری هایی پیدا می کند، و ممکن است برای طیب هم مشکل ساز شود. تکلیف طیب چیست؟
جواب: با توجه به اینکه این گونه آزمایش ها نوعی مشورت با طیب است، کتمان کردن واقعیت، خیانت در مشورت محسوب می شود، و باید واقعیت را بگوید.

۷ دوران عقد

- سؤال ۲۱۶.** اگر کسی دختری را عقد نماید، آیا پدر و مادر دختر مجاز هستند زن و شوهر قانونی را از هم دور نگه دارند و نگذارند آن دو با هم به تفریح رفته و در کنار هم باشند؟
- جواب:** در صورتی که بر اساس عرف و عادت محل عقد انجام شده و مردم در آن محل برای فرستادن دختر همراه شوهر مادام که عروسی نکرده اند رسوم و عاداتی دارند، باید طبق آن عمل شود.
- سؤال ۲۱۷.** در محلی رسم است که از طرف داماد در ایام عید گوسفندی به عنوان عیدی به منزل عروس می برند، این گوسفند ملك کیست؟ عروس یا پدرش یا برادرانش؟
- جواب:** اگر قبل از آمدن عروس به خانه شوهر هدایایی ببرند، مال عروس است.
- سؤال ۲۱۸.** من در دوران عقد هستم در بعضی مواقع به دلیل خجالت کشیدن تا ۲۴ ساعت نمی توانم غسل کنم؛ آیا با تیمم بدل از غسل می توانم نماز بخوانم؟
- جواب:** در صورتی که این کار واقعاً برای شما عسر و حرج شدید دارد تیمم صحیح بوده و الاً باید نمازها را قضا کنید.
- سؤال ۲۱۹.** مردی عقد کرده و ما می دانیم همسر او معتاد است؛ باید به او اطلاع دهیم؟
- جواب:** لازم است به او اطلاع دهید.
- سؤال ۲۲۰.** آیا در دوران عقد اطاعت از شوهر بر زن لازم و پرداخت نفقه بر شوهر لازم است؟
- جواب:** مطابق آنچه در عرف معمول امروز است، تا زمانی که زن به خانه شوهر نیامده نه نفقه دارد و نه برای خروج از منزل از شوهر اجازه می گیرد، و این در واقع نوعی شرط ضمن عقد است.
- سؤال ۲۲۱.** بعضی از دختران در دوران عقد حامله می شوند و برای حفظ آبرو که این کار را قبل از عروسی ناپسند می شمردند اقدام به سقط جنین می کنند. این کار چه حکمی دارد؟ راه جبران آن چیست؟
- جواب:** سقط جنین حتی در این صورت جایز نیست، و اگر سقط کنند دیه دارد.
- سؤال ۲۲۲.** عقدنامه باید نزد چه کسی باشد؟ خانواده عروس یا نزد خود داماد؟

جواب: چنانچه قرار و شرط خاصی قبل از عقد درباره عقدنامه نگذاشته باشند باید آن را به خانواده زن داد و زوج می تواند در صورت نیاز گواهی از دفتر بگیرد.

* * *

۸ خرید حلقه نامزدی و امثال آن

سؤال ۲۲۳. شوهرم قصد دارد برای ازدواج حلقه طلا بخرد، ایشان می گوید «من فقط شب عروسی حلقه را دست می کنم» این کار چه حکمی دارد؟

جواب: زینت طلا بر مرد حرام است. و خرید و فروش طلای مخصوص مردان اشکال دارد. ولی می توانید از پلاتین که فلز گران بهایی است استفاده کنید.

سؤال ۲۲۴. بسیاری از خانواده ها براساس يك سنت غلط به داماد خود انگشتری یا ساعت یا گردنبند یا حلقه طلا هدیه می دهند و آنها نیز از آن استفاده می کنند و در نتیجه زشتی این کار از بین می رود. مستدعی است نظر مبارك را در مورد استفاده مردها از انگشتر و دیگر زیور آلات و همچنین هدیه دادن آن به دامادها و جوانان و همچنین ساختن و خرید و فروش آن که مقدمه و زمینه ساز این منکر است صریحاً مرقوم فرمایید تا جوانان و دیگر طبقات جامعه وظیفه شرعی خود را بدانند.

جواب: زینت طلا برای مردان مطلقاً حرام است و مسلمانان و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) باید به پیروی از دستورات آن بزرگواران از این امر اجتناب ورزند فرقی در میان هدیه و غیرهدیه و داماد و غیرداماد نیست. ساختن و خرید و فروش آنها نیز اگر استفاده اش مخصوص مردان باشد اشکال دارد و اگر زینت طلا به صورت صلیب باشد پوشیدن و ساختن و خرید و فروش آن گناه مضاعف دارد.

سؤال ۲۲۵. اینکه استفاده از طلا برای مردان به طور موقت اشکالی ندارد منظور چه مدت است؟ لطفاً توضیح دهید.

جواب: هر گاه برای امتحان مثلاً جهت خرید برای همسرش باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۲۲۶. اگر در خرید عروسی برای ما شال گردن ابریشم (يك طرف ابریشم، يك طرف پشم) بگیرند می توانیم استفاده کنیم؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۲۲۷. اگر در خرید عروسی برای ما کراوات بگیرند می توانیم استفاده کنیم؟

جواب: با توجه به این که در حال حاضر و در کشور ما، این امر به عنوان شعار بیگانگان و همبستگی با آنها محسوب می شود، از آن اجتناب کنید. ولی در کشورهایی که جزیی از لباس مردم محسوب می گردد، پوشیدن آن اشکالی ندارد.

سؤال ۲۲۸. با توجه به اینکه امروزه بسیاری از لوازم آرایش مورد مصرف بانوان مسلمان از جفت جنین تهیه می گردد استفاده و مصرف آن چه حکمی دارد ضمناً بفرمایید جفت نجس است یا متنجس؟
جواب: دلیلی بر نجاست جفت نیست (همانطور که در تعلیقه عروه نیز نوشته ام) بنابراین اگر آلوده به خون نباشد یا شك داشته باشیم پاك است.

سؤال ۲۲۹. اینجانب تازه عقد نموده ام و در خرید حلقه، (حلقه طلای سفید) خریدند به گفته طلا فروشان فرق این طلا با طلای زرد این است که با طلای سفید می شود نماز خواند ولی با طلای زرد نمی شود. در رساله آقا آمده است که اگر پلاتین باشد حلقه برای مردان مشکلی ندارد و به گفته عده ای این طلای سفید همان پلاتین است. و بعضی ها می گویند همان طلاست. و آیا استفاده از طلای سفید (حلقه) برای مردان حرام است یا خیر؟ و اگر استفاده کرد نماز با آن چه حکمی دارد؟
جواب: زینت به هر طلائی (زرد. سرخ. سفید) برای مردان جایز نیست و نماز با آن باطل است ولی پلاتین که فلز دیگری است مانعی ندارد.

۹. جهیزیه

سؤال ۲۳۰. پولی را که پدر دختر از داماد جهت جهیزیه دخترش می گیرد در صورتی که از جهیزیه زیاد بیاید آیا برای پدر دختر حلال است؟

جواب: اگر به صورت شرط ضمن العقد پول مزبور را جهت پدر قرار دهند مبلغ اضافی برای او حلال است و اگر آن پول را به نام دختر قرار داده باشند و جزء مهریه باشد متعلق به دختر است.

سؤال ۲۳۱. اگر پدر دختر همان پولی را که از داماد می گیرد مهریه دخترش قرار دهد، به این معنا که دختر مبلغ را کاملاً از شوهرش به عنوان مهریه خود اخذ کند، هر مقدار که خواست برای خودش جهیزیه تهیه کند و اضافه آن را به پدر یا مادر و یا برادر خود هبه کند، آیا برای آنها حلال است؟

جواب: در صورتی که مهریه و شیربها را دختر به صورت مهریه از شوهر بگیرد و مقداری از آن را صرف تهیه جهیزیه نماید و اضافی آن را به هر کس بدهد جایز است.

سؤال ۲۳۲. اگر یکی از فرزندان خانواده ای طلاق بگیرد، و در این هنگام برای فرزند دیگرشان خواستگاری بیاید، و پدر و مادر مجبور شوند از مهریه فرزند بزرگ تر برای مخارج ازدواج فرزند دیگر هزینه کنند، چه حکمی دارد؟

جواب: بدون رضایت آن دختر از مهریه او نمی توان استفاده کرد. و اگر این کار را کرده اند، باید به شکلی رضایت او را جلب کنند.

سؤال ۲۳۳. آیا بطور کلی و در هر صورت پس از فوت زوجه، جهیزیه او جزء ماترك است؟

جواب: جهیزیه، جزء ماترك زوجه است.

سؤال ۲۳۴. در بعضی از مناطق طبق عرف محل، در حین عقد زوجه قید می گردد که اجناسی به عنوان جهیزیه از سوی زوج تهیه و تحویل خانواده زوجه گردد و پس از تحویل به عنوان مال پدری صورت جلسه و همراه زوجه به خانه شوهر فرستاده می شود، بعداً در مالکیت آن اختلاف می شود، با توجه به این که از نیت زوج در حین تهیه و تحویل اجناس اطلاعی نیست، آیا اجناس قید شده ملك زوجه می باشد یا زوج؟

جواب: در فرض مسأله مالك تمام آنها زوجه است.

سؤال ۲۳۵. آیا مرد ضامن جهیزیه همسرش می باشد؟ اگر شوهر فوت کرد و جهیزیه همراه دیگر ماترکش در اختیار ورثه قرار گرفت، آیا وراثت ضامن هستند؟ اگر در حین مطالبه، کل جهیزیه یا بعضی از آن وجود نداشت و ورثه هم اظهار بی اطلاعی نمودند آیا ورثه ضامن هستند؟

جواب: اگر ثابت شود شوهر در حفظ آن کوتاهی کرده مسئول است در غیر این صورت مسئولیت ندارد؛ و جهیزیه زن جزء ترکه شوهر نمی شود و اگر ورثه بدون اجازه زوجه در آن تصرف کنند ضامن هستند.

* * *

۱۰ مراسم عروسی

۱. برگزاری مجلس

سؤال ۲۳۶. به نظر حضرتعالی جشن عروسی يك مسلمان باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟ به تعبیر دیگر، زوجین جوان مسلمان که قصد دارند به گونه ای جشن عروسی برپا کنند، که از يك سو مورد رضایت خداوند باشد و قدم اول زندگی مشترك را با معصیت آغاز نکنند، و از سوی دیگر همراه با شادی و شور و شغف باشد و رضایت دعوت شدگان هم فراهم شود، باید چه کنند؟

جواب: باید از برنامه هایی استفاده کنند که آمیخته با خلاف شرع نباشد و این، امر ممکن است، و بسیاری از مؤمنین انجام می دهند.

سؤال ۲۳۷. خانم ها در مجالس عروسی نسبت به سرو وضع و رخت و لباس خود حساسیت خاصی دارند، به گونه ای که اگر خانمی لباس گرانیگیمی را در يك جشن عروسی بپوشد، آن را در مجلس جشن دیگر نمی پوشد! حتی برخی از خانم ها به این مقدار نیز قناعت نکرده، و در يك مجلس عروسی چند بار لباس عوض می کنند! این گونه کارها چه حکمی دارد؟

جواب: این گونه کارها در شأن زنان با شخصیت و با ایمان نیست.

سؤال ۲۳۸. شرکت در عروسی، یا مجالس دیگر، که انسان می داند در آن رعایت شؤونات اسلامی نمی شود (از قبیل اختلاط زن و مرد، رقص و پایکوبی، استفاده از نوارهای موسیقی و مانند آن) چه حکمی دارد؟

جواب: شرکت در مجالس گناه حرام است.

سؤال ۲۳۹. متأسفانه غالب مجالس عروسی در زمان ما برای مؤمنین مشکل ساز شده است، به گونه ای که رفتن به مجلس عزا برای آنها، خوشایندتر از شرکت در چنان مجالس شادی است! حال اگر شخصی مجبور باشد در مجلس عروسی، که آلوده به گناهایی همچون موسیقی حرام و رقص و مانند آن است شرکت کند، و در اطایقی که این گناهان انجام می شود نرود، بلکه در اطاق مجاور که صدای ساز و آواز می آید باشد، آیا مرتکب گناه شده است؟ همچنین اگر در تالاری باشند که در يك قسمت

موسیقی و رقص هست و او در قسمت دیگری است، ولی صدای موسیقی را می شنود، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در محلّ جداگانه ای باشد که دو مجلس محسوب شود اشکالی ندارد؛ ولی عمداً به موسیقی حرام گوش ندهد، هر چند بی اختیار به گوشش برسد.

سؤال ۲۴۰. حکم کاروان های عروسی که با بوق زدن و دست زدن عروس را از خیابان ها عبور میدهند چیست؟

جواب: این کارها مناسب اهل دین نیست.

۲. موسیقی

سؤال ۲۴۱. موسیقی حرام چیست؟

جواب: کلیه صداها و آهنگ هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است. و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف، یعنی افراد فهمیده متدین، خواهد بود.

سؤال ۲۴۲. طبق نظر برخی از مراجع تقلید، موسیقی در مجالس عروسی استثناء شده است، نظر حضرت تعالی در این زمینه چیست؟ آیا مقلدین شما (در صورتی که جواب منفی باشد) می توانند در این مسأله از آن مراجع تقلید کنند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب فرقی میان مجالس عروسی و غیر عروسی نیست. و با توجه به این که ما در این مسأله احتیاط واجب داریم، مقلدین ما می توانند به مرجع دیگری مراجعه کنند.

سؤال ۲۴۳. برخی از خانم ها معتقدند که نواختن آهنگ با سازهای بدون حلقه، و نیز با ظروفی مانند قابلمه و سطل و مانند آن اشکال ندارد، آیا نواختن آهنگ با این وسائل در مجالس عروسی زنانه جایز است؟

جواب: هرگاه با این وسائل آهنگ هایی مانند وسایل موسیقی نواخته شود جایز نیست؛ اما اگر مانند آن آهنگ ها نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۲۴۴. عروس و داماد مخالف موسیقی و رقص هستند اگر بقیه انجام می دهند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتیکه آنها موافق نبوده و با زبان خوش نھی از منکر کنند مسئولیتی ندارند.

سؤال ۲۴۵. آوازخوانی زنان و دختران بصورت انفرادی یا دسته جمعی، در محفل خصوصی زنان، مخصوصاً مجالس عروسی، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر منظور از آواز، خوانندگی های مناسب مجالس لهُو و فساد باشد، جایز نیست.

سؤال ۲۴۶. زنان در کشمیر در مراسم ازدواج برای استقبال از داماد و عروس در خیابان ها و در جمع ناظران ترانه های محلی می خوانند، این عمل چه حکمی دارد؟ آیا شرکت در این مجالس جایز است؟

جواب: خواندن این ترانه ها جایز نیست، و شرکت در این گونه مجالس اشکال دارد.

۴. رقص و شاباش

سؤال ۲۴۷. تعریف رقص از نظر شرعی چیست؟ و حکم آن به نظر حضرتعالی چه می باشد؟

جواب: تنها رقص زن برای شوهرش جایز است، و بقیه اشکال دارد، و رقص يك امر عرثی است، و آن حرکات موزونی است که افراد مطلع تصدیق کنند مصداق رقص است، و اگر مصادیق مشکوکی پیدا کرد حرام نیست.

سؤال ۲۴۸. با توجه به این که به جز رقص همسر برای همسر، بقیه رقص ها اشکال دارد، لطفاً بفرمایید: پولی که به عنوان شاباش در مجالس رقص، به ویژه عروسی ها، به کسی که می رقصد می دهند، برای دهنده و گیرنده آن، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: دادن و گرفتن این پول ها جایز نیست.

سؤال ۲۴۹. آیا برای عروس جایز است که در مجلس عروسی زنانه، که هیچ مردی جز داماد حضور ندارد، فقط برای شوهرش برقصد؛ هر چند زنان دیگر هم تماشا کنند؟

جواب: رقص زن فقط برای شوهرش جایز است، نه در حضور زنان دیگر.

سؤال ۲۵۰. آیا رقص در مجالس عروسی، مخصوصاً مجالس زنانه، جایز است؟

جواب: رقص منشأ فساد است و اشکال دارد، خواه رقص زن برای زن، یا مرد برای مرد، و یا زنان برای مردان باشد؛ ولی رقص زن برای همسرش اشکال ندارد.

سؤال ۲۵۱. آیا جایز است زن در میان زنان برقصد؟ اگر جایز نیست، حکم نشستن زنان در تالارها و چنین مجالسی چگونه است؟

جواب: همان گونه که گفته شد تنها رقص زن برای شوهرش جایز است، و بقیه اشکال دارد، و نباید در مجالس معصیت شرکت کرد.

۵. کف زدن

سؤال ۲۵۲. حکم کف زدن و دست افشانی و چوب بازی در مجالس عروسی چیست؟

جواب: کف زدن اشکالی ندارد، و چوب بازی نیز اشکالی ندارد، مگر این که مفسده خاصی بر آن مترتب شود؛ ولی رقص برای غیر شوهر اشکال دارد.

سؤال ۲۵۳. حکم کف زدن هم‌هنگ و مرتب یا نامرتب به صورت مطلق، و در هر مجلسی (عروسی، میهمانی، مولودی و مانند آن) و در هر مکانی (اعم از مسجد، حسینیه، منزل و مانند آن)، جهت اظهار شادی و سرور، یا تشویق، چیست؟

جواب: از جواب سابق معلوم شد؛ ولی توجه داشته باشید که افراط در هیچ کاری شایسته نیست.

۶. فیلم برداری و عکاسی

سؤال ۲۵۴. آیا خواهران مذهبی می توانند در عروسی ها و عقدها که نوعاً بدحجاب و آرایش کرده هستند، جلو دوربین قرار بگیرند توسط خواهران عکاس عکس آنها گرفته بشود؟ ناگفته نماند ظاهر کردن چنین عکسهایی به دست مردان نامحرم می باشد.

جواب: عکس گرفتن از زنان به وسیله زنان اشکالی ندارد، مگر این که به دست مردان بیگانه بیفتد و آنها را بشناسند و یا منشأ فساد شود.

سؤال ۲۵۵. عکس برداشتن مرد از زن نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: عکس برداشتن مرد از زن نامحرم حرام نیست، مگر این که ناچار باشد که به بدن او غیر از صورت و دست ها نگاه کند.

سؤال ۲۵۶. آیا جایز است عکسی که بدون حجاب اسلامی گرفته شده را برای ظاهر کردن به عکاس نامحرم داد؟

جواب: در صورتی که عکاس صاحب آن عکس را نشناسد، و منشأ مفساد خاصی نگردد، مانعی ندارد.

سؤال ۲۵۷. آیا برای عکاس مسلمان جایز است از چیزهای غیر اسلامی، مانند رقص، عکسبرداری کند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۲۵۸. عکس گرفتن زن نزد عکاس نامحرم، یا ظاهر کردن عکس توسط نامحرم چه حکمی

دارد؟

جواب: در صورتی که او را نمی شناسد، ظاهر کردن عکس اشکالی ندارد و عکس گرفتن در صورتی جایز است که با حجاب شرعی باشد.

سؤال ۲۵۹. فیلمبرداری و عکاسی در بعضی از مجالس عروسی، که به علت لایبالی گری مسائل

محرم و نامحرم احیاناً رعایت نمی شود، توسط عکاس زن که شغلش این کار است چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

۷. کادو

سؤال ۲۶۰. آیا کادو و هدایایی را که بستگان عروس، (که نسبتی با داماد ندارند) می آورند متعلق

به عروس (زوجه) است؟

جواب: آری متعلق به زوجه است؛ مگر این که بگویند متعلق به داماد است، و یا قرائن قطعی

حکایت از آن کند.

سؤال ۲۶۱. اگر عروس و دامادی با هم فامیل باشند، آیا کادو و هدایایی که ضمن عروسی برای

آنها می آورند، متعلق به کیست؟

جواب: آنچه زنانه است متعلق به عروس و آنچه مردانه است متعلق به داماد و بقیه مشترك است.

بخش سوم:

**محارم و گروهی از زنان که ازدواج با
آنها حرام است**

بخش سوم: محارم و گروهی از زنان که ازدواج با آنها حرام است

۱ محارم

۱. محارم نسبی

سؤال ۲۶۲. آیا عمّه و خاله مادر و پدر و عمّه و خاله پدر بزرگ و مادر بزرگ جزء محارم هستند؟

جواب: عمّه و خاله پدر و عمّه و خاله پدر بزرگ و عمّه و خاله مادر و عمّه و خاله مادر مادر، هر چه بالا روند به انسان محرمند.

سؤال ۲۶۳. چه مدرکی برای محرمیت دایی جز شهرت فتوایی وجود دارد؟

جواب: این مسأله صریحاً در آیه ۲۳ سوره نساء آمده است، آن جا که می فرماید: (وَ بَنَاتُ الْأَخِ وَ بَنَاتُ الْأُخْتِ) مسلماً هنگامی که دختر خواهر به شخصی محرم باشد دایی هم با او محرم می شود زیرا از يك طرف دختر خواهر است و از يك طرف دایی.

سؤال ۲۶۴. اگر از نظر طّی این امکان فراهم گردد که همانند سایر اعضا بتوان تخمدان يك زن را به زن دیگر پیوند زده، در این صورت اگر زن دوم (دریافت کننده پیوند) در اثر ازدواج صاحب فرزند شود، با توجه به این که نطفه، حاصل لقاح سلول های زایای مرد (اسپرم) با سلول های زایای موجود در تخمدان (تخمک) زن اول است و طبیعتاً از نظر وراثت و خصوصیات فردی و ژنتیکی، پنجاه درصد متعلق به زن اول است. حال از نظر شرعی، مسأله محارم شوهر و زن اول و دوم و محارم فرزند چگونه است؟

جواب: در صورتی که تخمدان زنی را به دیگری پیوند بزنند و جزء بدن او شود، یعنی پیوند کاملاً بگیرد، در این صورت هرچه از آن متولد شود متعلق به زن دوم است، و رابطه ای با زن اول ندارد.

سؤال ۲۶۵. آیا زن یا مرد مسلمان، با مرتد شدن به محارم خود نامحرم می شود؟

جواب: نامحرم نمی شود؛ جز زن و شوهر که باید از هم جدا شوند.

سؤال ۲۶۶. می گویند زنازاده نه ارث می برد، و نه محرمیت برایش حاصل می گردد. آیا این مطلب

صحت دارد؟

جواب: زنازاده ارث نمی برد، ولی محرمیت و سایر آثار را دارد.

سؤال ۲۶۷. آیا در بهشت محرم و نامحرم وجود دارد؟ اگر دارد به چه صورت است؟ و اگر ندارد، آیا محارم می توانند با هم ازدواج کنند؟

جواب: در بهشت کسی هوس ازدواج با محارم و سایر کارهای ناپسند را نمی کند.

۲. محارم سببی

سؤال ۲۶۸. پس از ازدواج چه کسانی به مرد محرم می شوند؟

جواب: هرگاه کسی زنی را برای خود عقد نماید، هر چند با او نزدیکی نکرده باشد، مادر و مادر مادر آن زن و مادر پدر او هر چه بالا روند به آن مرد محرم می شوند، ولی دختر زن و نوه دختری و پسری آن زن در صورتی به آن مرد حرام می شوند که با آن زن نزدیکی کرده باشد.

سؤال ۲۶۹. پس از ازدواج چه کسانی به زن محرم می شوند؟

جواب: پدر شوهر و جدّ او هر چه بالا روند و پسر و نوه پسری و دختری شوهر، هرچه پایین آیند به زن او محرمند، چه قبل از عقد متولد شده باشند یا بعد از عقد.

سؤال ۲۷۰. آیا عروس زوجه انسان (یعنی زوجه فرزندی که آن زن از شوهر دیگر دارد) بر او محرم است؟

جواب: تنها عروس خود انسان یعنی همسر پسرش بر او محرم است نه عروس همسرش.

سؤال ۲۷۱. اگر مردی همسرش را طلاق دهد و آن زن بعد از طلاق و عدّه، با فردی دیگر ازدواج کند و از ازدواج دوم دختری متولّد شود، آیا شوهر اوّل می تواند بعد از رسیدن آن دختر به سنّ ازدواج با او ازدواج کند؟

جواب: دختر زن انسان از شوهر دیگر با او محرم است (به شرط دخول با آن زن) و فرقی میان دخترانی که قبل از نکاح و بعد از طلاق متولّد شده اند نیست.

سؤال ۲۷۲. مردی زنی را برای مدّت کوتاهی صیغه کرده، بعد از انقضای مدّت، محرمیت بین مرد با دختر زنی که صیغه شده باقی است چه زن زنده باشد یا فوت کرده باشد آیا نسبت به دختر دختر این زن و همچنین هر چه پایین رود، نیز محرمیت باقی است؟

جواب: چنانچه با آن زن نزدیکی کرده باشد دختران آن زن مطلقاً براو حرامند.

سؤال ۲۷۳. اگر زنی که شوهر او مرده است و از او پسران و دخترانی دارد با مرد دومی ازدواج کند آیا شوهر دوم به دختران این خانم محرم است؟

جواب: شوهر دوم پس از عروسی با آن زن نسبت به دختران آن زن از شوهر اوّل محرم است.

سؤال ۲۷۴. شخصی با همسر شهیدی که دارای يك دختر است، ازدواج کرده، آیا این دختر بر پدر این آقا (پدر بزرگ) محرم است، اگر نیست راه محرم شدن چیست؟

جواب: نامحرم است، ولی هرگاه آن پدر فرزند دیگری داشته باشد و صیغه شرعی این دختر را با آن فرزند بخوانند، حکم عروس او را پیدا می کند و بر او محرم می شود.

سؤال ۲۷۵. مردی دارای دو زن است و از هر دو دارای اولاد است و می دانیم که اولاد پسر و اولاد اولاد پسر این زن با آن زن محرمند، اینک سؤال این است که آیا اولاد دختر آن زن (نوه دختری زن اول) نیز به زن دیگر محرمند؟

جواب: نوه های پسری و دختری همه با آن زن محرمند، زیرا زن پدر و زن جد جزء محارمند.

سؤال ۲۷۶. چون قرار است در آینده نزدیک فرزندی را از طریق اداره بزهیستی به عنوان فرزند خوانده (پسر یا دختر) جهت سرپرستی قبول نمایم، لذا خواهشمند است نظرات خود را پیرامون سؤالات ذیل مرقوم فرمایید.

الف) با توجه به آیه ۵ سوره احزاب، نامگذاری فرزند به نام شخصی که فرزند را جهت سرپرستی قبول می نماید چه حکمی دارد؟

جواب: نباید چیزی بر خلاف واقع بگوید و او را فرزند خود بنامد؛ مگر این که ضرورتی ایجاب کند. ب) از نظر شرعی رابطه مادر و پدر با فرزند خوانده (پسر یا دختر) با توجه به قضیه محرمیت چگونه می باشد؟ آیا خواندن صیغه محرمیت کفایت می کند؟

جواب: صیغه محرمیت در این جا معنا ندارد؛ مگر آن فرزند مثلاً دختر باشد و او را با اجازه حاکم شرع به عقد موقت پدر آن مرد درآورد تا نسبت به آن مرد به عنوان زن پدر محرم شود، یا در صورت پسر بودن آن فرزند، شیر خواهر یا مادرزن را بخورد.

ج) اگر در آینده به خواست خداوند فرزندی از پدر و مادر متولد گردید (پسر یا دختر)، رابطه آنها از نظر محرمیت با فرزند خوانده چگونه خواهد بود؟

جواب: اگر طبق مسأله قبل عمل کنند و زن پدر او شود به همه فرزندان او محرم می شود.

د) از نظر مشروع و نامشروع بودن فرزند، آیا گفته نماینده بزهیستی کفایت می نماید؟

جواب: آری؛ برای مشروعیت کافی است.

سؤال ۲۷۷. شخصی پس از فوت همسرش دوباره ازدواج کرده و مادرزن اول او نیز دوباره ازدواج کرده است، آیا هنوز با مادر زن اول محرم است؟ در صورت طلاق چطور؟ اگر پسر کسی بمیرد و عروس او شوهر دیگری کند یا عروسش طلاق بگیرد و با دیگری ازدواج کند، آیا باز هم به پدر شوهر اول محرم است؟

جواب: مادر زن در هر حال محرم است و عروس هم در هر حال به پدر شوهر محرم است.

سؤال ۲۷۸. مردی دارای دو زن است و از هر زنی چنددختر دارد همه دخترها را شوهر داده، آیا شوهران این دختران به زن دیگر آن مرد محرمند؟ و آیا فرزندان و نوه ها چه از این دختران و چه از آن دختران، نسبت به زن های دیگر آن مرد محرمند؟

جواب: بچه ها و نوه ها به مرد و زن محرمند ولی داماد يك زن به زن دیگر محرم نیست.

سؤال ۲۷۹. آیا مادر زن دوم به پسر زن اول محرم است؟

جواب: محرم نیست.

سؤال ۲۸۰. در صورتی که زن اول از شوهر اولی خود (غیر از شوهر فعلی) پسری داشته باشد،

تکلیف این پسری که از شوهر قبل بوده است با زن و مادر زن شوهر دوم چیست؟

جواب: محرم نیستند.

سؤال ۲۸۱. همسر حقیر هفت سال پیش فوت نمود. پس از سر و سامان دادن فرزندانم و سپری

شدن هفت سال از فقدان وی، در مشهد مقدّس تجدید فراش کردم و با خانم مؤمنه و صالحه ای ازدواج نمودم. مستدعی است بفرمایید آیا بنده نسبت به دختران و عروسی که دارند محرم هستم؟ و فرزندان من نسبت به ایشان چطور؟

جواب: شما نسبت به دختران همسران محرم هستید (البته بعد از عروسی و دخول با همسران) و اما

نسبت به عروسهای او محرم نیستید، فرزندان شما نیز نسبت به همسر جدیدتان محرم هستند.

سؤال ۲۸۲. آیا زن پدر نسبت به فرزندان دختر و پسر شوهر خود که از زن دیگری می باشند محرم

است؟

جواب: همه با هم محرمند.

سؤال ۲۸۳. زن و شوهری بچه دار نمی شوند، اگر بخواهند بچه ای از شیرخوارگاه اختیار کنند برای

محرم شدن با مرد و زن چه راه شرعی وجود دارد؟

جواب: اگر دختر باشد و پدر مرد در حیات است میتوان عقد موقت دختر را با اجازه حاکم

شرع، برای پدر خواند و حکم زن پدر را پیدا کند و محرم شود و اگر خواهر، یا مادر، یا زن برادر، یا برادرزاده ها، یا خواهرزاده های مرد شیر داشته باشند و بچه شیرخوار باشد و از شیر آنها (با شرایط لازم) بخورد، حکم خواهرزاده، یا خواهر یا برادرزاده رضاعی پیدا کرده محرم می شود. و در صورتی که پسر باشد راه محرمیت آن است که از شیر خواهر، یا مادر، یا زن برادر، یا خواهرزاده ها، یا برادرزاده های آن

زن فاقد فرزند بخورد تا آن زن، خاله یا خواهر و یا عمه رضایی آن پسر شود و محرم گردد. و اگر دوران شیرخوارگی پسر بچه گذشته باشد راهی برای محرمیت او نیست.

سؤال ۲۸۴. شخصی همسر برادرش را به خاطر دین، ایمان، تقوا، حیا، حجاب و عقبتش دوست دارد اگر نگاهش به او مانند خواهرش باشد. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا راهی برای محرم شدن با او وجود دارد؟ حکمش چیست؟

جواب: با حسن نیتی که آن شخص دارد باید توجه داشته باشد که این گونه مسائل دام شیطان است و گرفتاری دنیا و آخرت دارد و در انتظار محرم شدن نباشد، و رابطه اش در حدود عادی باشد.

ب) دست دادن (مصافحه) با زن برادر مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است، و این نخستین گام به سوی افتادن در دام شیطان است.

سؤال ۲۸۵. زنی دو شوهر کرده و از هر کدام يك دختر دارد، آیا پدر پدر (جد پدری) هر يك از این

دخترها به دختر دیگر محرم است؟ به عبارت دیگر، آیا مرد با ریبه فرزندش محرم است؟

جواب: محرم نیست.

سؤال ۲۸۶. اگر مردی دو زن به نام های فاطمه و زهرا داشته باشد، و از هر کدام دختری داشته

باشد، و دختران آن مرد شوهر کنند، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا داماد آن مرد با هر دو زن او محرم هستند؟ مثلاً حسن داماد فاطمه، با زهرا هم محرم است؟

جواب: تنها به مادر زن خود محرم می شود.

ب) اگر شیر یکدیگر را خورده باشند، چطور؟ مثلاً لیلا، که دختر فاطمه است، شیر زهرا را هم

خورده باشد. آیا حسن که با فاطمه، مادر خانمش، محرم است، با زهرا که همسرش را شیر داده نیز محرم

می شود؟

جواب: مادر زن رضاعی، محرم است.

ج) اگر داماد دومی پیدا شود؛ مثلاً حسین با سکینه ازدواج کند و سکینه فقط شیر مادرش را (که

زهرا است) خورده باشد و شیر فاطمه را نخورده باشد، آیا حسین با فاطمه محرم می شود؟

جواب: محرم نمی شود.

سؤال ۲۸۷. مردی نعوذ بالله با زنی زنا می کند، و زن حامله می شود. قبل از این که بچه به دنیا

بیاید، زن با مرد دیگری ازدواج می نماید، پس از ازدواج پسر بچه ای به دنیا می آید، سپس همان زن از

مردی که با او ازدواج کرده، صاحب دختری می شود. آیا آن پسر و این دختر بر یکدیگر محرمند؟ اگر

پسر دیگری که بالغ است، با آن پسر لواط کند، آیا دختر مذکور بر او حرام می شود؟

جواب: آن دختر و پسر، که از يك مادر متولّد شده اند، با هم محرمند؛ هر چند یکی از آن دو فرزند، نامشروع است، و آن خواهر بر واطی حرام می شود، مشروط بر این که یقین به دخول داشته باشد.

* * *

بخش سوم: محارم و گروهی از زنان که ازدواج با آنها حرام است/ گروهی از زنان که ازدواج با آنها...

۲ گروهی از زنان که ازدواج با آنها حرام است و یا اینکه تصور می شود که حرام باشد

۱. ازدواج با فرق و ادیان مختلف

سؤال ۲۸۸. ازدواج با کافر چه حکمی دارد؟

جواب: زن مسلمان نمی تواند به عقد کافر درآید، همچنین مرد مسلمان نمی تواند بنا بر احتیاط با زن کافر ازدواج دائم کند ولی ازدواج موقت با زنان اهل کتاب مانند یهود و نصاری مانعی ندارد.

سؤال ۲۸۹. آیا ازدواج با پسر یا دختری که بظاهر مسلمان است، ولی اهل نماز نیست، حکم

ازدواج با کافر را دارد؟

جواب: چنین ازدواجی جایز است، ولی باید تدریجاً او را دعوت به انجام واجبات نمود.

سؤال ۲۹۰. چنانچه مرتد فطری توبه کند حق ازدواج با زن مسلمان را دارد؟

جواب: بعد از توبه مانعی ندارد.

سؤال ۲۹۱. ازدواج زن مسلمان با مرد بهایی چه حکم دارد؟ و آیا طلاقش عدّه دارد؟

جواب: ازدواج او باطل است و احتیاج به طلاق ندارد و اگر حکم شرعی را نمی دانسته باید عدّه

نگهدارد.

سؤال ۲۹۲. ازدواج زنان و دختران شیعه، با جوانان و مردان اهل سنت، چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه خوف انحراف نباشد مانعی ندارد؛ ولی در صورتی که احتمال انحراف عقیدتی باشد

جایز نیست.

سؤال ۲۹۳. آیا ازدواج مردان شیعه، با زنان اهل سنت، جایز است؟

جواب: ازدواج مردان شیعه با دختران و زنان اهل سنت اشکالی ندارد.

سؤال ۲۹۴. آیا پسر شیعه با دختر اسماعیلی می تواند ازدواج کند؟

جواب: اگر منکر ضروریات اسلام نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۲۹۵. آیا ازدواج با صوفیه جایز است؟

جواب: صوفیه فرقه های مختلفی دارند و عقاید آنها مختلف است، بعضی از نظر عقیده منحرفند و بعضی منکر ضروریات دین هستند در حالی که بعضی دیگر چنین نیستند و فقط انحرافات جزئی دارند. بنابراین، هرکدام را جداگانه باید سؤال کرد تا جواب داده شود.

سؤال ۲۹۶. آیا ازدواج مرد شیعه با دختر یهودی و نصرانی و ارمنی و سایر اهل کتاب جایز است؟
جواب: تنها ازدواج موقت جایز است.

سؤال ۲۹۷. آیا ازدواج موقت زن مسلمان با غیر مسلمان، مخصوصاً اهل کتاب، نیز حرام است؟
جواب: آری حرام است.

۲. ازدواج با محارم

سؤال ۲۹۸. ازدواج با محارم چه حکمی دارد؟

جواب: ازدواج با زنانی که با انسان محرم هستند حرام است، مانند مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر، دختر خواهر، زن پدر، دختر زن و مادر زن.

۳. ازدواج با خواهر مفعول

سؤال ۲۹۹. آیا لواط کننده می تواند با خواهر مفعول ازدواج کند؟

جواب: «مادر» و «خواهر» و «دختر» پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام است، خواه لواط دهنده بالغ باشد یا نابالغ، ولی اگر لواط کننده نابالغ باشد حرام نمی شود، همچنین اگر شك داشته باشد که دخول حاصل شده یا نه.

سؤال ۳۰۰. اگر (نعوذ بالله) لواط بعد از ازدواج انجام شود، باعث حرمت خواهر مفعول بر او می شود؟

جواب: اگر با «مادر» یا «خواهر» یا «دختر» کسی ازدواج نماید و بعد از ازدواج با آن شخص لواط کند آنها بر او حرام نمی شوند.

سؤال ۳۰۱. شخصی با پسری لواط کرده است ولی شك دارد که در زمان این عمل بالغ بوده یا نه، آیا ازدواج او با خواهر یا دختر یا مادر آن پسر جایز است؟

جواب: در صورتی که فاعل، مشکوک البلوغ باشد، خواهر و مادر و دختر آن پسر بر او حرام نمی شود.

سؤال ۳۰۲. آیا خواهر، مادر و دختر لواط کننده بر لواط دهنده حرام می باشند؟ در صورت نابالغ بودن طرفین، یا شك در دخول چه حکمی دارد؟

جواب: مادر، خواهر و دختر لواط کننده بر لواط دهنده حرام نیست؛ ولی عکس آن، یعنی مادر، خواهر و دختر لواط دهنده بر لواط کننده حرام است، به شرط آن که یقین به دخول حاصل شده باشد و لواط کننده بالغ باشد.

۴. ازدواج با خواهر زن

سؤال ۳۰۳. ازدواج با خواهر زن چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه زنی را برای خود عقد کند تا وقتی آن زن در عقد اوست نمی تواند با خواهر آن زن ازدواج کند، خواه عقد دائم باشد یا موقت، حتی بعد از طلاق مادام که در عده است، در صورتی که عده رجعی باشد (که شرح آن در کتاب طلاق خواهد آمد)، نمی تواند خواهر او را بگیرد و احتیاط مستحب آن است که در عده طلاق بائن که شرح آن خواهد آمد با او ازدواج نکند، همچنین در عده متعه، خواه بعد از تمام شدن مدّت باشد و یا بخشیدن مدّت.

سؤال ۳۰۴. آیا مرد می تواند با خواهر زن خود ازدواج کند؟ اگر همسرش بیماری داشته باشد و اجازه این ازدواج را بدهد چطور؟

جواب: مادام که آن خواهر در زوجیت اوست ازدواج با خواهر دیگر حرام است؛ خواه اجازه بدهد یا ندهد.

سؤال ۳۰۵. در قضیه جمع بین اختین در نکاح، در صورت حیات یکی، حرمت عقد و ازدواج با خواهر دیگر روشن است. حال اگر مردی به شکل صوری موقتاً یکی را طلاق بدهد و در منزل نگهدارد و با خواهرش ازدواج نماید، آیا این کار در شرع انور جایز است؟ ضمناً بعد از طلاق سوم در ازدواج که محلّل لازم است، آیا بین عقد دائم و موقت تفاوتی هست؟

جواب: اگر جداً نیت طلاق کند بعد از عده می تواند با خواهرش ازدواج کند و بعد از طلاق سوم احتیاج به محلّل است؛ ولی اگر به صورت عقد موقت باشد هرچند بار تکرار شود، محلّل لازم نیست.

۵. ازدواج با خواهر زاده و برادر زاده همسر

سؤال ۳۰۶. ازدواج با خواهر زاده و برادر زاده زن چه حکمی دارد؟

جواب: مرد نمی تواند بدون اجازه زن خود، با خواهرزاده یا برادرزاده او ازدواج کند، ولی اگر بدون اجازه آنها را عقد نماید بعد اجازه دهد عقد صحیح است.

سؤال ۳۰۷. آیا جایز است خواهرزاده زن مطلقه ای را که در عده طلاق رجعی است بدون اجازه خاله مطلقه اش صیغه کرد؟

جواب: بدون اذن او جایز نیست، مگر بعد از گذشتن عده.

۶. ازدواج با دختر خوانده و عروس همسر

سؤال ۳۰۸. آیا با دختر خوانده می توان ازدواج کرد؟

جواب: در صورتی که رابطه نسبی و سببی نداشته باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۳۰۹. می توان بعد از فوت پسر همسر، با عروس همسر ازدواج نمود؟

جواب: اشکالی ندارد.

۷. ازدواج با زن شوهردار

سؤال ۳۱۰. ازدواج با زنی که شوهر دارد چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه کسی بداند زنی شوهر دارد و او را برای خود عقد کند، باید از او جدا شود، بعداً هم بنابر احتیاط واجب نمی تواند با او ازدواج کند هر چند با او نزدیکی نکرده باشد.

سؤال ۳۱۱. در بین عشایر عرب مرسوم است که چنانچه مردی با دختر، یا زن شوهرداری، دوست شود و بعد از محل فرار کرده، و رابطه نامشروع برقرار نمایند، زمانی که به آنها دسترسی پیدا کنند، بعضاً آن زن یا دختر را به زانی می دهند. این مسأله چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد دختر هرگاه طرفین راضی باشند اشکالی ندارد. و در مورد زن شوهردار اگر با مرد بیگانه آمیزش جنسی کرده باشد، و بعد شوهرش او را طلاق دهد، ازدواج او با زانی پس از عده جایز است، هر چند احتیاط در ترك آن است.

سؤال ۳۱۲. دختری در ایام عقد با يك نفر زنا کرده است، شوهرش که فعلاً صورت عقدش معلوم نیست، او را طلاق داده و بعد از طلاق، زانی این دختر را عقد کرده است آیا این عقد شرعاً درست است؟

جواب: در صورتی که عقد قبلی با رضایت انجام شده و صحیح بوده و زنا با زن شوهردار واقع شده، آن دختر بر زانی حرام ابدی است (بنابر احتیاط واجب).

۸. ازدواج در عده

سؤال ۳۱۳. عقد کردن زنی که در عده دیگری است چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه زنی را که در عده دیگری است برای خود عقد کند چنانچه مرد و زن یا یکی از آنان بدانند زن در عده است و نیز بدانند عقد کردن زن در عده حرام است آن زن بر او حرام ابدی می شود، خواه با او نزدیکی کرده باشد یا نه، ولی اگر هیچ کدام نمی دانسته اند زن در عده است، یا نمی دانسته اند عقد کردن زن در عده حرام است، اگر باهم نزدیکی کرده باشند زن بر او حرام می شود و اگر نزدیکی نکرده باشند حرام نمی شود.

سؤال ۳۱۴. اگر مردی با زنی که در عده است از روی جهل به مسأله، عقد دائم یا موقت بخواند،

آیا این زن بر او حرام ابدی می شود؟ حکم صورت عمد چیست؟

جواب: در دو صورت حرام ابدی می شود یکی آن که ازدواج و دخول کند هرچند از روی جهل باشد دوم آن که آگاهانه ازدواج کند، هر چند دخول ننماید.

۹. ازدواج با زانیه

سؤال ۳۱۵. اگر مرد با زنی که در عده دیگری است زنا کند، بعداً می تواند با او ازدواج کند؟

جواب: اگر با زنی که در عده دیگری است زنا کند آن زن بر او حرام می شود، خواه طلاق رجعی باشد یا غیر رجعی بنا بر احتیاط واجب.

سؤال ۳۱۶. اگر مرد با زن شوهرداری (نعوذ بالله) زنا کند، بعداً می تواند با او ازدواج کند؟

جواب: اگر با زن شوهرداری (نعوذ بالله) زنا کند آن زن برای همیشه بر او حرام می شود، یعنی اگر از شوهرش طلاق بگیرد نمی تواند با او ازدواج نماید (بنا بر احتیاط).

سؤال ۳۱۷. اگر با زن بی شوهری که در عده نیست زنا کند، بعداً می تواند با او ازدواج نماید؟

جواب: اگر با زن بی شوهری که در عده نیست زنا کند بعداً می تواند با او ازدواج نماید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا آن زن حیض ببیند بعد او را به عقد خود درآورد.

سؤال ۳۱۸. ازدواج کردن با زانی که اشتها به زنا دارند، حرام است یا مکروه؟ اگر حرام نیست،

آیا این گونه زنان مرتد هستند؟ آیا واجب است قبل از ازدواج از اعتقادات آنها تحقیق شود؟

جواب: این گونه زنان مرتد نیستند؛ بلکه مسلمان معصیت کارند و پرسش از اعتقادات قبل از ازدواج لازم نیست و اما ازدواج با زنان مشهوره به زنا، احتیاط لازم در ترك است؛ مگر این که واقعاً توبه کنند و راه سابق را ترك نمایند.

۱۰. ازدواج كودك

سؤال ۳۱۹. آیا برای نزدیکی با زن سن خاصی شرط است؟

جواب: هرگاه کسی دختر نابالغی را با اجازه ولیّ او برای خود عقد کند پیش از آن که نه سال دختر تمام شود نزدیکی کردن با او حرام است و بعد از نه سال نیز اگر استعداد جسمانی ندارد اشکال دارد، ولی در هر حال اگر نزدیکی کند و او را افضا نماید آن زن بر او حرام نمی شود مخصوصاً اگر از طریق جراحی یا درمان خوب شود و به حال اصلی بازگردد، بنابراین در مسأله نزدیکی با زن علاوه بر تمام شدن سنّ نه سال، لازم است رشد جسمانی برای نزدیکی نیز داشته باشد و اگر بیم افضا و ناقص شدن زن باشد نزدیکی با او اشکال دارد هرچند به سنّ بلوغ رسیده باشد.

سؤال ۳۲۰. با توجه به این که طبق مادّه ۱۶ بند ۳ کنوانسیون محو اشکال تبعیض علیه زنان، ازدواج كودك غیر قانونی اعلام شده، و كودك در عرف بین المللی به کمتر از ۱۸ سال اطلاق می شود، ازدواج دختران کمتر از ۱۸ سال چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که بالغ شرعی باشند و نیز رشد جسمانی، و رشد کافی عقلی برای تصمیم گیری در امر ازدواج داشته باشند، مانعی ندارد.

۱۱. ازدواج در حال احرام

سؤال ۳۲۱. ازدواج در حال احرام چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه کسی در حال احرام که یکی از اعمال «حج» یا «عمره» است با زنی ازدواج نماید عقد او باطل است و چنانچه می دانسته زن گرفتن در این حال حرام است دیگر نمی تواند آن زن را عقد کند خواه نزدیکی کرده باشد یا نه.

۱۲. ازدواج بعد از سه طلاق

سؤال ۳۲۲. اگر زوجین سه بار طلاق بگیرند، به یکدیگر حرام می شوند؟

جواب: زنی را که سه مرتبه طلاق داده اند بر شوهرش حرام می شود، ولی اگر با شرایطی که در بخش بیستوششم (احکام محلل) آمده با مرد دیگری (محلل) ازدواج کند و سپس طلاق بگیرد می تواند با شوهر اول دوباره ازدواج کند.

۱۳. ازدواج با سادات

سؤال ۳۲۳. با توجه به این که در ازدواج کفو بودن شرط است و بعضی معتقدند مرد غیر سید کفو و مناسب زن سید نیست، ازدواج آنها چه حکمی دارد؟ اگر احتمال درگیری باشد حکم چیست؟

جواب: ازدواج آنان جایز می باشد و در زمان ائمه معصومین (علیهم السلام) فراوان بوده است ولی اگر خطر درگیری باشد از آن صرف نظر کنید.

سؤال ۳۲۴. حضرتعالی در استفتائات جدید جلد اول، سؤال ۷۰۶ فرموده اید که عقد هاشمیه با غیر هاشمی در صدر اسلام و در زمان ائمه طاهریین (علیهم السلام) فراوان بوده است. لطفاً چند مورد آن را با ذکر مدرک مورد قبول مرقوم فرمایید.

جواب: يك نمونه روشن آن ازدواج زینب دختر عمّه پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) با زید بن حارثه می باشد، که در قرآن مجید صریحاً آمده است. نمونه دیگر، ازدواج ضباعه نوه عبدالمطلب با مقداد است که در روایات آمده است. مخصوصاً در ذیل روایت تصریح شده که پیامبر فرمود: «من این کار را کردم تا مسأله ازدواج در میان مردم توسعه یابد، و قید و بندها بر چیده شود.» بسیاری از مراجع عصر ما مانند آیت الله خوئی و آیت الله گلپایگانی که از سادات بنی الزهرا هستند، نیز دختران خود را به غیر سادات داده اند.

سؤال ۳۲۵. سادات در کشور پاکستان از احترام فوق العاده برخوردارند؛ حتی سادات ناصالح؛ چون بزرگان سادات بوده اند که غیر سادات را با اسلام آشنا نمودند. لهذا غیر سادات به خود اجازه نمی دهند دختران سادات را به عقد خود در آورند، و سادات هم بر این باورند که این عمل اهانت به خانواده پیامبر صلوات الله علیهم می باشد، و این مطلب در نزد آنها به قدری مهم است که اگر کسی از آن تخلف کند، بعضی جوانان، حتی بزرگان، احساساتی شده و در چنین مواردی شوهر آن دختر را به قتل می رسانند! همانطور که چند ماه قبل، این اقدام در لاهور انجام شد! و این حادثه در روزنامه های پاکستان با تیتزر بزرگ چاپ شد، و عموم مردم این عمل را ستایش کردند. و شکی نیست که اگر سیده با غیر سید ازدواج کند، مفاسدی بر آن مترتب شده، و سبب بدنام نمودن مذهب شیعه و علمای مذهب هم می شود. چون برادران اهل سنت پاکستان در این مسأله متفق القولند، که عقد سیده با غیر سید جایز نیست. لطفاً بفرمایید:

الف) اگر در ازدواج سیده با غیر سید، مفسده ای باشد، و موجب اختلافات خانوادگی و بدنامی مذهب و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) شود، آیا در چنین موردی این اقدام جایز است؟

ب) در صورتی که برای دختر سید، در فامیل خودش، یا دیگر خانواده های سادات کفوی موجود باشد، آیا آن دختر می تواند با غیر سید ازدواج کند، با این که جدش راضی نیست، و پدرش فوت کرده است؟

جواب: ازدواج دختران سادات محترم با غیر سادات ذاتاً اشکالی ندارد. و در زمان پیغمبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) زیاد اتفاق افتاده که دختران سادات با غیر سادات ازدواج کرده، و معصومین هم از آن نمی نکرده اند. ولی اگر واقعاً مفسده اجتماعی بر آن مترتب شود، باید از آن پرهیز نمود، و تدریجاً مردم را با این حکم اسلامی آشنا کرد. و قتل نفس مسلمان از گناهان بسیار بزرگ است، و قصاص دارد.

۱۴. ازدواج با دختر عمو

سؤال ۳۲۶. چند سالی است که در محافل و رسانه ها، از سوی اهل فنّ و علم اعلام می گردد که از ازدواجهای فامیلی، بخصوص ازدواج پسر عمو با دختر عمو و امثال آن، خودداری شود، با توجه به این مطلب لطفاً بفرمایید:

الف) ازدواج حضرت علی (علیه السلام)، با دختر پسر عموی خویش، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) که به سفارش و با موافقت پیامبر (صلی الله علیه وآله) واقع شده، چگونه توجیه می گردد؟ آیا صرف نظر از تمامی مسائل، این خود يك امر تبلیغی برای این گونه ازدواجها نیست؟

ب) دین اسلام که کاملترین دینهاست و درباره تمامی آداب و رفتار و اعمال انسان ها حکم لازم را منظور و تبیین کرده، آیا در خصوص موضوع مورد سؤال، حکمی دارد؟

جواب: در بعضی از روایات اسلامی از ازدواج فامیل های نزدیک نمی شده و در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می خوانیم که فرمود: «این کار را نکنید که مایه ناتوانی فرزند می شود» ولی هر قاعده کلی استثنایی دارد و گاه دیده ایم که حاصل ازدواج فامیلی فرزندان بسیار باهوش و سالم بوده است و ازدواج آن دو بزرگوار نیز از این استثناهاست.

سؤال ۳۲۷. در بین عشایر عرب خوزستان رسمی به نام «نَهوه» وجود دارد (اجبار دختر عمو به ازدواج با پسر عمو یا دیگر نزدیکان، و منع از ازدواج با دیگران) چنین رسمی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: چنین رسمی برخلاف شرع است، و باید از آن پرهیز کرد، مگر این که زوج و زوجه هر دو بدون اجبار رضایت دهند.

۱۵. دیگر مسائل مربوط به حرمت و جواز ازدواج

سؤال ۳۲۸. زنا در عده عقد موقت چه حکمی دارد؟ آیا موجب حرمت ابدی می شود؟ فتوای امام(قدس سره) در این مورد چیست؟

جواب: زنا در عده متعه مسلماً حرام است، ولی موجب حرمت ابدی آن زن نمی شود بنابراین اجرای صیغه عقد پس از گذشت عده اشکال ندارد و فتوای امام(قدس سره) در تحریرالوسیله و توضیح المسائل نیز همین است.

سؤال ۳۲۹. اگر زنی زنا کند به شوهرش حرام می شود؟

جواب: زن شوهردار اگر زنا دهد بر شوهر خود حرام نمی شود، ولی چنانچه توبه نکند و بر عمل خود باقی باشد بهتر است شوهر او را طلاق دهد، اما مهرش را باید بدهد و اگر مشهور به زنا شود احتیاط واجب طلاق دادن اوست.

سؤال ۳۳۰. اگر کسی با زن شوهرداری (نعوذ بالله) زنا کند، آیا باید به شوهر زن بگوید؟

جواب: هرگاه کسی با زن شوهرداری (نعوذ بالله) زنا کند برای توبه لازم نیست به آن مرد بگوید، بلکه باید در پیشگاه خدا توبه حقیقی کند.

سؤال ۳۳۱. اگر مرد یا زن طواف نساء (یکی از اعمال حج) را به جا نیاورد، آیا همسرش بر او حرام می شود؟

جواب: اگر مرد طواف نساء را که یکی از اعمال حج است به جا نیاورد، زن که به واسطه احرام بستن بر او حرام شده بود حلال نمی شود، این حکم درباره زن نیز ثابت است، ولی اگر بعداً طواف نساء را به جا آورند به یکدیگر حلال می شوند.

سؤال ۳۳۲. در بین عرب های خوزستان مرسوم است که خانواده قاتل در عوض خون بها، به

خانواده مقتول دختر می دهند. چنین رسمی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که ارباب دم بجای گرفتن دیه به این کار رضایت بدهند، و دختر و ولیّ دختر راضی به این امر باشند اشکالی ندارد.

سؤال ۳۳۳. مردی با زنی ازدواج موقت می کند پس از دخول زن اظهار می کند که در عده ازدواج موقت شخص دیگری بوده است که پس از آن ارتباط آنان قطع می گردد. حال پسر آن مرد می تواند این زن را صیغه کند؟

جواب: بهتر است اجتناب کند.

سؤال ۳۳۴. با توجه به این که در مبحث لعان، پس از انجام تشریفات ملاعنه، رابطه نسبی بین پدر و ارحام پدری با فرزند قطع می شود، آیا ازدواج فرزند با عمه سابق خود که با لعان رابطه نسبی اش با این فرزند قطع شده صحیح است؟

جواب: ظاهراً اشکالی ندارد؛ هرچند احتیاط ترك آن است.

سؤال ۳۳۵. اخیراً از چند تن از علما پرسیده اند که آیا ازدواج پدر، با مادر زن فرزند خویش شرعاً جایز است؟ ایشان گویا فرموده اند: جایز نیست، نظر حضرت عالی چیست؟

جواب: جایز است و کسی قائل به حرمت نیست.

سؤال ۳۳۶. چنانچه شخصی با خنثای مشکل عمل شنیع از قبل یا دُبر انجام دهد، یا خنثای مشکل با شخصی این کار را بکند، وضعیت حرمت نزدیکان آنها بر دیگری چگونه خواهد بود؟

جواب: در مواردی که حرمت مشکوک شود؛ بنا بر حلیت می گذارند.

سؤال ۳۳۷. هرگاه کسی دختری را برای پسر خود عقد کند، خودش می تواند با مادر آن دختر ازدواج نماید؟

جواب: ازدواج با مادر آن دختر مانعی ندارد.

سؤال ۳۳۸. اگر کسی اوّل با مادر آن دختر ازدواج کرده می تواند آن دختر را برای پسر خود بگیرد.

جواب: اوّل خودش با مادر آن دختر ازدواج کرده می تواند آن دختر را برای پسر خود بگیرد.

بخش چهارم:

دستور خواندن صیغه عقد

بخش چهارم: دستور خواندن صیغه عقد

۱ کلیات مربوط به صیغه عقد

سؤال ۳۳۹. عقد ازدواج چیست؟

جواب: عقدی که به واسطه آن زن و مرد به هم حلال می شوند و آن بر دو قسم است: ازدواج دائم که همیشگی است و زنی را که به این عقد در می آید «دائمه» گویند و ازدواج موقت که برای مدت معینی عقد زناشویی می بندند، خواه این مدت کوتاه باشد یا طولانی و آن را «متععه» و «صیغه» نیز می نامند.

سؤال ۳۴۰. آیا وکالت مرد یا زن از طرف دیگری برای خواندن عقد صحیح است؟

جواب: وکالت مرد از طرف زن، یا زن از طرف مرد، برای خواندن صیغه مانعی ندارد.

سؤال ۳۴۱. آیا زوجین باید یقین داشته باشند که وکیل عقد را خوانده است؟

جواب: هرگاه زن و مردی به کسی وکالت داده اند صیغه عقد آنها را بخواند تا یقین نکنند که وکیل صیغه را خوانده بر یکدیگر حلال نمی شوند، ولی اگر وکیل مورد اعتماد باشد و بگوید خوانده ام کافی است.

سؤال ۳۴۲. اگر زن به کسی وکالت دهد برای مدتی او را به عقد مردی در آورد ولی ابتدای آن را

معین نکند، شروع عقد چه زمان می شود؟

جواب: هرگاه زن، کسی را وکیل کند که او را مثلاً برای ده روز یا دو ماه به عقد مردی درآورد و ابتدای آن را معین نکند باید آغاز آن را از روز و ساعتی که عقد می کند قرار دهد.

سؤال ۳۴۳. آیا برای خواندن عقد، يك نفر می تواند از طرف زوجین وکیل شود؟

جواب: احتیاط مستحب آن است که يك نفر از سوی دو همسر صیغه عقد را بخواند، یعنی دو طرف عقد دو نفر باشند و نیز احتیاط مستحب این است که انسان نمی تواند از طرف زن وکیل شود تا او را برای خود بطور دائم و یا موقت عقد کند.

سؤال ۳۴۴. اگر عاقد سنی باشد و عروس و داماد هر دو شیعه، آیا چنین عقدی صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد و عقد صحیح است.

* * *

۲ صیغه عقد دائم

سؤال ۳۴۵. برای خواندن صیغه عقد دائم چه عباراتی باید گفته شود؟

جواب: برای خواندن صیغه عقد دائم کافی است که زن بگوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» (یعنی خود را به همسری تو درآوردم به مهری که معین شده) و مرد هم بعد از آن بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ» (یعنی قبول کردم این ازدواج را) و اگر دیگری را برای این کار وکیل کنند کافی است که وکیل زن بگوید: «زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» (موکله خودم را به همسری موکل تو با مهر معلوم درآوردم) وکیل مرد نیز بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوَكَّلِي هَكَذَا» (من نیز همین گونه از طرف موکل خودم قبول کردم).

۳ صیغه عقد موقت

سؤال ۳۴۶. برای خواندن صیغه عقد موقت چه عباراتی باید گفته شود؟

جواب: برای خواندن صیغه عقد موقت کافی است بعد از آن که مدّت و مهر معین شد، زن بگوید: «زَوْجَتِكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» (من خودم را به همسری تو در مدّت معین با مهر معین درآوردم) مرد نیز بگوید: «قَبِلْتُ» (قبول کردم) یا این که وکیل زن بگوید: «مَتَّعْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» (موکله خودم را به ازدواج موکل تو در مدّت معین با مهر معین درآوردم) وکیل مرد نیز بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوَكَّلِي هَكَذَا» (قبول کردم برای موکل خودم همین طور).

عقد معاطاتی

سؤال ۳۴۷. آیا در ازدواج رضایت طرفین به تنهایی کافی است، یا اینکه باید صیغه عقد خوانده شود؟

جواب: در عقد ازدواج خواه دائم باشد یا موقت، خواندن صیغه لازم است و رضایت طرفین به تنهایی کافی نیست و صیغه عقد را طرفین یا وکیل آنها می توانند بخوانند.

سؤال ۳۴۸. حکم ازدواج معاطاتی چیست و چه شرایطی دارد؟ اگر یکی از مقلدین شما در این مسأله (به فرض عدم صحّت ازدواج معاطاتی به نظر شما) به مرجع دیگری رجوع نماید حکم چیست؟ اگر فردی به علّت عدم آشنایی به حکم (در صورت عدم صحّت ازدواج معاطاتی) با فردی به این طریق ازدواج کند و بعد حکم را بفهمد وظیفه اش چیست؟

جواب: چیزی به نام ازدواج معاطاتی نداریم، چنین ازدواجی باطل است.

سؤال ۳۴۹. دختر و پسری به هم علاقمند بودند، ولی خانواده دختر با ازدواج آنان مخالف بود. آن دو برای این که خانواده دختر را مجبور کنند تا با ازدواج آنان موافقت کنند، به طور نامشروع مجامعت کرده، و دختر حامله شده، و طفلی به دنیا آورده است اکنون اظهار می دارند که چون روستایی بوده، نمی دانسته، و یا نمی توانسته اند صیغه ازدواج را جاری کنند، و به رضایت طرفینی اکتفا کرده، و آن را کافی دانسته اند:

(الف) آیا توافق طرفین به عنوان صیغه عقد قابل قبول است؟

جواب: توافق طرفین کافی نیست.

(ب) همین که طرفین ادّعی اجرای صیغه عقد نمایند برای ایجاد شبهه کافی است، یا باید صحّت آن بررسی و اثبات شود؟

جواب: چنانچه احتمال دهیم ادّعی آنها راست باشد، باید حمل بر صحّت کرد.

(ج) آیا در مسأله فوق حدوث شبهه، فقط موجب براءت از حدّ است، یا تعزیر را نیز منتفی می سازد؟

جواب: در فرض بالا حدّ و تعزیر هر دو ساقط می شود.

(د) بر فرض احصان مرد، حکم چیست؟

جواب: احصان مرد تفاوتی ایجاد نمی کند.

(ه) آیا ازدواج آن دو با یکدیگر بلامانع است؟

جواب: آنها می توانند با هم ازدواج کنند.
(و آیا در فرض بکارت و عدم آن، حکم متفاوت است؟
جواب: تفاوتی نمی کند.

* * *

بخش پنجم:

شرایط مجاز و غیر مجاز عقد ازدواج

بخش پنجم: شرایط مجاز و غیر مجاز عقد ازدواج

۱ کلیات و شرایط لازم در عقد ازدواج

سؤال ۳۵۰. شرایط عقد ازدواج کدام است؟

جواب: عقد ازدواج شرایطی دارد از جمله:

الف) احتیاط آن است که صیغه آن به عربی صحیح خوانده شود، ولی در صورتی که مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی بخوانند می توانند به زبان خود بخوانند و گرفتن وکیل برای خواندن صیغه به زبان عربی واجب نیست، ولی باید لفظی بگویند که معنی همان صیغه عربی را بفهماند.

ب) کسی که صیغه را می خواند باید قصد انشاء داشته باشد یعنی قصدش این باشد که با گفتن این الفاظ همسری در میان آن دو برقرار گردد، زن خود را همسر مرد قرار دهد و مرد این معنی را قبول کند، وکیل نیز باید چنین قصدی را داشته باشد.

ج) کسی که صیغه عقد را می خواند باید عاقل و احتیاطاً بالغ باشد هر چند از طرف دیگری وکیل باشد.

د) ولی یا وکیل در اجرای صیغه عقد باید زن و شوهر را معین کند، بنابراین اگر کسی چند دختر دارد نمی تواند به مردی بگوید: «رَوِّجْتُكَ اِحْدَى بَنَاتِي» (یکی از دخترانم را به همسری تو درآوردم).

ه) زن و مرد باید از روی اختیار به ازدواج راضی باشند ولی اگر یکی از آن دو ظاهراً با کراهت اجازه می دهد، اما می دانیم قلباً راضی است عقد صحیح است.

و) صیغه عقد باید صحیح خوانده شود و اگر طوری غلط بخوانند که معنی آن را عوض کند عقد باطل است، اما اگر معنی عوض نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۳۵۱. آیا صیغه عقد فضولی صحیح است؟

جواب: اگر عقد زنی را برای مردی بدون اجازه آنها بخوانند و بعداً آنها راضی شوند و اجازه دهند عقد صحیح است.

سؤال ۳۵۲. زن و مردی یا یکی از آن دو را مجبور به ازدواج نمایند ولی بعد از خواندن عقد راضی

شوند، عقد صحیح است؟

جواب: اگر زن و مردی یا یکی از آن دو را مجبور به ازدواج نمایند ولی بعد از خواندن عقد راضی شوند و اجازه دهند احتیاط واجب آن است که صیغه عقد را از نو بخوانند.

سؤال ۳۵۳. آیا پدر و جدّ پدری می توانند برای فرزند نابالغ یا دیوانه خود ازدواج کنند؟

جواب: پدر و جدّ پدری می توانند (در صورت ضرورت) برای فرزند نابالغ یا دیوانه خود ازدواج کنند و بعد از آن که طفل بالغ شد یا دیوانه عاقل گردید بنا بر احتیاط واجب نباید آن را به هم زد.

سؤال ۳۵۴. آیا دختری که به حدّ بلوغ رسیده و رشیده است، می تواند بدون اجازه خانواده ازدواج

نماید؟

جواب: دختری که به حدّ بلوغ رسیده و رشیده است، یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد چنانچه باکره باشد باید با اجازه پدر یا جدّ پدری ازدواج نماید ولی اگر همسر مناسبی برای دختر پیدا شود و به تایید بزرگان فامیل پدر بدون دلیل مخالفت کند اجازه او شرط نیست، همچنین اگر به پدر یا جدّ پدری دسترسی نباشد و دختر هم احتیاج به شوهر کردن داشته باشد و همسر مناسبی برای دختر پیدا شود می تواند با اطلاع بزرگان فامیل ازدواج کند، یا این که دختر قبلاً شوهر کرده باشد که در این صورت اجازه پدر و جد در ازدواج جدید لازم نیست.

سؤال ۳۵۵. مرد مقلّد مرجعی است که مثلاً تعدد موجب و قابل را شرط می داند و زن از مجتهدی

تقلید می کند که اتحاد موجب و قابل را کافی می داند، در این جا طبق نظر کدام يك از این دو مرجع باید عمل کرد؟

جواب: در چنین مواردی احتیاط آن است که مطابق فتوای مرجعی که تعدد را شرط می داند عمل کنند.

سؤال ۳۵۶. به دختری گفتند مهریه شما ۱۵ هزار رویه هندی است و او به این مهریه راضی شد

ولی در عقد نامه ۱۰ هزار نوشته شد، وکیل بعد از خواندن عقدنامه، بر مهریه نوشته شده صیغه جاری کرد، آیا این صیغه (ازدواج دائمی) صحیح است؟

جواب: احتیاط آن است که صیغه عقد را مجدداً با مهریه مورد توافق جاری کنند.

سؤال ۳۵۷. اگر زن، مرد را وکیل در اجرای عقد دائم کند و مرد مدعی اجرای عقد موقت باشد

(آن هم بعد از چند سال) حکم عقد، مهر و توارث بین زن و شوهر و فرزندان چیست؟

جواب: چنانچه یقین داشته باشد که مرد راست می گوید و عقد موقت خوانده است، عقد باطل

است و زن و مرد از هم ارث نمی برند ولی فرزندان آنها از آنها ارث می برند مگر این که مرد عالم بوده

به بطلان عقد بوده باشد، که در این صورت فرزندان، تنها از زن ارث می برند نه از مرد و حدّ زنا بر مرد جاری می شود و در هر حال باید مهرالمثل زن را بپردازد.

سؤال ۳۵۸. آیا يك نفر می تواند عقد را به فارسی یا عربی اصالتاً از طرف خود و وکالتاً از سوی طرف مقابل اجرا کند؟

جواب: مرد می تواند از طرف زن وکیل شود و عقد را بخواند و از طرف خودش قبول کند مثل این که بگوید: موکله خودم فلان کس را به عقد موقت خودم در فلان مدّت به فلان مبلغ مهر در آوردم سپس بگویند قبول کردم، در صورتی که عربی بتواند، به عربی بخواند و اگر نتواند به فارسی بخواند و زن هم می تواند از طرف مرد وکیل شود.

سؤال ۳۵۹. کسی که بدون انقضای عقد موقت، عقد دائم اجرا کند و بعداً متوجه شود، آیا عقد دائم او باطل است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که مجدداً عقد را بخواند ولی اگر قبلاً فرزندان به وجود آمده باشند، حلال زاده اند.

سؤال ۳۶۰. آیا تعدّد وکیل از سوی مرد و زن در اجرای عقد لازم است؟

جواب: تعدّد وکیل در اجرای عقد احتیاط مستحب است.

سؤال ۳۶۱. همان گونه که مستحضرید در احکام عقود از قبیل بیع و اجاره و نکاح و ... طرفین عقد (یا وکیل آنها) به منظور ایجاب و قبول باید صیغه بخوانند مخصوصاً در عقد ازدواج و منظور از صیغه کلمات و جملات به هر لفظ و زبانی که باشد، البته مقصود و مطلوب بالذات، معانی و مفاهیم و مفاد کلمات و جملات می باشد، بنابراین عقل و منطق حکم می کند که صیغه به زبانی باشد که طرفین ازدواج و شاهدان قضیه و حضار مجلس با آن زبان آشنایی داشته باشند؛ سؤال این است که برای غیر عرب چه لزومی دارد که این صیغه به عربی باشد در حالی که هر شخصی با زبان مادری و رسمی خودش بهتر می تواند مطلبی را بیان و تفهیم و یا تفهّم نماید؟

جواب: اجرای صیغه به هر زبانی که برای طرفین مفهوم باشد جایز است، فقط در نکاح و طلاق احتیاط اجرای صیغه به زبان عربی است مشروط بر این که معنای آن را بدانند بنابراین اگر مجری صیغه آشنا به عربی نباشد می تواند آن را هم به زبان خودش اجرا نماید.

سؤال ۳۶۲. اگر صیغه به زبان غیر عربی خوانده شود، آیا عبارتی که خوانده می شود، باید حتماً

مطابق عبارت عربی باشد؟

جواب: همین مقدار که زن به مرد برای خواندن عقد وکالت دهد، و مرد بگوید: «این زن را برای همیشه، یا برای فلان مدّت، به فلان مبلغ مهریه به عقد خود درآوردم» و بعد بگوید: «از سوی خودم قبول کردم»، کافی است.

سؤال ۳۶۳. آیا اجرای صیغه عقد دائم، یا غیر دائم از طریق مکالمه تلفنی و امثال آن، توسط مرد و زن، یا وکیل آن دو صحیح است؟

جواب: هرگاه شرایط رعایت شود، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۶۴. نظر شریفان راجع به عقد معاطاتی نکاح چیست؟ منظور این است که معیار حلّیت در نکاح، آیا صرفاً لفظ «انکحت» و مانند آن می باشد، یا این که فقط نیت و قصد انشا و رضایت قلبی طرفین کفایت می کند؟ اگر ملاک روح توافق و قصد انشای طرفین است، در این فرض چه لزومی به ادای الفاظ مخصوص است؟ بویژه آن که به جای آن الفاظ مخصوص، می توان به وسیله حرکات نیز از قصد و رضایت طرفین مطلع شد.

جواب: اوّل این که درست است که عقد نکاح از نظر قرارداد مانند سایر عقود است؛ ولی اجماع علمای اسلام بر این است که در نکاح باید صیغه عقد خوانده شود و روایات نیز شاهد بر اعتبار صیغه است؛ بلکه در میان عقلای اهل عرف نیز همیشه در عقد نکاح نوعی قرارداد لفظی یا کتبی وجود داشته و دارد و این نشان می دهد که نکاح وضعی مخصوص به خود دارد.

دوم این که معروف در میان فقها این است که نکاح به عبادات شبیه تر است تا به معاملات؛ منظور این است که نکاح در شرع مقدّس قیود تعبّدی زیادی دارد که آن را شبیه به عبادات می کند که جنبه توقیفی دارد.

سؤال ۳۶۵. بعضی از سردفتران ازدواج به گمان این که چون لفظ «انکحت و زوّجت» گاهی بنفسه و گاهی به حروف «من» و «باء» متعدّدی می شود، در جواب «انکحت موکلتی فلانه من موکلتک فلان» این طور می خوانند «قبلت النکاح من موکلی، و یا قبلت التزویج بموکلی» با این که به آنها تذکر داده می شود که این عبارت غلط است و باید گفته شود «قبلت النکاح یا قبلت التزویج لموکلی» باز به اشتباه خود ادامه می دهند. خواهشمند است مرقوم فرمایید در صورت غلط بودن چنین صیغه ای، آیا عقد صحیح است؟

جواب: اجرای عقد با صیغه مزبور اشکالی ندارد؛ هرچند بهتر است که صیغه بطور صحیح تر، طبق موازین ادبیات عرب خوانده شود.

سؤال ۳۶۶. آیا عقد نکاح دائم، الفاظ معینی دارد، یا با هر لفظی که معنا و مفهوم آن را برساند جاری می شود؟

جواب: عقد را با هر عبارتی که مفهوم آن را به وضوح برساند می توان جاری نمود؛ ولی اگر انسان به عربی آشنا باشد، احتیاط آن است که صیغه را عربی بخواند.

سؤال ۳۶۷. در اجرای صیغه عقد دائم، زوج باید مقدم شود، یا زوجه؟

جواب: تفاوتی نمی کند؛ ولی تقدّم زوجه بهتر است.

سؤال ۳۶۸. «نکح» در لغت چندین معنا دارد، و از الفاظ مشترکه است. هنگام قصد انشاء،

کدام معنا را باید قصد کنیم؟ در حالی که «به زنی دائمی دادم...» از معانی لغویه آن نیست؟

جواب: معنای مشهور نکاح همان عقد ازدواج است؛ و اگر زمان خاصی در آن قید نشود، ظهور در عقد دائم دارد.

سؤال ۳۶۹. نکاح دائم چند رکن دارد؟ آیا صداق نیز از ارکان آن است؟

جواب: صداق از ارکان عقد دائم نیست؛ و اگر ذکر نشود باید مهرالمثل پرداخت شود.

سؤال ۳۷۰. آیا در عقد نکاح، تقدّم ایجاب بر قبول لازم است؟

جواب: لازم نیست؛ ولی بهتر است ایجاب مقدم شود.

سؤال ۳۷۱. اگر روحانی سنی عقد نکاح پسر یا دختر شیعه را بخواند، حکمش چیست؟

جواب: در صورتی که شرایط معتبر نزد شیعه در آن رعایت شود اشکالی ندارد.

سؤال ۳۷۲. صیغه محرمیت بین زن و مرد نامحرم (صیغه برادری و خواهری) چگونه است؟

جواب: چیزی به نام صیغه برادری و خواهری نداریم. و صیغه محرمیت یا به وسیله ازدواج دائم، و یا ازدواج موقت حاصل می شود؛ (البته با شرایطش) و غیر آن ممنوع است.

سؤال ۳۷۳. اگر دختر باکره بدون اجازه پدر و یا جدّ پدری شوهر کند شرعاً تکلیف چیست؟

جواب: احتیاط آن است که دختر اجازه پدر را به دست آورد.

سؤال ۳۷۴. طبق فتوای علما در صورتی که پدر و یا جدّ پدری غایب باشد و دختر باکره احتیاج

به شوهر داشته باشد، اجازه ساقط می شود، معنای احتیاج داشتن به شوهر چیست؟

جواب: منظور این است که به سنی رسیده باشد که اگر شوهر نکند به زحمت یا به خطر می افتد.

سؤال ۳۷۵. آیا برای ازدواج با دختر باکره، اذن پدر یا ولی لازم است؟ آیا در این مسأله، ازدواج

موقت با دائم فرق دارد؟

جواب: واجب است که اجازه بگیرند و تفاوتی میان ازدواج موقت و دائم نیست.

سؤال ۳۷۶. دختر جوانی بدون اذن پدر و مادر خود به خانه کسی می رود و به درخواست پسر و دختر عقد نکاح بدون رضایت پدر خوانده می شود و اعمال مترتب بر نکاح انجام می گیرد، در حالی که اگر دختر با پدر مشورت می کرد مانعی هم وجود نداشت، در این دو صورت (تحصیل رضایت پدر بعد از عقد و عدم تحصیل رضایت)، حکم عقد چیست؟

جواب: بهتر این است که بعداً رضایت پدر را جلب نماید.

سؤال ۳۷۷. دختری قبل از نه سالگی به عقد شخصی در آمده است در حالی که دختر از موضوع خبر نداشته و عقد را پدر دختر جاری کرده است و در ضمن، فاصله سنی بین این دختر و آن مرد حدود ۲۵ سال است و آن مرد زن دیگری نیز دارد و حتی دخترش با این زن دوم هم سن است. وقتی دختر بالغ می شود عدم رضایت خود را از این عقد اعلام داشته و اصرار می کند که این ازدواج به مصلحت من نیست و من طلاق می خواهم ولی مرد حاضر به طلاق نمی شود، آیا این عقد درست است و باید به این عقد ملتزم باشد یا می تواند با کسی دیگر ازدواج کند با توجه به این که دختر به حدی رسیده که احتیاج به شوهر کردن دارد؟

جواب: چنانچه این عقد به مصلحت دختر نبوده، باطل است و دختر می تواند بدون طلاق شوهر کند ولی اگر دختر بعد از بلوغ رضایت داده نمی تواند آن را به هم بزند.

سؤال ۳۷۸. اگر دختری با پسر هم شأن شرعی و عرفی خود قصد ازدواج داشته باشد، آیا اذن پدر ساقط است؟

جواب: در فرض مسأله اگر به تایید بزرگان فامیل پدر بدون دلیل مخالفت کند اذن او ساقط می شود.

سؤال ۳۷۹. برای خاله بنده خواستگارهای زیادی آمده که بیشتر آنها افرادی متدین بوده اند ولی پدر ایشان آنها را رد کرده، و می گوید فقط با فامیل من باید ازدواج کند تکلیف او با چنین پدری چیست؟

جواب: هرگاه خواستگاران با او تناسب داشته اند و کفو شرعی و عرفی بوده اند، او حق نداشته آنها را رد کند همچنین حق ندارد اصرار بر ازدواج با فامیل کند و اجازه و اذن او در این صورت ها ساقط است، در عین حال اگر بتواند رضایت پدر را به دست آورد کار خوبی کرده است.

سؤال ۳۸۰. اگر مرد، مقلد مرجعی باشد که معتقد است ازدواج موقت دختر باکره بدون اجازه پدرش جایز است ولی دختر مقلد کسی است که می گوید اجازه پدر لازم است، آیا آن مرد می تواند این دختر را بدون اجازه پدرش عقد کند؟

جواب: دختر نمی تواند بدون اجازه پدر ازدواج کند.

سؤال ۳۸۱. آیا شرایط نکاح باید در متن عقد ذکر شود، یا در خارج عقد؟

جواب: شرایط باید در متن عقد باشد؛ مگر این که قبلاً بر آن توافق شود و عقد را مبنی بر آن شرایط بخوانند.

سؤال ۳۸۲. با توجه به این که طبق بند ۳ ماده ۱۵ کنوانسیون محو اشکال تبعیض علیه زنان، کلیه قراردادها و اسناد خصوصی که در جهت محدود کردن اختیارات و اهلیت قانونی زنان است ملغی اعلام می شود، آیا زن و مرد هنگام ازدواج می توانند شروطی را در ضمن عقد بگنجانند که مفاد آن محدود کردن اختیارات همسر باشد؟

جواب: در بعضی از موارد می توان از طریق شرطی حق همسر را محدود کرد، مانند حق سکنی و امثال آن؛ اما در مواردی که شرط بر خلاف کتاب و سنت یا مقتضای عقد باشد جایز نیست، خلاصه موارد مختلف است.

سؤال ۳۸۳. اگر مردی قبل از جاری شدن صیغه عقد، و به هنگام گفتگوهای مقدماتی ازدواج، توافقنامه های شروط ضمن عقد کتبی با دختر امضا کند، که متضمن شروط رفتاری و فعلی باشد. یعنی در زندگی این کار را بکند یا نکند، و مخالف مقتضای عقد هم نباشد. از جمله «با دار و ندار شوهر بسازد» و «تا قبل از بچه دار شدن و سر و سامان گرفتن زندگی، ما بقی مهریه را از او مطالبه نکنند» و دختر پس از گفتگو و مطالعه آنها، کتباً بنویسد: «من با تمام آنها موافقم» و امضا کند. ولی این شرط در ذیل قباله رسمی نوشته نشود. آیا این شروط اعتبار و سندیت دارد؟ اگر زن جهت فریب و جلب رضایت مرد آنها را قبول کرده، ولی پس از ازدواج تخلف و عهد شکنی کند، و آنها را به تمسخر بگیرد، و سه ماه بعد از عروسی مهریه خود را به اجرا بگذارد، با توجه به این که با عدم قبول شروط، عقد واقع نمی شد، وضعیت این عقد چگونه است؟ آیا زوجه تدریس کرده است؟ آیا وی می تواند علی رغم این که سه دانگ از منزل مسکونی به نام وی شده، و مبالغ هنگفتی طلاجات و جواهرات و بقیه اقلام مهریه خود را گرفته، بقیه آن را طلب کند؟ آیا منزل مسکونی و محل کسب شوهر از مستثنیات دین و مهر زوجه محسوب می شود؟

جواب: هرگاه قبلاً توافق بر شروطی شده و طرفین آن را امضا کرده اند، سپس عقد خوانده شده، این شروط لازم الاجراست و به اصطلاح فقهی از قبیل شروط مبنی علیها العقد است.

سؤال ۳۸۴. آیا کسی که دستور زبان عربی را نمیداند میتواند عقد را بخواند؟

جواب: کسی که دستور زبان عربی را نمی داند ولی کلمات عقد را صحیح ادا می کند و معنی آن را نیز می داند عقد او صحیح است.

* * *

۲ شرایط مجاز عقد ازدواج

سؤال ۳۸۵. اگر زنی خواسته باشد با مردی با این شرط ازدواج کند که مرد او را در طلاق دادن از طرف خود وکیل کند، آیا چنین شرطی صحیح است؟ آیا این شرط در ضمن عقد ازدواج هم تحقق می‌یابد؟ یا باید در ضمن يك معامله لازم دیگری تحقق یابد؟

جواب: این شرط می‌تواند در ضمن عقد ازدواج، یا عقد لازم دیگری باشد.

سؤال ۳۸۶. آیا زن می‌تواند حق وکالت در طلاق دادن از طرف مرد را نه برای خود، بلکه برای يك فرد ثالث، مثلاً برای پدر خود، به عنوان شرط عقد ازدواج قرار بدهد؟ آیا در این صورت نیز چنین شرطی در ضمن عقد ازدواج تحقق می‌یابد، یا باید در ضمن معامله مستقل دیگری تحقق یابد؟ و آیا زن بعد از عقد ازدواج می‌تواند حق وکالت در طلاق را برای خود، یا فرد ثالثی در ضمن معامله ای، یا مستقلاً از شوهرش بگیرد؟

جواب: قرار دادن وکالت برای فرد ثالث در عقد ازدواج اشکال ندارد، و بعداً نیز می‌توان آن را در ضمن معامله دیگری، هرچند بعد از ازدواج باشد، قرار داد.

سؤال ۳۸۷. چنانچه زوج در سند ازدواج شرط کند که ازدواج مجدد نماید و این شرط مطلق باشد، پس از آن برای يك روز زنی را به عقد موقت خود درآورد، آیا در این فرض با شرط مذکور مخالفت شده است؟

جواب: اگر منظور شرط وکالت طلاق است که در عقد نامه های کنونی در این گونه موارد به زوجه داده می‌شود، ظاهراً شامل چنین ازدواج کوتاه مدتی نمی‌شود.

سؤال ۳۸۸. اگر زن مهریه خود را به مردش ببخشد و بگوید: «به شرط آن که تا وقتی که من زنده هستم زن دومی نگیری»؛ در این صورت:

(الف) آیا این شرط از نظر شرعی صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

ب) آیا در طول عمل کردن مرد به این شرط مهریه از گردن او ساقط می شود؟ و اگر مرد خلاف شرط عمل کند، زن اول و زن دوم نسبت به مرد چه حکمی پیدا می کنند؟ آیا زن دوم حرام می شود؟
جواب: چنانچه مرد از این شرط تخلف کند و ازدواج نماید ازدواجش صحیح است؛ ولی زن می تواند مهریه اش را بازپس بگیرد، بنابراین زن دوم حرام نیست.

سؤال ۳۸۹. شخصی جهت ازدواج از دختری خواستگاری می کند، خانواده عروس از اول با داماد شرط می کند که مثلاً مقدار چند من برنج، چند عدد روغن بزرگ و فلان مقدار چیزهای دیگر جهت خرج مطبخ، یا یکصد هزار تومان پول باید بدهد، در صورتی که داماد شرایط فوق را بپذیرد آیا عمل به آن لازم است؟

جواب: هرگاه در ضمن عقد یا قبل از آن شرط کرده باشند صحیح و لازم الاجراست و باید بپذیرد.
سؤال ۳۹۰. با توجه به این که در قانون مدنی، نکاح اعم از دائم و منقطع می باشد، در صورتی که زوج شروط مندرج در عقد نامه را پذیرفته باشد، و ازدواج مجدد (اعم از دائم یا منقطع) نماید، آیا زوجه می تواند تقاضای طلاق کند؟ آیا همسر دیگر، شامل نکاح موقت هم می شود؟ آیا در صورت اثبات و تحقق تخلف، دادگاه می تواند حکم فسخ نکاح را صادر نماید؟

جواب: شرط مزبور منصرف به ازدواج دائم است، و شامل عقد موقت کوتاه مدت نمی شود. ولی اگر عقد موقت برای مدت طولانی، مثلاً چند سال باشد، زن (طبق شرایط عقد نامه) وکیل در طلاق خواهد بود.

سؤال ۳۹۱. شخصی به شرط آن که همسرش بچه دار شود با وی ازدواج نموده، و تصریح می کند که در صورت تخلف او را طلاق خواهد داد. آیا چنین شرطی صحیح است؟
جواب: با توجه به این که جلوگیری از بچه دار شدن امر حرامی نیست، این شرط هم شرط حرامی نمی باشد. ولی سزاوار است در غیر موارد ضرورت چنین شرطهایی نکنند.

سؤال ۳۹۲. آیا شرط عدم آمیزش و اکتفاء به سایر تمتعات از سوی زن، مخصوصاً در عقد موقت، مشروع است؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۹۳. اگر زن دائمی شرط کند که هفته ای فقط یکی دوبار تمکین کند، آیا این شرط صحیح است؟

جواب: چنانچه طرفین به این شرط راضی شده باشند این شرط صحیح است.

سؤال ۳۹۴. شخصی قبل از ازدواج با دختری صحبت می کند و می گوید با شما ازدواج می کنم به شرط این که به مادر پیری که دارم رسیدگی کنی و او قبول می کند ولی آن دختر پس از ازدواج به مادر شوهرش رسیدگی نمی کند آیا چنین شرطی قبل از ازدواج الزام آور است؟

جواب: این شرط الزام آور است.

سؤال ۳۹۵. آیا زن می تواند در موقع اجرای عقد نکاح با شوهر شرط کند که امر تدریس یا درس خواندن را همچنان ادامه دهد و در جلسات مختلف شرکت کند؟

جواب: مانعی ندارد.

۳ شرایط غیر مجاز عقد ازدواج

سؤال ۳۹۶. زوجین توافق می نمایند که اختیار طلاق مطلقاً با زوجه باشد؛ آیا چنین شرطی منافات با مقتضای عقد دائم ندارد؟

جواب: تنها در صورت شرط وکالت زن از طرف مرد این کار صحیح است، نه شرط واگذاری طلاق به زن.

سؤال ۳۹۷. آیا مرد می تواند در ضمن عقد نکاح، حق ازدواج مجدد را از خود سلب نماید، یا تعهد نماید که ازدواج مجدد نکند؟ آیا این شرط از شروط مخالف کتاب خدا می باشد؟

جواب: این شرط صحیح نیست؛ ولی می توان شرط کرد که در صورت ازدواج مجدد، زن وکالت در طلاق خود داشته باشد.

سؤال ۳۹۸. آیا مرد در ازدواج دائم می تواند شرط کند که تأمین مخارج زن بطور دائم یا تا مدتی بر عهده او نباشد؟

جواب: این شرط اشکال دارد؛ ولی زن می تواند نفقه خود را به او ببخشد.

سؤال ۳۹۹. دوشیزه ای بطور رسمی به عقد مردی در آمد. زوج علاوه بر شروط ضمن عقد نکاح، شرط زیر را نیز متعهد گردید: «در ضمن عقد خارج لازم شرط شد که هر زمان زوج خانه ملکی تهیه نمود، دو دانگ آن را به طور رسمی به زوجه انتقال دهد.» علی رغم مرسوم بودن چنین شرطی در محاضر، وکیل زوج ادعای باطل بودن آن را می نماید. لطفاً در این رابطه بفرمایید: با توجه به این که مشروط در عقد فوق ملک به عنوان عام نبوده، بلکه به صورت خانه بوده، و آن هم به صورت دو دانگ از شش دانگ تعیین شده است. آیا باز هم شرط مورد نظر مجهول و باطل است؟

جواب: با توجه به این که مشخصات خانه از نظر مترآژ و قیمت و مانند آن تعیین نشده، شرط مجهول بوده و خالی از اشکال نیست. بهتر آن است طرفین در مورد خانه با هم مصالحه کنند.

سؤال ۴۰۰. همان طور که امروز در ازدواجها معمول است ازدواج دوم مرد باید با اذن و رضایت همسر اول باشد، آیا این شرط واجب العمل است؟ هرچند زن نتواند مرد خود را تأمین کند، یا از خواسته او سر باز زند، یا از او دوری گیرند؟

جواب: ازدواج دوم مشروط به اجازه همسر اول نیست؛ ولی دادگاه‌ها معمولاً به خاطر مسایلی که بر اثر ازدواج دوم بدون قید و شرط حاصل می‌شود، محدودیت‌هایی برای آن قائل هستند.

* * *

بخش ششم:

اولیای عقد

بخش ششم: اولیای عقد

۱ ولایت پدر بر دختر باکره

سؤال ۴۰۱. دختر باکره ای که عقل و شعور کافی دارد و به سنّ بلوغ رسیده، آیا می تواند بدون اذن پدر، خود را به عقد دائم و یا موقت مردی درآورد؟

جواب: جایز نیست، باید با اجازه پدر باشد، و تفاوتی بین ازدواج موقت و دائم نیست.

سؤال ۴۰۲. اگر در نکاح منقطع باکره بالغه رشیده، بنا بر دخول نداشته باشد، یا زن شرط عدم دخول نماید، اذن ولی شرط است؟

جواب: اذن ولیّ در تمام موارد شرط است.

سؤال ۴۰۳. می خواهیم دختری را به عقد موقت درآوریم؛ ولی نمی دانیم پدر او راضی است یا نه؟ اگر دختر بگوید: «پدرم راضی است» حرف او قابل قبول است؟

جواب: باید خودتان از پدر دختر اجازه بگیرید.

سؤال ۴۰۴. اجازه پدر در ازدواج دختر تا چه حدّی لازم است؟ اگر پدر مانع ازدواج دختر شود، در حالی که دختر در اثر ترك ازدواج به گناه می افتد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که به تایید بزرگان فامیل همسر مناسب شرعی و عرفی پیدا شود و پدر بی جهت مخالفت کند رضایت او شرط نیست.

سؤال ۴۰۵. در يك حادثه رانندگی بکارت دختری زایل شده، و با مراجعه به پزشک جراح ترمیم گردیده است. آیا چنین فردی حکم باکره را دارد، و برای ازدواج اذن پدر شرط می باشد؟ اگر بر اثر تجاوز ازاله بکارت شود چطور؟

جواب: در هر دو صورت اجازه پدر شرط است.

سؤال ۴۰۶. آیا دختر باکره ای که پدر و جدّ پدری ندارد، به هنگام ازدواج باید از برادر، یا عمو، یا دایی، یا مادرش اجازه بگیرد، یا اصلاً نیازی به اجازه ندارد؟

جواب: احتیاط این است که از بعضی بزرگ ترهای فامیل اجازه بگیرد؛ مخصوصاً برادر بزرگ تر.

سؤال ۴۰۷. آیا پدر می تواند حقّ ولایت خود را بر دختر در مقابل وجهی به داماد منتقل کند؟

جواب: حقّ ولایت پدر قابل انتقال نیست نه در برابر پول و نه بدون آن.

* * *

۲ استثنائات

سؤال ۴۰۸. دختری ۲۳ ساله و دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستم، مدت يك سال است فارغ التحصیل شده ام و به علت نیافتن شغل مناسب در خانه به سر می برم. از زمانی که به خاطر دارم مادرم به دلایلی، که برای هیچ فرد عاقلی قابل قبول نیست، خواستگارانم را جواب می کند، حتی بدون این که من یا پدرم اطلاع داشته باشیم. در آن زمان چون مشغول به تحصیل بودم و خود نیز تمایلی به ازدواج نداشتم، این امر چندان برایم مهم نبود، ولی حالا که تصمیم به ازدواج با شخص مؤمن و متعهدی، که پسر عمه ام نیز می باشد، گرفته ام مخالفت غیر منطقی و اخلاق ناسازگار مادرم برایم مشکل ساز شده است. جوان مورد نظر که به همراه خانواده اش از من خواستگاری کرده، از هر جهت مورد اطمینان و قابل قبول تمامی کسانی است که او را می شناسند، و از آن جا که پدرم تحت نفوذ مادرم می باشد با حرف ایشان مخالفت نمی کند، آیا در چنین صورتی اجازه والدین شرط است؟

جواب: در صورتی که خواستگار، از نظر دینی و جهات اجتماعی، کفو و هم شأن بوده باشد، مخالفت پدر ضرری ندارد و رضایت مادر نیز شرط نمی باشد.

سؤال ۴۰۹. در رساله جنابعالی آمده: «اگر دختر عاقله بالغه رشیده نیاز به شوهر داشته باشد، و پدر او را از ازدواج با مردی که شرعاً و عرفاً کفو او است منع کند، اجازه پدر در این جا شرط نیست.» آیا منظور، ازدواج دائم است یا شامل موقت هم می شود؟ اگر شامل ازدواج موقت می شود، هم کفو بودن در آن به چه معنایی است؟

جواب: اگر به تأیید بزرگان فامیل شرعاً و عرفاً کفو و مناسب او باشد تفاوتی نمی کند؛ ولی معمولاً ازدواج موقت به مصلحت دختران باکره نیست، و مخالفت پدر بجاست.

سؤال ۴۱۰. طبق فتوای مراجع عظام در صورتی که پدر یا جد پدری غایب باشد، و دختر باکره احتیاج به شوهر داشته باشد، اجازه ولی ساقط می شود. معنای «احتیاج داشتن به شوهر» چیست؟

جواب: منظور این است که به سنی (بیش از سی سالگی) رسیده که هرگاه شوهر نکند به زحمت یا خطر می افتد.

سؤال ۴۱۱. اگر دختر باکره ای با پسر هم شأن شرعی و عرفی خود قصد ازدواج داشته باشد، آیا اذن پدر ساقط است؟

جواب: اگر به تأیید بزرگان فامیل شرعاً و عرفاً کفو و مناسب او باشد و پدر بدون دلیل مخالفت کند، اذن او ساقط می شود.

سؤال ۴۱۲. به نظر حضرتعالی آیا کفو شرعی کافی است، یا کفو عرفی هم لازم است؟ منظور از کفو شرعی و عرفی چیست؟

جواب: منظور از کفو شرعی آن است که مسلمان باشد، و منظور از کفو عرفی آن است که از نظر شؤون اجتماعی با هم متناسب باشند. و مراعات کفو عرفی لازم نیست؛ مگر در جایی که دختر رشد فکری کافی ندارد، و ولی برای او شوهر انتخاب می کند.

سؤال ۴۱۳. آیا در سقوط اذن ولی دختر باکره در صورت وجود کفو شرعی و عرفی برای دختر، انحصار کفو شرط است، مثل این که مانند این پسر که به خواستگاری او آمده دیگر نخواهد آمد؟ یا انحصار شرط نیست، یعنی هر چند مانند این خواستگار، که ولی دختر با او مخالف است، افراد دیگری هم باشند، و همه آنها کفو شرعی و عرفی دختر باشند، اذن ولی ساقط است؟

جواب: در صورتی که به تأیید بزرگان فامیل ولی با کفو شرعی و عرفی مخالفت کند، اجازه او ساقط است؛ خواه کسان دیگر باشند یا نباشند.

سؤال ۴۱۴. اگر پرده بکارت دختری بر اثر ورزش و مانند آن زایل شود، یا دختری به عقد مردی درآید و قبل از عروسی طلاق بگیرد، و یا در حین عقد از طریق غیر متعارف آمیزش کنند، ولی بکارت او محفوظ باشد. آیا در این موارد سه گانه اذن پدر ساقط می شود؟ بطور کلی دختر باکره که در ازدواج نیاز به اجازه ولی دارد، به چه دختری گفته می شود؟

جواب: در صورتی که دختر با اجازه پدر شوهر کند و سپس طلاق بگیرد در مرتبه بعد بدون اذن ولی می تواند ازدواج کند.

سؤال ۴۱۵. اگر پدر دختر اجازه ازدواج ندهد، در حالی که دختر بر اثر ترك ازدواج به گناه می افتد، آیا در این صورت هم اجازه او لازم است؟

جواب: در صورتی که به تأیید بزرگان فامیل همسر مناسب شرعی و عرفی پیدا شود و پدر مخالفت کند، رضایت او شرط نیست.

سؤال ۴۱۶. دختر و پسری روابط نامشروع داشته اند، که در نتیجه منجر به حامله شدن دختر می شود و در هفت ماهگی به وسیله پسر سقط جنین انجام می شود، آیا ازدواج ایشان از نظر شرعی، با توجه به این که پدر دختر موافق نیست، جایز است؟

جواب: در این جا اجازه پدر شرط نیست؛ ولی بهتر است با موافقت او اقدام کنند.

سؤال ۴۱۷. در بعضی مواقع پسران و دختران مجرد، که رشید می باشند، به اتفاق هم به حقیر مراجعه و اعلام می نمایند که چندین بار خانواده پسر به خانواده دختر جهت امر مقدّس ازدواج مراجعه کرده اند، اما پدر دختر بدون جهت با ازدواج نامبردگان مخالفت می نماید، که این امر باعث افسردگی روحی دختر و پسر، که اغلب بالای سنین ۲۰ سال می باشند، شده و طرفین اصرار شدید جهت اجرای صیغه عقد بدون اذن ولیّ زوجه دارند و اعلام می کنند که در عسر و حرج خاصی به سر می برند، آیا در این جا اذن پدر ساقط است؟

جواب: اگر شوهری که برای دختر پیدا شده که به تایید بزرگان فامیل شرعاً و عرفاً کفو و مناسب او باشد، پدر حقّ مخالفت ندارد؛ ولی باید تحقیق کرد که آیا پدر دلیلی برای مخالفت خود دارد یا نه؟

۳ ولایت بر صغیره

سؤال ۴۱۸. اگر پدری دختر دو ساله خود را به عقد پسری درآورد و دختر پس از بلوغ بگوید: «به این ازدواج راضی نیستم» حکم شرعی چنین ازدواجی چیست؟

جواب: در صورتی که ازدواج مذکور در آن زمان که صورت گرفته به مصلحت دختر بوده باید آن را بپذیرد؛ ولی اگر مصلحت او نبوده، ازدواج مزبور از اصل باطل است، و غالباً در عصر و زمان ما ازدواج دختران کوچک توسط پدرها به مصلحت آنان نیست.

سؤال ۴۱۹. آیا پدر در امر ازدواج بر فرزند صغیر ولایت دارد؟

جواب: با توجه به این که ولایت پدر منوط به مصلحت صغیر است و در عصر و زمان ما غالباً غبطه و مصالح صغیر در ازدواج نمی باشد، بنابراین پدران جز در موارد استثنایی حق ندارند صغیر یا صغیره را به عقد کسی درآورند.

سؤال ۴۲۰. آیا در صورت لزوم، حکومت اسلامی می تواند مانع از تزویج افراد غیر بالغ (کودکان

میمز یا غیر ممیز) توسط اولیا، یا قیم آنها گردد؟

جواب: ما معتقدیم در عصر و زمان ما تزویج صغیر و صغیره به وسیله اولیا مطلقاً اشکال دارد؛ زیرا مطابق غبطه و مصلحت آنها نیست.

سؤال ۴۲۱. پدری دختر صغیره خود را، که کمتر از ۹ سال دارد، بدون اطلاع او به عقد مردی،

که ۲۵ سال از او بزرگ تر است و همسر دیگری هم دارد، در آورده است. دختر پس از بلوغ ناراضیتی خود را اعلام و اصرار بر طلاق می نماید، ولی شوهر حاضر به طلاق نمی شود، آیا عقد فوق صحیح است؟

جواب: چنانچه این عقد به مصلحت دختر نبوده باطل است و دختر می تواند بدون طلاق شوهر

کند؛ ولی اگر دختر بعد از بلوغ رضایت داده نمی تواند آن را بر هم زند.

سؤال ۴۲۲. آیا پدر و جد پدری در امر ازدواج بر فرزند صغیر خود ولایت دارند؟

جواب: با توجه به این که ولایت پدر و جدّ پدری منوط به مصلحت صغیر است، و در عصر و زمان ما غالباً غبطه و مصالح صغیر در ازدواج نمی باشد، بنابراین پدران، جز در موارد استثنایی، حق ندارند صغیر یا صغیره را به عقد کسی در آورند.

* * *

۴ ازدواج پسر

سؤال ۴۲۳. شخصی مایل به ازدواج با دختری است که خودش او را پسندیده است، اما والدین او فرد دیگری را در نظر دارند، اگر با او ازدواج نکند شاید و یا حتماً باعث ناراحتی پدر و مادر می‌گردد. در این صورت آیا اطاعت از آنها لازم و واجب است؟

جواب: رعایت نظر پدر و مادر در این گونه مسائل واجب نیست؛ ولی اگر بتواند موافقت آنها را جلب کند بهتر است.

سؤال ۴۲۴. برادر بزرگ‌تر از خودم عاشق دختری است، ولی پدر و مادرم مانع از عشق او هستند. و دلیل آنها این است که پدر آن دختر جزء اقوام یکی از قاتلین پسر عمه ام می‌باشد. آیا مطلب مذکور مانع ازدواج برادرم و آن دختر می‌شود؟

جواب: اگر در فامیلی يك نفر مرتکب خطایی شود، تمام آن فامیل بد نمی‌شوند. اگر واقعاً خانواده آن دختر خانواده خوبی است، ازدواج با او مانعی ندارد.

* * *

بخش هفتم:

عیوب فسخ نکاح

بخش هفتم: عیوب فسخ نکاح

۱ کلیات

سؤال ۴۲۵. آیا در صورت فسخ عقد، احتیاجی به طلاق است؟

جواب: هرگاه مرد یا زن به واسطه یکی از عیوبی که موجب فسخ می شود که آن عیوب عبارتند از:

۱. عیوب مرد

الف) دیوانه بودن شوهر.

ب) نداشتن آلت مردی.

ج) ناتوانی از نزدیکی جنسی.

د) بیضه های او را کشیده باشند.

۲. عیوب زن

الف) دیوانگی.

ب) بیماری خوره.

ج) بیماری برص (پسی).

د) کور بودن.

ه) شل بودن بطوری که آشکار باشد.

و) افضا شدن.

ز) گوشت یا استخوان یا غده ای در او باشد که مانع نزدیکی شود.

در این موارد اگر عقد را به هم زنند احتیاجی به طلاق نیست، و همان فسخ کافی است.

سؤال ۴۲۶. در صورت فسخ عقد آیا پرداخت مهریه لازم است؟

جواب: هرگاه به خاطر ناتوانی مرد از نزدیکی، زن عقد را به هم زند، شوهر باید نصف مهر او را بپردازد، ولی اگر به خاطر یکی دیگر از عیبهایی که گفته شد، مرد یا زن عقد را به هم بزند اگر باهم نزدیکی نکرده باشند چیزی بر مرد نیست و اگر کرده باشند بنابر احتیاط واجب باید تمام مهر را بپردازد

سؤال ۴۲۷. آیا عیوبی که موجب فسخ عقد ازدواج دائم است، شامل عقد موقت نیز می شود؟

جواب: ظاهراً شامل عقد موقت هم می شود.

سؤال ۴۲۸. با توجه به این که کشور ما، در حال حاضر، در مرحله حذف بیماری جذام است، آیا می توان جایگزین های دیگری، مثل بیماری ایدز، یا سایر بیماری های پوستی که مُخَلّ روابط زناشویی است، برای آن در نظر گرفت؟

جواب: در صورتی که واقعاً مُخَلّ رابطه زناشویی باشد، حقّ فسخ ثابت است.

سؤال ۴۲۹. مواردی که مرد حقّ فسخ دارد، مانند بیماری برص (ویتیلیگو)، نقص مادر زادی، افضاء، موانع مقاربت (مانع استخوانی، یا پرده پوستی و مانند آن) همگی امروزه با درمان قابل رفع می باشد. حال چنانچه مردی پس از ازدواج متوجه موارد مذکور گردد، آیا باز هم اختیار بر هم زدن عقد را دارد؟ چنانچه نیاز به درمان باشد، آیا درمان و هزینه آن، بر عهده زن و خانواده اوست، یا بر عهده شوهر می باشد؟

جواب: هر گاه به سهولت قابل معالجه باشد، و زن با هزینه خود اقدام به درمان نماید، خیار فسخ جاری نیست.

۲ عیوب مرد

سؤال ۴۳۰. زن در چه صورت می تواند عقد را فسخ کند؟

جواب: زن نیز می تواند در چند صورت عقد را به هم زند:

الف) دیوانه بودن شوهر.

ب) نداشتن آلت مردی.

ج) ناتوانی از نزدیکی جنسی.

د) بیضه های او را کشیده باشند (تفصیل این مسأله و مسأله سابق در کتاب های مفصل فقهی

آمده است).

سؤال ۴۳۱. تعریف «خصا» را بیان فرمایید؟

جواب: خصا به معنای بیرون کشیدن و بیرون آوردن بیضه هاست و اگر بیضه ها را بطوری بکوبند

که از کار بیفتند آن هم در حکم خصاست.

سؤال ۴۳۲. تعریف «جَبّ» چیست؟

جواب: جبّ آن است که آلت قطع شده باشد؛ بطوری که قادر بر دخول نباشد.

سؤال ۴۳۳. شوهرم پزشک محترمی بود؛ ولی متأسفانه پس از چند سال زندگی مشترك، مبتلا به

جنون شد. اختلال حواس او را به دادگاه اعلام کردم و پزشک قانونی نیز آن را تأیید کرده است. در

صورتی که محجور شود نکاح خود به خود فسخ می شود، یا جهت فسخ نکاح باید به حاکم شرع

مراجعه کنم؟

جواب: زن می تواند صیغه فسخ را جاری کند، و احتیاط آن است که آن را به اطلاع حاکم شرع

برساند.

سؤال ۴۳۴. اگر در ضمن عقد لازمی (همچون نکاح) به زوجه وکالت دهیم که هرگاه عارضه ای

پیش آمد، خود را مطلقه سازد. سپس زوج مجنون شود، آیا زن می تواند با استفاده از این وکالت، خود

را مطلقه سازد، در حالی که علما می فرمایند: «وکالت، عقدی جایز است، و با جنون باطل می شود»؟

جواب: درست است که وکالت با جنون باطل می شود؛ ولی یکی از مجوزات فسخ نکاح جنون است، هر چند بعد از ازدواج عارض شده باشد.

سؤال ۴۳۵. اگر مردی قبل از ازدواج از نزدیکی عاجز باشد، و زن بعد از مراسم عروسی بفهمد و فوراً عقد را بر هم نزند و از شوهر جدا نشود؛ ولی راضی به عقد نباشد، آیا در این صورت زن می تواند بدون طلاق شوهر کند؟

جواب: در این موارد، زن باید به حاکم شرع مراجعه کند و حاکم يك سال به مرد مهلت می دهد، اگر درمان شد ازدواج باقی است، در غیر این صورت زن می تواند نکاح را فسخ کند و احتیاج به طلاق نیست، و به فرض که مرد بعد از آن هم خوب شود قابل بازگشت نیست؛ مگر به ازدواج جدید.

سؤال ۴۳۶. اینجانبه مدت دو سال و نیم است که به عقد دائم فردی درآمده ام که به علت ناتوانی جسمی قادر به تصاحب بنده نبوده، و هنوز هم باکره می باشم. لطفاً در این خصوص به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا این مورد، از موارد فسخ است؟

ب) آیا شرعاً مستحق نفقه می باشم؟

ج) سایر حقوقی که به بنده تعلق می گیرد چیست؟

جواب: در صورتی که به عیب او رضایت نداده باشید، حق فسخ دارید. و چنانچه حکم را نمی دانسته اید و فسخ نکرده اید و آماده تمکین بوده اید، حق نفقه دارید. و در صورت جدا شدن با فسخ، هرگاه عروسی نشده باشد، حق نصف مهر را دارید.

سؤال ۴۳۷. اگر در مدت يك سال مهلت به فرد عنین، زوجه از تمکین خودداری کند، آیا بعد از اتمام مدت، زوجه حق فسخ دارد؟

جواب: چنانچه درمان او نیاز به همبستر شدن با زوجه دارد، در صورت عدم تمکین زوجه، باید مدت تمکین تجدید شود.

سؤال ۴۳۸. زوجه مدعی ناتوانی جنسی زوج است، ولی زوج برای نفی ادعای زوجه حاضر نیست اعمالی از قبیل معاینه توسط اطباء مؤثق، و مجامعت با زوجه را انجام دهد، و نفقه زوجه را نیز نمی پردازد، حکم شرعی این زوجین چیست؟

جواب: اگر زوج نسبت به ترك انفاق، اصرار داشته باشد و حاضر به انجام وظیفه شرعی نشود، حاکم شرع می تواند زوجه را مطلقه سازد و یا حق او را از زوج بگیرد. و نسبت به اتمام عین بودن، اگر این امر از ابتدای زوجیت بوده و زوج حاضر به آزمایش نشود و بر آن اصرار ورزد، باز حاکم شرع می تواند زوجه را مطلقه سازد. ضمناً توجه داشته باشید هر گاه ثابت شود زوج عین است، باید يك سال مهلت داد، اگر بیماری او خوب نشد زوجه حق فسخ دارد، و می تواند نصف مهر خود را بگیرد.

سؤال ۴۳۹. اگر فردی در بعضی مواقع، به علت وضعیت خاص جسمانی اش، قادر بر نزدیکی نباشد، ولی در بعضی مواقع، که کلیه شرایط فردی و محیطی مهیا باشد، و طرف مقابل نیز همکاری لازم را بنماید، موفق بر این عمل شود، آیا این مشکل عنن محسوب شده، و موجب فسخ نکاح می شود؟

جواب: در صورتی که فراهم شدن این شرایط میسر باشد، عنن محسوب نمی شود.

سؤال ۴۴۰. اگر فردی از لحاظ جنسی در حالت عادی موفق به عمل نزدیکی نباشد، ولی با استفاده از داروهای موجود، که توسط پزشکان مورد تأیید و تجویز است، قادر به این کار باشد. آیا بیماری مذکور عنن محسوب، و موجب فسخ نکاح می شود؟

جواب: بیماری مزبور عنن محسوب نمی شود.

سؤال ۴۴۱. با توجه به پیشرفت علوم پزشکی، در صورتی که با آزمایشات متعدد اطمینان حاصل شود که زوج عین است، آیا باز هم يك سال مهلت دادن لازم است؟

جواب: آری لازم است و باید به او فرصت معالجه داد.

سؤال ۴۴۲. زنی پس از سال ها ازدواج بچه دار نشده است، دکتر تشخیص داده که عیب از مرد می باشد، اکنون زن می گوید: «شوهرم فاقد بیضه است». و بدین جهت بچه دار نشده است، آیا زن می تواند عقد را فسخ کند؟

جواب: در صورتی که آگاهی بر این امر نداشته، می تواند فسخ کند؛ مگر این که بعد از آگاه شدن راضی شده و با او زندگی کرده باشد.

سؤال ۴۴۳. آیا بیماری ایدز را در هر يك از زن و مرد، از عیوبی که بتوان عقد نکاح را بدون طلاق فسخ کرد می دانید؟

جواب: اگر به گواهی اهل اطلاع این بیماری در مرحله ای باشد که موجب سرایت و خطر گردد و شوهر حاضر به طلاق دادن زن نباشد، زن می تواند طلاق خود را به وسیله حاکم شرع بگیرد و مرد نیز در این گونه موارد می تواند زن را طلاق بدهد.

سؤال ۴۴۴. زوجه ای به علت بیماری پیسی زوج (بیماری برص که در هر دو پا و هر دو دست اوست) از غذا خوردن با زوج و نیز در انجام وظایف زناشویی با او کراهت دارد. حال با توجه به این که بیماری زوج مسلم و مبتنی بر گواهی پزشکی قانونی است و با عنایت به این که اقوام و خویشاوندان زوجه به لحاظ بیماری زوج محدودیت شدیدی در رفت و آمد خود قائل شده و تقریباً قطع رابطه نموده اند، و حتی مردان آنها حاضر به دست دادن با زوج نیستند، آیا چنین وضعیتی برای زوجه «عسر و حرج» محسوب می شود؟

جواب: اگر ترس آنها از سرایت بیماری مزبور از نظر پزشکی بجاست و پزشکان آن را تأیید می کنند، عسر و حرج در فرض بالا مسلم است.

سؤال ۴۴۵. این جانب، سعیده، يك سال قبل به عقد دائمی آقای «ح» درآمدم. مدت ۶ ماه در منزل شوهرم زندگی کردم؛ ولی او توان عمل زناشویی ندارد، بنده بعد از ۶ ماه به منزل پدرم برگشتم و فعلاً باکره هستم و پزشک قانونی هم به عدم توانایی آمیزش جنسی شوهرم نظر داده است، لطفاً بفرمایید:

الف) در این صورت آیا بنده می توانم عقد را فسخ نمایم، یا نیاز به طلاق دارم؟

جواب: شما باید از این تاریخ تا يك سال مهلت بدهید، اگر همسران معالجه شد و توانایی بر آمیزش جنسی و دخول پیدا کرد عقد به قوت خود باقی است. در غیر این صورت می توانید فسخ کنید.

ب) در صورت فسخ، مهریه و جهیزیه ام، که فعلاً در دست شوهرم می باشد، متعلق به کیست؟
جواب: جهیزیه متعلق به شماست و حق نصف مهریه را دارید.

سؤال ۴۴۶. آیا شخص مسلمانی که مبتلا به ایدز می باشد، می تواند دختر مسلمانی را به عقد خود در آورد؟

جواب: در صورتی که تولید خطر کند جایز نیست.

۳ عیوب زن

سؤال ۴۴۷. کدام عیوب زن به مرد این اجازه را میدهد عقد را فسخ کند؟
 جواب: هرگاه مرد بعد از عقد بفهمد که زن او یکی از هفت عیب زیر را دارد می تواند عقد را فسخ کند:

(الف) دیوانگی.

(ب) بیماری خوره.

(ج) بیماری برص (پیسی).

(د) کور بودن.

(ه) شل بودن بطوری که آشکار باشد.

(و) افضا شدن (یعنی راه بول و حیض او، یا راه حیض و غائط او، یکی شده باشد و بطور کلی پارگی طوری باشد که قابل استفاده برای آمیزش جنسی نباشد).

(ز) گوشت یا استخوان یا غده ای در او باشد که مانع نزدیکی شود.

سؤال ۴۴۸. تعریف «برص» که سبب جواز فسخ نکاح می شود چیست؟

جواب: برص به معنای پیسی است و آن يك نوع بیماری پوستی است که رنگ قسمتی از پوست بدن بر اثر آن سفید می شود.

سؤال ۴۴۹. لطفاً «کوری» را تعریف کنید.

جواب: کوری آن است که مطلقاً چیزی را نبیند، یا بینایی به قدری کم باشد که به حساب نیاید؛ خواه چشم ظاهراً سالم باشد یا غیر سالم.

سؤال ۴۵۰. اگر زن و شوهری قبل از ازدواج و نزدیکی، یا بعد از ازدواج و دخول، به مرض جنون

ادواری مبتلا شوند، آیا حق فسخ نکاح را دارند؟

جواب: آری، حق فسخ دارند.

سؤال ۴۵۱. دختر خانمی ازدواج نموده، و پس از آن طبق نظر متخصصان و اقرار خانواده و خود دختر، معلوم شده که قبل از ازدواج دارای مرتبه ای از جنون بوده، و اکنون ادامه زندگی با ایشان غیر ممکن است. آیا شوهر حق فسخ دارد؟ و در صورت فسخ، آیا زوجه مستحق مهرالمثل است یا مهر المسمی؟

جواب: شوهر حق فسخ دارد؛ ولی اگر دخول واقع شده باید مهر المسمی را بپردازد.

سؤال ۴۵۲. زنی به صورت مزمن مبتلا به جنون دائم یا ادواری بوده، و سوابق جنون و بستری شدن در بیمارستان روانی را از شوهر مخفی نگاه داشته، و حتی پس از طرح دعوا از طرف مرد، نیز موضوع را انکار نموده است. مرد پس از ازدواج و دخول و گذشت چند سال، از نوع بیماری و سوابق بستری شدن قبلی زوجه در بیمارستان آگاهی نسبی یافته، و بلافاصله پس از اطلاع، ضمن مشورت با حقوقدانها، اقدام به فسخ نکاح می نماید. حال اگر بیماری فوق توسط کمیسیون پزشکی قانونی به صورت زیر تأیید گردد: «زوجه دارای سابقه اختلال روانی و واجد علائم جنون حداثت از سال ۱۳۶۷ (شش سال قبل از ازدواج) بوده، و در حال حاضر نیز دچار عوارض مزمن بیماری است». در فرض مسأله آیا مرد حق فسخ دارد، و به زن مهریه ای تعلق می گیرد؟

جواب: سابقه بیماری روانی به تنهایی برای فسخ کافی نیست. و با توجه به این که چند سال با او زندگی کرده، و آثار محسوسی در این مدّت نبوده، نشان می دهد که بهبودی نسبی یافته است. و وجود عوارض غیر محسوس، یا ضعیف گذشته، به تنهایی برای فسخ نکاح کافی نیست.

سؤال ۴۵۳. آیا نبودن بکارت در دختر، باعث جواز فسخ عقد می شود؟ معنی فسخ چیست؟

جواب: در صورتی که شرط بکارت کرده باشد حق فسخ دارد. و معمولاً در محیطهای ما، شرط بکارت به عنوان يك شرط ضمنی و از پیش توافق شده می باشد. و معنی فسخ این است که بگوید: «من عقد را فسخ کردم، یا به هم زدم». و به هر زبانی کافی است.

۴. تدلیس

۱. تدلیس مرد

سؤال ۴۵۴. شخصی، از دختری، که در افغانستان بسر می برد، برای پسرش، که در ایران است، خواستگاری می کند، دختر راضی می شود مشروط بر این که تعریف و توصیف هایی که پدر داماد از پسرش کرده مطابق با واقع باشد، پس از آن که دختر به ایران می آید متوجه می شود آن توصیفها کاملاً دروغ بوده و پدر و مادر پسر، عکس شخص دیگری را به عنوان عکس فرزندشان به دختر نشان داده اند! آیا عقدی که خوانده شده صحیح است؟

جواب: در فرض مسأله دختر حقّ فسخ دارد.

سؤال ۴۵۵. زوجه ای در دوران عقد متوجه بیماری روحی و عصبی صعب العلاجی در شوهرش می شود، بگونه ای که عوارض بیماری (شوک های عصبی، ضعف شدید جسمی، بی ثباتی شخصیتی، نابینایی موقت، غش و مانند آن) زندگی را برای وی مخاطره آمیز ساخته است. نظر به ترس و نگرانی زوجه از زندگی مشترک، و ضرورت درمان چند ساله، و نبودن عزم جدی بر معالجه از سوی زوج و خانواده اش، آیا زوجه حقّ فسخ دارد؟ حکم مهریه و نفقه چیست؟

جواب: در صورتی که قبلاً زوج و کسان او اظهار داشته اند که از سلامت کامل برخوردار است، زوجه می تواند به عنوان تدلیس، نکاح را فسخ کند، در غیر این صورت هرگاه ثابت شود زندگی با آن مرد مستلزم عسر و حرج شدید است حقّ دارد از حاکم شرع تقاضای طلاق کند، و طلاق در این صورت جنبه خلع خواهد داشت که معمولاً با بذل مهریه انجام می شود؛ مگر این که با زوجه توافق دیگری شود.

سؤال ۴۵۶. هر گاه شخصی به خواستگاری دختری برود و بگوید: «همسر و فرزندی ندارم». و دختر با این شرط آماده ازدواج با او شود، و بعد از عقد معلوم شود که مرد دروغ گفته است، آیا زن حقّ فسخ دارد؟

جواب: در تمام مواردی که مرد یا زن اظهار صفاتی کنند که موجب کمال باشد و یا حتّی موجب کمال نباشد، ولی رضایت طرف مقابل به خاطر وجود آن صفات باشد، و بعداً کشف خلاف گردد، در تمام این موارد طرفی که اغفال شده خیار فسخ دارد، و می تواند بدون طلاق عقد نکاح را بر هم بزند.

سؤال ۴۵۷. والدینم مرا بالاجبار به عقد شخصی در آوردند، شوهرم پس از مدّتی مانع انجام فرائض دینی ام شد، و معلوم گشت که او شیعه نیست، و حتّی مرا در صورت باقی ماندن بر مذهبم تهدید به مرگ کرد، تکلیف من چیست؟

جواب: در فرض مسأله شما می توانید به دادگاه شکایت کنید، اگر او از کارش دست بردن نداشته و حاضر به طلاق نشد، حاکم شرع می تواند شما را طلاق دهد. و اگر ازدواج شما بالاجبار بوده از اوّل باطل بوده است، و احتیاج به طلاق ندارد. و اگر شما راضی به ازدواج شده اید، در حالی که او خود را به عنوان شیعه معرّفی کرده و از مذهب او آگاه نبوده اید، حقّ فسخ دارید و نیازی به طلاق نیست.

سؤال ۴۵۸. اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش معتاد است، آیا می تواند عقد را فسخ کند؟ تکلیف مهریه چه خواهد شد؟

جواب: اگر زن در موقع عقد شرط کند که هر گاه شوهرش معتاد به موادّ مخدّر گردد، اختیار طلاق با او باشد، این شرط باطل است؛ ولی هر گاه شرط کند که او از طرف شوهرش وکیل باشد که هر گاه این کار را انجام دهد خود را مطلقه کند، این وکالت صحیح است، و در چنین صورتی حق دارد خود را طلاق دهد.

سؤال ۴۵۹. اگر زوجه، یا بستگان زوجه، در ازدواج تدلیس کنند و پس از روشن شدن مسأله، نکاح (بعد از نزدیکی) فسخ شود، آیا زوج باید مهر زن را بدهد؟ اگر قبلاً پرداخت کرده باشد، می تواند باز پس بگیرد؟

جواب: زوج باید تمام مهر را بدهد و می تواند به مُدلس رجوع کند.

۲. تدلیس زن

سؤال ۴۶۰. چنانچه مردی، پس از گذشت دو سال از زندگی مشترک زناشویی متوجّه شود که همسرش در طول دو سال گذشته با خدعه، بیماری های خویش را، که فلج مثانه و آگزیم بوده و از کودکی به آن مبتلا می باشد، از شوهر پنهان نموده، در حالی که به هنگام عقد خود را سالم معرّفی کرده است، در فرض سؤال، آیا مرد حقّ فسخ نکاح را دارد؟

جواب: در فرض مسأله اگر مرد بعد از اطلاع رضایت به این ازدواج نداده حق فسخ دارد، و ضرر و زیان هایی را که بر او وارد شده می تواند از کسانی که تدلیس کرده اند بگیرد.

سؤال ۴۶۱. اگر تدلیس کننده خود زن باشد و شوهر پس از آگاهی از وجود عیب، نکاح را فسخ کند، موردی که دارای بیماری روانی، سر گیجه، استفراغ، تشنج، پرخاشگری و حالت های غیر عادی، که ناشی از بیماری روانی غیر قابل علاج باشد، و پزشکان متخصص و شاهدان عینی تصدیق نموده باشند، آیا چنین فسخی صحیح است؟

جواب: هرگاه زن و کسان او طوری وانمود کنند که زن سالم است، و در واقع سلامت زن به صورت شرط در ضمن عقد درآید، و بعداً کشف خلاف شود، شوهر می تواند عقد را فسخ کند. و اگر دخول نکرده، مهری برای زن نیست، و اگر قبل از آگاهی بر عیب دخول کرده، تمام مهر بر او لازم است، و می تواند آن را از تدلیس کننده بگیرد، و اگر تدلیس کننده زن باشد مهر او ساقط است.

سؤال ۴۶۲. خواهشمند است نظر خود را راجع به تدلیس در ازدواج به طور مشروح بیان فرمایید. آیا پنهان نمودن نقص، مانند کچلی کلی، یا موضعی، کم پشت، یا خالی بودن قسمتی از موهای سر، در زن موجب حق فسخ برای مرد می شود؟

جواب: هر گاه در موقع خواستگاری معایب خود را عمداً بپوشاند، و خود را غیر از آنچه هست نشان دهد، مصداق تدلیس است، و شوهر پس از اطلاع حق فسخ دارد.

۵ تخلف از شرط

سؤال ۴۶۳. زوج در موقع ازدواج، با اشتغال زوجه در خارج از منزل موافقت کرده و متعهد شده که ممانعت نکند، حال پس از گذشت چند سال از ازدواج و اشتغال زوجه، مانع ادامه کار او شده است، آیا زن در اینجا حق فسخ دارد؟

جواب: آری، اگر شوهر از شرط تخلف کند، زوجه می تواند نکاح را فسخ کند.

سؤال ۴۶۴. در صورتی که داماد بخاطر عدم بکارت، نکاح را فسخ کند، چه مقدار از مهریه را باید بپردازد؟ در صورت تدلیس از چه کسی می تواند بگیرد؟

جواب: در صورت شرط بکارت، یا هر شرط کمال و عدم نقص خواه به صورت ذکر در عقد باشد، یا قبل از آن چنانچه خلاف آن ثابت شود حق فسخ دارد. و هرگاه دخول حاصل نشده باشد، مهریه بکلی ساقط است، و اگر حاصل شده باشد، مهر المسمی پرداخته می شود، سپس از کسی که تدلیس کرده می گیرد.

سؤال ۴۶۵. پسر از دختری با تأکید بر باکره بودن وی خواستگاری کرده، و صیغه عقد شرعی و دائمی زوجیت با شرط باکره بودن زوجه جاری گردیده است. پس از گذشت ده ماه از اجرای صیغه دائمی عقد، و قبل از برگزاری مراسم ازدواج، زوجه اعلام می دارد که پرده بکارت وی توسط زوج ازاله گردیده، اما زوج با اتیان سوگند شرعی منکر ادعای زوجه می باشد. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

(الف) آیا پسر، حق فسخ نکاح را دارد؟

جواب: در صورتی که زوج و زوجه قبل از عروسی با هم رفت و آمد داشته و خلوت می کرده اند، ادعای پسر پذیرفته نیست.

(ب) آیا زوج باید اثبات کند که اقدامی نکرده است؟

جواب: آری تا ثابت نکنند، در فرضی که در بالا گفتیم، ادعای او پذیرفته نیست.

(ج) در صورت فسخ نکاح، آیا زوجه حق دریافت مهرالمسمی دارد یا مهرالمثل؟

جواب: در فرض بالا زوج حق فسخ ندارد.

سؤال ۴۶۶. يك سال پیش با دختری آشنا شدم، که توسط فرد دیگری به طور نامشروع بکارت خود را از دست داده بود. با پرسش از دفتر بعضی مراجع، و رؤیت استفتائات ایشان، مبنی بر این که این جانب می توانم بدون اذن پدر، دختر را به صیغه موقت خود درآورم، با ایشان ازدواج موقت کردم. حال پس از گذشت يك سال، خواستگاری برای او آمده است. آیا این خاتم، که می خواهد به عنوان دختر باکره با آن مرد ازدواج کند، لازم است بگوید باکره نیست؟

جواب: بر دختر لازم نیست وضع خود را به شوهر بگوید؛ اما اگر بعداً بر شوهر ثابت شد که دختر باکره نیست، حق فسخ نکاح را دارد.

سؤال ۴۶۷. جوانی دختر باکره ای را، مشروط بر صحت کامل طرفین، به عقد ازدواج دائمی خود درآورده است. در اولین فرصت بعد از ازدواج، که زوجین با هم تنها شده اند، زوجه متوجه می شود که ناحیه فوقانی بدن شوهر دچار ناراحتی مادرزادی، قیفی شکل، ناموزون و غیر طبیعی است. بدین جهت واقعه ای صورت نگرفت. در این صورت:

الف) آیا زوجه اختیار فسخ نکاح را دارد؟

ب) در فرض جواز فسخ نکاح، و با توجه به این که زوجه مدخول بها نیست، آیا می تواند نصف مهریه و دیگر خسارات، از قبیل هزینه میهمانی و مانند آن، را از زوج مطالبه کند؟

جواب: این عیب از عیوب فسخ نکاح نیست؛ مگر این که قبلاً شرط صحت کامل کرده باشند. در این صورت زن حق فسخ از باب خیار تدلیس دارد، ولی در فرض مسأله که موضوع صورت نگرفته مهر به او تعلق نمی گیرد. اما اگر خساراتی متحمل شده، می تواند آن را از زوج بگیرد.

سؤال ۴۶۸. برای ازدواج این جانب، دوشیزه ای را از اقارب نسبی معرفی نمودند. علی رغم قرابت، چون از کودکی ایشان در خارج از کشور زندگی می کردند، هیچ نوع آشنایی قبلی از یکدیگر نداشتیم. از آن جا که شغل این جانب پزشکی است، از ابتدای تحصیلات وحشت زیادی از انواع بیماری ها، بویژه بیماری های ارثی که به فرزند منتقل می شود داشته ام. مطابق توصیه های علمی، بویژه در مورد ازدواج با اقارب نسبی، پس از تفهیم موضوع بیماری ها و لزوم معاینات پزشکی و شرط صحت کامل به دوشیزه خاتم که او نیز خود را پزشک معرفی نموده، با استقبال او و خانواده اش، دو بار به پزشک متخصص مراجعه نمودم و هر دو نفر مورد معاینه پزشکی قرار گرفتیم. خوشبختانه این جانب کاملاً سالم بودم و دوشیزه خاتم و مادرشان هم از بیماری خود صحبتی نکردند و پزشک متخصص بر مبنای سلامت کامل طرفین، توصیه به اجرای عقد نمود، سپس با خیال راحت از سلامتی کامل دوشیزه خاتم و

فرزندان آینده، عقد ازدواج دائم را منعقد نمودیم. پس از مدتی از وقوع عقد و قبل از عروسی و دخول، دوشیزه خانم گفتند که بیماری خاصی داشته اند، ولی نمی خواستند قبل از عقد بگویند و نیت داشته اند که پس از عقد بگویند و به پزشک مربوطه هم چیزی نگفته اند. با فهمیدن نوع بیماری و مراجعه دوباره به پزشکان مربوطه، معلوم شد که بیماری دوشیزه خانم معالجه ندارد و این که بیماری مذکور قابل انتقال به فرزندان هم می باشد. با توجه به مقدمه فوق به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

الف) آیا این جانب می توانم عقد ازدواج دائم فوق الذکر را به دلیل عدم وجود شرایط ذکر شده از قبل، مبنی بر سلامت کامل زوجه و فرزندان آتی، فسخ نمایم؟

جواب: در فرض مسأله که نوشته اید شرایط مفقود بوده، می توانید عقد را فسخ کنید و در فرض مسأله، مهر واجب نیست.

ب) خساراتی در جریان عقد، از قبیل خرید هدایا و هزینه مراسمات و نفقه و مهریه و مانند آن به این جانب وارد شده، آیا دوشیزه خانم ضامن آن خسارت ها هستند؟ والدینش که معرف و شاهد عقد بوده و از ابتدا از بیماری فرزندشان اطلاع کامل داشته و از شرایط این جانب مبنی بر سلامت دوشیزه خانم، مطلع بوده و پذیرفته بودند چطور؟

جواب: کلیه اشیا و هدایایی که به اعتقاد صحّت عقد یعنی واجد بودن شرایط ردّ و بدل شده به صاحبش برمی گردد و خسارات باید جبران شود؛ ولی عفو و گذشت در این گونه موارد بهتر است.

سؤال ۴۶۹. اگر حال شوهر بعد از عقد بر خلاف آنچه ادّعا کرده بود و عقد بر مبنای آن حال و شرایط اجرا گردیده بود، ظاهر گردد، آیا باز هم طلاق و فسخ به دست شوهر است؟ و اگر زن مهریه را گرفته و بخواهد عقد را قبل از دخول فسخ کند، حکم مهریه چیست؟

جواب: اگر زن شرایطی را بر مرد شرط کرده باشد و مرد از آن شرایط تخلف کند، یا در بعضی صفات زن را فریفته باشد و خلاف آن ثابت شود، زن حقّ فسخ عقد را دارد و اگر قبل از دخول فسخ کند مستحقّ مهریه نیست.

سؤال ۴۷۰. زوج در موقع ازدواج، با اشتغال زوجه (که معلّم است) در خارج از منزل، موافقت کرده و متعهد شده که مانع ادامه کار زوجه نشود. حال بعد از گذشت چند سال از زندگی و اشتغال زوجه، مانع از ادامه کار او گشته است، و چون در سند ازدواج، ضمانتی برای تخلف از شرط قید نشده، زوجه تقاضای طلاق خود را به علّت تخلف از شرط، به دادگاه تقدیم نموده است. آیا این خواسته زوجه در طلاق و جدایی از شوهر برای دادگاه قابل قبول می باشد؟

جواب: آری، اگر شوهر تخلف از شرط کند، زوجه می تواند نکاح را فسخ کند.

سؤال ۴۷۱. عقدی بدون شرط باکره بودن، ولی مبتنی بر این وصف منعقد شده است، شب زفاف، چه در اثر دخول و چه بدون دخول، بر اساس اقرار زوجه معلوم می شود که وی باکره نیست، در این صورت اگر مرد تقاضای فسخ نکاح نماید، آیا باید نصف مهر را بدهد، یا هیچ چیزی به زن تعلق نمی گیرد؟

جواب: در هر صورت مرد حق فسخ دارد، اگر خود آن زن تدلیس کرده حق مهر ندارد و اگر شخص دیگری، مانند پدرش، تدلیس نموده و دخول حاصل شده حق مهر دارد؛ ولی مرد بعد از پرداختن مهریه می تواند به کسی که تدلیس کرده رجوع کند و آن را از او بگیرد.

سؤال ۴۷۲. هرگاه در عقد شرط کند که زن باکره باشد و بعد معلوم شود که باکره نبوده می تواند ازدواج را به هم زند؟

جواب: آری می توان ازدواج را برهم زد.

* * *

۶. مبطلات نکاح

۱. کفر

سؤال ۴۷۳. اگر زن بعد از ازدواج بفهمد شوهرش مسلمان نیست، حکمش چیست؟
جواب: نمی تواند با او زندگی کند، و ازدواجش باطل است.

۲. ارتداد

سؤال ۴۷۴. مرد مسلمانی که مسلمان زاده است اگر مرتد شود آیا ازدواج او باطل می شود؟
جواب: اگر مرتد شود، یعنی منکر خدا یا پیغمبر (صلی الله علیه وآله) گردد، یا یکی از احکام مسلم اسلام مانند واجب بودن نماز و روزه را انکار کند بطوری که انکار کردن آن معنایش انکار خدا یا پیغمبر (صلی الله علیه وآله) باشد، ازدواج او باطل می شود و همسرش باید از او کناره گیری کند و عده وفات یعنی عده زنی که شوهرش مرده است بگیرد و بعد می تواند ازدواج کند و اگر زن یائسه باشد، یا هنوز نزدیکی نکرده باشند عده لازم نیست.

۳. مسلمان شدن اهل کتاب

سؤال ۴۷۵. زن و مردی به هنگام ازدواج مسیحی بوده اند، زن بعداً اسلام را قبول می کند، ولی مرد مسیحی می ماند. شوهر، زن خود را بر انجام فرائض دینی تشویق می کند و می خواهد که فرزندان او هم مسلمان بشوند. وقتی از او سؤال می شود که شما چرا اسلام را قبول نمی کنید؟ جواب می دهد: هنوز وقت این امر نرسیده است، حکم این زن چیست؟
جواب: در صورتی که شوهر مسلمان نشود، زن بدون طلاق از او جدا می شود و عده نگه می دارد و شوهر می کند؛ مگر این که مرد در باطن مسلمان باشد؛ هرچند به عللی حاضر به اظهار آن نگردد.

۴. زنده شدن کسی که فوت کرده

سؤال ۴۷۶. زنی که در اثنای وضع حمل بمیرد و بعد به برکت توسّل به ذات پاک خدا و اولیاء الله زنده شود، آیا زوجیت او باقی است؟
 جواب: در فرض مسأله زوجیت باقی است.

۵. خنثی

سؤال ۴۷۷. چنانچه پس از عقد و نزدیکی مشخص گردد که یکی از طرفین خنثای مشکل است، عقد چه حکمی دارد؟ آیا بھتر است طلاق داده شود، یا این که از اوّل باطل بوده، یا طرف، حقّ فسخ دارد؟

جواب: اگر یکی از آن دو، یا هر دو خنثای مشکل باشند، نکاح باطل است.

۷ مواردی که فسخ جایز نیست

سؤال ۴۷۸. پس از ازدواج معلوم شد که در قسمت های بالای پای زوجه آثار سوختگی قدیمی بطور ضعیف بجا مانده است، و از طرفی پرده بکارت از نوع گوشتی و بسیار ضخیم است که عمل دخول بدون اقدام به عمل جراحی ممکن نیست؛ در حالی که قبل از ازدواج در خصوص سلامتی زوجه، هیچ مذاکره ای انجام نشده است، آیا در این مورد، مرد حق فسخ دارد؟

جواب: در صورتی که با جراحی معمولی مشکل حل شود و عوارض خاصی نداشته باشد، این مقدار عیب باعث فسخ نمی شود.

سؤال ۴۷۹. دختری را به ازدواج پسر در آورده ام و عروسی هم کرده اند، حال معلوم شده که دختر مدّت هاست به بیماری صرع (غش) مبتلا است، خود دختر و دکترش هم تصدیق نموده اند، ولی پدر و مادرش این مطلب را پنهان کرده اند، حتی دختر می گوید: «می خواستم بگویم، اما والدینم مانع شدند». تکلیف عقد و مهریه چیست؟

جواب: بیماری صرع موجب خیار فسخ در عقد نکاح نیست، و اگر بخواهد دختر را طلاق دهد، چنانچه عروسی نموده باید تمام مهر را بپردازد؛ ولی اگر در مذاکرات قبل از عقد یا به هنگام اجرای صیغه عقد، شرط سلامت کرده باشند، شوهر خیار فسخ دارد.

سؤال ۴۸۰. چنانچه پزشکی قانونی بر اساس وضعیت کروموزومی شخص، خنثی را خنثای مذکر یا مؤنث معرفی کند، آیا برای طرفی که با او ازدواج نموده، جزء عیوب محسوب شده و حق فسخ دارد؟

جواب: اگر در ظاهر علامت خلافی نمایان نیست، موجب فسخ نمی شود.

سؤال ۴۸۱. زید، دختر بالغه خودش زینب را به عقد نکاح بکر، فرزند خالد در آورد و خالد، دختر نابالغ خودش سلمی را به عقد نکاح عمرو فرزند زید در آورد. بعد از مدتی زید پدر زینب این رشته را قطع نمود و تزویج دخترش زینب را به بکر انکار کرد و برای فسخ نکاح دخترش به دادگستری جور مراجعه کرد و وقتی که طرفین برای قضاوت به دادگستری رسیدند دختر زید ادعای فسخ نکاح را تکذیب کرد و گفت من می خواهم همراه همسر بکر که به عقد او در آمده ام بروم و قانون به نفع زینب

و بکر حکم کرد. وقتی زید این جا تحقیر شد، دشمن خانواده خالد شد خواست دختر خالد سلمی که به عقد نکاح پسرش عمرو درآمده بود را به خانه بیاورد ولی دختر خالد سلمی فهمید که زید قصد انتقام دارد، چرا که مخاصمت پسرش عمرو با او شروع شده بود و به خاطر همین، نکاح عمرو را فسخ کرد الان سلمی بالغ شده است، آیا فسخ سلمی صحیح است؟

جواب: هرگاه ازدواج دختری قبل از بلوغ مصلحت نداشته است، از اول عقد باطل بوده است اما اگر در آن زمان برای دختر مصلحت داشته و الان دارای مفسده مهمی است باید پیش یکی از علما برود و مدرك خود را بر وجود مفسد فعلی و این که منظور آنها انتقام جویی است ارائه دهد، اگر ثابت شود خطری آن دختر را تهدید می کند، آن عالم می تواند صیغه طلاق او را جاری کند.

* * *

بخش هشتم:

احکام عقد دائم

بخش هشتم: احکام عقد دائم

۱ نفقه

۱. نفقه همسر

سؤال ۴۸۲. خواهر این جانب به نام خدیجه، همسر مردی به نام سهراب بوده است، در زمان حیات خواهرم، شوهرش جهت کارگری و اعاشه به امیرنشین قطر رفت و مدت ۶ سال تمام نفقه و مخارج خواهرم و دخترشان را شخصاً داده ام تا این که خواهرم در منزل ما از دنیا رفت، حتی مخارج کفن و دفن خواهرم و مخارج خواهرزاده ام تا رسیدن به سن بلوغ و ازدواج را بنده پرداخته ام، آیا شوهر خواهرم بابت امور مذکور به این جانب بدهکار است؟

جواب: خواهر شما از شوهرش نفقه تمام این مدت را طلبکار است و جزء ترکه او محسوب می شود و شما در صورتی می توانید آنچه را داده اید از ترکه بردارید که با خواهرتان قرار گذاشته باشید که به عنوان وام نفقه او را می دهید، یا قرائن روشنی براین معنا وجود داشته باشد.

سؤال ۴۸۳. زن و شوهری اختلاف پیدا می کنند، بدین جهت زن علیه شوهر شکایت می نماید. پس از مراجعات زیاد، دادگستری دستور حل اختلاف را از طریق کدخدا منشی صادر می کند. جمعی به همراه زن و شوهر به محضر حاکم شرع محل می روند. پس از مشخص شدن حقوق شرعی زن (مهریه، نفقه، و مانند آن) حاکم شرع از شوهر وکالت شرعی گرفته، و اقرار نامه ای جهت اجرای صیغه طلاق تهیه، و به امضای زن و شوهر و حاضرین در جلسه می رساند. زن تمام حقوق شرعی خود، حتی اجرت انجام صیغه طلاق را از شوهر می گیرد. شوهر در این مورد و در این مدت نه به زن، و نه به حاکم شرع، رجوع ننموده است. پس از گذشت هفت سال، زن ادعای جاری نشدن صیغه طلاق را دارد، و نفقه و مخارج چند ساله خود را از شوهر مطالبه می نماید. حاکم شرع نیز اعتراف دارد که صیغه طلاق را اجرا نکرده است. در این مدت طولانی، اجرا نشدن صیغه طلاق به صورت یک راز بین زن و حاکم شرع پنهان بوده، و به شوهر اطلاع نداده اند! زن مجدداً علیه شوهر شکایت نموده، و شوهر محکوم به خسارات و مجازات می شود. حکم مسأله را بیان فرمایید.

جواب: هرگاه شوهر تمام حقوق زن را پرداخته، و به کسی وکالت داده که صیغه طلاق زن را جاری کند، و او کوتاهی کرده و صیغه طلاق را جاری نکرده و به شوهر هم اطلاع نداده، شوهر ضامن نفقه زن در این مدّت نمی باشد.

سؤال ۴۸۴. این که گفته می شود: «نفقه اقارب قضا ندارد» شامل چه کسانی می شود؟ آیا شرط و شروطی دارد؟

جواب: منظور از اقارب پدر و مادر و فرزند است؛ و شرط و شروط خاصی ندارد. ولی نفقه همسر در هر حال باید پرداخته شود.

سؤال ۴۸۵. آیا بر شوهر واجب است غذا و لباس و منزل و لوازم دیگر را برای همسر دائمی خود تهیه کند؟

جواب: بر شوهر واجب است غذا و لباس و منزل و لوازم دیگر را مطابق معمول برای همسر دائمی خود تهیه کند. (حتّی هزینه طبیب و دارو و مانند آن) و اگر تهیه نکند بنا بر احتیاط بدهکار او خواهد بود، خواه توانایی داشته باشد یا نه.

سؤال ۴۸۶. آیا بر شوهر لازم است ماهیانه یا روزانه پولی جهت مخارج همسرش به او بپردازد؟ در صورت وجوب، آیا شوهر حق دارد مورد مصرف پول را تعیین کند؟

جواب: مانعی ندارد شوهر به همسرش در تهیه نفقه وکالت دهد، و بر زن لازم است طبق شرط عمل کند. این در صورتی است که شوهر به زن وکالت در تهیه نفقه بدهد؛ ولی اگر حقّ نفقه را به او واگذار کند، زن در مصرف آن مختار است.

سؤال ۴۸۷. آیا بر زوج لازم است آنچه معمولاً تمام زن ها به آن نیاز دارند را به عنوان نفقه برای زوجه اش تهیه کند؟ یا فقط غذا و مسکن و لباس لازم است؟

جواب: آنچه واقعاً مورد حاجت است و مرد قدرت بر آن دارد بر او لازم است.

سؤال ۴۸۸. مرسوم است بین عقد ازدواج و زفاف، تا زمانی که زن به خانه شوهر نرفته از زوج نفقه نمی گیرد، بنابراین اگر زوجه پس از مدّتی در مقام مطالبه نفقه آن زمان برآید، آیا با توجه به این که تمکین کامل ننموده حقّ نفقه دارد؟

جواب: نفقه ندارد.

سؤال ۴۸۹. شوهر در عقد ازدواج و قبل از دخول می گوید: «قدرت برگزاری مراسم عروسی را از لحاظ مالی ندارم». زوجه هم می گوید: «فقط با رعایت شرایط و تشریفات مرسوم و عرف محل حاضریم به خانه شوهر بروم». در فرض مسأله، آیا زوجه مستحقّ نفقه می باشد؟

جواب: اگر در عقد نکاح چنین شرطی ذکر نشده، زوجه حق امتناع ندارد، و اگر امتناع کند حق نفقه ندارد.

سؤال ۴۹۰. آیا هزینه دارو و درمان زوجه مریض، با توجه به این که مداوای بیماری عرفاً جزء نیازهای اولیه هر انسانی می باشد، نیز جزء نفقه زوجه است؟
جواب: مداوا در حد متعارف جزء نفقه است.

سؤال ۴۹۱. زنی به سبب آتش سوزی در منزل شوهر، در بیمارستان بستری و سپس فوت می کند، آیا هزینه بیمارستان او بر عهده شوهر است؟
جواب: احتیاط واجب آن است که شوهر هزینه درمان او را بدهد.

سؤال ۴۹۲. اگر زن جهت دریافت مهریه از تمکین خود داری کند، در این مدت حق نفقه دارد؟
جواب: در صورتی که مهریه بصورت نقد بوده باشد حق دارد قبل از گرفتن آن از تمکین خودداری کند، و حق نفقه هم دارد. و در صورتی که شوهر قادر به پرداخت مهریه به صورت یکجا نیست، مهریه را تقسیط می کنند و زن باید با گرفتن اولین قسط تمکین کند و اگر تمکین نکرد؛ نفقه ندارد.

سؤال ۴۹۳. شخصی برای مدتی از طریق دادگاه زندانی شده، و پس از چندی با حصول برائت یا تحمّل حبس آزاد می شود، اگر در این مدت به عائله تحت تکفل وی از طریق مراجع دولتی نفقه ای داده باشند، یا هیچ وجهی در این مدت نگرفته باشند، آیا آنها حق مطالبه نفقه گذشته را دارند؟
جواب: احتیاط واجب آن است که نفقه آنها را بپردازد، یا با آنها مصالحه کند.

سؤال ۴۹۴. هرگاه زن مطالبه خرجی کند و شوهر ندهد می تواند بدون اجازه از اموال او بر دارد؟
جواب: می تواند هر روز، به اندازه خرجی آن روز، بدون اجازه از اموال او بر دارد، و احتیاط واجب آن است که این کار با اجازه حاکم شرع باشد. و اگر مجبور شود که خودش معاش خود را تهیه کند، در موقعی که مشغول کار است اطاعت از شوهر بر او واجب نیست.

سؤال ۴۹۵. در تحریر الوسیله، جلد دوم، صفحه ۳۰۶ آمده است: «اگر زوج حقوق زن را از قبيله نفقه نپردازد، ابتدا حاکم وی را الزام می کند و در صورت عدم تأثیر، او را تعزیر می نماید». آیا مراد از «الزام» صدور حکم قضایی است، یا صدور حکم به الزام؟

جواب: منظور این است که حاکم شرع او را مجبور می کند که نفقه زن را بپردازد و هرگاه ترتیب اثر ندهد او را تعزیر می کند.

سؤال ۴۹۶. آیا برای همسر و فرزندان شخصی که از راه نامشروع کسب درآمد می کند، جایز است از درآمد او استفاده کنند؟

جواب: اگر می دانند نفقه ای که به آنها پرداخته می شود از همان پول است، تصرف در آن جایز نیست؛ مگر در حال ضرورت.

سؤال ۴۹۷. آیا شخص ثالث می تواند در ضمن عقد ازدواج نفقه زوجه را تعهد نماید، تا هرگاه بین زن و شوهر راجع به نفقه اختلافی به وجود آمد، نفقه زوجه را پرداخت نماید؟ و در این صورت آیا نفقه از زوج ساقط می شود؟

جواب: مانعی ندارد که شخص ثالثی ضمانت نفقه را بنماید، و در این صورت نفقه بر عهده او خواهد بود.

سؤال ۴۹۸. اگر طبق نظر پزشک، زوجه دائمی به مرضی مبتلا باشد که بایستی برای مدتی، یا برای همیشه آمیزش جنسی را ترك نماید، یا این که زوجه دائمی به علت ابتلای به جنون ادواری، یا دائم، در تیمارستان، یا در منزل بستری و تحت درمان باشد، و به هیچ وجه حاضر به نزدیکی با شوهر خود نباشد، آیا چنین زنی حق نفقه دارد؟

جواب: در صورتی که زن مقصر نبوده باشد، احتیاط واجب آن است که مرد نفقه او را بپردازد.

سؤال ۴۹۹. زنی ادعا می کند شوهرش او را از منزل بیرون کرده، و نفقه اش را در مدت خاصی نپرداخته است. شوهر ضمن اقرار به این که نفقه معوقه همسرش را پرداخت نکرده، ادعا می کند که همسرش ناشزه است، و بدون اجازه او منزل مشترک را ترك کرده، و از ادای وظایف زناشویی امتناع نموده، و در نتیجه استحقاق نفقه ندارد. در فرض مذکور، با توجه به این که زوجین جدا از یکدیگر زندگی می کنند، قول کدام يك مقدم، و بینه بر عهده چه کسی است؟

جواب: اگر جدا از هم زندگی می کنند، و زن مجوزی برای این کار ندارد، ناشزه است و حق نفقه ندارد.

سؤال ۵۰۰. در صورت حال بودن (نقد) مهریه، زوجه غیر مدخول ب ها حق دارد تا گرفتن مهریه تمکین نکند؛ اما آیا این حق را دارد که در غیر تمکین نیز از زوج اطاعت نکند؛ مثلاً منزل خانواده خود بماند، و هرجا خواست برود و هرکار خواست انجام دهد و با این حال می تواند مطالبه نفقه نماید؟

جواب: باید به وظایف دیگر خود عمل کند، تنها می تواند تمکین را منوط به گرفتن مهر کند، آن هم در صورتی که مهر حال بوده و قرائن دلیل بر تأخیر آن نبوده است.

۲. نفقه فرزندان

سؤال ۵۰۱. نفقه (خوراک، پوشاک و مسکن) فرزند تا چندسالگی بر پدر واجب است؟

جواب: هرگاه فرزند توانایی اداره کردن زندگی خویش را نداشته باشد و پدر بتواند نفقه او را بدهد بر او لازم است و سنّ خاصی شرط نیست؛ ولی فرزند نباید در تأمین زندگی خود کوتاهی کند، اگر کوتاهی کند چیزی بر پدر نیست.

سؤال ۵۰۲. نفقه ولد الزنا بر عهده کیست؟

جواب: بر عهده زانی است.

۳. نفقه والدین

سؤال ۵۰۳. آیا تأمین مخارج پدر و مادر نیازمند، عهده پسران آنها می باشد؟ یا به عهده دخترانی

که دارای درآمد باشند نیز می باشد؟

جواب: فرقی میان پسر و دختر از این نظر نیست و نفقه پدر و مادر فقیر بر هر دو واجب است.

۴. متفرقات نفقه

سؤال ۵۰۴. این جانب با خانمی بیوه ازدواج نموده ام، نامبرده پسری داشته که از آن زمان تا به حال

نزد ما بوده است، با وجود این که این پسر، پدر و پدر بزرگ و مادر بزرگ هم داشته که از نظر مالی متمکن هستند و من هم يك کارمند جزء هستم، و هیچ نوع تعهد و قراردادی در مورد نفقه او نداشته ام، تا کنون با سختی و قرض، نفقه این بچه را داده ام، آیا از نظر شرعی و قانونی پدر و پدر بزرگ و مادر بزرگ نامبرده، مدیون نفقه این بچه نسبت به من هستند؟

جواب: هرگاه شما تبرعاً و بدون قرارداد با پدر او نفقه بچه را داده اید نمی توانید چیزی از او مطالبه

کنید؛ ولی اگر با امر یا اجازه پدر بزرگ او این کار انجام گرفته، مطالبه نفقه مانعی ندارد.

سؤال ۵۰۵. آیا مادر کودک نامشروع حق مطالبه نفقه کودکش را از پدر این بچه دارد؟

جواب: چنین مادری حق نفقه ندارد ولی نفقه فرزند نامشروع بر پدر واجب است.

۲ اطاعت

۱. محدوده اطاعت

سؤال ۵۰۶. موارد اطاعت زن از شوهر کدام است؟

جواب: زنی که عقد دائم شده بنا بر احتیاط نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود یا کاری در خارج خانه انتخاب کند (خواه اجازه لفظی باشد و یا از قرائن معلوم شود که او راضی است) و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند.

سؤال ۵۰۷. در صورتی که زن از شوهر اطاعت نکند، آیا مرتکب گناه شده؟

جواب: اگر زن در کارهایی که در سؤال پیش گفته شد اطاعت شوهر نکند گناهکار است و حقّ غذا و لباس و منزل و همجواری او از بین می رود ولی مهر او از بین نمی رود.

سؤال ۵۰۸. چنانچه در امور عادی و مباح نظر پدر دختر و شوهر متفاوت باشد، ترجیح با کدام

است؟

جواب: در فرض مسأله اطاعت هیچ کدام لازم نیست؛ مگر این که مایه اذیت و آزار پدر گردد، که در این صورت اطاعت او واجب است.

۲. خروج از منزل

سؤال ۵۰۹. آیا زن می تواند بدون کسب اجازه از همسرش از منزل خارج و با افراد یا خانواده هایی

رفت و آمد داشته باشد و یا در جلسات مذهبی شرکت کند؟

جواب: باید با رضایت همسرش باشد.

سؤال ۵۱۰. لطفاً به سؤالات زیر، پیرامون محدود اطاعت زوجه، پاسخ فرمایید.

الف) آیا زوجه بدون رضایت زوج حقّ خروج از منزل را دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب باید اجازه بگیرد؛ مگر برای کارهای واجب شرعی یا ضروری زندگی.

ب) در صورت ترك منزل، با وجود عدم رضایت زوج و تقاضای مکرر بازگشت و عدم تمکین

مشارالیهها، آیا شرایط ناشزه بر وی محقق می گردد؟

جواب: چنین زنی ناشزه است.

(ج) در شرایط فوق، آیا زوجه استحقاق دریافت نفقه را دارد؟

جواب: قدر مسلم از نشوز و عدم تمکین که موجب سلب حق نفقه می شود عدم تمکین در برابر تمتعات جنسی است. بنابراین نفقه در فرض بالا، یعنی خروج از منزل، ساقط نمی شود (بنابر احتیاط واجب).

سؤال ۵۱۱. آیا زن بدون رضایت شوهر می تواند برای فعالیت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، از منزل خارج شود؟

جواب: در صورتی که منافات با حق زوج نداشته باشد احتمالاً بتواند؛ ولی احتیاط در ترك آن است و در صورتی که زن در عقد ازدواج چنین حقی را برای خود قائل شده باشد اشکال ندارد.

سؤال ۵۱۲. در صورتی که مرد با رفتن همسرش به دانشگاه، اداره، و هر محیط دیگری مخالف باشد، زن شرعاً چه وظیفه ای دارد؟

جواب: باید رضایت شوهر را جلب کند؛ مگر این که در عقد ازدواج شرط کرده باشد.

سؤال ۵۱۳. زنی پس از فوت همسرش، با برادر شوهرش ازدواج می کند، آیا می تواند پنجشنبه ها برای قرائت فاتحه به مزار شوهر اول برود؟
جواب: با اجازه شوهر اشکال ندارد.

سؤال ۵۱۴. آیا زنان می توانند بدون اجازه و رضایت همسران خویش، که افرادی مؤمن و متدین می باشند، در مسجد فعالیت نمایند؟ بطوری که کاملاً امورات يك مسجد را به دست گیرند؛ در حالی که این عمل موجب اختلاف در بین اعضای خانواده می شود.

جواب: بدون اجازه همسر جایز نیست؛ ولی رفتن به مسجد برای فراگرفتن احکام و معارف دین جایز است.

۳. اشتغال زوجه

سؤال ۵۱۵. لطفاً به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

الف) اگر شوهر اجازه انتخاب شغلی را به همسر خود بدهد، آیا بعد از طی مراحل خاص و اشتغال، شوهر می تواند مانع ادامه کار او شود؟ یا اجازه اول التزام به تمام لوازم آن می باشد؟ در این مورد آیا تفاوتی بین کار موقت و دائم هست؟

جواب: هرگاه زن قراردادی با اجازه شوهر نسبت به مدّتی با اداره یا مؤسسه ای بسته است، آن قرارداد لازم الاجراست و شوهر حقّ ممانعت ندارد و این در صورتی است که هنگام عقد، اجازه کار بیرون زن شرط نشده باشد و الاّ احتیاجی به اجازه شوهر در عقد قرارداد نیست؛ ولی در هر حال باید شؤن شوهر و خانواده را رعایت کند.

(ب) آیا بین استخدام توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی، خصوصاً دولتی، تفاوتی وجود دارد؟
جواب: تفاوتی ندارد.

(ج) آیا بین کاری که با حقّ شوهر منافات داشته باشد، با شغلی که چنین منافاتی ندارد فرقی هست؟
جواب: در فرض بالا تفاوتی نیست.

(د) آیا بین شغلی که با رها کردن آن به صاحب کار و یا دیگران لطمه جدّی می خورد، با شغلی که چنین نیست فرقی هست؟ (مثل ممنوعیت زن از ادامه تدریس در وسط سال تحصیلی که باعث ضرر زدن به آموزشگاه و محصلین می گردد).
جواب: در این فرض شوهر حقّ ممانعت ندارد.

۴. موارد استثنا

سؤال ۵۱۶. در چه مواردی اطاعت از شوهر واجب نیست؟

جواب: در مواردی اجازه شوهر لازم نیست، مانند انجام واجبات (حج واجب، صله رحم نسبت به پدر و مادر و برادر و خواهر و امثال آن به مقدار لازم)، فراگرفتن احکام اسلام مانند رفتن به مسجد و امثال آن، تهیه اجناس ضروری منزل در حالی که مجبور باشد، شرکت در انتخابات و راهپیمایی های ضروری، و همچنین در مورد مراجعه به طبیب.

سؤال ۵۱۷. آیا اطاعت نکردن زن از شوهر در غیر مسائل واجب و مستحب حرام است؟

جواب: اطاعت زن از شوهر مربوط به حقوق زناشویی و بیرون رفتن از منزل است، در کارهای دیگر اطاعت بر او واجب نیست، هرچند بهتر است زن و مرد در تمام مسائل با هم تفاهم داشته باشند.

سؤال ۵۱۸. اگر مرد راضی نباشد همسرش با مانع در جامعه ظاهر شود، و از او بخواهد که با

چادر بیرون رود، و زن امتناع نماید، چه حکمی دارد؟

جواب: مرد نمی تواند زن را به پوشش خاصی مجبور کند، مگر این که حجاب اسلامی با آن پوشش مراعات نگردد. و مانند در صورتی که تنگ و چسبان نباشد، و تمام بدن زن به جز گردی صورت و دست ها تا مچ را بپوشاند، حجاب اسلامی محسوب می شود؛ هر چند چادر حجاب برتر است.

سؤال ۵۱۹. آیا زن شوهردار می تواند از مال شخصی خود در موارد تبرع بدون اجازه شوهر

استفاده نماید؟

جواب: اشکالی ندارد.

* * *

۳ حق آمیزش، تمکین

سؤال ۵۲۰. آیا می تواند برای مدت طولانی از نزدیکی با همسر خود اجتناب کند؟

جواب: مرد نمی تواند بیش از چهار ماه، نزدیکی با همسر دائمی خود را ترك کند، بلکه اگر زن جوان باشد و در این مدت بیم آن برود که به گناه بیفتد احتیاط واجب آن است که طوری رفتار کند که او به گناه نیفتد.

سؤال ۵۲۱. با توجه به سؤال بالا، چنانچه زنی جوان نباشد، ولی اگر شوهر به آمیزش یکبار در

چهار ماه اکتفا کند بیم گناه بر او می رود، در این صورت مرد در برابر او چه وظیفه ای دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است ترتیبی بدهد که او آلوده گناه نشود.

سؤال ۵۲۲. مرد می تواند زن دائمی خود را طوری ترك کند که نه مانند زن شوهردار باشد و نه بی

شوهر؟

جواب: مرد حق ندارد چنین کاری را انجام دهد؛ ولی واجب نیست هر چهار شب يك شب نزد او

بماند، اما اگر همسرهای متعدّد دارد باید در میان آنها از این جهت با عدالت رفتار نماید.

سؤال ۵۲۳. آیا شوهر حق دارد بدون رضایت همسرش از انزال نطفه خودداری نمود، و به آمیزش

تنها قناعت کند؟

جواب: مانعی ندارد؛ ولی در مورد آمیزش واجب، بدون رضایت همسر نمی تواند این کار را انجام

دهد.

سؤال ۵۲۴. آیا زن حق دارد از شوهر بخواهد که به جای آمیزش واجب (هر چهار ماه یکبار) از

راه های دیگر او را ارضا کند؟

جواب: در صورتی که طرفین راضی شوند مانعی ندارد.

سؤال ۵۲۵. اگر شخصی دو همسر داشته باشد، آیا لازم است يك شب را نزد یکی، و شب بعد را

نزد دیگری باشد؟ یا از هر چهار شب باید يك شب را نزد هر يك از آنها باشد، و دو شب دیگر را

آزاد است؟

جواب: از هر چهار شب واجب است يك شب را نزد هر يك از آنها باشد، و دو شب دیگر را مختار است، هر چند بهتر آن است که در میان آنها مساوات قائل شود.

سؤال ۵۲۶. آیا در عقد نکاح دائم می توان شرط کرد نزدیکی زن و مرد صورت نگیرد؟

جواب: در عقد دائم خالی از اشکال نیست.

سؤال ۵۲۷. اگر زوجه مدعی تمکین تعلیقی باشد و زوج اظهار نماید که همسرش اهل تمکین حتی در صورت دریافت مهر نیست و قرآینی هم در حدّ افاده احتمال بر صحت اظهارات زوج وجود داشته باشد آیا به صرف ادّعی زوجه، شوهر ملزم به پرداخت نفقه می گردد و یا این که از طریق اقامه بینه و یمین فصل خصومت می شود؟ چه کسی مدعی و یا منکر شناخته می شود؟

جواب: هرگاه ظاهر حال زوجه ای که نزد مرد زندگی می کند تمکین می باشد و شوهر ادّعی خلاف آن را کند باید ثابت نماید و اگر ظاهر حال عکس آن باشد ادّعی زوج مقبول است.

سؤال ۵۲۸. آیا زن می تواند به دلیل آن که: شوهر به من تهمت زده ای و یا آبروی مرا پیش دوستان و نزدیکانم با سخنان تهمت آمیز برده خود را بر شوهر رسمی و شرعی خود حرام کند و با دیدنش در حجاب شود و از او تمکین عام و خاص نکند؟ اگر چه شوهر بارها به پاکی او اعتراف و از او به نحوی دلجویی کرده باشد؟

جواب: زن حق ندارد با این عذرهای ازتمکین خودداری کند و اگر شوهر به او تهمت زده، باید نزد حاکم شرع برود و مجازات او را بخواهد، مگر این که زن او را ببخشد.

سؤال ۵۲۹. آیا وظیفه زن مسلمان صرفاً تمکین است؟ اگر چنین است، نگهداری از فرزندان، نظافت منزل، شستشوی ظروف و البسه، پخت و پز، وظیفه کیست؟ تقسیم کاری که رسول الله (صلی الله علیه وآله) بین دختر گرامی و داماد عزیزش انجام داد^۱، که کار بیرون منزل را به علی، و کار درون منزل را به زهرا واگذار کرد، به چه معنایی است؟ اگر فلسفه ازدواج فقط رفع شهوت است، آیا بهتر نیست مرد با هزینه ای کمتر از آوردن زن به خانه به عنوان موجودی پر خرج، شهوتش را بیرون خانه به طریق شرعی (صیغه) رفع کند؟ اگر وظیفه زن صرفاً تمکین است، چرا مرد مخارج عروسی، خورد و خوراک، لباس، وسائل رفاهی، پزشکی، درمانی، مهریه، شیربها و مانند آن را برگردن می گیرد؟ بهتر نیست مجرد و بی مسؤولیت به کار و عبادت و زندگی خود بپردازد، نه دغدغه خاطری، نه دل بستگی، نه ترس از دست دادن، نه جنگ اعصابی، و نه نگرانی های دیگر. لطفاً نظرتان را به طور صریح در این زمینه بیان فرمایید:

جواب: هدف از ازدواج، همان گونه که قرآن می گوید، آن است که زن و مرد در کنار یکدیگر زندگی آرامی داشته باشند (لتسکنوا الیها)^۹ و این هدف بدون زندگی مشترك حاصل نمی شود. و زندگی توأم با تجرّد موجب بدبختی و انواع مشکلات و بیماری هاست، ولی زن نباید به صورت برده مرد درآمد. و اگر کارهای خانه را انجام می دهد، باید با میل و رضایتش باشد. البتّه تقسیم کار بر اساس رضایت طرفین کار بسیار خوبی است.

سؤال ۵۳۰. در صورت امتناع مرد از پرداخت نفقه، عدم تمکین زن، چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که زن از تمکین خودداری نکند؛ ولی می تواند با اجازه حاکم شرع از اموال او به مقدار نفقه خود بردارد.

* * *

۴ نشوز

سؤال ۵۳۱. با عنایت به آیه شریفه ۳۴ سوره نساء، آیا صدور افعال و رفتار زیر از زن دلیل بر کراهت و نشوز وی می باشد؟ راه اثبات آنچه بین زوج و زوجه رخ داده، چیست؟

(الف) ابراز بی علاقه گمی به زوج، و کراهت از نزدیکی، و جلوگیری از عزل.

(ب) بگوید: «من شخص دیگری را می خواستم، و از تو خوشم نمی آید» و کراراً از همان اوایل ازدواج درخواست طلاق کند.

(ج) به خواسته شوهر اهمیتی ندهد، بی اعتنایی و لجاحت کند، رفت و آمدها و تلفن های دیگران به منزل را که در غیاب شوهر انجام شده، از او کتمان نماید.

(د) بدون اجازه و اطلاع شوهر از منزل خارج شده، و به محافل اجتماعی خلاف شوون و میل شوهر برود.

(ه) در غیاب شوهر و بدون اطلاع او، اموال با ارزش وی را از منزل خارج کند، و در حضور شهود تضمین برگشت بدهد، ولی عمل نکند. و جهیزیه خود را نیز طبق سند کتبی تحویل گرفته و با خود ببرد، و بی اذن زوج پس از سه ماه زندگی را ترک کند.

(و) برخلاف شروط ضمن عقد، مابقی قبالة خود را به اجرا گذاشته، و به هیچ يك از توافقنامه ها و تعهدات طرفین، که توسط زوجه و پدرش امضا شده، عمل نکند.

(ز) ادامه زندگی خود را منوط به دریافت کلّ قبالة، و حقّ مسکن، و دریافت سه فقره چك سفید امضا از شوهر و کسان او بنماید.

جواب: چنانچه موارد بالا ثابت شود، زن ناشزه است.

سؤال ۵۳۲. اگر زنی به بهانه اختلافات خانوادگی از شوهر خود اطاعت نکند، و اطرافیان او، حتی با تحمت و دروغ گفتن به شوهر، مانع رفتن او به نزد شوهرش شوند، آیا زن و اطرافیانش گناهکارند؟

جواب: زن بدون دلیل نمی تواند نشوز اختیار کند، و همچنین اطرافیان او بدون دلیل حق ندارند در این مسأله دخالت کنند، و اگر این کار را انجام دهند گناهکارند.

سؤال ۵۳۳. در قرآن مجید آمده: «اگر زنان نافرمانی کردند، آنها را کتک بزنید؟!» و در جای دیگر می خوانیم: «مردها به خاطر این که نفقه می دهند، بر زنان تسلط دارند». فلسفه این دو حکم الهی چیست؟

جواب: پاسخ هر دو سؤال در تفسیر نمونه، جلد سوم، در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء نوشته شده است، که خلاصه پاسخ این است که: با توجه به معنی آیه، و روایاتی که در بیان آن وارد شده و توضیحی که در کتب فقهی آمده است و همچنین با توضیحاتی که روانشناسان امروز می دهند این مسئله چندان پیچیده نیست؛ زیرا:

اولاً: آیه، مسأله تنبیه بدنی را در مورد افراد وظیفه شناسی مجاز شمرده که هیچ وسیله دیگری برای اصلاح آنها مفید واقع نشود. اتفاقاً این موضوع تازه ای نیست که منحصر به اسلام باشد، در تمام قوانین دنیا هنگامی که طرق مسالمت آمیز برای وادار کردن افراد به انجام وظیفه، مؤثر واقع نشود، متوسل به خشونت می شوند، نه تنها از طریق ضرب، بلکه گاهی در موارد خاصی مجازات هایی شدیدتر از آن نیز قائل می شوند، که تا سرحد اعدام پیش می رود.

ثانیاً: «تنبیه بدنی» در اینجا همان طور که در کتب فقهی نیز آمده است. باید ملایم و خفیف باشد به طوری که نه موجب شکستگی شود، نه مجروح گردد و نه باعث کبودی بدن.

ثالثاً: روانکاوان امروز، معتقدند جمعی از زنان دارای حالتی به نام «ماژوخیسم» (آزار طلبی) هستند، که گاه این حالت در آنها تشدید می شود، تنها راه آرامش آنان تنبیه مختصر بدنی است. بنابراین، ممکن است ناظر به چنین افرادی باشد که تنبیه خفیف بدنی در مورد آنان جنبه آرام بخشی دارد و يك نوع درمان روانی است.

سؤال ۵۳۴. هر گاه زوجه از ایفای وظایف زوجیت خودداری نماید، ناشزه بوده و مستحق نفقه نخواهد بود. حال اگر شوهر از انجام وظایف زوجیت سرباز زند، به گونه ای که زوجه اش را معلقه قرار دهد، بفرماید:

الف) آیا می توان حکم به نشوز وی کرد؟

جواب: آری، در این صورت زوج ناشز است، و زوجه می تواند به حاکم شرع شکایت کند، تا او را وادار به انجام وظیفه نماید، و در صورت لزوم تعزیر کند.

ب) آیا در این صورت زوجه می تواند از دادگاه تقاضای طلاق نموده، و دادگاه نیز بر این اساس

حکم به طلاق زوجه دهد؟

جواب: در صورتی که زوج به هیچ وجه حاضر نباشد، امساک به معروف یا تسریح به احسان کند، و زوجه در عسر و حرج قرار گیرد، حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد.

* * *

۵ کارهای منزل

سؤال ۵۳۵. آیا انجام کارهای منزل بر زن واجب است؟

جواب: زن وظیفه ندارد خدمت خانه را انجام دهد و غذا تهیه کند و نظافت و مانند آن را عهده دار شود؛ مگر به میل خود. و اگر مرد او را مجبور بر این کارها نماید، زن می تواند حق الزحمه خود را در برابر این کارها از او بگیرد.

سؤال ۵۳۶. آیا این شرط، که همسر آینده کارهای متعارف و معمول منزل را انجام دهد، صحیح

است؟ در صورتی که زن به شرط عمل نکند حکم آن چیست؟

جواب: هر گاه شرط کنند، این شرط لازم الاجراست؛ و در صورت تخلف احتیاط آن است که زن هزینه آن را پردازد.

سؤال ۵۳۷. می دانیم که زن موظف به انجام کارهای منزل نیست، حتی می تواند برای شیر دادن و

پرورش کودک از شوهرش اجرت دریافت کند؛ لکن با توجه به این که در ایران رسم بر این است که زنان معمولاً کارهای خانه را انجام می دهند و پس از تولد بچه، از او نگهداری نموده و به وی شیر می دهند، آیا می توان گفت که عقد مبنیاً علیه واقع شده و در نتیجه زن باید کارهای معمولی خانه را انجام دهد و مزدی هم از شوهرش طلبکار نیست؛ مگر در جایی که خلاف آن ثابت شود؟

جواب: این گونه موارد عقد مبنی علیه نیست، تا حکم شرط ضمن العقد را داشته باشد؛ ولی بهتر

است مردان و زنان در زندگی مشترك خانوادگی این گونه سخت گیری ها را با هم نداشته باشند، تا زندگی خوبی داشته باشند.

۶ أُجْرَةُ الْمِثْلِ

سؤال ۵۳۸. زنی حقّ الزّحمة و أُجْرَةَ الْمِثْلِ کارهایی که در ایام زناشویی در منزل شوهرش انجام داده را مطالبه کرده، ولی شوهر ادّعا دارد که همسرش کارها را به قصد تبرّع انجام داده است. در فرض مذکور قول کدام يك مقدم، و بیّنه بر عهده چه کسی است؟

جواب: در محیط هایی که عرف و عادت بر آن است که زن به قصد تبرّع این کارها را انجام می دهد، ادّعی زن برخلاف آن مسموع نیست. مگر این که ثابت کند به شوهرش اعلام کرده قصد تبرّع ندارد، و شوهرش نیز پذیرفته باشد.

سؤال ۵۳۹. همسر سابقم بعد از چندین سال زندگی و علی رغم دریافت نفقه، به عناوین مختلف، موجبات اذیت و آزار بنده را فراهم می نمود، و خودش نیز تقاضای طلاق خلع کرد. بعد از جاری شدن طلاق، کلیه حقوق خود را از بنده دریافت نمود، و طلاهایی را که برای ایشان خریده بودم، به یغما برد، (اکنون در حدود دو میلیون تومان ارزش دارد)، و بنده را از خانه بیرون و مدّت دو سال و اندی خانه بنده را غصب نموده است. ایشان ملتزم به احکام دین مقدّس اسلام نبوده، و بدون اجازه از خانه خارج شده، و از ادای وظایف خانوادگی شانه خالی می کرده، و اکنون اجرت المثل چندین ساله را از بنده مطالبه کرده است. آیا اجره المثل به ایشان تعلق می گیرد؟

جواب: زن به غیر از نفقه و مهریه، حقّ دیگری به نام اجره المثل ندارد. مگر این که از اوّل ازدواج شرط کند که کارهای منزل را بجای انجام نمی دهد. و در صورتی که چنین شرطی نکرده و عادت، و رسم محیط هم تبرّع در این امور است، حقّی ندارد.

۷ مهریه

۱. کلیات مهریه

سؤال ۵۴۰. آیا تعیین مهریه در عقد دائم واجب است؟

جواب: تعیین مهر در عقد دائم واجب نیست، و بدون آن عقد صحیح است؛ ولی چنانچه بعداً بازن نزدیکی کند باید مهر او را مطابق معمول زن هایی که مثل او هستند، بدهد.

سؤال ۵۴۱. لطفاً پیرامون اقسام سه گانه مهریه؛ «مهر المثل»، «مهر المسمی» و «مهر السنّه» توضیحی بیان فرمائید.

جواب: منظور از «مهر المسمی» همان مهری است که در عقد نامبرده می شود. و مراد از «مهر المثل» آن است که مثلاً به هنگام عقد نامی از مهر نبرده اند، در این صورت باید دید مهرامثال آن زن در عرف و عادت چقدر است و به او پردازند. و منظور از «مهر السنّه» مهر حضرت فاطمه زهرا (صلی الله علیه وآله) است، که معروف است پانصد درهم (دویست و پنجاه مثقال نقره مسکوک) بوده است.

۲. مهر السنّه

سؤال ۵۴۲. اگر زنی مهریه خویش را، مهر السنّه قرار دهد، آیا معادل آن را طلب دارد، یا مهر المثل بر عهده زوج است؟

جواب: چنانچه طرفین می دانسته اند که مهر السنّه طبق مشهور پانصد درهم نقره است اشکالی ندارد، و باید با پول رایج حساب کنند^۱؛ اما اگر هر دو، یا یکی از آنها آگاه نبوده اند، احتیاط آن است که در مورد مقدار مهر با هم مصالحه کنند.

سؤال ۵۴۳. از آنجا که در زمان ما درهم سکه دار وجود ندارد، آیا معیار قیمت مهر السنّه، نرخ نقره معمولی و بدون سکه است؟

۱۰. مهر السنّه در تیرماه ۱۳۸۸ حدوداً معادل پانصد و بیست و نه هزار تومان بوده است.

جواب: در شرایطی که درهم سکه دار وجود ندارد باید فرض را بر این بگیریم که اگر نقره سکه دار و رایج وجود داشت چه اندازه به قیمت آن افزوده می شد؟ سپس اضافه قیمت را بطور تقریبی حساب کنیم و بر آن بیفزائیم. و از آنجا که این حکم، يك حکم استحبابی است محاسبات تقریبی در آن ضرر ندارد.

۳. مهر المثل

سؤال ۵۴۴. بکارت دختری در اثر تصادف زایل شده است. آیا ارش البکاره گرفته می شود، یا مهر المثل؟

جواب: باید مهر المثل پردازد.

سؤال ۵۴۵. در مواردی که مهرالمثل واجب می شود، آیا حداقل یا حداکثری وجود دارد؟

جواب: ظاهر این است که در مهرالمثل حدّ معینی نیست، و الاّ مهرالمثل صدق نمی کند، و روایاتی که خلاف آن را بگوید ظاهراً معمول بهای اصحاب نیست.

سؤال ۵۴۶. اگر زنی همسری اختیار کند و آن مرد را برای زن با صفات خوبی توصیف کرده باشند؛ ولی پس از عروسی مرد بگوید: «می خواهی نماز بخوان و نمی خواهی نخوان» و خود مرد نسبت به نماز بی اعتنا و تارك الصلّاة و نسبت به قرآن و امام حسین (علیه السلام) و حضرت ابوالفضل، العیاذ باللّٰه، هتّاکی کند، در این صورت اگر زن بخواهد از چنین مردی جدا شود، آیا حقّ مهریه دارد؟

جواب: با توجّه به این که فرد مذکور مرتدّ است، ازدواج با او باطل بوده و زن باید فوراً و بدون طلاق از او جدا شود و اگر بدون توجّه به این مسأله عروسی و آمیزش انجام گرفته زن می تواند مهرالمثل را مطالبه نماید.

سؤال ۵۴۷. فقها در ازاله بکارت در اثر ارتکاب زنا، مهر المثل تعیین نموده اند، نحوه محاسبه مهرالمثل چگونه است؟ آیا نحوه پرداخت آن مانند دیه مؤجل است یا حالّ؟

جواب: مهر المثل مزبور حالّ است، مگر این که شخص مدیون قدرت بر پرداخت نداشته باشد، که در این صورت تقسیط می شود، و نحوه محاسبه آن مراجعه به عرف محل در تعیین مقدار مهریه چنین زنی است.

۴. مقدار مهریه

سؤال ۵۴۸. در صورت اختلاف زوجین در مقدار و وصف مهریه، قول کدام يك مقدم می شود؟ اگر هیچ کدام دلیلی جهت ادّعی خود نداشته باشند چطور؟
جواب: چنانچه زوج مدّعی مقدار کمتر است، قول او پذیرفته می شود، مگر این که دلیلی بر خلاف آن اقامه شود.

سؤال ۵۴۹. در بعضی ازدواج ها مهریه های سنگینی در نظر گرفته می شود، که عندالمطالبه نیز می باشد، در حالی که مرد ۵۰۰ هزار تومان هم پول ندارد. ولی برای این که ازدواج سر بگیرد، مثلاً ۲۰ میلیون تومان مهر پیشنهادی را می پذیرد، و شاید در طول عمر خود به این مبلغ دست نیابد، و از اول نیز محرز است که در صورت مطالبه، قادر بر پرداخت چنین مهریه ای نخواهد بود. این نوع ازدواج ها شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: این گونه مهریه ها با چنان قرائنی که ذکر شد، جدّی نیست. و جمله عندالمطالبه را باید حمل بر عندالقدره و الاستطاعه کرد. بنابراین، به اجرا گذاشتن این گونه مهریه ها در صورت عدم قدرت جایز نمی باشد.

سؤال ۵۵۰. برادر این جانب ده سال پیش (سال ۶۴) ازدواج نمود و بابت مهریه در عقدنامه چنین نوشته شده است: يك جلد كلام الله مجيد به هديه پنج هزار ريال به انضمام يكصد و ده كيلوگرم نمك طعام به ارزش چهار هزار ريال و يك صد گرم ابريشم خالص سبز به ارزش يك هزار ريال و دويست و بيست و پنج گرم طلاي خوب و معمول بازار به ارزش فعلي نهمصد هزار ريال و تعداد هفتصد (۷۰۰) سكه طلاي بهار آزادي به ارزش فعلي بيست و چهار ميليون و پانصد هزار ريال که جمعاً بيست و پنج ميليون و چهارصد و ده هزار ريال می شود. به طوری که ملاحظه می فرمایید مهریه فوق تماماً به پول تبدیل گردیده است و قصد و نیت زوج در زمان عقد همان مبلغ ذکر شده بوده است که توسط عاقد قرائت گردیده و مورد توافق و امضا قرار گرفته است اکنون زن مهریه خود را بر اساس قیمت روز طلب می نماید آیا حقّ با زن است یا شوهر؟

جواب: اگر موقع اجرای صیغه عبارت به همین صورت خوانده شده و قیمت هر يك از این امور بیان شده است مهریه واقعی همان مبلغ ذکر شده می باشد ولی اگر به طور یقین ثابت شود که شوهر قصد قیمت داشته و زن قصد سکه نه قیمت، مهریه مذکور باطل می شود و باید مهراثلل داده شود.

۵. تنصیف مهریه

سؤال ۵۵۱. مردی زنی را به عقد خود درآورده، ولی هنوز عروسی نکرده اند، اما زن از طریق انزال در محل باردار شده است، اگر قبل از عروسی از هم جدا شوند، آیا مهریه تنصیف می شود؟
جواب: هر گاه مرد سبب باردار شدن زن شده، احتیاط واجب آن است که تمام مهر را بدهد؛ هر چند دخول نکرده باشد.

سؤال ۵۵۲. آیا در صورت فوت زوجه قبل از دخول، مهریه وی نصف می شود؟
جواب: تمام مهر را می برد، تنها طلاق است که سبب تنصیف می شود.

سؤال ۵۵۳. آیا آمیزش با زوجه در دوره نامزدی نیز موجب پرداخت مهریه کامل، در فرض متارکه و طلاق، می گردد؟

جواب: آری موجب پرداخت مهریه کامل می گردد.

سؤال ۵۵۴. آیا بین باکره و زنان دیگر، در این مورد که دخول باعث مهر کامل و عدم دخول باعث تنصیف مهریه می شود، فرقی هست؟

جواب: فرقی میان باکره و غیر او از این جهت نیست.

سؤال ۵۵۵. دختری، با جانبازی که قادر بر نزدیکی نیست، ازدواج می کند. يك هفته پس از تلقیح، کارشان به طلاق می کشد؛ در این مورد لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) مهریه دختر نصف است، یا تمام؟

جواب: در صورتی که تلقیح بوسیله شوهر انجام نشده باشد، مهریه کامل نمی شود.

ب) آیا برای ازدواج مجدد، باز هم اجازه پدر لازم است؟

جواب: پس از وضع حمل، اجازه پدر لازم نیست.

ج) آیا این دختر نیاز به عده دارد؟ مدت عده وی چقدر است؟

جواب: عده او وضع حمل است.

د) آیا می تواند با پدر آن جانباز ازدواج کند؟

جواب: جایز نیست.

ه) اگر زنی با چنان جانبازی ازدواج کند، و پس از تلقیح جدا شود، دخترش می تواند با جانباز ازدواج کند؟

جواب: در صورتی که دخول از سوی جانباز حاصل نشده باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۵۵۶. اگر مردی در شب زفاف به علت عنن، یا عامداً، به وسیله انگشت، یا شیء مناسب دیگری غیر از آلت رجولیت، بکارت همسرش را زایل نماید، بفرمایید: اولاً: آیا این عمل تعزیر دارد؟ و ثانیاً: آیا این کار در حکم دخول، و زوجه مستحقّ کلّ مهر است؟

جواب: در صورت عدم رضایت زوجه، تعزیر دارد. و زوجه مستحقّ کلّ مهر است.

۶. زمان پرداخت مهریه

سؤال ۵۵۷. شخصی ازدواج می کند، و در حین اجرای عقد عالماً و عامداً مهریه ای معین می کنند، که زوج فعلاً توانایی پرداخت آن را به هیچ وجه ندارد، و ممکن است در مدّت طولانی هم نتواند آن را بپردازد. عرفاً هم این گونه مهریه ها را در ذمه زوج نسیه حساب می کنند، و زوجه هم در موقع اجرای عقد قصد مطالبه ندارد. آیا این گونه مهریه ها در شرع مقدس حلال است، یا مؤجّل؟

جواب: در فرض سؤال این گونه مهریه ها مؤجّل است.

۷. مسئول پرداخت مهریه

سؤال ۵۵۸. شخصی که با پدرش زندگی می کرده از دنیا رفته و هیچ گونه مالی از خود نداشته است، آیا مهریه زوجه او بر پدرش می باشد؟

جواب: مهریه زن بر عهده شوهر است، نه پدر؛ مگر این که پدر شوهر آن را تضمین کرده باشد، یا مزد کارهای فرزندش را نداده باشد، و آن مزد به اندازه مهریه یا بیشتر از آن باشد.

سؤال ۵۵۹. پدر داماد قسمتی از مهریه عروسش را بر ذمه می گیرد، ولی قبل از عروسی و پس از عقد، یعنی هنگامی که می خواستند مهریه را ثبت کنند از تعهد خود استنکاف مورزد و داماد مهر را به وجه نقد مصالحه و بر ذمه خود می گیرد و سپس عروسی واقع می شود، آیا عروس می تواند مدعی آنچه بر ذمه پدر شوهر بوده است، شود؟

جواب: اگر موقع خواندن صیغه عقد بر ذمه گرفته موظف است بپردازد، و بازگشت جایز نیست.

سؤال ۵۶۰. در تحریرالوسیله و کتاب های فقهی دیگر مذکور است که اگر پدر برای طفل صغیر خود عیال اختیار کند و طفل فقیر باشد، مهریه آن زن به عهده پدر طفل می باشد حال اگر پدر برای فرزند کبیر خود که ناقص عقل و گوش و زبان می باشد و قادر نیست هزینه زندگی خود و همسرش را تأمین کند، عیال اختیار کند مهریه و نفقه این زن بر عهده چه کسی می باشد؟

جواب: ظاهر این است که نفقه بر پدر است و اگر مهر نقدی باشد آن هم بر پدر است و در صورتی که بر ذمه زوج باشد می توان انتظار بهبودی مجنون را کشید و اگر بهبود نمی یابد برعهده پدر است.

۸. وصول مهریه

سؤال ۵۶۱. زن چه زمانی میتواند مهریه را طلب کند؟

جواب: در صورتی که مدتی برای دادن مهر در عقد تعیین نشده باشد، زن حق دارد مهر خود را فوراً مطالبه کند، بلکه می تواند پیش از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر خودداری نماید، چه شوهر توانایی بر دادن مهریه داشته باشد یا نه؛ مگر این که عدم توانایی او قرینه بر این باشد که مهر از اول بر ذمه بوده، نه بصورت نقدی.

سؤال ۵۶۲. حقیر بدون اطلاع از مرام بھائیت به ازدواج مردی بھابی با اجرای صیغه عقد اسلامی درآمد و همسر بعد از چند سال زندگی فوت کرد، در وقت اجرای صیغه عقد، قطعه زمینی به عنوان مهریه به این جانبه تحویل شد که بعد از انقلاب چون همه املاک آنها را دولت تصرف نمود ملک این جانبه نیز همراه آنها به تصرف دولت درآمد آیا این جانبه ذی حق هستم تا مطالبه حق کنم و آیا مهر مذکور ثابت است؟

جواب: شما به اندازه مهرالمثل در اموال آن مرد حق دارید.

سؤال ۵۶۳. شخصی دختر خود را شوهر می دهد، مسائلی را انجام می دهند که شوهر قدرت آمیزش خود را ازدست می دهد به گونه ای که منجر به طلاق می شود، بعد از عده، پدر دخترش را به عقد مرد دیگری درمی آورد که این شوهر نیز به سرنوشت مرد اول گرفتار می شود ولی وقتی به دکتر مراجعه می کند دکتر او را سالم تشخیص می دهد در عین حال دارو اثر نمی بخشد پدر دختر مبلغ ۳۱۰ هزار تومان برای طلا و جهیزیه گرفته و پنجاه هزار تومان خرج عروسی کرده و صد هزار تومان مهریه دختر قرار داده است، اگر شوهر طلاق بدهد حق دارد پول و مصرف را پس بگیرد؟ حکم مهریه چیست؟

جواب: هرگاه دخول صورت نگرفته باشد باید نصف مهر را بدهد و اموالی که خریده است قابل بازپس گرفتن نیست. درمورد جهیزیه و طلا هرگاه جزء مهریه بوده باید نصف آن را به زن بدهد و اگر جزء مهریه نباشد آن چه موجود است را می تواند باز پس بگیرد.

سؤال ۵۶۴. به علت شکایت همسر، مبنی بر درخواست مهریه، دادگاه دستور توقیف اشیای مغازه ام را داده است، همچنین سند مغازه ای که تنها منبع درآمد این جانب می باشد را توقیف نموده است. آیا این کار مشروع است؟ آیا مهریه را نمی توان به صورت اقساط پرداخت؟

جواب: هرگاه مرد در پرداخت مهریه به عسر و حرج بیفتد باید به صورت اقساط از او گرفت، به نحوی که حق زن نیز رعایت گردد.

۹. مهریه و تورم

سؤال ۵۶۵. مهریه هایی که مثلاً ۵۰ سال پیش صد تومان بوده، آیا اکنون همان مقدار بر عهده زوج است یا این که باید قدرت مقدار خرید صد تومان در ۵۰ سال پیش به عنوان مهریه محاسبه شود؟

جواب: باید مصالحه کنند یا برطبق قیمت امروز بپردازد.

سؤال ۵۶۶. مهریه خانمی چهل سال قبل دو هزار تومان تعیین شده است، و اکنون تقاضای اداء آن را دارد، شوهر حاضر است همان مبلغ را بپردازد، ولی زن می گوید: «شوهرم در آن زمان مهریه را یک ساعت آب و نصف منزل قرار داد و من هم قبول کردم، ولی بخاطر مشکل ثبتي، همان مبلغ دو هزار تومان قرار داده شد». اکنون با توجه به تورم شدید حکم این مسأله چیست؟

جواب: اگر آن زن ثابت کند که مهریه واقعی همان آب و منزل بوده، حق دارد آن را بگیرد، و اگر مهریه دو هزار تومان بوده، می تواند معادل آن را به قیمت امروز (طبق نرخ متوسط تورم اجناس) بگیرد. در سایر مطالبات نیز حکم همین است؛ یعنی هرگاه فاصله زمانی و تورم زیاد باشد به قیمت روز محاسبه می شود.

سؤال ۵۶۷. هفده سال پیش به عقد مردی در آمدم، و در این مدت علیرغم تمام مشکلات همراه او بودم، وی هم اکنون صاحب ۲۵ میلیون تومان سرمایه است و اقدام به ازدواج مجدد کرده و مرا طلاق داده است، با توجه به تنزل شدید ارزش پول، آیا می توانم مهریه ام را به قیمت امروز بگیرم؟ آیا در برابر زحماتی که برای خودش و بچه هایش کشیده ام، چیزی به من می رسد؟

جواب: چنانچه ارزش مهریه نسبت به زمان گذشته تفاوت کلی کرده، باید به قیمت امروز بپردازد. و اگر در مقابل خدمات شما قول داده که جبران کند، موظف است به قولش عمل کند.

۱۰. بخشش مهریه

سؤال ۵۶۸. اگر زنی قبل از عقد مهریه خویش را چه در نکاح دائم یا موقت ببخشد، آیا می‌توان صیغه عقد را بدون مهریه خواند؟

جواب: در عقد موقت لازم است مدت و مهریه هر دو معلوم باشد، اما در عقد دائم قرار ندادن مهریه ضرری نمی‌زند، و عقد صحیح است. و بخشیدن مهریه قبل از عقد معنا ندارد.

۱۱. حق حبس

سؤال ۵۶۹. زوجه از شوهر خود تمکین نموده، ولی زوج قدرت نزدیکی با وی را، به علت عدم قدرت جنسی، نداشته است؛ وی اکنون تمکین مجدد را، منوط به دریافت کل مهریه می‌نماید. آیا به علت عدم دخول، حق زوجه به قوت خود باقی است، یا در فرض مسأله، حق او ساقط شده است؟

جواب: حق زوجه در گرفتن مهریه قبل از تمکین مجدد ثابت است؛ مشروط بر این که مهر حال بوده باشد، نه بر ذمه زوج.

سؤال ۵۷۰. هرگاه زن جز به گرفتن مهر، حاضر به تمکین نشود، و شوهر قادر بر ادای آن نباشد، و در عین حال بگوید: «طلاق نمی‌دهم، و تا پایان عمر نفقه می‌پردازم». حکم این مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که شوهر قادر به پرداخت مهریه به صورت یکجا نیست، مهریه را تقسیط می‌کنند و زن باید با گرفتن اولین قسط تمکین کند و اگر تمکین نکرد؛ نفقه ندارد.

سؤال ۵۷۱. هرگاه مهریه حال (نقد) باشد، و شوهر قدرت پرداخت آن را بصورت یکجا نداشته باشد، و در صورت تقسیط بتواند ظرف چند سال بپردازد، آیا دادگاه می‌تواند بدون رضایت زوجه با تقسیط مهریه، و با وصول اولین قسط آن (بدون رعایت حق عدم تمکین زوجه) وی را مجبور به تمکین نماید؟

جواب: در صورتی که قرائی، مانند سنگین بودن مهریه و عدم تمکن زوج به هنگام اجرای عقد، چنین نشان دهد که مهریه یکجا قابل پرداخت نیست، بلکه منظور تدریجی، یا عندالقدره و الاستطاعه بوده است، باید زن با گرفتن قسط اول تمکین کند.

سؤال ۵۷۲. مرسوم است که در موقع ازدواج و در زمان عقد مهریه را دو قسمت می‌کنند؛ یک قسمت را به عنوان کمک به تهیه جهیزیه اخذ می‌کنند، و مابقی در ذمه زوج می‌ماند. لکن در تمام دادگاه‌ها با استناد به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی که می‌گوید: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر این که مهر او حال باشد. و این امتناع

مُسْقَط حَقَّ نَفَقَه نَخَوَاهِد شَد» تَمَسَّكَ كَرَدَه، تَمَام مَهْرِيَه هَا رَا حَالَّ (نَقْد) حَسَاب مِي كَنَنْد. نَظَر حَضْرَتَعَالِي دَر اَيْن مَوْرِد چِيَسْت؟

جواب: مَهْرِيَه دَر صَوْرَتِي كِه قَيْد و شَرْطِي نَدَاشْتَه بَاشَد، حَالَّ اسْت؛ وَلِي گَاه قَرَائِنِي وُجُود دَارَد كِه مَهْرِيَه نَسِيَه اسْت. مَثَلًا مَهْرِيَه سَنَكِين اسْت، و مِي دَانِيم شَوَهْر يَك جَوَان كَارَكْر، يَا يَك جَوَان دَانَشْجُوسْت، و چِيَزِي نَدَارَد كِه فَوْرًا بَدَهْد. دَر اَيْن گُونَه مَوَارِد مَهْرِيَه حَال نِيَسْت، و زَوْجَه نَمِي تَوَانَد اَن رَا مَطَالِبَه كَنْد. هَمچَنِين اَكْر مَهْرِيَه رَا دُو بَخْش كَنْنَد، نَقْد و نَسِيَه، دَر اَيْن جَا تَنَهَا مِي تَوَانَد نَقْد رَا مَطَالِبَه كَنْد.

سؤال ۵۷۳. غَالِب فِقْهَائِي شِيَعَه فَرْمُودَه اَنْد: «زَوْجَه حَق دَارَد مَهْر غَيْر مَوْجَل رَا مَطَالِبَه و قَبْل از دَخُول مِي تَوَانَد از تَمَكِين تَا گَرْفْتَن مَهْر اَمْتِنَاع نَمَايَد» و نِيَز فَرْمُودَه اَنْد: «دَر صَوْرَت بَدَل تَمَكِين بَه فَرَض دَرِيَاْفَت مَهْر (تَمَكِين تَعْلِيْقِي) اسْتَحْقَاق نَفَقَه نِيَز دَارَد» آيَا حَقَّ اَمْتِنَاع زَوْجَه از تَمَكِين مَخْتَص بَه دَخُول اسْت يَا شَامِل سَايِر اسْتِمْتَاعَات و يَا اِطَاعَت از زَوْج دَر اَمُور لَازِم (از قَبِيل اِقَامَت دَر مَنزَل شَوَهْر يَا مَسَاْفَرَت بَا رِضَايَت وِي) نِيَز مِي گَرْدَد بَه نَحْوِي كِه اَكْر دَر اَيْن اَمُور از شَوَهْر اِطَاعَت نَكَنْد نَاشِرَه مَحْسُوب مِي شُود؟

جواب: ظَاهِر اَيْن اسْت كِه زَن مِي تَوَانَد بَدُون گَرْفْتَن مَهْر مَعَجَل خُود رَا مَطْلَقًا تَسْلِيم شَوَهْر نَكَنْد و دَر اَيْن مَدَّت بَر زَوْج وَاجِب اسْت نَفَقَه او رَا بَدَهْد.

سؤال ۵۷۴. زَن و مَرْدِي و يَا اَوْلِيَا و بَزْرگان اَنهَّا قَرَارَدَايِي بَيْن خُودشان مِي گِذَارَنْد، مَهْرِيَه رَا هَم تَعْيِين مِي نَمَايَنْد، سِپَس مَبْلَغ دُويَسْت هَزَار تُومَان از مَهْرِيَه نَقْدًا دَاَدَه مِي شُود و بَقِيَه بَر ذَمَّه زَوْج مِي بَاشَد و اَرْتِكَاز عَرَقِي بَر اَيْن اسْت كِه پَس از اِنْجَام مَرَاْسَم عَرُوسِي زَوْجَه مِي تَوَانَد مَطَالِبَه نَمَايَد و زَوْج هَم بَايَد عِنْدالْقَدْرَه پِرْدَازْد هَمَان طُورِي كِه عِلْمَاي گِذَشْتَه دَر عَقْدنَاْمَه هَا مِي نُوَشْتَنْد (فَلْهَا المَطَالِبَه بِشَرْط التَمَكِين وَلَه الِادَاء عِنْدالْقَدْرَه وَاَلَاْمَكَان) وَلِي دَر اَيْن زَمَان دَفَاتِر رَسْمِي اَزْدِوَاج بِنَاي مَذْكُور رَا دَر نَظَر نَكْرَفْتَه و مِي نُوَيْسَنْد كِه زَوْج بَايَد عِنْدالمَطَالِبَه پِرْدَاخْت نَمَايَد و رُوي اَيْن اَصْل وَقْتِي كِه اِخْتِلَافِي دَر بَيْن اَنهَّا وَاَقَع مِي شُود زَن مِي گُويَد مَادَامِي كِه شَوَهْر مَهْرِيَه رَا نَقْدًا پِرْدَازْد حَاضِر بَه تَمَكِين نَخَوَاهِد شَد بَايَد نَفَقَه او رَا هَم بَدَهْد آيَا زَوْجَه چَنِين حَقِّي رَا دَارَد؟

جواب: دَر صَوْرَتِي كِه شَرْط شُدَه بَاشَد مَهْرِيَه رَا عِنْدالمَطَالِبَه پِرْدَازْد زَن حَقَّ مَطَالِبَه مَهْر رَا دَارَد و اَكْر عَدَم تَمَكِين بَه اسْتِنَاد عَدَم پِرْدَاخْت مَهْرِيَه بَاشَد حَقَّ نَفَقَه نِيَز دَارَد و اَكْر شَرْط شُدَه بَاشَد و يَا قَرِينَه از جِهْت عَرَف و عَادَت وُجُود دَاشْتَه بَاشَد كِه عِنْدالْقَدْرَه وَاَلَاَسْتِطَاعَه پِرْدَازْد دَر صَوْرَت عَدَم تَوَانَايِي شَوَهْر، زَن حَقَّ مَطَالِبَه نَدَارَد و اَكْر تَمَكِين نَمَايَد حَقَّ نَفَقَه نَدَارَد.

سؤال ۵۷۵. در فرع مذکور اگر زن حَقّ امتناع از تمکین داشته باشد تا مهر به وی تسلیم شود اگر زن جهت استمتاع به غیر از مقاربت تسلیم شده و مدتی خود را در اختیار زوج قرار دهد این امر باعث از بین رفتن حَقّ امتناع زوجه می شود یا این که فقط تسلیم و تمکین تام مسقط است؟
جواب: تمکین تام مسقط است.

سؤال ۵۷۶. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) دختر خانمی مهریه اش هم معجل بود و هم مؤجل، مقدار معجل را در مجلس عقد دریافت نمود و در مؤجل، زمان خاصی معین نشد ولی از قراین حالیه و مقالیه مثل این که داماد از قبول کردن مهریه سنگین امتناع داشت ولی پدر دختر گفت مهریه را کی داده و کی گرفته، به دست می آید که موقع پرداخت، بعد از عروسی است اما الان دختر به تحریک والدین اصرار بر دریافت مؤجل نیز دارد آیا دختر و یا والدین او حَقّ امتناع از عروسی را قبل از پرداخت باقیمانده مهریه دارند؟
جواب: هر گاه قراینی وجود داشته که مؤجل را با فاصله قابل ملاحظه ای پردازند دختر نمی تواند از عروسی امتناع کند.

ب) داماد قبل از عروسی برای خانم خود مقدار قابل توجهی وسایل زینتی از قبیل طلا و غیره به عنوان هدیه گرفته است به فرض این که دختر حاضر به عروسی نشود آیا داماد حَقّ مطالبه آن وسایل زینتی را دارد و آیا استفاده دختر بعد از اطلاع از عدم رضایت داماد از آن زینت آلات جایز است؟
جواب: حق دارد، و تصرف در آن از سوی دختر در فرض مسأله جایز نیست.

ج) اگر مهریه سیصد هزار تومان و نصف مایملک داماد باشد آیا این مهریه باطل نیست؟

جواب: این مهریه مجهول و باطل است و به جای آن باید مهرالمثل پردازد.

سؤال ۵۷۷. اگر زوج (با توجه به معسر بودن) به حکم دادگاه، مهریه را به صورت قسطی پردازد، با توجه به این که امروزه مهریه ها بالاست و پرداخت قسطی آن هم سال ها طول می کشد تا تمام شود، آیا با این حال زن به فرض باکره بودن و عدم واقعه، حق دارد تا پایان قسط آخر تمکین نکند؟
جواب: در صورتی که قرائنی وجود داشته که این مهریه سنگین را يك جا نمی توان مطالبه کرد، خودداری زن از تمکین جایز نیست، بنابراین متوقف کردن تمکین بر پرداخت تمام مهر در این گونه موارد جایز نیست.

سؤال ۵۷۸. در صورت مطالبه مهریه از سوی زوجه قبل از عروسی، و عدم پرداخت آن از طرف

زوج، بفرمایید:

الف) آیا زوجه می تواند، تا زمان پرداخت مهریه از رفتن به خانه زوج خودداری کند؟

ب) در صورت خودداری از رفتن به خانه شوهر، آیا استحقاق نفقه دارد؟

ج) آیا اعسار و عدم اعسار زوجه تأثیری در حکم مسأله دارد؟

د) آیا آگاهی یا عدم آگاهی زوجه در هنگام عقد نسبت به عدم توانایی زوج در پرداخت مهریه، تأثیری در حکم مسأله دارد؟

جواب الف تا د) زن نمی تواند رفتن به خانه شوهر را مشروط به دریافت مهریه کند؛ ولی می تواند قبل از دریافت مهریه تمکین نکند. مشروط بر این که قبلاً از اعسار زوج خبر نداشته باشد. و در فرض اعسار، اگر از سوی حاکم شرع قسط بندی شود، و شروع به پرداختن اقساط کند، زن باید تمکین کند.

۱۲. واجب الحج شدن به واسطه مهریه

سؤال ۵۷۹. زنی که مهریه زیادی، که به حد استطاعت حج می رسد، از شوهرش طلبکار است، آیا به صرف طلب کاری مستطیع شده و حج بر او مستقر می باشد؟

جواب: هرگاه گرفتن مهریه از شوهر برای او عیب نباشد و مشکلی در زندگانی او و شوهرش ایجاد نکند، مستطیع است و باید به حج برود.

سؤال ۵۸۰. هرگاه قبل از گرفتن مهریه از دنیا برود، آیا لازم است شخصی را به نیابت از او به حج بفرستند؟

جواب: اگر حج به جا نیاورده باید ورثه او از مالش بردارند و ادا کنند.

۱۳. مسائل متفرقه مهریه

سؤال ۵۸۱. در صورتی که زوجه دائمی شخصی، با مرد اجنبی فرار نموده و از کشور خارج شود. آیا زن می تواند شخصاً، یا با اعطای وکالت به غیر، نسبت به دریافت مهر خود اقدام قانونی نماید؟ آیا چنین زنی مستحق دریافت مهریه می باشد؟

جواب: با توجه به این که مهریه مربوط به سابق است حق گرفتن آن را دارد؛ ولی هر دو نفر از نظر قضایی قابل تعقیب هستند، و از نظر اسلام مجازاتشان شدید است.

سؤال ۵۸۲. لطفاً نظر مبارک خویش را در خصوص این مسأله که اگر زوج در هنگام ازدواج جهیزیه زوجه را از مال خودش تهیه نماید. آیا در موقع طلاق زوجه حق مطالبه و استرداد چنین جهیزیه ای را دارد یا خیر، بیان فرمایید.

جواب: اگر جهیزیه را جزئی از مهر یا شرط ضمن العقد قرار دهد، نمی تواند بازپس بگیرد؛ ولی اگر هبه کرده قابل بازپس گرفتن است.

سؤال ۵۸۳. یکی از طلاب بحرین هستم که با خانمی از لبنان، به مهریه ده هزار لیره لبنانی، ازدواج شرعی و رسمی نمودم؛ ولی متأسفانه زندگی ما منجر به جدایی شد و نزدیکی از علما با حضور دو مرد عادل صیغه طلاق جاری و مهریه وی پرداخت شد. اما وی به دادگاه شکایت کرده و منکر دریافت مهریه گردیده است و متأسفانه من هنگام پرداخت مهریه، شاهدی نگرفتم. حال دو سؤال دارم:

الف) آیا بر او واجب است که برای ادعای خود قسم بخورد تا بار دیگر مهریه را بگیرد؟ و با توجه به این که قیمت لیره امروز با قیمت آن به هنگام عقد تفاوت دارد، آیا همان مقدار لیره ذکر شده در حین عقد را باید بدهم، یا ملاک قیمت امروز است؟

جواب: مقتضای قاعده، اقامه بینه توسط مدعی است و اگر او بینه نداشت، منکر باید قسم بخورد؛ بنابراین زوجه که در مورد سؤال منکر گرفتن مهریه است باید قسم بخورد و اما نسبت به تفاوت قیمت مهریه، در صورتی که تفاوت فاحش باشد، ملاک قیمت زمان پرداخت مهریه اوست.

ب) آیا زوجه در مقابل خدماتی که در مدت زندگانی مشترک انجام داده است، چیزی طلبکار است، در حالی که در این مورد چیزی در ضمن عقد شرط نشده است؟

جواب: اگر شرط نکرده، و عرف و عادت محل بر این است که خدمات زن بجانی است، زوجه مستحق چیزی نیست.

۸ مسکن

سؤال ۵۸۴. در صورتی که حقّ اختیار سکنی در قباله ثبتی کاملاً به زوجه تفویض شده باشد، آیا این حق علاوه بر شهر، شامل محل و منطقه محلّ سکونت نیز می شود؟ با توجه به این که زوج و زوجه هر دو اهل و ساکن يك شهر بوده، و در زمان عقد نیز قصد زندگی در همان شهر را داشته اند، پاسخ سؤال را مرقوم فرمایید.

جواب: معمولاً هنگامی که می گویند اختیار سکنی با زن است، اشاره به شهر می باشد، مگر این که عبارت عقد نامه دلالت بر بیشتر از این داشته باشد. و در صورت شك، تنها اختیار شهر با زوجه خواهد بود.

سؤال ۵۸۵. زوجه باکره ای که تمکین را به وصول مهریه عندالمطالبه اش موکول نموده، (و مطابق عرف هنوز در عقد است، و در منزل پدرش به سر می برد) آیا می تواند از سکنی در منزلی که زوج معین کرده خودداری کند؟ و اگر چنین کند، آیا ناشزه محسوب می شود، و حقّ نفقه ندارد؟

جواب: تا زمانی که طبق عرف عروسی نکرده، حقّ امتناع دارد.

سؤال ۵۸۶. اگر زوجه رفتن به خانه شوهر را منوط به دریافت اجناس مورد توافق (غیر از مهریه) نماید، و زوج از تحویل آن امتناع ورزد، بفرمایید:

(الف) آیا زوجه چنین حقّی دارد؟

(ب) در صورت خودداری از رفتن به خانه شوهر، آیا استحقاق نفقه دارد؟

جواب: هرگاه شرایط مذکور در ضمن عقد، نه به عنوان مهریه، مطرح شده باشد، زوجه حق ندارد رفتن خود را به خانه شوهر منوط به آن کند، هر چند حقّ مطالبه و الزام به آن را دارد.

سؤال ۵۸۷. شخصی ۱۲ سال قبل به عیال خود پیشنهاد می کند که از تهران به شهر دیگری مهاجرت کنند؛ ولی زن حاضر به این هجرت نمی شود و مرد به آن شهر هجرت می کند. اکنون مرد به بهانه این که زن اطاعت نکرده، نه نفقه می دهد و نه طلاق. آیا مرد حق دارد زن را در این مدّت طولانی بلا تکلیف رها کند؟

جواب: در صورتی که در ازدواج قرارداد خاصی برای محلّ سکونت زن نباشد، زن موظّف است در محلّ سکونت تابع مرد باشد؛ مگر این که ضرر و زیان مهمّی برای او داشته باشد.

سؤال ۵۸۸. آیا زن می تواند شرط کند شوهر او را از شهر مورد نظرش بیرون نبرد؟

جواب: هرگاه زن در عقد شرط کند که شوهر او را از فلان شهر بیرون نبرد، مرد نمی تواند او را از آن شهر بیرون ببرد مگر با رضایت او.

* * *

بخش نهم:

احکام عقد موقت

بخش نهم: احکام عقد موقت

۱ مشروعیت ازدواج موقت

سؤال ۵۸۹. لطفاً پیرامون ازدواج موقت به پرسش های زیر پاسخ دهید:

(الف) آیا جواز مُتعه مربوط به دوره و شرایط خاصی از تاریخ اسلام بوده است؟

(ب) آیا حکومت اسلامی در قبال قانونمندی، یا جلوگیری از گسترش آن در جامعه، وظیفه ای دارد؟

(ج) در شرایط کنونی وظیفه روحانیت در ارتباط با ازدواج موقت چیست؟ آیا همچون سایر احکام

مکلف به ترویج آن هستند؟

(د) در فتوای مشهور آمده است: «زن یائسه عدّه ندارد». آیا کسانی که لوله های رحم خود را

بسته اند، در حکم زنان یائسه هستند؟

جواب: مسأله متعه اختصاص به زمان معینی نداشته و ندارد، ولی گاه (مثل زمان ما) شرایط ایجاب

می کند قیود و شرایطی برای آن قائل شوند، که افراد هوسباز از آن سوء استفاده نکنند. و تبلیغ از آن

بدون فراهم شدن آن شرایط خالی از مشکلات نیست؛ و اما زنانی که لوله های خود را ببندند، مشمول

یائسه بودن نیستند؛ بلکه در حکم «من لا تحيض فی سنّ من تحيض» می باشند.

سؤال ۵۹۰. عقد موقت از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: شك نیست که نکاح موقت یکی از احکام مسلم فقهی است و در شریعت اسلام جایز

است، ولی نباید وسیله هوسبازی افراد هوسباز شود. و احتیاط آن است تا ضرورتی نباشد اقدام به این

کار نشود، شرح بیشتر را در کتاب ما به نام «آیین ما» و همچنین در جلد ۳ تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۴

سوره نساء مطالعه کنید. شرح مختصر آن این است که:

این يك قانون کلی و عمومی است که اگر به غرائز طبیعی انسان، به صورت صحیحی پاسخ گفته

نشود، برای اشباع آنها، متوجه طرق الخرافی خواهد شد؛ زیرا این حقیقت قابل انکار نیست که غرائز

طبیعی را نمی توان از بین برد، و فرضاً هم بتوانیم از بین ببریم، چنین اقدامی عاقلانه نیست؛ زیرا این کار

يك نوع مبارزه با قانون آفرینش است.

بنابراین، راه صحیح آن است که: آنها را از طریق معقولی اشباع و از آنها در مسیر سازندگی بهره برداری کنیم.

این موضوع را نیز نمی توان انکار کرد که گزینه جنسی، یکی از نیرومندترین غرائز انسانی است، تا آنجا که پاره ای از روانکاوان آن را تنها گزینه اصیل انسان می دانند و تمام غرائز دیگر را به آن باز می گردانند.

اکنون این سؤال پیش می آید: در بسیاری از شرایط و محیطها، افراد فراوانی در سنین خاصی قادر به ازدواج دائم نیستند، یا افراد متأهل در مسافرت های طولانی و یا ماموریت ها با مشکل عدم ارضای گزینه جنسی رو به رو می شوند.

این موضوع مخصوصاً در عصر ما که سن ازدواج بر اثر طولانی شدن دوره تحصیل و مسائل پیچیده اجتماعی بالا رفته، و کمتر جوانی می تواند در سنین پائین یعنی در داغ ترین دوران گزینه جنسی اقدام به ازدواج کند، شکل حادثی به خود گرفته است.

با این وضع چه باید کرد؟

آیا باید مردم را به سرکوب کردن این گزینه (همانند راهبان و راهبه ها) تشویق نمود؟

یا این که آنها را در برابر بی بند و باری جنسی آزاد گذاشت، و همان صحنه های زننده و ننگین کنونی را مجاز دانست؟

و یا این که راه سومی را در پیش بگیریم که نه مشکلات ازدواج دائم را به بار آورد و نه آن بی بند و باری جنسی را؟

خلاصه این که: «ازدواج دائم» نه در گذشته و نه در امروز، به تنهایی جوابگوی نیازمندی های جنسی همه طبقات مردم نبوده و نیست، و ما بر سر دو راهی قرار داریم:

یا باید «فحشاء» را مجاز بدانیم (همان طور که دنیای مادی امروز عملاً بر آن صحنه گذارده و آن را به رسمیت شناخته).

و یا طرح ازدواج موقت را بپذیریم.

معلوم نیست آنها که با ازدواج موقت و فحشاء مخالفند چه جوابی برای این سؤال فکر کرده اند؟! طرح ازدواج موقت، نه شرایط سنگین ازدواج دائم را دارد که با عدم تمکن مالی یا اشتغالات تحصیلی و مانند آن ن سازد، و نه زیان های فجایع جنسی و فحشا را در بر دارد.

۲ موارد مجاز عقد موقت

سؤال ۵۹۱. آیا مرد مسلمانی که همسر مسلمان دارد می تواند زن ذمی را به عقد موقت خود درآورد؟
جواب: متعه ذمی بر مسلمان بدون اجازه همسر مسلمانش کراهت دارد.

سؤال ۵۹۲. مردی زنی را به عقد موقت خود در می آورد در بین مباشرت با آن زن شك می کند که آیا او از زنانی است که زیاد صیغه می شود وعده ننگه نمی دارد یا نه، آیا تحقیق واجب است؟
جواب: سؤال و تحقیق از زن واجب نیست.

سؤال ۵۹۳. آیا متعه اهل کتاب و کافر جایز است؟
جواب: متعه اهل کتاب جایز است.

سؤال ۵۹۴. شخص مؤمن و متدینی برای تجارت به کشورهای مختلف سفر می کند، لکن بعضی از افرادی که با او همسفر هستند می خواهند از همه امکانات هتل استفاده کنند. در حالی که بعضی از آن نسوان شرایط ازدواج (مثل رعایت عده) را ندارند. لطفاً بفرمایید:
الف) آیا به مجرد این که آنها بگویند خالیه هستند، می توان با آنها ازدواج کرد؟
ب) اگر فحص از عده نشود، اشکال ندارد؟
ج) در صورتی که بگویند عده را رعایت کرده ایم، آیا قول آنها قبول است؟ (در حالی که ظن قوی بر عدم وجود عده است.)

د) اگر اهل کتاب نباشند، آیا ازدواج موقت با آنها صحیح است؟

ه) در ضمن سنّ اکثر یا تمام این زنان، سنّ منّ حیض می باشد، لکن با وسایل بهداشتی جدید از حاملگی جلوگیری می کنند. آیا شرایط ازدواج را در این سنین با فرض بر عدم عده دارا هستند؟
جواب: با توجه به این که در سنّ «منّ حیض» هستند، عده به هر حال بر آنها واجب است، و ادّعی آنها در صورتی پذیرفته می شود که متهمه نباشند. و ازدواج موقت با غیر کتابیه جایز نیست.

۳ احکام عقد موقت

سؤال ۵۹۵. پرداخت نفقه به زنی که در عقد موقت می باشد واجب است؟

جواب: همسر ازدواج موقت حقّ خرجی ندارد، هرچند باردار شود.

سؤال ۵۹۶. آیا مرد و زنی که ازدواج موقت کرده اند از یکدیگر ارث می برند؟

جواب: از یکدیگر ارث نمی برند.

سؤال ۵۹۷. زن حق همخوانی در ازدواج موقت دارد؟

جواب: زن حقّ واجب همخوانی ندارد.

سؤال ۵۹۸. مرد می تواند از نزدیکی با زنی که در ازدواج موقت او می باشد امتناع کند؟

جواب: احتیاط واجب آن است که شوهر بیش از چهار ماه نزدیکی با همسر خود را در ازدواج

موقت نیز ترك نکند.

سؤال ۵۹۹. همسر موقت برای خروج از منزل باید از شوهر اجازه بگیرد؟

جواب: همسر موقت می تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود یا کاری در خارج خانه برای

خود انتخاب کند، مگر این که به خاطر بیرون رفتنش حقّ شوهر از بین برود.

سؤال ۶۰۰. مرد حق دارد به ازدواج موقت پایان دهد؟ در این صورت آیا باید مهریه را بپردازد؟

جواب: مرد می تواند مدت ازدواج موقت را ببخشد و به آن پایان دهد، در این صورت اگر با آن زن

نزدیکی کرده باید تمام مهر و اگر نزدیکی نکرده باید نصف آن را بدهد.

سؤال ۶۰۱. مرد میتواند زنی که در عقد موقت او می باشد را به عقد دائم خود در آورد؟

جواب: مرد می تواند زنی را که صیغه اوست به عقد دائمی درآورد، ولی باید نخست باقیمانده مدت

را ببخشد، سپس او را عقد کند.

سؤال ۶۰۲. آیا ازدواج موقت عده دارد؟

جواب: ازدواج موقت بعد از تمام شدن مدت آن، عده دارد، به شرحی که در بخش مربوط به عده

خواهد آمد.

سؤال ۶۰۳. اگر در ازدواج موقت فرزندی متولد شود از پدر و مادر و بستگان خود ارث می برند؟

جواب: فرزندان که از آن متولد می شوند تمام حقوق فرزندی را دارند و از پدر و مادر و بستگان خود ارث می برند هر چند آن زن و شوهر از هم ارث نمی برند.

سؤال ۶۰۴. زنی به عقد موقت مردی در آمده و بعد از دخول، شوهرش را ترك کرده است، آیا بر

مرد واجب است که تمام مهریه او را بپردازد؟

جواب: تنها آن مقدار از زمان که زن تمکین کرده مهریه اش لازم است.

سؤال ۶۰۵. به مدت ده سال به عقد موقت مردی درآمده ام، ولی اکنون سه سال است که مرا رها

کرده و هیچ خبری از او ندارم، به دادگاه مدنی مراجعه کردم ولی نتیجه ای نگرفتم، من شرایط ازدواج موقت را نمی دانستم و منبع درآمدی هم ندارم و در وضعیت سختی بسر می برم، تکلیف من چیست؟

جواب: هرگاه شما به تشخیص حاکم شرع، در عسر و حرج شدید باشید و راه حلی نداشته باشید، و دسترسی به شوهرتان نیز نباشد، حاکم شرع می تواند باقیمانده مدت را به شما ببخشد، و می توانید پس از عده (در صورت آمیزش) شوهر کنید.

سؤال ۶۰۶. آیا در ازدواج موقت عسر و حرج برای زوجه متصور است؟ در صورت اثبات، آیا

می توان زوج را به بذل مدت اجبار نمود؟

جواب: در صورتی که به تشخیص حاکم شرع واقعاً عسر و حرج حاصل شود تفاوتی بین عقد انقطاعی و دائم نیست، و حاکم شرع زوج را ملزم به بذل باقیمانده مدت می کند و اگر قبول نکند، حاکم شرع به عنوان ولی ممتنع، باقیمانده مدت را می بخشد. و زوجه می تواند بعد از سپری شدن عده شوهر کند.

سؤال ۶۰۷. شخصی زن جوانی را متعه کرده و با اقرار خود موقوفه نیز انجام شده و زن مزبور پس از

آن، وضع حمل کرده و طفل را به مرد متمتع نسبت می دهد ولی مرد منکر الحاق ولد به خود می باشد آیا در این مورد قسم به نفی ولد از طرف مرد مشروعیت دارد؟

جواب: چنانچه مرد اقرار به موقوفه دارد ولد به او ملحق است و با قسم از او نفی نمی شود.

سؤال ۶۰۸. زنی در عقد موقت مردی می باشد آیا آن مرد می تواند او را به عقد دائم خود درآورد؟

جواب: هرگاه باقیمانده عقد موقت را ببخشد می تواند او را به عقد دائم خود درآورده و احتیاجی به عده نیست.

سؤال ۶۰۹. زوج در حال عصبانیت و ناراحتی و اختلاف با زوجه موقت خود، ابرای مدت و زمان عقد می نماید ولی بلافاصله نادم و پشیمان می گردد آیا زوجه با این ابرای می تواند با دیگری ازدواج نماید و یا ابرای صحیح نیست و زوجیت باقی است؟

جواب: اگر در حال عصبانیت عقل و شعور خود را از دست داده ابرای مدت صحیح نبوده اما اگر این کار را از روی شعور و عقل کرده هرچند عصبانی بوده ابرای صحیح بوده است.

سؤال ۶۱۰. دختری با مردی برخورد و تماس داشته است، مثلاً در يك مکان با یکدیگر کار می کرده اند و یا تحصیل می نموده اند، آن مرد این دختر را جهت محرمیت و عدم وقوع در گناه، بدون اذن پدرش به عقد موقت خود درآورده هر چند به صرف محرمیت اکتفا نشده و تقبیل و لمس انجام داده اند با توجه به این مقدمه به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

(الف) آیا این دو گناهکارند و مرتکب معصیت گردیده اند؟

جواب: چنین عقدی خالی از اشکال نیست و به صورت نامحرم با یکدیگر رفتار کنند و برای رعایت احتیاط مرد باقیمانده مدت را ببخشد.

(ب) آیا مادر دختر به این مرد محرم شده است؟

جواب: در مورد مادر هم باید احتیاط کند.

سؤال ۶۱۱. آیا در عقد موقت اطاعت از شوهر بر زوجه، همچون همسر دائمی، لازم است؟ در مورد مسافرت و خروج از منزل و کار در بیرون منزل چگونه؟

جواب: واجب نیست؛ مگر در جایی که مزاحم حق شوهر باشد.

سؤال ۶۱۲. هنوز يك سال از مدت عقد موقت باقی مانده است، آیا جایز است برای چند سال دیگر عقد جاری گردد؟ یا باید مدت مذکور تمام شود و سپس عقد مجدد خوانده شود؟

جواب: باید باقیمانده مدت از طرف مرد بخشیده شود و سپس عقد را برای مدت مورد نظر تجدید کنند و یا مهلت دهند آن يك سال بگذرد و بعد تجدید عقد کنند، در عقد دائم بعد از عقد موقت نیز حکم چنین است.

سؤال ۶۱۳. قبل از عقد موقت مرد به زن نگاه و با او صحبت می کند، تا زمینه را برای ازدواج موقت آماده سازد، آیا این عمل جایز است؟

جواب: این مقدار اشکال ندارد.

سؤال ۶۱۴. زن و مردی صیغه عقد غیر دائمی (موقت) جاری می کنند؛ ولی مقدار، زمان و مهر را معین نمی کنند. بعد از آمیزش و نزدیکی می فهمند که این کار مشروع نبوده است. آیا این کار در

حکم زناست و آنها گناهکار شناخته می شوند و بچه به دنیا آمده نامشروع است؟ آیا جایز است که پس از عقد وقت و مهر را تعیین کنند، یا این که باید دوباره صیغه را به صورت صحیح جاری کنند؟

جواب: آنچه در حال ندانستن مسأله انجام داده اند، زنا نبوده و بچه حلال زاده است؛ ولی احتیاطاً صیغه طلاق را جاری کنند و سپس می توانند عقد موقت نمایند، و گذشتن زمان عدّه در این جا شرط نیست.

سؤال ۶۱۵. زنی متعه شده، و مدّت عقد و عدّه وی سپری شده است، ولی از همان مرد حامله شده، و فرزندی در شکم دارد. آیا همان شخص تا قبل از وضع حمل، می تواند دوباره او را صیغه نماید؟

جواب: شوهر اول می تواند مجدداً او را متعه کند، ولی شخص دیگری حق ندارد با او ازدواج کند تا وضع حمل کند.

* * *

۴ اهداف عقد موقت

سؤال ۶۱۶. اگر شخصی با ترك ازدواج به حرام بیفتد و امکان ازدواج دائم را ندارد ولی ازدواج موقت برایش امکان پذیر است چه وظیفه ای دارد؟
جواب: وظیفه او ازدواج موقت است.

سؤال ۶۱۷. یکی از مسلمات اسلام استحباب امر ازدواج است، و بر هر جوانی که در گناه می افتد واجب است به این امر مقدس اقدام نماید. اما امروزه شرایط ازدواج برای قشر وسیعی از جوانان به علل مختلف، از قبیل تحصیل، عدم بضاعت مالی، و پاره ای مشکلات دیگر مهیا نیست، و نمی توانند ازدواج کنند. از طرفی ترویج و اشاعه فساد اخلاقی در جامعه سبب شده جوانان به سختی خود را از گناهان بصری و سمعی و جسمی حفظ کنند، و گاه دچار ناراحتی های روحی و روانی شده، و گاه به گناهان زنا و لواط و مانند آن آلوده می گردند. حال سؤال بنده این است که با فرض مذکور:
 الف) ازدواج موقت برای جوانان مجرد به منظور جلوگیری از آلودگی به گناهان چه حکمی دارد؟
 ب) شیوع و ترویج متعه در جامعه و بین جوانانی که در گناه می افتند، یا مرتکب معاصی می شوند، چه حکمی دارد؟

ج) این امر (متعه) برای قشر تحصیل کرده، مخصوصاً طلاب مجرد، چه حکمی دارد؟

د) آیا راه حل مناسبی برای حل مشکلات ازدواج جوانان دارید؟

جواب: نکاح موقت به یقین يك سنت اسلامی است؛ ولی اگر امروز تحت برنامه حساب شده ای قرار نگیرد منشأ مفاسد زیادی خواهد شد.

سؤال ۶۱۸. اگر ازدواج موقت به قصد محرم شدن نزدیکان آن دختر باشد جایز است؟

جواب: ازدواج موقت هر چند برای لذت بردن هم نباشد بلکه به قصد محرم شدن نزدیکان آن دختر باشد جایز است مشروط بر این که دختری را که به ازدواج موقت در می آورند در حدی باشد که قابل لذت جنسی باشد، مثلاً اگر کوچک است باید وقت را به اندازه ای زیاد کنند که دوران آمادگی دختر را شامل شود، هرچند بعد از عقد باقیمانده مدت را ببخشند.

سؤال ۶۱۹. پدر یا جدّ پدری می تواند برای محرم شدن با زنی او را به عقد موقت پسر نابالغ خود؟
جواب: پدر یا جدّ پدری می تواند برای محرم شدن با زنی او را به عقد موقت پسر نابالغ خود درآورد (به شرط این که مدت عقد به اندازه ای باشد که پسر به حدّ بهره گیری جنسی برسد) و نیز می تواند دختر نابالغی را برای محرم شدن بستگان به عقد کسی درآورد (به همان شرط که در مورد پسر گفته شد) و در هر دو صورت بنا بر احتیاط واجب باید عقد فایده ای برای آن دو داشته باشد و خالی از مفسده باشد.

سؤال ۶۲۰. نظر حضرتعالی در رابطه با ازدواج موقت چیست؟ آیا آن را راه حلّ مناسبی برای جوانان، که مشکلاتی بر سر راه ازدواج دائم دارند و از طرفی می ترسند که به فساد کشیده شوند، می دانید؟

جواب: اگر با شرایط معقول و رعایت موازین شرعی انجام شود، و دستاویزی برای هوسبازی هوسبازان و فساد بیشتر نشود بیقین کارساز است؛ ولی این، کار بسیار دقیق و ظریفی است.

سؤال ۶۲۱. این جانب یکی از جانبازان انقلاب اسلامی هستم که از گردن به پایین فلج هستم و به هیچ وجه قادر به انجام کارهایم نیستم با توجه به این که یکی از خواهران راضی است که جهت رضای خدا همه کارهایم غیر از مسائل جنسی را انجام دهد آیا راهی برای محرمیت ما وجود دارد؟

جواب: هرگاه صیغه عقد موقت آن دختر (هر چند برای مدت کوتاهی) برای پدر شما خوانده شود شما برای همیشه به او محرم خواهید شد، البته مانند محرمیت مادر و خواهر نه محرمیت همسر.

سؤال ۶۲۲. اگر پسر و دختری بخواهند از طریق ازدواج موقت با همدیگر رابطه شرعی داشته باشند در صورت های زیر چه شرایطی معتبر است:

(الف) اگر رابطه صرفاً رابطه متعارف شغل یا تحصیلی باشد.

(ب) اگر رابطه صرفاً به خاطر استمتاع جنسی بدون دخول باشد.

(ج) اگر رابطه به خاطر آمیزش جنسی (دخول) باشد.

جواب: عقد موقت يك نوع بیشتر نیست و همه این آثار در آن جمع است مگر این که در ضمن عقد شرط کنند که آمیزش جنسی نباشد و در هر حال بنا بر احتیاط واجب اذن پدر شرط است.

سؤال ۶۲۳. آیا برای مردی که همسر دائم دارد ازدواج موقت جایز است؟ (حکم مسأله را در صورتی که همسر دوم در همان محل زندگی همسر دائم یا در محل دیگری زندگی کند بیان فرمایید).
جواب: اشکالی ندارد، لکن فقط در صورت ضرورت این کار را بکنند.

سؤال ۶۲۴. حضرتعالی در مسأله ۲۰۷۱ توضیح المسائل فرموده اید: «ازدواج موقت هرچند برای لذت بردن هم نباشد، بلکه به قصد محرم شدن نزدیکان آن دختر باشد جایز است، مشروط بر این که دختری را که به ازدواج موقت در می آورند در حدی باشد که قابل لذت جنسی باشد، مثلاً اگر کوچک است باید وقت را به اندازه ای زیاد کنند که دوران آمادگی دختر را شامل شود، هرچند بعد از عقد، مدت را ببخشند» حال کسی به خاطر محرم شدن نزدیکان دختری که به حد بلوغ نرسیده، به مدت کوتاهی صیغه عقد نکاح موقت او را خوانده است و بعداً هم آن مدت را می بخشد و آن قید که دختر در حدی باشد که قابل لذت جنسی باشد را در نظر نگرفته است، آیا نزدیکان آن دختر به این مرد محرم خواهند شد؟ آیا مادر آن دختر به پسران این مرد محرم خواهد بود؟ اگر نادیده گرفتن این قید در حین اجرای عقد اصلاً ایجاد محرمیت نمی کند، آیا این پدر می تواند آن دختر را به ازدواج پسر خود درآورد؟

جواب: اگر می خواهند محرم بشوند احتیاط آن است که مجدداً صیغه عقد متعه را با همان اوصافی که گفته شد بخوانند و الاً معامله محرم بودن با مادر او نکند؛ هرچند احتیاط آن است که آن دختر را برای فرزند خود نیز نگیرند.

۵ شرایط عقد موقت

سؤال ۶۲۵. زن می تواند در ازدواج موقت شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند؟

جواب: زن می تواند در ازدواج موقت شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند و تنها لذت های دیگر ببرد، ولی اگر بعداً به این امر راضی شود مانعی ندارد.

سؤال ۶۲۶. اگر پسر و دختری بخواهند از طریق ازدواج موقت (بدون استمتاع جنسی و آمیزش)

رابطه متعارف شغلی، یا تحصیلی داشته باشند، آیا در دو فرض زیر اجازه پدر دختر شرط است؟

الف) امکان دسترسی به ولیّ دختر نیست و فرضاً ایجاد رابطه شرعی، ضروری و فوری است.

ب) امکان دسترسی هست؛ اما ولیّ دختر بدون منطلق مخالفت می کند، و اصلاً رضایت نمی دهد.

جواب: در هر صورت احتیاط واجب استیذان از ولیّ دختر است؛ ضمناً تجربه نشان داده است که این رابطه ها، مخصوصاً در جوانها، معمولاً در يك حدّ محدود و معینی ثابت نمی ماند، و تدریجاً توسعه می یابد و مایه مشکلات فراوانی می شود.

سؤال ۶۲۷. کسی که قصد ازدواج موقت دارد، آیا می تواند بدون اطلاع ولیّ دختر از او

خواستگاری کند؟ در دو صورت باکره بودن و بیوه بودن زن، حکم آن را بیان فرمائید.

جواب: خواستگاری در هر صورت مانعی ندارد، ولی اجراء صیغه عقد بدون اذن ولیّ دختر باکره

اشکال دارد، اما در بیوه رضایت طرفین برای اجرای صیغه عقد کافی است.

سؤال ۶۲۸. اگر شخصی با زن بی شوهری ازدواج موقت کند، و زن به برادرش اطلاع ندهد، آیا

این کار خیانت به برادر محسوب می شود؟ در صورتی که برادر با این ازدواج مخالف باشد و زن شرایط ازدواج موقت را داشته باشد، عمل مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: اجازه برادر معتبر نیست، و اطلاع ندادن به او خیانت محسوب نمی شود؛ ولی مشورت با او

مناسب است.

سؤال ۶۲۹. در صورت جایز بودن متعه اهل کتاب در کشورهای غربی آیا باید صیغه عقد به زبان

عربی خوانده شود یا همان توافق بین ۲ نفر بر سر زمان و مهریه (در قالب هدیه) کفایت می کند؟

جواب: در صورتی که آشنا به عربی نباشد به هر زبانی جایز است ولی باید به آنها تفهیم گردد که عقد ازدواج در اسلام دو نوع است که يك نوع آن عقد موقت است در برابر آن هدیه ای پرداخت می شود.

سؤال ۶۳۰. اگر مرد و زنی بخواهند ازدواج موقت کنند، آیا لازم است به محضر ازدواج و طلاق بروند تا در آن جا صیغه خوانده شود، یا این که خود مرد و زن می توانند شرایط همدیگر را قبول کنند و صیغه را بخوانند؟

جواب: احتیاط آن است که در این ایام در محضر رسمی ثبت کنند؛ خواه صیغه عقد را در محضر بخوانند، یا در خارج.

سؤال ۶۳۱. در صورتی که در ازدواج موقت با اهل کتاب، زن بدون «مهر» نیز راضی باشد، آیا باز هم دادن مهر واجب است؟

جواب: دادن «مهر» واجب است، هرچند به این صورت گفته شود که در مذهب ما در مقابل ازدواج موقت باید هدیه ای داد.

سؤال ۶۳۲. در این کشور (کانادا) افرادی هستند که اصلاً دین ندارند، آیا قبل از صیغه عقد موقت لازم است از دین زن مورد نظر تحقیق کرد؟

جواب: آری، باید تحقیق کرد.

سؤال ۶۳۳. اهل کتاب و اهل سنت، به صیغه (ازدواج موقت) عقیده ندارند. بنابراین در صورتی که زن از اهل کتاب یا اهل سنت باشد صیغه ای که خوانده می شود، فقط لقلقه زبان است. آیا صیغه بدون اعتقاد، صحیح خواهد بود؟

جواب: اگر به خاطر اعتقاد شوهر اعلام آمادگی برای این امر کند، کافی است.

سؤال ۶۳۴. می دانیم عقد موقت با زنی که در «عده» است، باطل می باشد. اهل کتاب اعتقاد به «عده» ندارند، آیا عقد موقت با آنها، اگر در عده باشند، صحیح است؟

جواب: صیغه در حال «عده» جایز نیست.

سؤال ۶۳۵. آیا قبل از عقد موقت باید تحقیق کرد که زن شوهر دارد یا نه؟

جواب: اگر خودش بگوید شوهر ندارم و در گفتارش متهم نباشد، کافی است.

سؤال ۶۳۶. آیا مدت ازدواج موقت اندازه معین دارد؟ اگر قدر معینی ندارد چنانچه مدت آن تمام عمر را در بر بگیرد، یا مدت را بیشتر از عمر طبیعی بگذارند، بطوری که قطعاً می دانند آن مقدار زنده نمی ماند. آیا صحیح است؟

جواب: نکاح منقطع حدّ معینی ندارد؛ ولی اگر مدّت آن را بسیار طولانی قرار دهند (یا حتّی بیشتر از عمر طبیعی عادی مانند ۹۹ سال باشد احکام عقد دائم بر آن جاری کنند، بنابراین مردانی که برای فرار از زیر بار رفتن وظایف عقد دائم، صیغه موقت ۹۹ ساله جاری می کنند فایده ای برای آنها ندارد.

سؤال ۶۳۷. اگر زن و مردی مصمّم به ایجاد رابطه جنسی با یکدیگر باشند و فقط به دلیل گریز از عذاب وجدان (یا عذاب اخروی)، قبل از ایجاد رابطه مذکور، با وجود شرایط و نبودن موانع، صیغه عقد موقت بخوانند، آیا عقدشان صحیح است؟ یا همچنان عملشان «فساد و فحشا» می باشد، چون نیتشان چیز دیگر بوده است؟

جواب: اگر صیغه عقد را با تمام شرایط بخوانند، عملشان مشروع است.

سؤال ۶۳۸. ازدواج موقت با زنانی که معمولاً معروف به فساد هستند و یا شغل آنان روسپیگری می باشد، چه صورتی دارد؟ در صورت ناچاری چطور؟

جواب: در صورتی که واقعاً مشهور و معروف به فساد باشند، ازدواج با آنها اشکال دارد و اگر چنین نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۶۳۹. درباره ازدواج موقت، همان گونه که در رساله ها بیان شده، اجازه پدر، یا جدّ پدری، برای دختر شرط است. حال اگر شخصی قصد داشته باشد با دختری ازدواج موقت کند، و فقط از ناحیه دبر دخول کند، یا قصد آمیزش نداشته باشد، و فقط می خواهند لذّت های دیگر ببرند، آیا باز هم اجازه پدر، یا جدّ پدری، واجب است؟

جواب: بدون اجازه پدر جایز نیست.

۶ اختلاف زوجین در عقد موقت

سؤال ۶۴۰. اگر عقدی واقع شده باشد، اما اکنون زن مدعی دوام و مرد مدعی انقطاع است، این عقد از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این عقد در حکم انقطاع است و باید مادام که مدّت عقد انقطاع وجود دارد احکام زوجیت اجرا شود و احتیاط مستحب آن است که در پایان مدّت، صیغه طلاق را نیز جاری کنند.

سؤال ۶۴۱. در اختلاف بین عقد موقت و دائم حکم چیست؟ در صورت امکان دلایل آن را ذکر فرمایید:

جواب: ما در مسأله اختلاف در عقد دائم و موقت، به سراغ الفاظ نمی رویم، و معتقدیم تفاوت این دو عقد از قبیل اقلّ و اکثر است. قدر متیقّن که اقل است را می گیریم، و اکثر را رها می کنیم؛ مگر این که دلیلی بر آن اقامه شود. و مسأله انقلاب عقد موقت به دائم را در فرض ترك ذكر مدّت قبول نداریم، و قانون «العقود تابعه للقصود» را همه جا حاکم می دانیم

سؤال ۶۴۲. اگر شخصی زنی را صیغه کند، و آن زن بچه ای به دنیا آورد، و مرد منکر شود. در صورت اثبات نسب، هرچند پس از ده سال، آیا تمام حقّ و حقوق این زن از قبیل حضانت، اجرت شیر دادن، نفقه طفل و مانند آن به او تعلق می گیرد؟

جواب: حقوق شرعیه این زن و بچه بعد از اثبات ازدواج و تولّد، در هر حال ثابت است.

بخش دهم:

مسائل جنسی

بخش دهم: مسائل جنسی

۱ شب زفاف

سؤال ۶۴۳. دعا و نماز شب زفاف چگونه است؟

جواب: در این مورد دو دستور صادر شده است:

الف) از امام محمدباقر (علیه السلام) نقل شده است که وقتی عروس را به منزل آوردی، به وی بگو، وضو سازد و خودت نیز وضو بساز و دو رکعت نماز بگذارید؛ پس از آن، حمد و ستایش الهی را بجا آورید و بر محمد و آل محمد، صلوات بفرستید، و آنگاه (برای زندگی آسوده و پر معنویت) دعا کن و از زنانی که همراه عروس آمده اند، بخواه، آمین گویند. سپس این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَهْمَ وَوَدَّهَا وَرِضَاهَا، وَأَرْضِنِي بِهَا، وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ، وَأَنْسِ ائْتِلافَ، فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ، وَتَكْرَهُ الْحَرَامَ.

«خدایا الفت و دوستی و رضایتش را روزم کن و مرا از او راضی کن و گردآور میان ما به بهترین گردآوردن و مأنوس ترین سازش که تو دوست داری حلال را و ناخوش داری حرام را».^{۱۱}

ب) از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که در شب «زفاف» هنگامی که به نزد عروس می روی، رو به قبله بنشینید و بگو:

اللَّهُمَّ بِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا، وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا، فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَكَلْدًا، فَاجْعَلْهُ مُبَارَكًا تَقِيًّا مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًَا وَلَا نَصِيْبًا.

«خدایا به امانت تو او را گرفتم و به کلمات تو حلالش کردم پس اگر از او فرزندی نصیبم کردی او را مبارک و با تقوا و از شیعیان آل محمد قرار ده و برای شیطان در او شرکت و نصیبی قرار مده».^{۱۲}

۱۱. کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۱.

۱۲. کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۲.

۲ لذت های مجاز و غیر مجاز

سؤال ۶۴۴. آیا مرد و زن می توانند هرگونه لذتی از یکدیگر ببرند؟

جواب: زن و شوهر به هر شکلی که مایل باشند می توانند از یکدیگر لذت ببرند، ولی شایسته است از کارهایی که با کرامت انسانی سازگار نیست پرهیز کنند.

سؤال ۶۴۵. نزدیکی در ایام حیض چه حکمی دارد؟

جواب: تمکین به معنای آمیزش جنسی جایز نیست؛ ولی تمتعات دیگر مانعی ندارد.

سؤال ۶۴۶. آیا نزدیکی در زمان حیض کفاره دارد؟

جواب: بنابر احتیاط مستحب کفاره^{۱۳} دارد.

سؤال ۶۴۷. کفاره نزدیکی در روز آخر حیض برابر ۴/۵ نخود معادل چند گرم طلا است؟

جواب: نزدیک به یک گرم ونیم است.

سؤال ۶۴۸. نزدیکی از پشت برای زن و شوهر چه حکمی دارد؟

جواب: این کار بدون رضایت زوجه حرام، و با رضایت وی کراهت شدید دارد، و بعضاً منشأ بیماری های گوناگونی می شود.

سؤال ۶۴۹. خوردن شیر همسر چه حکمی دارد؟

جواب: این کار شرعاً اشکالی ندارد.

سؤال ۶۵۰. در صورتی که زن در ساعات پایانی ایام حیض باشد آیا می تواند تا پایان این دوران از

تمکین خودداری کند تا بتواند در لذت جنسی شریک باشد؟

جواب: در صورتی که هنوز حیض او تمام نشده، تمکین به معنای آمیزش جنسی جایز نیست ولی

تمتعات دیگر مانعی ندارد.

۱۳. کفاره آن، در ثلث اول روزهای حیض، يك مثقال طلای سگه دار، یا قیمت آن است (مثقال شرعی ۱۸ نخود می باشد) و اگر در ثلث دوم باشد نیم مثقال و اگر در ثلث سوم باشد يك چهارم مثقال است.

سؤال ۶۵۱. اگر همسر انسان با قصد دو طرف برای بیرون آمدن منی با آلت او بازی کند چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۵۲. آیا در جایی که می دانیم آب نیست با همسر نزدیکی کرده و جنب شویم می توانیم برای نماز تیمم کرد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۵۳. آیا استفاده از فیلم ها و مقالات نامشروع برای آموزش روابط جنسی جایز است؟

جواب: جایز نیست و در دراز مدت آثار نامطلوبی دارد.

سؤال ۶۵۴. اگر زن به خاطر انجام مستحبات زیاد، دچار خستگی مفرط شود به طوری که مرد نتواند تمتعات لازم را از او ببرد، آیا مرد حق دارد او را از انجام چنین مستحباتی نهمی نماید و آیا اطاعت از شوهر در این جا لازم است؟

جواب: مرد نمی تواند او را نهمی کند مگر به طور کلی تمتع از بین برود و در این صورت چون مزاحم حق شوهر است زن بدون اجازه او نمی تواند اقدام کند.

سؤال ۶۵۵. استفاده از وسایلی مثل قرص، اسپری یا پماد دارویی، برای تقویت قوه شهوانی و لذت بردن بیشتر در هنگام آمیزش جنسی با همسر، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب ضرر و مفسده ای نشود مانعی ندارد.

سؤال ۶۵۶. آیا زن حق دارد در برابر در خواست مرد برای تمکین در حد چند ساعت مهلت بخواهد؟ برای مثال بگوید بعد از انجام این تکلیف می آیم؟

جواب: در صورتی که وقت طولانی نباشد مانعی ندارد

سؤال ۶۵۷. آیا مرد نیز در قبال مطالبه همسر برای همبستری وظیفه ای دارد؟

جواب: در صورتی که همسر ممکن است به گناه بیفتد احتیاط واجب آن است که به خواسته او عمل کند.

سؤال ۶۵۸. آواز خواندن زن برای شوهرش چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که بدون آهنگ های مناسب هو و فساد باشد اشکال ندارد.

بخش یازدهم:

جلوگیری

بخش یازدهم: جلوگیری

۱ راه های جلوگیری از بارداری

سؤال ۶۵۹. جلوگیری از انعقاد نطفه، شرعاً چگونه است؟

جواب: برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله ای که بی ضرر باشد، و باعث نقص مرد یا زن نشود، (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل بیفتد) مجاز است؛ ولی اگر مستلزم نظر یا لمس حرام باشد جایز نیست، مگر در موقع ضرورت.

سؤال ۶۶۰. آیا برای جلوگیری از بچه دار شدن، جایز است لوله زنان یا مردان بسته شود؟

جواب: در مواردی که به تشخیص اهل خبره، کنترل جمعیت ضرورت داشته باشد، برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله مشروعی که بی ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن نشود، (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل ساقط شوند) ذاتاً مجاز است، ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد، تنها در صورت ضرورت فردی یا اجتماعی جایز است.

سؤال ۶۶۱. کلاً بستن لوله های رحم از نظر شرع مقدّس اسلام در بیماری های مختلف چه

حکمی دارد؟

جواب: هرگاه قابل بازگشت نباشد جایز نیست، و در صورت قابل بازگشت بودن جایز است

(مشروط بر اینکه موجب لمس و نظر حرام نشود) ولی در موارد ضروری جایز است.

سؤال ۶۶۲. برخی از روشهای جلوگیری باعث عقیم شدن می گردد. چرا در جامعه ما این کار به

طور مکرر و به صورت عادی انجام می شود؟

جواب: انجام کار حرام دلیل بر مشروعیت آن نیست.

سؤال ۶۶۳. کپسول هایی به نام «نوریلانت» وجود دارد که در زیر پوست (بیشتر در قسمت های

خارجی فوقانی) بازو کاشته می شود، و این یکی از روشهای جلوگیری از بارداری است. آیا شرعاً این

عمل جایز است؟

جواب: در صورتی که ضرر قابل ملاحظه ای نداشته باشد و همسر راضی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۶۶۴. استفاده از «IUD»^{۱۴} که اثر آن جلوگیری از لانه‌گزینی نطفه بسته شده است، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه موجب لمس و نظر حرام نشود مانعی ندارد؛ مگر اینکه ضرورت فردی یا اجتماعی ایجاب کند.

سؤال ۶۶۵. کاندوم (قرار دادن روکش نازک پلاستیکی بر روی آلت تناسلی مرد در حین مقاربت) از وسایل جلوگیری از حاملگی است، استفاده از آن چگونه است؟ آیا رضایت همسر شرط است؟
جواب: استفاده از آن جایز است و رضایت همسر شرط نیست؛ ولی بدون اجازه او کراهت دارد.
سؤال ۶۶۶. داروهای تزریقی وجود دارد که از طریق عضلانی تزریق می‌شود، و برای مدّت معینی اثرات ضدّ حاملگی دارد. استفاده از این داروها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که ضرر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد، و همسر راضی باشد، مانعی ندارد.
سؤال ۶۶۷. در صورت ضرورت کنترل بارداری در زن و شوهر خاصی، و عدم موفقیت آنها در رعایت مناسب سایر روشها، بستن لوله‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که خطری از ناحیه بارداری متوجّه مادر باشد مانعی ندارد.
سؤال ۶۶۸. آیا جواز شرعی برای وازکتومی (یعنی بستن لوله‌ها در مرد) جهت کنترل موالید و جلوگیری از رشد غیر متعارف جمعیت، عنوان حکم ثانوی داشته و با از بین رفتن ضرورت قابل لغو است؟

جواب: در صورتی که طبق تشخیص متخصصان مورد اعتماد، ضرورت فردی یا اجتماعی اقتضا کند مانعی ندارد؛ در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۶۶۹. بستن لوله‌های «منی بر» در مردان (وازکتومی) و لوله‌های «منی بر» در زنان (توبکتومی) که اکثراً موجب عقیمی دائمی می‌گردد چه حکمی دارد؟
جواب: اگر موجب عقیم شدن دائم است اشکال دارد.

سؤال ۶۷۰. حکم کاهش رشد جمعیت با استفاده از قرصهای ضدّ حاملگی و اعمال جراحی چیست؟

جواب: برای جلوگیری از انعقاد نطفه، هر وسیله مشروعی که بی ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن نشود (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل ساقط شود) ذاتاً مجاز است، ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد، تنها در صورت ضرورت فردی یا اجتماعی جایز است

۱۴. «IUD» وسیله داخل رحمی جهت جلوگیری از بارداری و مخفف جمله «Intra Uterine Device» است.

سؤال ۶۷۱. بستن لوله های رحم باعث قطع دائم حاملگی در خانم ها می شود و در شرایط ایده آل شانس برگشت، با عمل جراحی مجدد، حدوداً ۵۰٪ است. این عمل چه حکمی دارد؟
جواب: در غیر حال ضرورت، اشکال دارد.

سؤال ۶۷۲. حکم عزل (که مرد هنگام آمیزش، نطفه خود را خارج از رحم بریزد) چیست؟ آیا رضایت زن شرط است؟

جواب: اشکال ندارد، ولی مکروه است؛ مگر در مواردی که ضرورتی باشد، و رضایت زوجه شرط نیست، مگر در آمیزش واجب که در هر چهار ماه واجب است که عزل در آن اشکال دارد.

سؤال ۶۷۳. جهت بستن لوله های رحمی «TL»^{۱۵} روش «لاپاراسکوپی» می تواند مورد استفاده قرار گیرد (این کار با برشهای حدود نیم تا یک سانتیمتری از روی شکم انجام می شود) حکم این روش ذاتاً چیست؟

جواب: چنانچه این روش مانند سایر روش ها سبب عقیم شدن باشد جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۶۷۴. در سؤال فوق با توجه به پوشیده بودن بدن بیمار و فرستادن وسایل «لاپاراسکوپی» از منذهای نیم تا یک سانتیمتری به داخل شکم بیمار و عدم لزوم لمس و نظر، آیا پزشک مرد می تواند به این عمل اقدام کند (با توجه به آماده کردن محیط عمل تا پوشش کامل، توسط خانم ها)؟
جواب: اگر لمس و نظر لازم نیاید، از این جهت مشکلی نیست.

سؤال ۶۷۵. در کل، با توجه به سؤالات مطروحه، در صورتی که حضرتعالی ارشاد و نظر خاصی دارید، لطفاً جهت استفاده پزشکان بفرمایید.

جواب: توصیه حقیر این است که باید در مسأله کنترل موالید، مانند همه مسائل اجتماعی، از افراط و تفریط پرهیز کرد، و تنها مسائل کوتاه مدّت را در نظر نگیرند، و به واقعیت ها توجه کنند؛ نه شعارها.

* * *

۲ جلوگیری های مجاز

سؤال ۶۷۶. بچه دار شدن برای مبتلایان به بیماری ایدز مضر است، آیا در این حالت شوهر می تواند لوله های خود را ببندد؟

جواب: اگر زیان مهمی داشته باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۶۷۷. اگر حمل زن، موجب ناقص الخلقه شدن کودک گردد، آیا بستن لوله واجب نمی شود؟
جواب: هرگاه خوف ضرر و خطر قابل ملاحظه ای، هرچند نسبت به بچه وجود داشته باشد، جایز است.

سؤال ۶۷۸. در مواردی که حاصل حاملگی جنین های دارای نقص در خلقت یا بیماری ژنتیکی است، آیا می توان با بستن لوله های زن یا مرد اقدام به جلوگیری از حاملگی بعدی کرد؟
جواب: هرگاه خوف ضرر و خطر قابل ملاحظه ای، هر چند نسبت به بچه وجود داشته باشد، جایز است.

سؤال ۶۷۹. با توجه به منابع علمی پزشکی معتبر در مورد مادرائی که بیش از پنج زایمان داشته، و دارای سن بالاتر از ۳۵ سال می باشند، مبنی بر اینکه اگر حامله شوند در معرض خطرات جسمی قرار دارند، آیا مجاز به بستن لوله های رحم هستند؟
جواب: چنانچه خطر قطعی یا احتمال قابل ملاحظه ای باشد جایز است.

سؤال ۶۸۰. پس از آزمایشات معلوم شد فرزندان آینده زن و شوهری از نظر ژنتیکی تالاسمی خواهند داشت. اما به خاطر محبت زیاد با هم ازدواج نموده، مادام العمر جلوگیری می کنند. آیا این کار جایز است؟

جواب: در صورتی که واقعاً احساس خطری برای فرزند کنند، جلوگیری مادام العمر مانعی ندارد.

سؤال ۶۸۱. اگر دکترها به خانمی بگویند که حاملگی برایت خطرناک دارد، آیا زن می تواند لوله های رحم خود را ببندد اگرچه مستلزم عقیم شدن دائم و یا مستلزم نظر و لمس حرام باشد؟ آیا این از مصادیق اضطرار است؟

جواب: در صورتی که از گفتار دکتراها خوف خطر حاصل شود، مجاز هست.

* * *

۳ احکام جلوگیری از بارداری

سؤال ۶۸۲. با توجه به بند ب از ماده (۱۴) و بند ه از ماده (۱۶) کنوانسیون «محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» که حق تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان، فواصل بارداری و تنظیم خانواده را برای زنان مطرح می‌کند، آیا زن بدون رضایت همسرش می‌تواند اقدام به بستن لوله رحم، استفاده از داروها و روشهای ضدبارداری، و تنظیم فواصل بارداری کند؟

جواب: این کار جایز نیست؛ مگر اینکه خطر قابل ملاحظه‌ای سلامت زن را تهدید کند.

سؤال ۶۸۳. آیا مرد می‌تواند به زن دائمی خود بگوید نباید بچه دار شوی؟

جواب: زن را نمی‌توان مجبور کرد که مثلاً لوله‌های خود را ببندد؛ حتی نمی‌توان او را مجبور کرد که به وسیله قرص و مانند آن جلوگیری کند. ولی مرد می‌تواند با خوردن دارو، یا استفاده از آمپول، یا مانند آن، موقتاً از انعقاد نطفه جلوگیری نماید.

سؤال ۶۸۴. در صورتی که بستن لوله‌های زن یا مرد اجازه داده شود، حق تقدم با کدام است؟

جواب: در شرایط مساوی بعید نیست مرد مقدم باشد.

سؤال ۶۸۵. هرگاه پزشک، مرد یا زنی را عقیم کند، آیا باید دیه بپردازد؟

جواب: دیه ندارد، ولی اگر قابل بازگشت نباشد شرعاً جایز نیست.

سؤال ۶۸۶. در مورد پزشکی که در استخدام دولت می‌باشد، بفرمایید:

الف) اگر از طرف دولت موظف شود که برای کنترل موالید، مردان و زنان را عقیم کند چه تکلیفی دارد؟

جواب: هرگاه کارشناسان متدین ضرورت این کار را تصدیق کنند مانعی ندارد.

ب) اگر طبیب را برای انجام این کارها مجبور نمودند در چه مرحله‌ای از اجبار، چنین اقدامی برای وی معصیت محسوب نمی‌گردد؟

جواب: اگر منظور از اجبار این است که شغل خود را از دست می‌دهد، نباید تن به کار حرام بدهد.

ج) آیا در مورد اجبار، طیب ضامن خواهد آمد؟

جواب: طیب در این حال ضامن است.

سؤال ۶۸۷. قرار دادن «نوریلانت» توسط پزشک زن که فقط سطح خارجی بازو را مشاهده می کند، چه حکمی دارد؟ آیا در صورت پوشیدن دستکش توسط طیب و پوشش کامل زن، به جز محلّ عمل (حدود چند سانتیمتر روی بازو)، پزشک مرد می تواند به این کار اقدام کند؟

جواب: در صورت ضرورت اشکال ندارد.

سؤال ۶۸۸. خانمی برای جلوگیری از بارداری می خواهد دستگاه بگذارد، و برای این کار دکتر زن باید به عورت او نگاه و آن را لمس نماید. با توجه به این دو نکته غیر مجاز، و اینکه جلوگیری از بارداری معالجه نیست، آیا این کار جایز است؟

جواب: اگر ضرورت فردی یا اجتماعی نباشد جایز نیست؛ و در صورت ضرورت (به تشخیص طبّای مورد وثوق) جایز است.

سؤال ۶۸۹. در صورتی که پزشکان متخصص زنان و زایمان در مورد حاملگی به خانمی اعلام خطر کنند، (خطرات جانی و جسمی و مشکلات احتمالی برای جنین) آیا در این گونه موارد اضطرار تحقّق یافته است؟

جواب: هرگاه پزشکان مزبور در کار خود حاذق و از نظر صداقت و تعهد مورد تأییدند، تشخیص آنها در مورد انواع جلوگیری هایی که در بالا ذکر شد، کافی است.

سؤال ۶۹۰. جهت بستن لوله های رحم، (TL) حین عمل، هیچ الزامی بر مشاهده عورت خانم ها وجود ندارد، و عمل از طریق شکم صورت می گیرد. آیا انجام عمل توسط پزشک زن مانعی ندارد؟ (با توجه به اینکه لمس و نظر در ناحیه شکم صورت می گیرد)

جواب: از نظر لمس و نظر مشکل نیست.

سؤال ۶۹۱. خانمی است که به علّت دیگری تحت عمل جراحی قرار گرفته، و شکم وی باز شده است. با توجه به باز بودن شکم، بستن لوله ها چه حکمی دارد؟ آیا باز هم مسأله لمس و نظر مطرح است؟ در صورتی که پزشک مرد مسئول جراحی مشکل اولیه بیمار باشد چطور؟

جواب: لمس و نظر باید به مقدار ضرورت باشد، و بیش از آن مجاز نیست. علاوه بر آنکه احراز شرایط فوق و رضایت بیمار و همسرش نیز لازم است.

سؤال ۶۹۲. در صورتی که شکم زن بیمار توسط دستیار زن باز شود، آیا پزشک مرد می تواند با دستکش، به عمل بستن لوله ها بپردازد، با توجه به اینکه نظر به پوست ظاهر شکم صورت نمی گیرد، و بیشتر داخل شکم مشاهده می گردد؟

جواب: تنها در موارد ضرورت جایز است.

سؤال ۶۹۳. «IUD» برای جلوگیری از حاملگی در زنان استفاده می شود. این وسیله بایستی از طریق مهبل در داخل رحم گذارده شود، و غالباً متخصصین زن

می توانند مبادرت به این کار نمایند؛ ولی زنان کافی در تمام مراکز بهداشتی - درمانی و یا بیمارستانها، برای این کار آموزش داده نشده اند، انجام این کار توسط پزشک مرد چه حکمی دارد؟ در صورتی که این کار توسط زن صورت گیرد، آیا مشاهده توسط دانشجویان پزشکی پسر به منظور یادگیری اشکال دارد؟

جواب: این کار جز در موارد ضرورت جایز نیست. و اگر ضرورتی باشد، مادام که دسترسی به جنس موافق است، مراجعه به جنس مخالف جایز نمی باشد.

سؤال ۶۹۴. شخصی از نظر مرجع تقلیدش اطلاع نداشته، و اقدام به بستن لوله های خود نموده است. آیا پس از اطلاع از حرمت، باید جبران کند؟

جواب: لازم نیست.

سؤال ۶۹۵. تبلیغ و ترویج مردم مسلمان ایران در امر جلوگیری و کنترل جمعیت به عنوان يك کار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی در منابر و محافل دینی، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که اهل خبره و کارشناسان متدین، مسأله کنترل و محدود ساختن موالید را يك ضرورت اجتماعی تشخیص دهند، شرعاً می توان به طور موقت با آن موافقت کرد، و یا در صورت لزوم به طور حساب شده از آن تبلیغ نمود. در ضمن باید توجه داشت که افزایش نسل به عقیده هیچ کس جزء واجبات نیست، بنابراین محدود ساختن، حرام نمی باشد، مگر در مناطقی که تغییر بافت جمعیتی به زیان مسلمین یا پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) باشد، که در چنین مواردی باید برنامه کنترل موالید تعطیل شود.

در ضمن باید در موارد کنترل جمعیت به جای افزایش کمی به سراغ افزایش کیفی رفت، تا مسلمانانی عالمتر و کارآمدتر به جامعه اسلامی تحویل داده شوند، و عزت و عظمت مسلمین حفظ شود. و نیز باید توجه داشت که در مواردی که طبق تشخیص اهل خبره متعهد، کنترل جمعیت ضروری است، باید حتماً از وسایل مشروع استفاده کرد، نه از وسایل نامشروعی مانند سقط جنین و امثال آن.

بخش دوازدهم:

تلقیح و باروری مصنوعی

بخش دوازدهم: تلقیح و باروری مصنوعی

۱. تلقیح مجاز

۱. مادر جانشین

سؤال ۶۹۶. رحم بانویی به هر علّت قادر بر نگاهداری جنین نیست، و آن را سقط می کند. با آمیزش تخمک وی و نطفه شوهرش در آزمایشگاه، و انتقال جنین به رحم زن دیگری که شوهر ندارد (وبه اصطلاح مادر جانشین، یا مادر قائم مقام نامیده می شود) بچه رشد نموده، و به موقع، متولد می شود، و برابر قرار داد اجرت معینی به مادر جانشین داده می شود، تا کودک تحویل زن و شوهر گردد. آیا این کار جایز می باشد؟

جواب: این کار ذاتاً مانع شرعی ندارد، ولی مستلزم مسائل جنبی حرامی از قبیل لمس و نظر کردن است. بنابراین، هرگاه این کار به وسیله محرمی مانند شوهر انجام شود، به این صورت که نطفه خود و یکی از دو همسرش را بگیرد، و ترکیب نماید، و در رحم همسر دیگر (هرچند عقد موقتی با او خوانده باشد) کشت کند، مرتکب حرامی نشده اند. در غیر این صورت، برای مجاز بودن این محرمات جنبی باید ضرورتی وجود داشته باشد.

سؤال ۶۹۷. در فرض سؤال قبل، با وجود اینکه این کودک در رحم مادر جانشین بزرگ شده، اما دارای صفات ارثی زن اول می باشد. با توجه به آیه دوم سوره مبارکه مجادله، به کدام يك از این دو زن تعلق دارد، و وارث کدام يك از آنهاست؟

جواب: این فرزند متعلق به صاحبان نطفه، و با آنها محرم است، و از آنها ارث می برد. و مورد مادر جانشین به منزله فرزند رضاعی او است، بلکه در بعضی جهات نسبت به آن اولویت دارد؛ چرا که تمام گوشت و استخوان او از وی روییده است. بنابراین حرام است که بعداً با آن زن و فرزندان او ازدواج کند، اما ارث نمی برد.

سؤال ۶۹۸. در موردی که تخمک زن سالم است، اما رحم قدرت نگهداری و پرورش جنین را ندارد، اگر اسپرم شوهر با تخمک زن در آزمایشگاه ترکیب شود، و سپس نطفه ترکیب شده یا جنین حاصله در آزمایشگاه به رحم زن دیگری منتقل گردد، لطفاً بفرمایید:

(الف) آیا این امر جایز می باشد؟

جواب: این کار ذاتاً جایز است، اما چون معمولاً موجب نظر و لمس حرام است، تنها در موارد ضرورت جایز است.

ب) آیا اجازه صاحب رحم لازم است؟

جواب: آری لازم است.

ج) زنی که نطفه ترکیب شده یا جنین در رحم او قرار می گیرد، آیا می تواند جهت انجام این عمل درخواست اجرت کند؟

جواب: مانعی ندارد.

د) رابطه شرعی کودک متولد شده، از نظر نسب مادری، با صاحب رحم و زن صاحب تخمک چگونه است؟

جواب: زن صاحب تخمک مادر اوست، و زن صاحب رحم به منزله مادر رضاعی می باشد، و به او محرم است.

ه) رابطه شرعی این کودک از نظر نسب، ارث، محرمیت و نکاح با شوهر زن صاحب رحم چگونه است؟

جواب: فقط نسبت به او محرم است.

سؤال ۶۹۹. بچه دار شدن تعدادی از زوجین به دلایل طبیّی، به طور طبیعی مشکل بوده، و لازم است که از روشهای درمانی مختلف برای کمک به آنها استفاده شود. یکی از این روشها، لقاح خارج از رحمی می باشد؛ به این معنا که تخمک را از زوجه و نطفه را از شوهرش گرفته و آنها را با هم مخلوط نموده، تا از اختلاط و امتزاج تخمک و نطفه، جنین حاصل شود، سپس این جنین به رحم زوجه منتقل شود، تا حاملگی و بعد زایمان صورت گیرد. لازم به تذکر است که جنین ها هنگام انتقال به رحم، فقط ۲۴ تا ۴۸ ساعت از زمان لقاحشان گذشته، و دارای ۴ الی ۸ سلول می باشند. گاهی از اوقات، تعداد جنین های حاصل از نطفه زن و شوهر بیش از حدّ نیاز است، که در این صورت اضافه بر نیاز منجمد شده، و پس از زایمان زن با رضایت زوجین، جنین ها از رده خارج و دور ریخته می شود. از طرف دیگر، تعدادی از زوجها وجود دارند که به دلایل طبیّی، به هیچ وجه صاحب فرزند نمی شوند؛ اما برای برخی از آنها، این امکان از نظر طبیّی وجود دارد که جنین های مازاد دسته اول را در صورت عدم نیاز زوجین، به رحم آنان انتقال داد. سؤالاتی که در این زمینه مطرح می شود عبارتند از:

الف) انتقال این جنین های بارور نشده به رحم زن ثالث از نظر شرعی چگونه است؟

جواب: این کار ذاتاً مانع شرعی ندارد؛ ولی چون مستلزم لمس و نظر حرام است تنها در صورت ضرورت جایز می باشد.

ب) در صورت عدم نیاز زوجین به جنین خود، آیا موافقت آنها برای هدیه جنین به غیر لازم است؟
جواب: آری، لازم است.

ج) آیا والدین صاحب جنین می توانند در ازای اهدای جنین خود وجهی دریافت نمایند؟
جواب: بهتر این است که چیزی نگیرند.

د) آیا ارائه مشخصات اهداکنندگان جنین به دریافت کنندگان و برعکس لازم است؟
جواب: نظر به اینکه فرزند مزبور تعلق به صاحبان اصلی نطفه دارد، لازم است هویت آنها ثبت شود و به اطلاع برسد.

ه) در صورتی که فرزند پسر باشد، آیا با زنی که در رحم او بزرگ شده، محرم است؟
جواب: آری، محرم است.

و) در صورت دختر بودن فرزند، آیا با شوهر مادر جانشین محرم است؟
جواب: آری، محرم است.

ز) والدین فرزند حاصل چه کسانی هستند؟

جواب: پدر و مادر او صاحبان نطفه اند، هرچند به زن ثالث نیز محرم می باشد.

ح) ارث این بچه ها پس از تولد چگونه است؟

جواب: فقط از صاحبان نطفه ارث می برند.

ط) در صورت موافقت قبلی والدین صاحب جنین (صاحب نطفه و تخمک) در اهدای جنین خود، آیا می توانند پس از تولد نوزاد و یا سال ها بعد، از شخص ثالث متقاضی استرداد طفل شوند؟
جواب: احتیاط آن است که با رضایت مادر جانشین، بچه را بگیرند.

سؤال ۷۰۰. لطفاً در مورد انتقال جنین تکوین یافته از اسپرم و تخمک زوج قانونی در خارج از رحم، به رحم زن اجنبی (مادر جانشین) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) این کار از لحاظ تکلیفی چه حکمی دارد؟

جواب: این امر ذاتاً جایز است؛ ولی چون غالباً مستلزم نگاه و لمس حرام است، جز در موارد ضرورت جایز نیست.

ب) مادر طفل تولد یافته کدام زن است؟ آیا می توان مادر جانشین را در حکم مادر رضاعی

دانست؟

جواب: صاحبان اسپرم و تخمک، پدر و مادر حقیقی فرزند متولد شده هستند. و مادر جانشین در حکم مادر رضاعی است.

ج) آیا مجرد یا متأهل بودن زن اجنبی (مادر جانشین)، علم و جهل مادر جانشین، بختانی یا غیر بختانی بودن رحم، تأثیری در احکام مربوطه می گذارد؟

جواب: هیچ کدام تفاوتی ندارد، ولی اگر مادر جانشین شوهر دارد، باید با اجازه شوهرش باشد.

۲. تولید فرزند فقط با اسپرم مرد در رحم مصنوعی

سؤال ۷۰۱. اگر علم در آینده آن قدر پیشرفت کند که اسپرم مرد را بدون ترکیب با نطفه زن، در

رحم مصنوعی پرورش دهند، حکم آن چه خواهد بود؟

جواب: آن مولود فقط منسوب به صاحب اسپرم است؛ ولی فرزند شرعی او محسوب نمی شود.

۳. تولید فرزند با استفاده از دانه ها و محصولات نباتی

سؤال ۷۰۲. اگر علم تا آنجا پیشرفت کند که اسپرم و نطفه را از دانه ها و محصولات نباتی و مانند

آن بگیرند و به زن تلقیح کنند، و نوزاد مصنوعی به عمل آورند، در این صورت کودک متعلق به چه کسی است؟

جواب: این کودک فقط با آن زن محرم است، ولی ارث بردن او از آن زن ثابت نیست.

۴. تولید فرزند با اسپرم و نطفه نباتی در رحم مصنوعی

سؤال ۷۰۳. اگر نطفه و اسپرم را از فرآورده های نباتی تهیه، و آن را در رحم مصنوعی پرورش

دهند، و از آن کودکی به عمل آورند. نوزاد به چه کسی ملحق می شود؟

جواب: این نوزاد متعلق به کسی نیست؛ یعنی نه پدر دارد و نه مادر.

۵. طلاق از شوهر اول و ...

سؤال ۷۰۴. مرد نطفه ندارد، و لذا همسرش را طلاق داده است. اگر این زن به صیغه مردی درآید،

سپس نطفه شوهر جدید و آن زن را ترکیب کنند، و زن بعد از پایان صیغه و عده به عقد شوهر اول درآید، و بعداً آن نطفه را به رحم زن تزریق کنند، این کار چه حکمی دارد؟ و در هر صورت پدر و مادر

آن بچه کیست؟ و ارث و محرمیت به چه صورت است؟

جواب: اگر ضرورت ایجاب کند جایز است، ولی فرزند به صاحبان اصلی نطفه تعلق دارد.

۶. لقاح خارج رحمی

سؤال ۷۰۵. تلقیح اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی در خارج از بدن و جایگزینی آن در رحم همان زن چه حکمی دارد؟ آیا کودک حاصل حلال زاده است؟

جواب: این کار ذاتاً اشکالی ندارد؛ ولی چون معمولاً مستلزم نظر و لمس حرام است، تنها در صورت ضرورت جایز می باشد. (منظور از ضرورت این است که مثلاً اگر این کار انجام نشود زندگی زناشویی آن مرد و زن مختل، و یا زن گرفتار بیماری می شود). و در هر حال فرزند مذکور حلال زاده است.

سؤال ۷۰۶. تلقیح اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی و رشد جنین در محیط غیر انسانی چه حکمی دارد؟ آیا کودک حاصل از این عمل حلال زاده است.

جواب: با همان شروطی که در بالا گفته شد اشکالی ندارد، و فرزند مذکور حلال زاده است.

* * *

۲. تلقیح غیر مجاز

۱. تلقیح نطفه متوقی به زوجه اش

سؤال ۷۰۷. نطفه مرد از نظر علمی تا ۷۲ ساعت پس از مرگ دارای حیات کامل است. اگر زوجه درخواست تلقیح مصنوعی از شوهر متوقی خود داشته باشد، آیا اطباً مجاز به این کار هستند؟ لازم به ذکر است که این عمل بعضاً در کشورهای خارجی اعمال می گردد، و عمدتاً در مواردی است که زوجه از زوج فرزندی نداشته، و زوج در همان اوایل ازدواج به هر دلیلی از دنیا رفته است.

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۷۰۸. اسپرم زوج با رضایت او و به طریق اصول پزشکی گرفته شده تا به زوجه او تلقیح شود، اما قبل از این کار از دنیا رفته است. و پس از فوت شوهر تلقیح صورت گرفته، و فرزند به دنیا آمده است. آیا فرزند مذکور فرزند مشروع همان زوج است و از او ارث می برد؟

جواب: این کار مجاز نبوده است؛ ولی چنانچه نمی دانستند فرزند مزبور حلال زاده است و احکام محرمیت را دارد و از مادرش ارث می برد، ولی از پدر ارث نمی برد.

۲. پیوند تخمدان زن اجنبیه به زوجه

سؤال ۷۰۹. در مورد پیوند تخمدان زن اجنبی (مانند پیوند کلیه) برای باردار شدن زوجه، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا این کار جایز است و دیه دارد؟

ب) آیا تخمدان را می توان فروخت؟

ج) حکم اولاد زوجه چگونه است؟

د) آیا زن اجنبی حقی مانند مادر بودن پیدا می کند؟

جواب: چنانچه ضرورتی برای این کار نباشد از آن صرف نظر شود. و اگر ضرورتی وجود دارد، بعد از پیوند این عضو جزء بدن آن زن می شود، و فرزند مال خود اوست. و در فرض فوق دیه ندارد، و

خرید و فروش آن جایز است؛ هرچند بهتر است که پول را در مقابل اجازه برداشتن عضو مزبور بگیرد، نه در مقابل خود آن.

۳. استفاده از نطفه های موجود در بانك نطفه

سؤال ۷۱۰. بعضی از مؤمنین و مؤمنات، که از حیث نطفه نقایصی دارند، برای اولاددار شدن به مراکز ناباروری مراجعه می کنند. آیا می توان از نطفه هایی که در بانك نطفه نگهداری می شود، در لقاح مصنوعی با منی خود آنها ممزوج، و شرایط لقاح را فراهم، و با دستگاه در رحم همسرانشان قرار داد؟ در صورتی که به طور کلی در منی آنها اسپرم و تخمک وجود نداشته باشد، آیا می توانند از اسپرمها و تخمکهای مجهول الهویه موجود در بانك نطفه استفاده نمایند؟ و چنانچه در دو فرض فوق فرزندى به وجود آید، متعلق به چه کسی خواهد بود؟

جواب: استفاده از نطفه بیگانه برای صاحب فرزند شدن جایز نیست، و تولّد فرزند باید مستند به ازدواج صحیح شرعی باشد. ولی اگر چنین عملی انجام شود، فرزند متعلق به صاحبان نطفه است، و نسبت به مادری که در رحم او کشت شده نیز محرم می باشد، بی آنکه از او ارث ببرد.

۴. تلقیح نطفه اجنبی به اجنبیه

سؤال ۷۱۱. مردی عقیم، ولی زن او سالم و قدرت باروری دارد. اگر اسپرم مرد دیگری در آزمایشگاه با تخمک زن مذکور ترکیب، سپس نطفه ترکیب یافته در رحم زن نهاده شود، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا این کار جایز است؟

جواب: جایز نیست.

ب) آیا این امر زنا محسوب می شود؟

جواب: زنا نیست؛ ولی از جهاتی شبیه زناست.

ج) آیا مشخص بودن یا ناشناس بودن دهنده اسپرم در حکم مسأله تأثیری دارد؟

جواب: هیچ تأثیری ندارد.

د) رابطه شرعی کودک با شوهر زن از لحاظ ارث، محرمیت و نکاح چگونه خواهد بود؟

جواب: رابطه ای با او ندارد؛ جز اینکه فرزند طبیعی همسر اوست، و با او محرم می باشد.

ه) رابطه شرعی کودک با مرد صاحب اسپرم از نظر ارث، محرمیت و نکاح چگونه می باشد؟

جواب: به منزله فرزند نامشروع اوست که محرم است؛ ولی از یکدیگر ارث نمی برند.

سؤال ۷۱۲. هشت سال است ازدواج کرده، ولی بچه دار نمی شوم. مشکل از ناحیه شوهرم است، و هیچ امیدی به بچه دار شدن من نیست، آیا می توان از نطفه مرد دیگری استفاده کرد؟ به گونه ای که دو طرف همدیگر را نبینند، و اسپرم مرد را در مطب دکتر به زن تزریق کنند. در ضمن شنیده ام که گفته اند این عمل چون برای جلوگیری از طلاق است، و دو طرف همدیگر را نمی بینند، اشکالی ندارد، و مانند خونی است که از شخصی گرفته، و به شخص دیگری تزریق می کنند، و لهذا از نظر شرعی حلال است. آیا چنین چیزی صحّت دارد؟

جواب: این کار گناه دارد و جایز نیست؛ مگر اینکه شما از شوهرتان طلاق بگیری؛ و بعد از گذشتن عده به عقد موقت مثلاً یک روزه مردی درآیید، هرچند او را هرگز ندیده و نبینید، و نطفه آن مرد را در مطب دکتر گرفته و به شما تزریق کنند، و بعد از تولّد فرزند مجدداً به عقد شوهرتان درآیید. در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۷۱۳. آیا می توان اسپرم مرد و زن اجنبی را در لوله آزمایش قرار داد؟ اگر فرزندی متولّد شود متعلّق به کیست؟ آیا حکم ولد الزنا را دارد؟

جواب: این کار جایز نیست و اگر فرزندی متولّد شود در بسیاری از احکام تابع صاحبان نطفه است؛ ولی از آنها ارث نمی برد.

۵. يك راه حل مناسب!

سؤال ۷۱۴. زنی ۲۶ ساله هستم. قبل از ازدواج دردهای شدید ماهیانه داشتم. دکترها گفتند: مشکلات شما با ازدواج و زایمان حل می شود. بدین جهت ۶ سال پیش ازدواج کردم، و چون درد زیادی متحمل می شدم، تصمیم گرفتم که زود بچه دار شوم، ولی متأسفانه ۹ ماه پس از ازدواج متوجه شدم شوهرم به طور کامل عقیم است، و اصلاً بچه دار نمی شود. من که این مسأله برایم خیلی مهم بود، بیش از پیش روحیه خود را از دست دادم. اکنون پزشکان می گویند تنها راه این است که: «اسپرم مرد بیگانه ای با سرنگ به شما تزریق شود». من اول به این کار راضی نبودم، چون مقلّد شما هستم، و طبق فتوای شما این کار حرام است. ولی اکنون جاتم به لب رسیده است. لطفاً بگویید: چه کنم که هم بچه دار شوم، و هم مرتکب گناهی نگردم؟

جواب: تنها راه مشروع آن است که شما از شوهرتان (هرچند به صورت مخفیانه و بدون اطلاع اطرافیان) طلاق بگیری، و پس از گذشتن عده به عقد موقت صاحب نطفه درآیید (هرچند همدیگر را هرگز نبینید)، سپس نطفه به شما تزریق شود، و پس از پایان عقد موقت و زایمان دوباره می توانید به عقد

شوهر اول درآید. در این صورت شما مادر آن بچه، و صاحب نطفه پدرش محسوب می شود. و به شوهر شما هم محرم است. ولی به اقوام شوهرتان محرم نیست. اما به اقوام شما محرم است.^{۱۶}

* * *

۱۶ . شرح بیشتر را در کتاب «حیله های شرعی و چاره جویی های صحیح» مطالعه فرمایید.

۳ احکام تلقیح مصنوعی

سؤال ۷۱۵. برخی از مراجع عظام تلقیح را در صورتی تجویز فرموده اند که: «نطفه شوهر بدون ایجاد مقدمات حرام، توسط خود شوهر در رحم زن تزریق گردد». حال اگر به علت نداشتن تخصص و آشنایی، این کار باعث عفونت ثانویه و احیاناً مرگ همسرش گردد، آیا شوهر ضامن است، یا ضمان متوجه افراد متخصصی بوده که بدون دادن آگاهی های لازم او را نسبت به این عمل ترغیب کرده اند؟
جواب: در صورتی که ضرورتی برای این کار احساس شود می توان از افراد متخصص استفاده کرد، تا خطری پیش نیاید.

سؤال ۷۱۶. در جایی که عمل تلقیح به طور شبهه صورت گرفته (مثل جایی که زن گمان می کرده نطفه از شوهرش بوده، و مرد نیز گمان می کرده زنی که نطفه وارد رحم او شده، همسر واقعی او می باشد، در حالی که این طور نبوده است). آیا احکام اولاد بر فرزندی که به دنیا خواهد آمد، جاری می شود؟

جواب: نسبت به صاحب آن نطفه و آن زن ولد شبهه است. و به شوهر آن زن نیز محرم است.
سؤال ۷۱۷. آیا مادر جانشین (زن پذیرای جنین) مستحق دریافت نفقه یا اجرة المثل تا زمان تولد جنین، از صاحب نطفه و پدر جنین می باشد؟ و آیا این کار نوعی اجاره اعضا (اجاره رحم) تلقی می گردد؟ یا مشمول عقد دیگری است؟

جواب: این موضوع تابع قرار داد است، و اگر قراردادی ندارند، و جنبه رایگان نداشته، حقّ اجرة المثل دارد. و عمل مزبور نوعی اجاره است، نه اجاره اعضا؛ بلکه اجیر شدن برای پرورش جنین.

بخش سیزدهم:

سقط جنین

بخش سیزدهم: سقط جنین

۱. سقط غیر مجاز

۱. بعد از انعقاد نطفه

سؤال ۷۱۸. آیا بعد از انعقاد نطفه از بین بردن آن جایز است؟

جواب: در صورتی که یقین یا خوف خطر یا ضرر مهمی برای مادر نباشد، جایز نیست و دیه دارد.

۲. جنین کافر

سؤال ۷۱۹. سقط جنین مسلمان و کافر چه حکمی دارد؟

جواب: واضح است که ساقط کردن جنین مسلمان جایز نیست، حتی اگر فرزند نامشروع باشد. و

در مورد بچه های کفار نیز ساقط کردن مجاز نیست، حتی اگر در مذهب آنها فرزند نامشروع باشد.

سؤال ۷۲۰. آیا در موارد زیر قبل از ولوج روح می توان سقط درمانی انجام داد:

الف) بیماری هایی که می دانیم مسلماً جنین پس از تولد خواهد مرد.

ب) بیماری های ژنتیکی.

ج) ناهنجاری های نوزادان «مثل آنانسفالی».

جواب: سقط جنین در این موارد اشکال دارد، به خصوص که پیش بینی های فوق جنبه قطعی

ندارد.

سؤال ۷۲۱. عوامل فوق در مورد جنین پس از ولوج روح چگونه خواهد بود؟

جواب: جایز نیست.

۳. جنین غیر شیعه

سؤال ۷۲۲. سقط جنین غیر شیعه چه حکمی دارد؟

جواب: سقط جنین در هیچ مورد جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت.

* * *

۲ مواردی که سقط جنین جایز است

۱. نطفه رشد یافته در لوله آزمایشگاه

سؤال ۷۲۳. اطبا در آزمایشگاه، منی مرد (اسپرم) را با تخمک زن (اوول) در لوله آزمایش قرار داده، و آن را رشد می دهند، بفرمایید:

(الف) آیا نطفه رشد یافته را می توان دور افکند، یا این کار حکم سقط جنین دارد، و لذا باید تا طفل کامل (صاحب روح) شدن از وی محافظت نمود؟
جواب: نگهداری آن واجب نیست.

(ب) اگر دور افکندن آن جایز نباشد، آیا باید دیه سقط جنین پرداخت شود؟ در صورتی که باید پرداخت شود بر عهده کیست؟

جواب: از جواب قبل روشن شد که دیه ندارد.

(ج) آیا بین دور انداختن آن قبل از ولوج روح، یا بعد از ولوج، فرقی هست؟

جواب: مادام که به صورت انسان زنده ای در نیامده، حفظ آن دلیلی ندارد.

(د) در مورد سؤال فوق، آیا تفاوتی بین نطفه مرد اجنبی با منی زن اجنبیه برای لقاح و رشد در لوله آزمایشگاهی هست؟

جواب: تفاوتی نیست.

(ه) اگر منی متعلق به مرد و زن اجنبی و اجنبیه باشد، آیا اصل انجام این عمل جایز است؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

۲. در صورتی که جنین ناقص الخلقه شود

سؤال ۷۲۴. در زن حامله ای که مبتلا به سرطان رحم شده، و درمان آن هم به اشعه درمانی نیاز دارد، و دادن اشعه هم باعث ناقص الخلقه شدن جنین می شود، آیا می توان قبل از اشعه درمانی، سقط درمانی کرد؟

جواب: اگر ناقص الخلقه شدن او قطعی و شدید است، و در مراحل نخستین بارداری و قبل از رسیدن به مرحله جنین کامل باشد، و راه درمان نیز منحصر به این راه گردد مانعی ندارد.

۳. جان مادر در خطر باشد

سؤال ۷۲۵. معمول است که در زنان حامله مبتلا به سرطان «مثلاً سرطان پستان» اگر سرطان از نوع پیشرفته باشد حمل در هر مرحله ای باشد سقط درمانی را انجام داده و به درمان مادر می پردازند. و این کار از «دو نظر» اهمیت دارد: نخست اینکه حیات مادر در خطر است، و دیگر اینکه با اجازه ندادن به ختم حاملگی هم مادر از بین می رود و هم فرزند بدون مادر به جای می ماند. بدین جهت اگر سرطان از نوع اولیه باشد، و حاملگی در ماه های انتهایی، صبر می کنند تا جنین به حد قابلیت زندگی برسد، و سپس با عمل جراحی آن را زودتر از موعد از شکم خارج، و تحت مراقبت ویژه او را بزرگ می کنند. و اگر حاملگی در ماه های اولیه باشد، سقط درمانی انجام شده، و درمان سرطان هم صورت می پذیرد. البته در این موارد سقط درمانی در صورتی انجام می پذیرد که درمان اساسی سرطان برای جنین مضر باشد، مثل شیمی درمانی. یا اشعه درمانی؛ آنچه در بالا آمد از منظر شرع چه حکمی دارد؟

جواب: اگر حیات مادر در خطر باشد، و جنین ماه های اول را طی کند مانعی ندارد. و متولد کردن بچه قبل از موعد و پرورش او با شرایط ویژه هم اشکالی ندارد.

سؤال ۷۲۶. زنی که در ماه هفتم حاملگی به سر می برد، در اثر تصادف نیاز به عمل جراحی فوری پیدا می کند، که لازمه اش بیهوش نمودن اوست، ولی در اثر بیهوشی بچه می میرد (علم یقینی به فوت بچه داریم) آیا جایز است مادر، جراحی و عمل شود؟

جواب: اگر جان مادر در خطر است و راه منحصر به عمل جراحی و بیهوشی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۷۲۷. در فرض بالا در صورتی که احتمال فوت بچه برود، آیا باز هم جایز است مادر عمل شود؟

جواب: با شرایط بالا، این فرض به طریق اولی جایز است.

سؤال ۷۲۸. اگر پس از ولوج روح، علم به تلف شدن مادر و جنین باشد، آیا سقط جنین جایز است؟

جواب: در فرض مسأله، که اگر مادر به همان حال باقی بماند هر دو می میرند، می توان با سقط جنین جان مادر را نجات داد.

سؤال ۷۲۹. اگر طیب تشخیص قطعی دهد که ماندن جنین موجب مرگ مادر می گردد، بفرماید:

الف) آیا جایز است جنین را در شکم مادر از بین ببرد، تا مادر سالم بماند؟
جواب: چنانچه خلقت جنین کامل نشده مانعی ندارد.

ب) آیا می توان مادر را به همان حال باقی نهاد تا بچه سالم بماند و مادر بمیرد؟
جواب: هرگاه بچه به صورت انسان کامل در نیامده باشد، سقط جنین برای نجات مادر اشکال ندارد.

ج) اگر در باقی گذاردن مادر به همان حال، احتمال مرگ، هم برای مادر و هم برای بچه در کار باشد تکلیف چیست (یعنی احتمال مرگ و سلامت برای هر دو مساوی باشد)؟
جواب: اگر بدانیم یکی از آن دو قطعاً نجات پیدا می کند، باید آنها را به حال خود گذاشت تا یکی از آن دو بدون دخالت انسان دیگری نجات یابد. و اگر امر دایر میان این است که هر دو بمیرند یا فقط جنین بمیرد، می توان جنین را سقط کرد تا مادر زنده بماند.
د) آیا حکم فوق نسبت به جنین قبل از ولوج روح تفاوت دارد؟
جواب: از جواب های بالا معلوم شد.

۴. سلامتی مادر در خطر باشد

سؤال ۷۳۰. خانمی دچار بیماری چشمی گردیده، و اطباً نظر به عمل جراحی به طور اورژانسی داده اند؛ اما متأسفانه این خانم دارای حمل سه ماهه است، و به ناچار باید سقط جنین کند، و بعد عمل جراحی چشم را به انجام برساند. و اگر چشم خود را عمل نکند کور می شود، و همچنین ضررهای زیادی به جنین وارد می گردد، در این صورت آیا سقط جنین جایز است؟
جواب: در فرض مسأله پایان دادن به بارداری ظاهراً مانعی ندارد.

سؤال ۷۳۱. آیا در موارد زیر می توان سقط جنین کرد؟

الف) مادر بیمار باشد، و ادامه حاملگی (با تشخیص پزشک، و وضعیتی که مادر دارد، و خودش نیز تشخیص داده) باعث تشدید بیماری و وخامت حال مادر گردد.
ب) بیماری فوق به درجه ای برسد که حیات مادر متوقف بر سقط جنین باشد.
ج) مادر در کمال صحت و سلامتی است، و هیچگونه خطری او را تهدید نمی کند، و جنین نیز سالم است، ولی دو سر دارد. یا سر جنین به شکل انسان نیست، و اگر با چنین حالتی متولد شود، طبق تشخیص پزشک، ممکن است چند روز پس از تولد از دنیا برود. یا ادامه حیات چنان فرزند برای خود او، و والدین و جامعه مشکلاتی خواهد داشت.

د) در فروض فوق، حکم مسأله را قبل و بعد از ولوج روح بیان فرمایید.

ه) در هر صورت، آیا مسئولیتی از نظر شرعی برای پزشک و زوجین وجود دارد؟

و) چنانچه لازم باشد پزشک مرد اقدام به سقط جنین نماید، چه حکمی دارد؟

جواب: سقط جنین تنها در صورتی جایز است که جان مادر در خطر باشد.

همچنین اگر بیماری شدیدی مادر را تهدید کند، و جنین هنوز به مرحله دمیدن روح نرسیده باشد. و نیز اگر تشخیص قطعی داده شود که جنین به گونه ای ناقص است که برای پدر و مادر و اطرافیان سبب عسر و حرج شدید می شود، مشروط بر اینکه روح در آن دمیده نشده باشد. در این سه صورت، ختم حاملگی جایز است. و اگر راه منحصر به طیب مرد باشد، در این صورت مانعی ندارد. و احتیاط آن است که پدر و مادر، طیب را نسبت به دیه تبرئه کنند.

۵. جنین معیوب یا ناقص الخلقه باشد

سؤال ۷۳۲. آیا سقط عمدی جنینی که مطمئنیم یا احتمال می دهیم، معیوب و نارسا متولد خواهد

شد، در هر ماهی از بارداری اگر دیه لازمه پرداخت شود، مجاز است؟

جواب: هرگاه در مراحل ابتدایی جنین باشد، و جنین به صورت انسان کامل در نیامده باشد، و باقی

ماندن جنین در آن حالت و سپس تولد ناقص آن باعث عسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، با

این شرایط مانعی ندارد. و احتیاطاً باید دیه را بدهند.

سؤال ۷۳۳. با عکس برداری از جنین درون شکم مادری، معلوم شد که جنین ناقص الخلقه

می باشد، و پس از تولد مانند تکه گوشتی به کناری خواهد افتاد، و هیچ گونه فعالیت نمی تواند داشته

باشد، و فاقد هرگونه درک و شعور انسانی خواهد بود، بفرمایید:

الف) آیا جایز است در همان حال جنین بودن. قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح. جنین را

ساقط نمود؟

جواب: هرگاه در مراحل ابتدایی جنین باشد، و جنین به صورت انسان کامل در نیامده باشد، و باقی

ماندن جنین در آن حالت و سپس تولد ناقص آن باعث عسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، با

این شرایط مانعی ندارد، و احتیاطاً باید دیه را بدهند.

ب) اگر این طفل به دنیا آمد و سپس بیمار شد، آیا جایز است که هیچ گونه اقدامی در مورد

درمان وی انجام نداد تا زودتر بمیرد، و چه بسا از درد و رنج هم راحت شود؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۷۳۴. با توجه به اینکه در برخی از سؤالات بالا حکم سقط بعد از ولوج روح و قبل از آن متفاوت بیان شده، لطفاً بفرمایید که ولوج روح چه زمانی است؟

جواب: هنگامی است که بچه در شکم مادر به حرکت در می آید، که معمولاً در حدود چهار ماهگی است.

سؤال ۷۳۵. در صورت اطمینان داشتن به ناقص الخلقه بودن جنین بعد از ولوج روح، آیا مجاز به سقط هستیم (با توجه به تبعات شدید به دنیا آمدن آن برای والدین و جامعه و...)?

جواب: در صورتی که روح در جنین دمیده شده باشد، که معمولاً پس از چهارماهگی حاصل می شود، ساقط کردن آن جایز نیست.

۳ انتقال جنین

سؤال ۷۳۶. اطبا می توانند جنین را از شکم زنی که نمی تواند آن را در رحم معیوب خود پرورش دهد و سقط می کند خارج نموده، و در رحم سالم زن دیگری قرار داده تا در آنجا به رشد خود ادامه دهد و به طور طبیعی متولد شود، بفرمایید:

الف) اگر زن دوم هم همسر شوهر زن اول باشد (که نطفه متعلق به يك شوهر می شود) آیا این کار جایز است؟

ب) در صورتی که زن دوم با شوهر زن اول بیگانه باشد، این کار چه حکمی دارد؟

ج) انجام این کار قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح چه تفاوتی دارد؟

جواب: در هر سه صورت، انتقال جنین (بعد از انعقاد نطفه) مانعی ندارد، ولی چون معمولاً مستلزم نظر و لمس حرام است، تنها در موارد ضرورت مجاز می باشد.

سؤال ۷۳۷. جنینی است که اگر در شکم مادر بماند خواهد مرد، ولی اگر آن را از شکم مادر خارج نمایند و در دستگاه مخصوص (انکوباتور) بگذارند زنده مانده، و به رشد و حیات خود ادامه می دهد، بفرمایید:

الف) تکلیف در این مورد چیست، آیا می توان بچه را از شکم مادر خارج نمود؟

جواب: اگر این موضوع قطعی باشد نه تنها اشکالی ندارد، بلکه اقدام بر آن مطابق احتیاط است.

ب) آیا قبل از ولوج روح و یا بعد از ولوج، حکم فرق می کند؟

جواب: تفاوتی ندارد.

۴ احکام سقط جنین

سؤال ۷۳۸. در مواردی که لازم است پزشک سقط جنین کند، دیه لازمه باید توسط چه کسی پرداخت شود، آیا پزشک می تواند شرط کند که دیه بر عهده وی نباشد؟ آیا این شرط، جهت رفع دین از وی کافی است؟

جواب: احتیاط این است که طیب با بیمار یا کسان او شرط کند که دیه را خودشان بپردازند، و الا خودش باید عهده دار بشود (بنابر احتیاط).

سؤال ۷۳۹. اگر طیبی متوجه نقض عضو جنین درون شکم مادری شود، و در صورت اطلاع دادن به والدین او، احتمال می دهد آنان سقط جنین کنند، و شاید هم در مقام معالجه نقص عضو از جنین برآیند، که احتمال بهبودی بسیار کم است. و در ضمن اگر اطلاع ندهد، در معرض شکایت والدین نسبت به عدم اطلاع به آنان از وضعیت جنین قرار خواهد گرفت، وظیفه طیب در اینجا چیست؟

جواب: اطلاع دادن اشکالی ندارد.

سؤال ۷۴۰. چنانچه به بیمارانی که از درد شدیداً رنج می برند مسکن های قوی داده شود، دردشان تسکین خواهد یافت، لیکن به احتمال قوی به این خاطر بعداً دچار عوارض جنین و ناراحتی هایی خواهند شد، تکلیف طیب نسبت به این گونه بیماران چیست؟

جواب: هرگاه ضرری باشد که در برابر تسکین درد شدید در میان عقلاً قابل پذیرش باشد اشکالی ندارد. و اگر ضرر مهمی است که او را به خطر می اندازد، جایز نیست. و اگر برای خودش ضرر نداشته باشد، بلکه برای جنین ضرر داشته باشد نیز حکم مسأله همین است.

سؤال ۷۴۱. اگر پزشک به طور قطع تشخیص دهد که فرزندان بعدی زن و شوهری، ناقص العضو خواهند شد، بفرمایید:

(الف) آیا بر طیب واجب است، در صورت سؤال والدین، واقعیت را به آنان اطلاع دهد؟

جواب: واجب نیست، مگر اینکه در سرنوشت آنان اثر مهمی داشته باشد.

- ب) آیا در صورت عدم سؤال، بر طیب واجب است به آنان بگوید، تا از پیدا کردن چنین فرزندان جلوگیری نمایند؟ اگر واجب نیست، آیا گفتنش حرام است؟
- جواب: در این گونه موارد اگر مسأله مهمی است طیب کتمان نکند.
- ج) اگر طیب احتمال دهد که در صورت اطلاع والدین از این مطلب، هربار که فرزندی پیدا کنند، اقدام به سقط وی خواهند نمود، در اینجا وظیفه طیب چیست؟
- جواب: طیب باید به وظیفه خود عمل کند، و اگر بیمار عمل خلافی انجام دهد او مسئول نیست؛ منتها طیب وظیفه خود را در امر به معروف و نهی از منکر انجام دهد.
- سؤال ۷۴۲. اگر مادری برای سقط بچه اش کاری انجام ندهد، لکن با مراعات نکردن موارد لازم و تهیه نکردن شرایط حفظ جنین، باعث سقط بچه شود، آیا کار حرامی کرده است؟
- جواب: اگر در حفظ جنین مطابق معمول کوتاهی کرده باشد مسئول است.
- سؤال ۷۴۳. دکتر دارویی داده که مادر بخورد تا بچه اش سقط نشود، آیا زن می تواند به منظور سقط جنین دارو را نخورد؟
- جواب: جایز نیست.
- سؤال ۷۴۴. نگهداری جنین مرده در شیشه، جهت آموزش چه حکمی دارد؟ آیا جهت دکور آزمایشگاهی، یا نگهداری در منزل جایز است؟
- جواب: جهت دکور و امثال آن جایز نیست؛ ولی اگر ضرورتی برای آموزشهای لازم ایجاب کند، و چیزی جانشین آن نشود، مانعی ندارد.
- سؤال ۷۴۵. تبلیغات زیاد باعث شده که افراد از داشتن فرزند احساس شرمندگی نموده و مبادرت به سقط جنین نمایند، آیا چنین تبلیغاتی جایز است؟
- جواب: جایز نیست.

بخش چهاردهم:

احکام فرزند

بخش چهاردهم: احکام فرزندان

۱ الحاق اولاد و نفی ولد

سؤال ۷۴۶. مردی به مسافرت رفته و مسافرتش بیش از يك سال طول کشیده است. در این مدت همسرش پسری به دنیا آورده که بعداً باعث اختلاف بین زوجین شده و بدین سبب مرد زنش را طلاق داده است. اینک آن زن از دنیا رفته و آن پسر بزرگ شده و حَقِّش را می خواهد. مرد می گوید: «زنم این بچه را بعد از يك سال از مسافرتم به دنیا آورده است، او پسر من نیست؛ هرچند همسرم عقیقه و مؤمنه بوده، و از او هیچ بدی ندیده ام» و زن تا آخر عمرش می گفت: «این بچه فرزند شوهرم است و روز قیامت حَقِّم را خواهم گرفت». اکنون چند سؤال مطرح است:

(الف) آیا قول شوهر قبول می شود؟

(ب) اگر مشکوک باشد که زن بچه را دوازده ماه بعد از سفر زوج، یا قبل از دوازده ماه به دنیا آورده، حکم چیست؟

(ج) حکم ارث و محرمیت این پسر نسبت به آن زن و شوهر و بچه های آن دو چیست؟

(د) حکم خود این پسر فی حدِّ ذاته چیست؟

جواب: چنانچه تولّد بچه از آن زن معلوم باشد و شوهر ادّعا کند که بعد از يك سال از مسافرت او بوده و دلیلی بر ادّعی خود نداشته باشد، آن بچه متعلّق به آن زن و شوهر و با هر دو محرم است و از هر دو ارث می برد؛ ولی اگر مرد بتواند با دلیل شرعی ثابت کند که يك سال بعد از سفر او متولّد شده فرزند او محسوب نمی شود.

سؤال ۷۴۷. دختری از طریق نامشروع باردار شده و حملش را به پسری نسبت می دهد؛ ولی آن پسر می گوید: «من یقین دارم قبل و بعد از من افراد دیگری نیز با او ارتباط داشته اند» این حمل شرعاً به کدامیک از آنها تعلق دارد؟ مهر المثل این دختر را چه کسی باید بپردازد؟

جواب: اگر با اختیار و رضایت دختر بوده مهر المثل تعلق نمی گیرد، و اگر به جبر و اکراه بوده هر کدام از آنها باید مهر المثل جداگانه ای بدهند؛ و در مورد فرزند اگر ثابت شود چند نفر با او زنا کرده اند و معلوم نشود بچه منتسب به کدامیک است، باید با قرعه تعیین کنند.

سؤال ۷۴۸. درباره اماره فراش و نفی ولد به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا برای اجرای اماره فراش، احراز وقوع مطلق نزدیکی کافی است، یا نزدیکی باید به گونه ای باشد که احتمال حاملگی، هر چند به صورت ضعیف، وجود داشته باشد؟ مثلاً برخی از فقهای عظام وطی در دبر را، به ویژه در صورت عزل، یا عدم انزال، برای جریان اماره فراش کافی نمی دانند. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: در تمام این موارد احتمال انعقاد فرزند هست، و اماره فراش محسوب می شود.

ب) با توجه به فرض فوق، اماره فراش در کدام يك از حالت های زیر جاری است؟

۱. عزل

۲. عدم انزال

۳. وطی در دبر

۴. نزدیکی در ایام عادت ماهانه

۵. استفاده یکی از زوجین، یا هر دو، از وسایل پیشگیری از حاملگی

۶. عقیم شدن زوج عمل جراحی

۷. اثبات عقیم بودن زوج به وسیله آزمایشات پزشکی

۸. صغیر بودن زوج

۹. خصی و محبوب بودن زوج

جواب: در تمام موارد بالا اماره فراش موجود است؛ زیرا هیچ کدام دلیل قطعی عدم انعقاد فرزند

نیست.

سؤال ۷۴۹. با توجه به این که از شرایط تحقق اماره فراش، این است که از زمان وقوع نزدیکی تا

هنگام تولد، کمتر از شش ماه، و بیش از حداکثر مدت حمل نگذشته باشد، لطفاً بفرمایید:

الف) اگر زمان وضع حمل به طور معمول نرسیده باشد، ولی با عمل جراحی طفل را زودتر متولد

کنند، تا از حداکثر حمل (۱۰ ماهه) تجاوز نکند، آیا اماره فراش جاری، و طفل ملحق به شوهر است؟

جواب: در این صورت ملحق به فراش نیست.

ب) تاریخ نزدیکی و فاصله میان آمیزش و تولد به چه وسیله ای تعیین می شود؟ اگر چندین نزدیکی

در طهر واحد انجام شود، مبدأ حمل کدام است؟ اگر زوجین با یکدیگر توافق کنند که از تاریخ نزدیکی

تا زمان تولد، بیشتر از ده ماه یا کمتر از شش ماه گذشته، آیا چنین توافقی پذیرفته، و نسب طفل نفی

می گردد؟

جواب: منظور از فراش نزدیکی نیست که تاریخ آن را تعیین کنند، بلکه همین اندازه که زن در خانه شوهر باشد، که امکان نزدیکی درباره او می رود، اماره فراش حاصل است.

سؤال ۷۵۰. آیا شرط حداقل ۶ ماه، فقط مربوط به طفلی است که صحیح و سالم و زنده به دنیا بیاید، یا شامل طفل مریض، ناقص، یا طفلی که مرده به دنیا آمده نیز می شود؟

جواب: اطفال مریض و ناقص و مانند آن را نیز شامل می شود، مشروط بر این که انسان محسوب شوند.

سؤال ۷۵۱. همان طور که مستحضرید برای اماره فراش، احراز و اثبات وقوع نزدیکی در مورد زوجین لازم نیست. آیا احراز وطی برای جریان اماره فراش در وطی به شبهه در مورد جریان اماره فراش نسبت به وطی به شبهه نیز نیازی به احراز و اثبات نزدیکی نیست، یا از آن جا که نزدیکی به شبهه خلاف اصل است، باید احراز شود؟ یعنی آیا اجرای اماره فراش در وطی به شبهه (مثلاً متوقف بر اقرار و اعتراف واطی به نزدیکی است؟

جواب: در مورد وطی به شبهه احراز وطی لازم است.

سؤال ۷۵۲. خانمی اظهار می دارد که: «از مورّخه ۷۶/۶/۳۰ تا ۷۷/۶/۳۰ در عقد منقطع مردی بوده، و فرزندش در تاریخ ۷۷/۵/۸ به دنیا آمده است» مرد نفی ولد می کند، و می گوید: «عقد منقطع آنها از ۷۷/۱/۱۵ به مدّت شش ماه بوده، و چون فرزند مذکور در مدّت کمتر از شش ماه از تاریخ عقد به دنیا آمده، متعلّق به ایشان نیست» لطفاً بفرمایید:

الف) با توجّه به اختلاف طرفین در مبدأ عقد منقطع، و عدم ارائه دلیل معتبر یا بینه شرعی بر صحّت اظهاراتشان، قول کدام يك مقدم است؟

ب) با توجّه به نفی ولد از سوی زوج، آیا امکان الحاق فرزند مذکور به زوج وجود دارد؟

ج) زوجه می گوید: سر دفتر ازدواج شماره فلان، صیغه عقد منقطع را جاری نموده، و سر دفتر مذکور نیز ادّعیای زوجه را تأیید می نماید. ولی در دفاتر خود چیزی ثبت نکرده است. آیا با يك شاهد و قسم زوجه، ادّعیای وی ثابت می شود؟

جواب: فرزند مذکور به زوج ملحق نیست.

سؤال ۷۵۳. درباره اماره فراش و نفی ولد به سؤال زیر پاسخ دهید:

آیا برای اجرای اماره فراش، احراز وقوع مطلق نزدیکی کافی است، یا نزدیکی باید به گونه ای باشد که احتمال حاملگی، هر چند به صورت ضعیف، وجود داشته باشد؟ مثلاً برخی از فقهای عظام وطی

در دبر را، به ویژه در صورت عزل، یا عدم انزال، برای جریان اماره فراش کافی نمی دانند. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: در تمام این موارد احتمال انعقاد فرزند هست، و اماره فراش محسوب می شود.

* * *

۲ فرزند نامشروع

سؤال ۷۵۴. اگر پسر و دختری قبل از جاری شدن عقد بچه دار شوند آیا فرزند حلال زاده است؟
جواب: حلال زاده نیست مگر اینکه تصورشان این بوده باشد که به هنگام نامزدی نزدیکی کردن شرعاً جایز است.

سؤال ۷۵۵. اگر مرد مسلمان با زن بودائی و امثال آن که اهل کتاب نیستند ازدواج موقت نماید و فرزندی متولد شود آیا فرزند حلال زاده است؟
جواب: عقد آنها باطل است و اگر بدانند عقد باطل است فرزند آنها حلال زاده نیست و اگر نمی دانسته اند حلال زاده است.

سؤال ۷۵۶. اگر از طرف قاضی، زنی را جهت معاینه و تشخیص نطفه ای که وی در رحم دارد به نزد پزشک قانونی بفرستند، در صورتی که طیب به طور قطع بتواند تشخیص دهد که نطفه متعلق به شوهر این زن نبوده بلکه از مرد اجنبی می باشد، در این حال اگر طیب واقعیت را گزارش دهد یقین دارد این زن را اقوام وی خواهند کشت و اگر خلاف گزارش کند بچه ملحق به شوهر این زن می گردد و مسائل حقوقی و ارث و محرمیت و سایر مشکلات پیش خواهد آمد، بفرمایید وظیفه طیب چیست؟
جواب: مهم این است که قول طیب و یقین او برای قاضی در این گونه موارد حجّت نیست و حتی یقین خود قاضی هم که از این طریق حاصل شود حجیت آن محل اشکال است بنابراین لزومی ندارد طیب یقین خود را در این گونه موارد بازگو نماید و در نتیجه به حسب حکم ظاهری بچه ملحق به آن شوهر است و این گونه احکام ظاهری مشکلی ایجاد نمی کند.

سؤال ۷۵۷. دختری از زنا حامله شده است. در صورت پی بردن خانواده، احتمال کشتن وی می باشد. آیا می تواند سقط جنین کند؟ حکم دیه آن چیست؟

جواب: در صورتی که واقعاً جان او در خطر باشد، و جنین به چهار ماهگی نرسیده باشد، مجاز است سقط جنین کند، و دیه آن را به بیت المال بپردازد.

سؤال ۷۵۸. اگر مردی با زنی که تازه شوهرش را از دست داده و هنوز در عده است ازدواج کند و در اثر نزدیکی فرزندی از آن دو نفر به وجود آید فرزند متعلق به چه کسی خواهد بود و تکلیف شرعی چیست؟

جواب: چنانچه یقین دارند که فرزند از این ازدواج حاصل شده فرزند متعلق به همین دو نفر است و تفاوتی با بقیه فرزندان نمی کند.

* * *

۳ فرزند خوانده

سؤال ۷۵۹. اگر فرزند خوانده دختر باشد چگونه میتوان به او محرم شد؟

جواب: اگر فرزند خوانده دختر باشد و پدر مرد در حیات است می توان عقد موقت دختر را با اجازه حاکم شرع، برای پدر خواند و حکم زن پدر را پیدا کند و محرم شود و اگر خواهر، یا مادر، یا زن برادر، یا برادرزاده ها، یا خواهرزاده های مرد شیر داشته باشند و بچه شیرخوار باشد و از شیر آنها (با شرایط لازم) بخورد، حکم خواهرزاده، یا خواهر یا برادرزاده رضاعی پیدا کرده محرم می شود.

سؤال ۷۶۰. اگر فرزند خوانده پسر باشد چگونه میتوان به او محرم شد؟

جواب: اگر فرزند خوانده پسر باشد راه محرمیت آن است که از شیر خواهر، یا مادر، یا زن برادر، یا خواهرزاده ها، یا برادرزاده های آن زن فاقد فرزند بخورد تا آن زن، خاله یا خواهر و یا عمه رضایی آن پسر شود و محرم گردد. و اگر دوران شیرخوارگی پسر بچه گذشته باشد راهی برای محرمیت او نیست.

سؤال ۷۶۱. آیا می توان به خانواده هایی که فرزند ندارند، فرزندان بی سرپرست (مانند کودکان سر

راهی) را تحویل داد، و در مقابل پولی از آنها گرفت؟ اگر مبلغ اخذ شده بر اساس جنس طفل، یا ویژگی های ظاهری او، متفاوت باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: فروختن فرزند به هیچ عنوان جایز نیست.

۴ ختنه

سؤال ۷۶۲. چرا کودکان را بعد از زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) ختنه کردند؟ آیا در عصر پیامبران قبلی هم ختنه می کرده اند؟ مگر در چیزی که خداوند آفریده ایرادی هست که ختنه می کنند؟

جواب: اولاً در شرایع سابق نیز ختنه بوده است و ثانیاً خداوند این عضو را آفریده که در دوران جنینی آن قسمت از جنین را حفظ کند و پس از تولد عضو زایدی محسوب می شود مانند بند ناف بچه که پس از تولد بریده می شود.

سؤال ۷۶۳. آیا ختنه کردن مردان فی نفسه واجب است؟

جواب: آری واجب است.

سؤال ۷۶۴. عباداتی مانند نماز، روزه، حج و امثال آن که مرد ختنه نکرده انجام می دهد چه حکمی دارد؟

جواب: عبادات او غیر از طواف صحیح است.

سؤال ۷۶۵. غیر مسلمانی که مسلمان می شود و یا کودکی که بالغ می شود اگر ختنه نکرده باشد، چه زمانی باید ختنه کند؟

جواب: هنگام بلوغ باید ختنه شده باشد و اگر قبل از آن باشد بهتر است.

سؤال ۷۶۶. اگر کسی ختنه کند ولی غلاف از حشفه کاملاً جدا نشود تکلیف چیست؟

جواب: باید مجدداً به طور کامل ختنه کند و در زمان ما کار مشکلی نیست.

سؤال ۷۶۷. حکم اسلام در مورد ختنه دختران چیست؟ و مراد از ختنه دختران چه می باشد؟

جواب: آنچه از منابع فقه و حدیث شیعه و اهل سنت در مورد ختنه دختران و زنان استفاده می شود، این امور است:

الف) ختنه کردن دختران و زنان نزد علمای شیعه به اجماع و اتفاق واجب نیست؛ ولی حکم به استحباب آن کرده اند.^{۱۷}

ب) مشهور نزد علمای اهل سنت نیز عدم وجوب است، و «ابن قدامه» در «مغنی» تصریح کرده که نظر اکثر اهل علم عدم وجوب است.^{۱۸}

ج) در روایات شیعه تصریح به عدم وجوب شده است، مرحوم صاحب وسائل احادیث متعدّدی در این زمینه دارد؛ از جمله در حدیث ابوبصیر از امام باقر(علیه السلام) نقل شده که فرمود: «*أما السنة فالختان علی الرجال و لیس علی النساء*» و در همان باب روایات دیگری نیز نقل می کند^{۱۹}؛ در کتب حدیث عامه، در مسند احمد حنبل، نیز عدم وجوب آن در مورد زنان، از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) نقل شده است.^{۲۰}

د) در مورد طریقه آن در روایات تصریح شده که آن عضو مخصوص از ریشه برداشته نشود؛ بلکه تنها قسمت بالای آن برداشته شود؛ توضیح این که در بالای فرج قطعه گوشت کوچکی وجود دارد که ختنه مربوط به آن است.

* * *

۱۸. مغنی ابن قدامه، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

۱۹. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ابواب الاولاد، باب ۵۶، ص ۱۶۶.

۲۰. مسند احمد، ج ۵، ص ۷۵.

عقیقه ۵

سؤال ۷۶۸. منظور از عقیقه چیست؟ آیا عقیقه واجب است؟

جواب: عقیقه برای فرزند، بر کسی که قادر بر آن باشد، سنت مؤکد است. و منظور از آن قربانی کردن گوسفند و مانند آن برای فرزند می باشد.

سؤال ۷۶۹. زمان عقیقه چه وقت است؟

جواب: بهتر آن است که در روز هفتم واقع شود، و اگر تأخیر افتاد، تا زمان بلوغ فرزند، بر پدر سنت است؛ ولی بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش سنت است که عقیقه اش را انجام دهد.

سؤال ۷۷۰. آیا عقیقه دعای خاصی دارد؟

جواب: مرحوم «علامه مجلسی» دعایی به شرح زیر برای عقیقه نقل کرده است: «از امام صادق (علیه السلام) فرمود: که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا را بخوان»:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ عَقِيْقَهُ عَنْ فُلَانٍ لِحَمِّهَا بِلِحْمِهِ، وَكُدْمِهَا بِدَمِهِ، وَعَظْمِهَا بِعَظْمِهِ،
اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقِيَّةً لِّإِلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامِ.^{۲۱}

و در حدیث دیگری فرمود که این دعا را بخواند:

يَا قَوْمِ اِنِّي بَرِيٌّ مِمَّا تُشْرِكُونَ، اِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ،
حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، اِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ اُمِرْتُ، وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَوَالِكَ، بِسْمِ اللَّهِ
وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ اَكْبَرُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانِ.^{۲۲}

۲۱. حلیة المتقین، ص ۱۵۳ و ۱۵۴: «به نام خدا و به یاری خدا، خدایا این عقیقه از طرف فلانی است (نام آن فرزند را بگوید) گوشتش به جای گوشت او و خورش به خون او و استخوانش به استخوان او. خدایا قرارش ده نگهدار آل محمد (علیهم السلام)».

۲۲. حلیة المتقین، ص ۱۵۳ و ۱۵۴: «ای مردم من بیزارم از آنچه شما شریک خدا سازید من رو کنم به سوی کسی که آفرید آسمانها و زمین را بیک دل در حال تسلیم و نیستم من از مشرکان همانا نماز و عبادتم و زندگی و مرگم از آن خدا پروردگار جهانیان است که شریک ندارد و به همین دستور دارم و از مسلمانانم خدایا از تو و برای توست به نام

سؤال ۷۷۱. آیا خواهر و برادر می توانند از عقیقه همدیگر بخورند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۷۷۲. لطفاً در مورد نحوه استفاده از گوشت عقیقه به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا می توان گوشت عقیقه را به صورت خام تقسیم نمود؟

جواب: اشکالی ندارد.

ب) آیا می توان گوشت عقیقه را به صورت کباب کوبیده درآورد و بین مردم تقسیم نمود.

جواب: مانعی ندارد هرچند در برخی روایات از آبگوشت نام برده شده است.

سؤال ۷۷۳. آیا عقیقه برای میت نیز واجب است؟ آیا بچه خردسال می تواند از گوشت عقیقه

تناول نماید؟

جواب: عقیقه مطلقاً واجب نیست، ولی استحباب دارد. و در مورد میت باید به قصد رجا انجام

شود. و بهتر آن است که بچه خردسالی که عقیقه برای او می شود از آن نخورد.

سؤال ۷۷۴. آیا استخوانهای عقیقه را نباید شکست و به آن نباید دندان زد و آن را نباید دفن

کرد؟! و آیا پدر و مادر می توانند از گوشت آن استفاده کنند؟

جواب: بهتر است پدر و مادر از گوشت آن نخورند و اما دفن استخوانها دلیل روشنی ندارد.

۶ حضانت

سؤال ۷۷۵. زن بیوه ای، که يك پسر پنج ساله از شوهر مرحوم خود دارد، چند سال پس از فوت شوهرش ازدواج کرده است، پدر بزرگ این پسر می گوید: «من به عنوان وليّ نمی گذارم نوه ام در خانه مرد بیگانه ای تربیت شود». و مادر پسر می گوید: «من به عنوان مادر، خود او را پرورش می دهم». **حقّ حضانت این پسر بچه با کیست؟**

جواب: در مورد نگهداری بچه و پرورش او تا زمان بلوغ، مادر بچه بر جدّ او مقدّم است؛ حتّی در صورتی که شوهر کند، ولی در مسأله ولایت بر اموال، حقّ با جدّ است و مادر ولایتی بر اموال کودک ندارد.

سؤال ۷۷۶. در مواردی که بین زوجین مفارقت حاصل می شود و فرزند مشترکی دارند، فتوای مشهور فقهای شیعه این است که مادر در مورد دختر تا هفت سالگی و در مورد پسر تا دو سالگی اولویت در حضانت دارد، و پس از آن، فرزند در حضانت پدر قرار می گیرد. از آنجا که ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی با الهام از این فتوا تنظیم شده، محاکم دادگستری نیز در موارد مطروحه در پرونده های جاری بر این اساس عمل می نمایند؛ ولی این امر چند مشکل اجرایی در بر دارد:

(الف) تعلّق عاطفی فرزندان، اعّمّ از پسر و دختر، در سنین پایین به مادر بیشتر است، و گرفتن پسر بچه های دو تا هفت ساله از مادر، در موارد زیادی موجب اخلال در مسائل تربیتی و عاطفی آنان می شود.

(ب) غالباً پدرهای ازدواج نکرده در نگهداری این گونه کودکان دچار مشکلات مهمّی می شوند، و بیشتر به خاطر لجاجت، اصرار در گرفتن کودک دارند. و معمولاً بعد از تحویل، کودک را به عمّه، یا مادر بزرگ، یا یکی دیگر از اقوام می سپارند، و خود مباشرت در حضانت ندارند.

(ج) به دلیل تعلّق عاطفی شدید بین مادر و فرزند، در اغلب موارد گرفتن پسر بچه سه یا چهار ساله از مادر، موجب عُسر و حرج بر مادر است؛ در صورتی که با حضانت مادر، پدر نیز از طریق اعمال ولایت و نظارت کلّی، با بچه های خود ارتباط دارد، و فشاری بر وی وارد نمی شود.

د) نگران کننده ترین نکته این که در خانواده ای که بیش از يك فرزند وجود دارد، بچه ها با هم مأنوس و وابسته به هم می باشند، و جدا کردن بچه های خردسال از یکدیگر، و سپردن بعضی به پدر و بعضی به مادر، فشار شدیدی بر آنان وارد می آورد.

از طرفی بر طبق فتاوی برخی از فقها، از جمله مرحوم آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله) ولویت در حضانت تا سنّ هفت سالگی، هم در دختر و هم در پسر، با مادر است. و احادیثی، از جمله روایت ایوب بن نوح^{۲۳}، نیز دلالت بر این مسأله دارد. با توجه به مطالب فوق نظر حضرت تعالی در این مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که مصالح فرزندان واقعاً به خطر بیفتد، و گرفتار ضرر عاطفی شدیدی شوند، می توان حضانت را به مادر سپرد.

سؤال ۷۷۷. همسر چند سال قبل، بنا به عللی، مرا طلاق داد، و حضانت تنها فرزندمان، که دختری خردسال بود، نیز به من سپرده شد. با تمام مشکلات اقتصادی، که جهت تأمین مخارج زندگی دخترم وجود داشت، او را بزرگ نمودم، حال که دخترم به سنّ ازدواج رسیده، شوهر سابقم اصرار دارد که دختر را از من بگیرد. قابل ذکر است که:

اولاً در طول مدّتی که از هم جدا شده ایم، هیچ گونه کمکی از جانب شوهر سابقم به دخترم نشده است.

ثانیاً چون دخترم در طول این مدّت پدر را اصلاً ندیده، شدیداً در برابر تقاضای او امتناع می کند، با توجه به مطالب فوق به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید:

الف) آیا شوهرم حق دارد دختر را از من بگیرد؟

جواب: هرگاه دختر به سنّ بلوغ رسیده، نه پدر می تواند او را اجبار کند و نه مادر؛ بلکه نزد هر کدام دوست داشته باشد، می تواند زندگی کند.

ب) نفقه دخترم بر عهده کیست؟ آیا می توانم حقوق و نفقه او را از شوهر سابقم مطالبه کنم؟

جواب: در صورتی که به میل خود نفقه او را داده اید، نمی توانید از پدر او چیزی بگیرید؛ ولی اگر پدر نفقه او را نمی داده، و شما به این قصد نفقه او را داده اید که از او بگیرید، حقّ مطالبه دارید.

سؤال ۷۷۸. شوهر خانمی بر اثر تصادف از بین رفته، و پنج فرزند از او باقی مانده است، که بعضی کبیر و بعضی صغیرند. این زن با میل و رضایت خود حقّ حضانت اولادش را به جدّ پدری بچه

ها واگذار کرده، و کلاً حق حضانت را از خود اسقاط نموده است؛ بعد از يك سال و اندی ادّعی رجوع به حقّ حضانت می کند، آیا حقّ رجوع دارد؟

جواب: بعد از واگذاری حقّ حضانت، حقّ بازگشت ندارد.

سؤال ۷۷۹. زوجه علاوه بر بذل تمام یا مقداری از مهریه، سرپرستی بدون نفقه و یا با نفقه فرزندان دختر بالاتر از هفت سال خود را بر عهده می گیرد؛ ولی بعد از طلاق از نگهداری اطفال امتناع می ورزد. آیا دادگاه می تواند زوجه را الزام به حضانت از فرزندان دختر کند، یا این که حضانت به زوج منتقل می شود؟

جواب: چنانچه شرعاً (از طریق مصالحه، یا شرط ضمن العقد) موظّف شده باشد، دادگاه می تواند زوجه را به نگهداری اطفال اجبار کند.

سؤال ۷۸۰. لطفاً فتوای خود را با عنایت به شرایط فعلی زنان در جامعه، و با توجه به مهر و علاقه ای که خداوند در ضمیر آنان نهاده، در مورد اصلاح مدّت حضانت فرزندان در نزد مادران بفرمایید، تا با ارائه آن به مجلس و قانون گذاران بتوانیم این ماده قانونی را اصلاح نماییم.

جواب: مشهور در میان فقهای ما این است که حضانت دختر تا هفت سال، و پسر تا دو سال، در اختیار مادر است؛ مگر این که عسر و حرج شدیدی برای مادر پیدا شود، که برای پدر نباشد، و بیش از این مقدار را ایجاب کند. ضمناً به این نکته توجه داشته باشید که قوانین اسلام بلکه هر قانونی ناظر به حال اکثریت است، و موارد نادر و اتّفاقی معیار نیست. بی شك مصلحت فرزندان غالباً ایجاب می کند که زیر نظر پدران باشند، و به خاطر همین بوده که اسلام چنین قانونی وضع کرده است، ولی چون شما تنها به موارد خاصی توجه کرده اید، تعجّب نموده اید. البته مسأله صلاحیت پدر، یا مادر در مورد حضانت شرط است، و اگر یکی از آن دو فاقد صلاحیت باشد، حقّ آنها سلب می شود.

سؤال ۷۸۱. می دانیم که مادر، ۹ ماه فرزند را در شکم دارد، و مقدار زیادی از قوّت و نیروی او به این طریق از دست می رود، و به خاطر زایمان، نیز دچار بیماری هایی می شود. چرا با تمام این مشکلات، که يك زن در بزرگ کردن طفل خود و حتّی شیر دادن او دارد، به هنگام جدایی زن و شوهر از یکدیگر، (جز در موارد معدودی) فرزند به پدر سپرده می شود؟

جواب: شکی نیست که مرد برای حمایت از فرزند خود قدرت بیشتری دارد، و موارد استثنایی نمی تواند حکم کلی را تغییر دهد.

سؤال ۷۸۲. اگر کسی همسر منحرف خود را (که رابطه نا مشروع داشته و محکوم به حدّ شرعی شده) طلاق دهد، و دختر سه ساله ای داشته باشد، آیا از نظر شرع مقدّس، این زن مطلقه منحرف می تواند حضانت آن دختر بچّه را بر عهده گیرد؟

جواب: اگر خوف انحراف بچّه باشد، نباید بچّه را به چنان مادری سپرد.

سؤال ۷۸۳. ولایت و حضانت زنازاده با چه کسی است؟

جواب: ولایت و نفقه بر عهده زانی و حضانت طبق موازین فقهی با زانی و زانیه است.

سؤال ۷۸۴. چندی پیش راجع به يك نزاع خانوادگی چند سؤال از محضرتان نمودم که فرمودید: «در صورت احراز حرج واقعی و عدم رضایت زوج به طلاق، حاکم شرع می تواند ولایتاً طلاق را اجرا کند» حال پس از مذاکره مجدّد با زوج، ایشان قبول کرده که همسرش را طلاق شرعی بدهد مشروط بر این که همسرش در محکمه مدنی کشور سوئد به صورت رسمی کلاً از حضانت فرزندان صرف نظر کند و امر نگهداری فرزندان را به شوهر بسپارد، همسرش اظهار می دارد که جدایی از فرزندانم برانم بسیار مشکل و غیر قابل تحمّل است؛ لکن شوهر اصرار دارد که یا بچّه ها را بطور کامل در اختیار او بگذارد که بتواند آنها را به هر کشوری که بخواهد ببرد و زن هیچ حقّی نداشته باشد و یا این که حاضر به طلاق نیستم، آیا شوهر می تواند امر طلاق را منوط به انصراف قانونی همسرش از حضانت فرزندان نماید؟

جواب: در صورتی که شوهرش حقّ شرعی خود را در مورد حضانت مطالبه کند و حاضر به طلاق باشد، نمی توان اجباراً صیغه طلاق را جاری کرد؛ ولی می توان مرد را وادار کرد که به مقدار متعارف به زن، حقّ دیدن بچه ها را بدهد و مرد باید از این امر امتناع نکند و مسأله حضانت غیر از مسأله حقّ دیدار است.

سؤال ۷۸۵. پسر بچّه ای دو سال دوران حضانت خود را نزد مادر سپری نموده است. اکنون با انقضای مدّت حضانت مادر، پدر قصد استرداد طفل را دارد. اما طفل و مادر آن چنان به یکدیگر وابسته و علاقه مند هستند، که جدا کردن آنها حتّی هفته ای يك روز، با مشقّت صورت می گیرد. با توجه به این مطلب، در صورتی که متخصصین روانشناسی نظر دهند که جدا کردن طفل از مادر، به سلامت روحی و روانی و جسمانی کودک صدمه وارد می کند، و موجب مشقّت و فشار شدید روحی و روانی به مادر خواهد بود، تکلیف چیست؟ اگر پدر به دلیل اشتغال خارج از منزل، بلکه خارج از شهر محلّ سکونت، بخواهد طفل را به دیگری بسپارد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که طبق گواهی کارشناسان خبره و متدین ثابت شود که جدا کردن پسر بچّه دو ساله از مادرش خطرات شدیدی برای مادر یا آن بچّه به همراه دارد، نباید او را از مادرش جدا کرد.

سؤال ۷۸۶. حضانت طفل خنثای مشکل پس از اتمام مدّت شیرخوارگی با کدام يك از والدین خواهد بود؟ و ملاك آن چیست؟

جواب: در صورتی که بتوانند با هم توافق کنند مشکل نیست؛ در غیر این صورت فرعه می زنند.

سؤال ۷۸۷. آیا کفر مانع حقّ حضانت به شمار می آید؟

جواب: در صورتی که خطر مادّی و معنوی بچّه را تهدید نکند اشکالی ندارد؛ هر چند (بنابر احتیاط) در زمان حیات پدر مسلمان، حضانت آنها در اختیار اوست.

سؤال ۷۸۸. آیا مباشرت در حضانت ضروری است، و با عدم امکان آن، حقّ حضانت ساقط می شود، یا استنابت نیز جایز است؟

جواب: استفاده از کمک خادم، یا کمک کار با نظارت خودش مانعی ندارد، ولی سپردن به دیگری به طور کامل اشکال دارد.

سؤال ۷۸۹. در فرض سؤال بالا، در صورتی که استنابت در حضانت جایز باشد، آیا جواز مشروط بر عدم قدرت بر مباشرت می باشد، یا بطور مطلق جایز است؟

جواب: مشروط نیست.

سؤال ۷۹۰. در حکم دادگاه آمده: «چون برای نگهداری و حضانت طفل از محکمه اذن نگرفته، حقّ حضانت ندارد» این مسأله چه صورت دارد؟

جواب: در مدّتی که حضانت وظیفه زن است، اجازه دادگاه شرط نیست.

سؤال ۷۹۱. طبق مادّه ۱۱۶۷ قانون مدنی، ولد زنا ملحق به زانی نیست، آیا می توان با درنظر گرفتن وضعیت این اطفال و آینده آنان، ولایت قهری پدرشان را بر آنان مقرر نموده، و از این باب آنان را ملزم به حضانت طفل و پرداخت نفقه و نگهداری از آنان نمود؟ و در صورت نبودن پدر، جدّ پدری، و در صورت فقدان وی، دیگر اقوام پدری را، با رعایت قاعده الأقرب فالأقرب، ملزم به این کار کرد؟

جواب: عدم الحاق ولد الزنا به زانی در مورد ارث است؛ ولی در نفقه و حضانت، زانی موظّف است آن را بر عهده بگیرد. به تعبیر دیگر، ولد الزنا احکام ولد را دارد، الاّ ما خرج بالدلیل.

سؤال ۷۹۲. آیا در سقوط حقّ حضانت (حقّ سرپرستی و نگهداری کودک) به وسیله ازدواج مجدد فرقی بین ازدواج موقت و دائم هست؟ و در صورتی که زن از شوهر دوم طلاق بگیرد آیا حقّ حضانت که به خاطر شوهر کردنش ساقط شده بود دوباره باز می گردد؟

جواب: در صورت ازدواج حقّ حضانت زن ساقط می شود خواه ازدواج دائم باشد یا موقت، مگر این که مدّت ازدواج موقت کم و کوتاه باشد که در این صورت ساقط نمی شود و هرگاه از شوهر دوم

طلاق بگیرد حقّ حضانت باز نمی گردد هر چند احتیاط مستحب آن است که زوج و زوجه در این مورد تراضی و مصالح کنند.

سؤال ۷۹۳. اگر بچه ولدالزنا به دست زانیه داده شود باعث فساد می شود و موجب لطمه به آبروی يك عده مومن آن روستا می شود اما اگر شرع مقدّس یا قانون دولت، این بچه را به اداره بھزیستی تحویل نماید، هم فساد کم می شود و هم آبروی چندین مؤمن حفظ می شود، در این صورت وظیفه چیست؟

جواب: باید حاکم شرع در این گونه موارد تصمیم بگیرد و اگر فساد می هست جلوی آن را بگیرد.

سؤال ۷۹۴. اگر صغیر، جدّ پدری نداشته باشد آیا مادر می تواند با اجازه حاکم شرع قیم او بشود؟
جواب: با اجازه حاکم شرع مانعی ندارد.

سؤال ۷۹۵. اگر مردی با زن نامحرمی تفخیز کند و انزال شود و فرزندی منعقد گردد بی آن که دخول صورت گرفته باشد حکم فرزند و زوال بکارت که بر اثر تولد فرزند حاصل می شود چیست؟
جواب: هرگاه یقین داشته باشد که انزال نمی شود، بعید نیست فرزند آنها همچون فرزند شبهه باشد و اگر احتمال می داده است، خالی از اشکال نیست و در مورد مهرالمثل اگر زن با میل و رضایت خود حاضر شده و احتمال این امر را می داده مهرالمثل ندارد و اگر احتمال نمی داده و رضایت به غیر تفخیز نداشته، احتیاط واجب دادن مهرالمثل است.

سؤال ۷۹۶. همسر شهیدی که يك پسر دارد پس از گذشتن چند سالی ازدواج کرده است، پدر شهید می گوید: من به عنوان ولیّ نمی گذارم نوه ام در خانه بیگانه بماند چون من وظیفه دارم او را پرورش دهم و فعلاً این پسر بچه ۵ ساله است، مادرش می گوید: من به عنوان مادر، او را پرورش می دهم، از نظر اسلام کدام يك مقدّم هستند؟

جواب: در مورد نگهداری بچه و پرورش او تا زمان بلوغ، مادر بچه بر جدّ او مقدّم است حتّی در صورتی که شوهر کند، ولی در مسأله ولایت بر اموال حق با جدّ است و مادر ولایتی بر اموال کودک ندارد.

بخش پانزدهم:

رضاع (شیر دادن)

بخش پانزدهم: رضاع (شیر دادن)

۱ شرایط شیر دادنی که سبب محرم شدن است

سؤال ۷۹۷. شیر دادن با چه شرایطی سبب محرمیت می شود؟

جواب: هرگاه زنی کودکی را شیر دهد با نُه شرط سبب محرم شدن خواهد بود:

(الف) شیر از ولادت باشد، بنابراین اگر پستان بدون تولّد فرزندی شیر پیدا کند و کودکی از آن بنوشد سبب محرمیت نمی شود.

(ب) بچه از زن زنده شیر بخورد، پس اگر پستان زن مرده ای را به دهان بگیرد و شیر بخورد اثری ندارد.

(ج) شیر آن زن از حرام نباشد، بنابراین اگر شیر بچه ای را که از زنا به دنیا آمده به بچه ای بدهند به کسی محرم نمی شود.

(د) شیر را از پستان بمکد، ولی احتیاط واجب آن است اگر شیر را در گلوی بچه بریزند با آن زن و محارم او ازدواج نکنند.

(ه) شیر را با چیز دیگر مخلوط نکنند.

(و) شیر مربوط به يك شوهر باشد، بنابراین اگر زنی را که دارای شیر است طلاق دهد بعد شوهر دیگری کند و از او باردار شود و تا موقع وضع حمل شیری که مربوط به شوهر اول داشته باقی بماند و مثلاً کودکی را هشت دفعه از شیر مربوط به شوهر اول و هفت دفعه از شیر مربوط به شوهر دوم شیر دهد آن کودک

به کسی محرم نمی شود، همچنین اگر زنی از شیر مربوط به شوهر اول کودکی را بطور کامل شیر دهد و بعد از شیر مربوط به شوهر دوم کودک دیگری را شیر دهد آن دو به یکدیگر محرم نمی شود.

(ز) کودک به واسطه بیماری شیر را قی نکنند، ولی احتیاط واجب آن است در این صورت کسانی که به واسطه شیر دادن به آن بچه محرم می شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او نمایند.

(ح) کودک پانزده مرتبه، یا يك شبانه روز بطوری که در مسأله بعد خواهد آمد شیر کامل بخورد، یا آن مقدار شیر به او بدهند که بگویند از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روییده

است و احتیاط مستحب آن است که اگر ده مرتبه شیر بخورد کسانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه نیز به او ننمایند.

ط) دو سال کودک تمام نشده باشد، بنابراین بعد از تمام شدن دو سال اگر به او شیر دهند به کسی محرم نمی شود، حتی اگر پیش از تمام شدن دو سال چهارده مرتبه و بعد از آن یک مرتبه شیر بخورد با کسی محرم نمی شود، ولی اگر از موقع زاییدن زن بیش از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه ای را شیر دهد احتیاط واجب آن است که با زنانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می شوند ازدواج نکند و نگاه محرمانه هم ننماید.

سؤال ۷۹۸. آیا میتوان در طول یک شبانه روزی که کودک شیر می خورد از غذا و شیر زن دیگر هم استفاده کند؟

جواب: نباید در بین یک شبانه روز غذا یا شیر زن دیگری را بخورد، مگر این که غذا بقدری کم باشد که به حساب نیاید، همچنین در بین پانزده مرتبه شیر خوردن باید شیر زن دیگری را نخورد، و در هر مرتبه باید بقدری بخورد که سیر شود و بنابر احتیاط دو دفعه بطور ناقص، نه دو دفعه حساب می شود و نه یک دفعه.

سؤال ۷۹۹. اگر زنی از شیر مربوط به یک شوهر چندین بچه را شیر دهد حکم محرمیت آنان چگونه است؟

جواب: هرگاه زنی از شیر مربوط به یک شوهر چندین بچه را شیر دهد همه آنان به یکدیگر و به شوهر و زنی که آنان را شیر داده محرم می شوند

سؤال ۸۰۰. هرگاه کسی دارای چند همسر است، هر کدام از آنان بچه ای را شیر کامل دهد؛ حکم محرمیت آنان چگونه می شود؟

جواب: آن بچه ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زنان محرم می شوند.

سؤال ۸۰۱. هرگاه زنی از شیر مربوط به یک شوهر پسر و دختری را شیر کامل دهد؛ حکم محرمیت آنان چگونه می شود؟

جواب: آنها به هم محرم می شوند، ولی خواهر و برادر آنها به یکدیگر محرم نمی شوند.

سؤال ۸۰۲. اگر زنی برادر کسی را شیر دهد به او محرم می شود؟

جواب: محرم نمی شود، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند.

سؤال ۸۰۳. هرگاه زنی دختر عمه یا دختر خاله کسی را شیر دهد به او محرم می شود؟

جواب: محرم نمی شود، ولی احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند.

سؤال ۸۰۴. مردی که دو همسر دارد اگر یکی از آن دو همسر، فرزند عمومی زن دیگر را شیر دهد زنی که فرزند عمومی او شیر خورده به شوهر خود حرام می شود؟
جواب: خیر، حرام نمی شود.

سؤال ۸۰۵. دختری از سنّ هفت ماهگی به بعد، به مدّت سه ماه و بطور متفرّقه، روزی يك بار یا دو بار، از زنی شیر خورده و در همین روزها از شیر مادر، یا از شیر خشک، یا آب قند، نیز استفاده کرده است و بعضی مواقع در طول این سه ماه، ۷ الی ۱۰ روز اصلاً از شیر آن زن استفاده نکرده است، آیا این دختر فرزند رضاعی آن زن محسوب می شود؟

جواب: در فرض مسأله، با توجّه به این که گوشت و استخوان آن کودک تا حدّی به وسیله شیر آن زن روییده است، فرزند رضاعی او محسوب می شود.

سؤال ۸۰۶. اگر زن و شوهری، کودکی را که سنّ او کمتر از ۲ سال است به فرزند خواندگی پذیرند، و زن با کمک و مشارکت شوهر، و با استفاده از روش خاصّی، پستان خود را شیردار سازد، و کودک را با چنین شیری به طور مستقیم (از پستان) در حدّ نصاب تعیین شده (۱۵ مرتبه کامل، یا به دفعات در طیّ يك شبانه روز به صورت تغذیه انحصاری) شیر دهد، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا به این طریق رابطه خویشاوندی رضاعی میان کودک و زوجین مورد اشاره محقّق می گردد؟
 ب) در صورتی که پاسخ سؤال اوّل منفی باشد، آیا رابطه مادر و فرزند رضاعی به صورت انحصاری میان مرضعه و مرتضع برقرار می شود؟

جواب: حکم رضاع در این مورد جاری نیست، و این مسأله از مسائلی است که در میان فقها کاملاً مشهور است، و مدارک معتبری دارد که شیر بدون ولادت، تأثیری در تحريم ندارد.

۲ کسانی که به واسطه شیر خوردن محرم می شوند

سؤال ۸۰۷. اگر کودکی را با رعایت شرایط شیر دهند به چه کسانی محرم می شود؟

جواب: الف) خود آن زن و او را «مادر رضاعی» می گویند.

ب) شوهر آن زن که شیر مربوط به اوست و او را «پدر رضاعی» گویند.

ج) پدر و مادر آن زن هر چه بالا روند، اگر چه پدر و مادر رضاعی او باشند.

د) بچه هایی که از آن زن به دنیا آمده اند یا به دنیا می آیند.

ه) بچه های اولاد آن زن هر چه پایین روند چه از اولاد او به دنیا آمده، یا اولاد او آنها را شیر داده

باشند.

و) خواهر و برادر آن زن اگر چه رضاعی باشند.

ز) عمو و عمّه آن زن اگر چه رضاعی باشند.

ح) دایی و خاله آن زن اگر چه رضاعی باشند.

ط) اولاد شوهر آن زن که شیر مربوط به اوست هر چه پایین روند، اگر چه اولاد رضاعی او باشند.

ی) پدر و مادر شوهر آن زن که شیر مربوط به آن شوهر است هر چه بالا روند.

ک) خواهر و برادر شوهری که شیر مربوط به اوست اگر چه خواهر و برادر رضاعی او باشند.

ل) عمو و عمّه و دایی و خاله شوهری که شیر مربوط به اوست هر چه بالا روند اگر چه رضاعی

باشند، همچنین عده دیگری که در مسائل بعد گفته می شود به واسطه شیر دادن محرم می شوند.

سؤال ۸۰۸. دختری را که زن شیر داده بر شوهر او حرام است؟

جواب: دختری را که زن شیر داده بر شوهر او حرام است؛ به شرط این که با آن زن نزدیکی کرده

باشد.

سؤال ۸۰۹. آیا انسان می تواند با مادر رضاعی زن خود ازدواج کند؟

جواب: خیر، نمی تواند با مادر رضاعی زن خود ازدواج کند زیرا به حکم مادر زن اوست.

سؤال ۸۱۰. اگر خواهری بچه های خواهر خود را شیر دهد، آیا این خواهر به شوهر خواهرش محرم می شود؟

در ضمن حکم فرزندان او چه خواهد بود؟
جواب: خواهری که شیر داده به پدر بچه شیرخوار محرم نمی شود، ولی فرزندان این خواهر با پدر بچه شیرخوار محرمند.

سؤال ۸۱۱. آیا نوه های مادر رضاعی بر شیرخوار محرم می باشند؟

جواب: آری، نوه ها بر شیرخوار محرم می باشند.

سؤال ۸۱۲. شخصی از خانمی، طبق شرایطی که در رساله های عملیه آمده، شیر خورده است. این زن پس از فوت همسرش، شوهر دیگری انتخاب نموده، و از هر دو شوهر دارای فرزندان است. لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا فرزندان که این خانم از هر دو شوهر دارد بر آن شخص محرم هستند؟

جواب: آری محرمند.

ب) آیا فرزندان که از شوهر دوم دارد، می توانند با فرزندان این شخص که از خانم مذکور شیر خورده، ازدواج نمایند؟

جواب: نمی توانند ازدواج کنند.

سؤال ۸۱۳. انسان با دختری که خواهر انسان یا زن برادر او از شیر مربوط به برادرش او را شیر کامل داده باشد محرم است؟

جواب: آری محرم است و نمی تواند با او ازدواج کند.

سؤال ۸۱۴. اگر خواهرزاده یا برادرزاده یا نوه خواهر یا نوه برادر شخصی به دختری شیر داده باشد

؛ آن دختر به این شخص محرم است؟

جواب: آری محرم است و نمی تواند با او ازدواج کند.

۳ احکام شیر دادن

سؤال ۸۱۵. هرگاه زنی بچه شیرخواری را با رعایت شرایط شیر دهد؛ آیا محدودیتی در ازدواج پدر آن بچه با اقوام زن ایجاد می شود؟

جواب: آری، پدر آن بچه نمی تواند با دخترهایی که از آن زن به دنیا آمده اند ازدواج کند و نیز بنا بر احتیاط واجب نمی تواند دختر شوهری را که شیر مربوط به اوست به ازدواج خود درآورد، بلکه احتیاط واجب آن است که با دخترهای رضاعی او نیز ازدواج نکند، ولی ازدواج با دخترهای رضاعی آن زن از شوهر دیگر مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۶. هرگاه زنی بچه ای را با رعایت شرایط شیر دهد شوهر آن زن که شیر مربوط به اوست به خواهرهای آن بچه محرم می شود؟

جواب: شوهر آن زن که شیر مربوط به اوست به خواهرهای آن بچه محرم نمی شود، ولی احتیاط مستحب آن است که با آنان ازدواج نکند.

سؤال ۸۱۷. هرگاه زنی بچه ای را با رعایت شرایط شیر دهد، خویشان شوهر با خواهر و برادر آن بچه محرم می شوند؟

جواب: خیر، محرم نمی شوند.

سؤال ۸۱۸. هرگاه زنی کودکی را شیر دهد به برادرهای آن بچه محرم می شود؟

جواب: هرگاه زنی کودکی را شیر دهد به برادرهای آن بچه محرم نمی شود.

سؤال ۸۱۹. هرگاه زنی کودکی را شیر دهد خویشان آن زن به برادر و خواهرهای بچه ای که شیر خورده محرم می شوند؟

جواب: خیر، محرم نمی شوند.

سؤال ۸۲۰. پسر می تواند با دختری که مادر یا مادر بزرگ او آن دختر را شیر کامل داده ازدواج کند؟

جواب: نمی تواند ازدواج کند.

سؤال ۸۲۱. اگر زن پدر انسان از شیر مربوط به پدر او دختری را شیر داده باشد پسر می تواند با آن دختر ازدواج نماید؟

جواب: نمی تواند با آن دختر ازدواج نماید.

سؤال ۸۲۲. زن می تواند بچه دختر خود را شیر دهد؟

جواب: احتیاط مستحب آن است که به او شیر کامل ندهد.

سؤال ۸۲۳. زن می تواند بچه ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد شیر دهد؟

جواب: احتیاط مستحب آن است که به او شیر کامل ندهد.

سؤال ۸۲۴. مانعی دارد که زن نوه پسری خود را شیر دهد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۸۲۵. اگر خانمی دختر برادر شوهر خود را شیر دهد آیا غیر از آن دختر، فرزندان دیگر دو

برادر می توانند با هم ازدواج کنند؟

جواب: آن دختری که شیر زن برادر را خورده نسبت به تمام فرزندان آن زن محرم است ولی سایر

فرزندان آن دو برادر می توانند با هم ازدواج کنند.

سؤال ۸۲۶. زن و شوهری به مسافرت رفته، و فرزند شیرخوار خود را به مادر آن زن می سپارند. او

از شیر خود يك ماه تمام به آن بچه شیر می دهد. با توجه به این که تمام شرایط نشر حرمت حاصل

شده، طبق فتاوی موجود، دامادش بر دخترش، نامحرم است، و باید از یکدیگر جدا شوند. لطفاً

بفرمایید:

اولاً: اگر مادر زن به کلی نسبت به این حکم جاهل بوده، چه صورتی دارد؟

ثانیاً: در فرض ایجاد حرمت، اگر دختر با شوهرش همبستر شود و فرزندی منعقد گردد، چه حکمی

دارد؟

جواب: طبق فتاوی اخیر ما این زن به شوهرش حرام نمی شود؛ هر چند خالی از کراهت نیست.

سؤال ۸۲۷. دختر بچه شیرخواری، شیر خاله خود را می نوشد؛ ولی نه به اندازه ای که باعث

حرمت شود. آیا می تواند با پسر خاله اش ازدواج کند؟

جواب: اگر به اندازه ای که باعث تحریم می شود، نخورده است، ازدواج آنها مانعی ندارد.

سؤال ۸۲۸. مرد می تواند بدون اذن همسر خود با خواهرزاده یا برادرزاده رضاعی زن خود ازدواج

کند؟

جواب: خیر، نمی تواند.

سؤال ۸۲۹. اگر شخصی با پسری (العیاذ باللّٰه) لواط کرده می تواند با دختر و خواهر مادر رضاعی

آن پسر ازدواج کند؟

جواب: احتیاط واجب آن است که ازدواج نکند.

سؤال ۸۳۰. مرد می تواند با دو خواهر اگرچه رضاعی باشند ازدواج کند؟

جواب: نمی تواند ازدواج کند.

سؤال ۸۳۱. اگر دو زن را عقد کند بعد بفهمد خواهر بوده اند، این عقدها چه حکمی دارد؟

جواب: عقد اولی صحیح و دومی باطل است و اگر عقد در يك وقت بوده هر دو باطل است.

سؤال ۸۳۲. اگر زن از شیر مربوط به شوهر خود کسانی را که در زیر گفته می شود شیر دهد

شوهرش بر او حرام می شود؟

الف) برادر و خواهر خودش را.

ب) عمو و عمّه و دایی و خاله خودش را.

ج) عمو زاده و دایی زاده خود را.

د) برادر زاده خود را.

ه) برادر شوهر یا خواهر شوهر خود را.

و) خواهر زاده خود، یا خواهر زاده شوهرش را.

ز) عمو و عمّه و دایی و خاله شوهرش را.

ح) نوه زن دیگر شوهر را.

جواب: شوهرش بر او حرام نمی شود، ولی بهتر است این کار را نکند.

۴ آداب شیر دادن

سؤال ۸۳۳. بهترین فرد برای شیر دادن به کودک کیست؟

جواب: هیچ کس برای شیر دادن فرزند بخت از مادر و سزاوارتر از او نیست.

سؤال ۸۳۴. مادر می تواند برای شیر دادن به کودک خود از شوهرش مزد بگیرد؟

جواب: بخت است مزدی از شوهر خود نگیرد، ولی حق دارد بگیرد.

سؤال ۸۳۵. اگر مادر بخواهد بیشتر از دایه مزد بگیرد شوهر می تواند بچه را از او گرفته به دایه

دهد؟

جواب: می تواند بچه را از او گرفته به دایه دهد.

سؤال ۸۳۶. آیا دایه باید شرایط خاصی داشته باشد؟

جواب: در روایات آمده است دایه ای را باید برای طفل انتخاب کرد که دارای عقل و ایمان و عفت و صورت نیکو باشد و از گرفتن دایه کم عقل یا غیرمؤمنه یا بدصورت و کج خلق یا زنازاده خودداری شود و همچنین از انتخاب دایه ای که بچه او از زنا به دنیا آمده و شیرش شیر زنازاده است پرهیز شود.

سؤال ۸۳۷. آیا در مورد مدت شیر دادن به کودک دستوری وجود دارد؟

جواب: مستحب است در صورتیکه ممکن باشد بچه را دو سال تمام شیر بدهند.

سؤال ۸۳۸. با توجه به این که هر طفل باید دو سال کامل از شیر مادر استفاده نماید، آیا شیر

دادن بعد از دو سال شرعاً اشکال دارد؟

جواب: حرام نیست.

مسائل متفرقه شیر دادن

سؤال ۸۳۹. آیا اشکالی دارد زن ها هر بچه ای را شیر دهند؟

جواب: خوب است از این کار بپرهیزند، زیرا ممکن است فراموش کنند به چه کسانی شیر داده اند و بعداً دو نفر محرم با یکدیگر ازدواج کنند، مخصوصاً در این ایام که با وجود امکان استفاده از شیر خشک و امثال آن، کمتر ضرورتی برای شیر دادن به بچه های دیگر وجود دارد.

سؤال ۸۴۰. آیا کسانی که به واسطه شیر خوردن با یکدیگر خویشاوند می شوند نسبت به یکدیگر از حقوقی برخوردار می شوند؟

جواب: مستحب است یکدیگر را احترام کنند، ولی حقوق خویشاوندی ندارند.

سؤال ۸۴۱. آیا کسانی که به واسطه شیر خوردن با یکدیگر خویشاوند می شوند از یکدیگر ارث می برند؟

جواب: خیر، از یکدیگر ارث نمی برند.

سؤال ۸۴۲. زن می تواند بدون اجازه شوهر بچه دیگری را شیر دهد؟

جواب: آری می تواند، به شرط آن که حق شوهر از بین نرود، ولی جایز نیست بچه ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن آن بچه نسبت به شوهر خود حرام شود.

سؤال ۸۴۳. در مسأله ۲۱۳۲ توضیح المسائل حضرتعالی آمده است: «هرگاه

مردی بخواهد زن برادرش به او محرم شود می تواند دختر شیرخواری را با اجازه ولی او به عقد موقت خود درآورد و در همان حال زن برادرش آن دختر را شیر کامل دهد، بعد از آن که شیر دادن تمام شد می تواند مدت عقد موقت را به او بیخشد» به نظر می رسد احتیاجی به قسمت اخیر مسأله نباشد؛ زیرا معقوده به عقد موقت با خوردن شیر کامل بر برادر حرام می شود و نیازی به بخشیدن مدت ندارد. آیا این مطلب درست است؟

جواب: درست است؛ قسمت اخیر مسأله زیاد است، و در چاپ های اخیر حذف شده است.

سؤال ۸۴۴. شیر دادنی که علت محرم شدن است چگونه ثابت می شود؟

جواب: به دو چیز ثابت می شود:

اول: خبر دادن عده ای که انسان از گفته آنها یقین پیدا کند.

دوم: شهادت دو مرد عادل یا چهار زن عادل، بلکه احتیاط واجب آن است که به شهادت يك مرد با يك زن هم اكتفا کند، ولی شاهد ها باید شرایط شیر دادن را هم بگویند، مثلاً بگویند ما دیده ایم که فلان بچه پانزده بار از پستان فلان زن با شرایطی که در مسأله ۲۱۱۶ رساله گفته شده شیر کامل خورده است و اگر بدانیم همه آنها شرایط را می دانند و در آن توافق دارند، شرح دادن آن لازم نیست.

سؤال ۸۴۵. هرگاه ندانند آیا کودک به مقداری که سبب محرم شدن است شیر خورده یا نه محرم بودن

او چه حکمی پیدا می کند؟

جواب: اگر ندانند، محرم بودن ثابت نمی شود و برای محرمیت باید یقین حاصل شود.

سؤال ۸۴۶. خوردن شیر همسر توسط شوهر چه حکمی دارد؟ اگر خوردن شیر از روی شهوت

باشد حکمش چیست؟

جواب: در هر حال اشکال ندارد.

بخش شانزدهم:

مسائل متفرقه ازدواج

بخش شانزدهم: مسائل متفرقه ازدواج

۱ معاشرت زن و شوهر

- سؤال ۸۴۷. دروغ گفتن به زن برای جلب محبت او چه حکمی دارد مثلاً بگویند: «امروز از صبح تا به حال يك لحظه از فکر تو بیرون نرفتم» و حال آن که چنین نباشد؟
 جواب: دروغ جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت.
- سؤال ۸۴۸. حکم توهین کردن زن به شوهر و بالعکس چیست؟
 جواب: هیچ کس حق توهین به دیگری را ندارد حتی زن و شوهر.
- سؤال ۸۴۹. آیا ادای وعده به زن واجب است؟
 جواب: بهتر این است که مسلمان همیشه به وعده خود وفا کند مگر در جایی که توانایی ندارد.
- سؤال ۸۵۰. منظور از عدالت میان همسران چیست؟
 جواب: منظور از عدالت آن است که بر طبق شعون آنها هرکدام متناسب حالش رفتار کند و عدالت همیشه به معنای مساوات نیست و در مورد حق القسم عدالت آن است که برای هرکدام یکی از چهار شب را قرار دهد.
- سؤال ۸۵۱. اگر مردی همسرش را به حجاب شرعی ملتزم نکند، آیا فاسق محسوب می شود؟
 جواب: اگر نهي از منکر را ترك کند فاسق است.
- سؤال ۸۵۲. آیا شوهر می تواند در مقابل دیگران عیوب زنش را بگوید و او را تحقیر کند اگر چه به شوخی باشد؟
 الف) در صورتی که زن ناراحت شود؟
 جواب: جایز نیست.
 ب) در صورتی که زن ناراحت نشود؟
 جواب: بهتر ترك است.
- سؤال ۸۵۳. اگر مردی به زنش تهمت ارتباط نامشروع بزند و نتواند ادعای خویش را در دادگاه صالحه اثبات نماید:

الف) آیا برای مرد جایز است دوباره با زن خویش ادامه زندگی دهد؟

جواب: اگر ادّعی رویت نکند می تواند بدون هیچ تشریفات با او ادامه زندگی دهد ولی به خاطر تهمت که به او زده است زوجه می تواند از حاکم شرع تقاضای حدّ قذف کند (حدّ آن ۸۰ تازیانه است) مگر این که زوجه او را ببخشد.

ب) آیا برای زن از لحاظ شرعی واجب است با همسرش ادامه زندگی دهد؟

جواب: آری لازم است ادامه زندگی دهد.

ج) آیا در این خصوص زن می تواند تقاضای طلاق نماید و به حقّ و حقوق خویش اعمّ از مهریه و

جهیزیه و دارایی های زندگی برسد؟

جواب: اگر شوهر راضی به طلاق شود اشکالی ندارد.

سؤال ۸۵۴. با توجه به این که زن و مرد شریک زندگی یکدیگرند آیا مرد می تواند بدون اذن زن

خود وجهی به دیگران بذل و یا کمک کند، همچنین آیا زن می تواند بدون اذن مرد از درآمد شوهر، ولو

به صورت صدقه، به کسی بذل و بخشش کند؟

جواب: مرد و زن هر کدام اختیاردار مال خویش هستند؛ و بدون رضایت دیگری حق تصرف در

مال او ندارند.

۲ محدوده پذیرش ادعای زن

سؤال ۸۵۵. اگر زن بگوید شوهر ندارم می توان حرف او را قبول کرد؟

جواب: می توان حرف او را قبول کرد به شرط آن که متهم نباشد.

سؤال ۸۵۶. اگر زن بگوید یائسه ام می توان حرف او را قبول کرد؟

جواب: قبول ادعای او اشکال دارد.

سؤال ۸۵۷. هرگاه با زنی ازدواج کند و کسی بگوید آن زن شوهر داشته ولی خود زن بگوید

نداشته ام، می توان ادعای زن را قبول کرد؟

جواب: هرگاه با زنی ازدواج کند و کسی بگوید آن زن شوهر داشته ولی خود زن بگوید نداشته ام و

شراً هم ثابت نشود باید حرف زن را قبول کرد، ولی اگر فرد مورد اعتمادی تصدیق کند که شوهر داشته

احتیاط واجب آن است که او را طلاق دهد.

* * *

۳ مفقود الاثر

سؤال ۸۵۸. اگر زنی یقین پیدا کند که شوهرش در سفر فوت کرده و عده وفات نگه دارد سپس شوهر کند، بعد شوهرش از سفر برگردد، تکلیف او چیست؟

جواب: هرگاه زنی یقین پیدا کند که شوهرش در سفر فوت کرده و عده وفات (به مقداری که در احکام طلاق گفته خواهد شد) نگه دارد سپس شوهر کند، بعد شوهرش از سفر برگردد باید از شوهر دوم جدا شود و به شوهر اول حلال است، ولی اگر شوهر دوم با او نزدیکی کرده باشد زن باید عده نگه دارد و احتیاط واجب آن است که شوهر دوم مهر او را مطابق آنچه با او قرار داده پردازد و اگر مهرالمثل بیشتر است آن را پردازد.

سؤال ۸۵۹. اگر زنی شوهرش به جبهه رفته و بگویند شهید شده، زن به همین واسطه خلاف میل باطنی با دیگری ازدواج کند و پس از سال ها شوهر برگردد حکم چیست؟

جواب: زن به شوهر اول باز می گردد و اگر فرزندی از شوهر دوم پیدا کرده حلال زاده است

سؤال ۸۶۰. اگر شوهر زنی به مسافرت برود و برنگردد و مردم بگویند که مرده و بعد از ۷ سال ازدواج کند و بعد از مدتی شوهر سابقش برگردد، تکلیف چیست؟

جواب: اگر صیغه طلاق خوانده نشده، متعلق به شوهر اول است و عده وطی به شبهه دارد.

۴ دیگر مسائل مربوط به زن و شوهر

سؤال ۸۶۱. آیا زوج می تواند طلاهایی را که برای زوجه اش در زمان عقد یا عروسی یا پس از آن خریده و تحویل او داده است و معلوم نیست که قصد تمليك داشته یا نه؟ و نیز وضعیت هبه آن نامعلوم است، هرچند احتمال هبه در قبال اعمال مشروع غیر از استمتاع زیاد است، استرداد نماید؟

جواب: ظاهر کار این است که آنها را به او بخشیده شده است؛ ولی بازپس گرفتن آن مادامی که اصل آن موجود باشد جایز است؛ اما اگر آن را تبدیل کرده شوهر نمی تواند آن را بازپس بگیرد.

سؤال ۸۶۲. من در قم مشغول دروس حوزوی می باشم، زن و فرزندم در افغانستان تحت سرپرستی پدر و مادرم می باشند. می خواهم آنها را نزد خودم بیاورم؛ اما پدر و مادرم از شدت علاقه ای که به نوه هایشان دارند اجازه این کار را نمی دهند، وظیفه من و پدر و مادرم چیست؟

جواب: شما شرعاً می توانید آنها را نزد خود بیاورید؛ ولی بهتر این است که سعی کنید پدر و مادر را نیز راضی کنید.

سؤال ۸۶۳. اگر شخصی دختری را به عقد شرعی خود درآورد، و به دلایلی ازدواج به فسخ یا طلاق منجر شود، آیا مرد شرعاً مکلف است این مطلب را به اطلاع خانم دیگری که می خواهد با او ازدواج کند برساند؟

جواب: ضرورتی ندارد.

سؤال ۸۶۴. اینجانب در نظر دارم موسسه ای «فرهنگی، اجتماعی» در خصوص همسر یابی جوانانی که به سنّ ازدواج رسیده اند، تأسیس نمایم. و با توجه به شرایط، موقعیت و سنّ و سال متقاضیان ازدواج، همسر مورد علاقه و مطلوبشان را به آنها معرفی نموده، و به این وسیله به جامعه و مردم خدمت کنم. همان طور که مستحضرید اخیراً آمارهای صادره از مراجع ذی صلاح، بیانگر افزایش طلاق در سنوات اول ازدواج است. و بدون هیچ گونه شك و تردیدی، عدم شناخت زوجهای جوان از یکدیگر، و تن دادن به ازدواجهای ناآگاهانه و ناخواسته، سبب شکست و ناکامی جوانان گردیده، و ادامه این روند سبب ورود ضرر و زیان های جبران ناپذیری به بنیادهای فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی خواهد شد. آیا تأسیس چنین موسساتی از نظر شرع انور اسلام جایز است؟

جواب: تا آن جا که اطلاع داریم تاکنون افراد یا گروه های متعددی اقدام به این کار کرده اند. بعضی موفق بوده، و بعضی با مشکلات مواجه شده اند، ولی به هر حال اگر این کار زیر نظر افراد

مطمئن، و با رعایت تمام شئونات اسلامی، و اخذ مجوز از مقامات ذی صلاح صورت گیرد، کار خوبی است، و ممکن است جلوی بسیاری از مشکلات ازدواجها را بگیرد. اما با توجه به ظرافت و حساسیت های مسأله، نیاز به برنامه ریزی دقیق دارد.

سؤال ۸۶۵. من با جعل مدارك خود را سید معرفی و به خواستگاری دختری که سیده بود رفتم و با او ازدواج کردم. فرزندی هم داریم الان، چون خانواده آنها به غیرسید زن نمی دادند من این کار را کردم حالا پشیمانم و تکلیف من چیست؟

جواب: از گناه خود جدا توبه نموده و دیگر نام سید بر خود نگذارید ولی ازدواج شما فعلا مانعی ندارد.

سؤال ۸۶۶. آیا شوهر دائمی در رابطه با قیمومت زوجه خود که دچار جنون ادواری، یا دائم شده، نسبت به پدر، جد پدری، مادر، و سایر اقارب زوجه، اولویت دارد؟

جواب: اولیتی ندارد.

* * *

۵ اختلافات زوجین

سؤال ۸۶۷. در صورت اختلاف زن و شوهر در وقوع و عدم وقوع طلاق، قول کدام يك مقدم است؟

جواب: در صورتی که بینة شرعیة بر طلاق نباشد، قول منکر طلاق مقدم است.

سؤال ۸۶۸. در صورت اختلاف زن و مرد در وقوع عقد نکاح، قول کدام يك مقدم است؟

جواب: در صورت نبودن بینة شرعیة یا قرائن قطعیه، قول منکر نکاح مقدم است.

سؤال ۸۶۹. در صورت اختلاف زوجین در دائم یا منقطع بودن عقد نکاح، قول کدام يك مقدم است؟

جواب: قول مدعی عقد موقت مقدم است؛ ولی احتیاط آن است که در پایان مدت، صیغه طلاق نیز جاری گردد.

سؤال ۸۷۰. در صورت اختلاف زوجین در مورد وقوع و عدم وقوع نزدیکی، قول کدام يك مقدم است؟ توضیح این که زوجین بعد از عقد نکاح، قصد جدایی از هم را دارند، و زوجه مدعی است که به واسطه نزدیکی، مستحق کل مهریه است، و زوج با ادعای عدم نزدیکی، زوجه را مستحق نصف مهریه می داند. حق با کیست؟

جواب: قول عدم نزدیکی مقدم است (البته با قَسَم)، مگر این که مدتی بدون مانع با هم خلوت داشته باشند، که ظاهر حال موقعه باشد.

سؤال ۸۷۱. در صورت اختلاف زوجین، در این که رجوع صورت گرفته یا خیر، قول کدام يك مقدم است؟

جواب: قول منکر رجوع، مقدم است.

سؤال ۸۷۲. در صورت اختلاف زوجین در این که رجوع در زمان عدّه صورت گرفته یا بعد از آن، قول کدام يك مقدم است؟

جواب: قول زوجه مقدم است.

سؤال ۸۷۳. در صورت اختلاف بین زن و مرد در مورد این که عقد نکاح سابق به قوت خود باقی است، یا به علل شرعی مانند طلاق و فسخ، زوجیت خاتمه یافته، قول کدام يك مقدم است؟
جواب: قول مدعی بقای زوجیت، مقدم است.

سؤال ۸۷۴. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:
 الف) اگر بخشی از مهریه زنی سه دانگ خانه بوده که به مبلغ صد میلیون ریال تقویم شده باشد، و مرد زمینی به همین مبلغ، یا بیشتر، بخرد و خانه ای در آن بنا کند، آیا در خصوص این بخش از مهریه زن برائت حاصل کرده است؟

ب) اگر بین زن و مرد اختلاف شود، و مرد مدعی باشد که زمین ساختمان را بابت مهریه زوجه تسلیم نموده، و زن مدعی شود که تحت عنوان هبه دریافت کرده، قول کدام يك مقدم می شود؟
 ج) در فرض بالا کدام يك باید دلیل و بینه ارائه دهد؟

د) اصولاً کسی که مالی به دیگری می دهد، ظهور در تبرع دارد یا عدم تبرع؟
 ه) اگر ثابت شود خانه ای که زوج ساخته، و به زن تسلیم کرده، و سند را هم به نام زوجه نموده، حداقل سه برابر مبلغی است که مرد موقع اجرای صیغه عقد نکاح به عنوان بخشی از مهریه متعهد شده، آیا مرد مجاز است با بخش دیگری از مهریه زوجه، مثلاً وجه رایج، یا طلا و سکه مقدار اضافی را تحاتر نماید؟ یعنی آیا تعهدات دیگر زوج راجع به سایر ارقام مهریه در حد ارزش اضافی خانه ساقط می شود؟
 و) اگر تحاتر نمی شود، آیا زوج حق دارد به اعتبار این که به زوجه بدهکار نبوده، از مالی که به زوجه داده و تصور می کرده بابت دین خود داده، رجوع و آن را مطالبه و مسترد کند؟

جواب: در صورتی که خانه را با مشخصاتی که در مهریه اشاره شده تهیه، و به عنوان مهریه به زن تحویل دهد برائت ذمه از این نظر حاصل شده است. و ادعای زن در مورد هبه بودن قبول نیست؛ مگر این که اقامه بینه شرعی کند. از این گذشته، در فرض هبه بودن، مرد حق رجوع در هبه را دارد (مگر این که زن و شوهر خویشاوند همدیگر باشند). و در صورتی که قیمت خانه زائد بر مقدار توافق در مهریه باشد، اضافه را می تواند (در صورت موافقت زوجه) بابت بقیه حساب کند. و در صورت عدم موافقت زوجه می تواند اضافه را باز پس بگیرد؛ (مشروط بر این که مصالحه ای بر کل خانه انجام نشده باشد).

سؤال ۸۷۵. شوهر زنی سه سال و نیم قبل فوت کرده، و از آن تاریخ تاکنون ادعایی در مورد دائمی بودن عقد ازدواج نداشته، بلکه قرائنی هم بر موقت بودن ازدواج ایشان وجود دارد. اخیراً مدعی دائمی بودن ازدواج خود با آن مرحوم شده است، ولی همسر اول و دائمی مرحوم منکر دائمی بودن رابطه زوجیت مدعی است. اگر قرار باشد که صحت و سقم موضوع با سوگند شرعی اثبات شود، قسم را

باید همسر موقت که مدعی دائمی بودن است یاد کند، یا قسم متوجه همسر دائمی است که منکر ادعای مدعی است؟

جواب: همسر مدعیه باید برای اثبات ادعای خود بینه شرعیه اقامه کند، و قسم کافی نیست، و منکر باید سوگند یاد کند که او همسر دائمی نیست.

سؤال ۸۷۶. مردی همسرش را با میل خودش به سفر حج تمتع برده و بعداً به علت عدم سازش او را طلاق داده است، بعد از مدتی با پیشنهاد زوجه و با مهریه «مسافرت مکه معظمه و سفر کربلا در صورت امکان» ازدواج کردند که این ازدواج نیز به طلاق منجر شد و در مورد مهر بین آنها اختلاف شده است، در این مورد سؤالاتی مطرح می باشد:

(الف) چون زوج قبلاً همسرش را به سفر حج تمتع برده لذا در موقع عقد مجدد نیت او از مسافرت مکه معظمه، سفر عمره بوده است، اکنون زوجه ادعای حج تمتع دارد؛ از آن جا که در عقدنامه چیزی جز کلمه مسافرت مکه قید نگردیده وظیفه او چیست؟

جواب: می تواند او را به حج تمتع یا عمره ببرد.

(ب) هزینه سفر مکه بر چه اساس و معیاری تعیین می گردد؟

جواب: بر اساس قیمت سازمان حج و زیارت می باشد.

(ج) آیا شرط امکان در این جمله: «مسافرت مکه معظمه و سفر کربلا در صورت امکان» شامل مکه و کربلا هر دو می شود؟ آیا مهریه مذکور، فقط در دوران زناشویی لازم الاجرا می باشد یا بعد از آن هم معتبر است؟

جواب: شرط امکان در هر دو مورد است و منظور این است که موانعی بر سر این راه نباشد، و زوج در هر صورت باید به آن عمل کند، و اگر از هم جدا شدند وسایل این سفر را برای زوجه فراهم کند.

سؤال ۸۷۷. شوهرم بدون اجازه من پول مرا به دخترش که از زن اول اوست، جهت تهیه جهیزه داده است. استفاده کردن از این جهیزه برای آن دختر و شوهرش چه حکمی دارد؟ لازم به تذکر است که آن دختر و شوهرش از راضی نبودن من اطلاع ندارند. البته قبلاً خودم جهیزه برای این دختر جمع آوری کرده بودم، ولی الان راضی نیستم؛ اما شوهرم می گوید: «همان اجازه قبلی را عمل کرده ام و جهیزه را به دخترم داده ام».

جواب: تصرف آن زن و شوهر در جهیزیه ای که بدون رضایت شما تهیه شده جایز نیست. و اگر قبلاً نمی دانسته اند باید بعد از اطلاع و آگاهی تصرف نکنند و اگر جهیزیه ای با میل خودتان قبلاً داده اید و هنوز موجود است می توانید بازپس بگیرید.

سؤال ۸۷۸. مردی با زنی ازدواج می نماید، در حالی که زن، در کرمان و مرد در یزد شاغل بوده است و هر دو با علم و اطلاع از شغل و محل کار همدیگر ازدواج نموده اند، حال مرد می گوید: «چون اختیار مسکن با من است باید به یزد بیایی» و زن می گوید: «اگر بخواهم به یزد بیام شغل و سابقه ده ساله خدمتم از دست می رود، تو زمانی که با من ازدواج کردی می دانستی که من در کرمان شاغل هستم، لذا بنای ازدواج بر کار کردن در کرمان بوده است، پس من با تو نمی آمم». آیا حق با مرد است یا با زن؟

جواب: اگر طرفین از وضع یکدیگر آگاه بوده اند و عرف و عادت محل بر پیروی زن در چنین موردی از مرد نباشد، راهی جز توافق و تراضی طرفین بر محل سکونت نیست.

سؤال ۸۷۹. شوهرم پس از بیست سال زندگی مشترک و با داشتن دو فرزند، بدون اجازه این جانب، همسر دومی اختیار نموده که باعث پاشیدگی زندگی مشترکمان شده، و از آن تاریخ اصلاً رعایت عدالت را در هیچ زمینه ای ننموده است. يك بار که شوهرم در منزل همسر دومی بود به آن جا رفتم که مشاجرۀ لفظی کوتاهی بین من و همسر دوم او اتفاق افتاد، بدین جهت شوهرم مرا نزد همسر دومی به شدت کتک زد که منجر به خونریزی بینی گردید و از آن روز به بعد به ناچار در منزل پدرم به سر می برم، زیرا در منزل خودم احساس امنیت نمی کردم. اکنون همسر شرط بازگشت به زندگی و شروع مجدد آن را منوط به عذرخواهی از همسر دوم می داند و می گوید: «باید از آن کتککاری نیز بگذری».

این امر موجب از بین رفتن غرور من نزد فامیل و فرزندانم می باشد، وظیفه من چیست؟

جواب: چنانچه شما به همسر دوم اهانت کرده اید وظیفه شما این است که حلیت بطلبید؛ ولی شوهر شما نمی تواند بازگشت به زندگی را مشروط به این کار کند و اگر شوهر شما، شما را زده و مجروح کرده، باید دیه بدهد یا از شما حلیت بطلبد و محیط امن و امانی را برای زندگی شما فراهم سازد و بدانید این گونه مشکلات جز با مدارا کردن طرفین و عفو و گذشت و رعایت اصول عدالت، حل نخواهد شد.

۶ حکمین

سؤال ۸۸۰. در صورتی که به علل ذیل بین زوجین اختلاف باشد، آیا تعیین حکمین لازم است؟
الف) مدّت مدیدی زوج نفقه همسر خود را پرداخت نمی کند و اخذ نفقه از طریق دادگاه نیز ممکن نمی باشد.

ب) عسر و حرج زندگی زوجه با همسر خود از نظر دادگاه ثابت شده است.

ج) طلاق از ناحیه زوجه مطالبه شده؛ ولی زوج موافقت نمی کند.

د) زوج مفقودالامر است و مدّت مقرر از طرف دادگاه منقضی شده است.

جواب: در مسأله حکمیت ظاهر آیه شریفه وجوب است و بسیاری از فقها نیز از آن همین را فهمیده اند و دلیل بر خلاف آن نیست، بنابراین در موردی که امید اصلاح هست حداقل احتیاط واجب عدم ترك آن است.

سؤال ۸۸۱. در مورد حکمین لطفاً به سؤال های زیر پاسخ دهید:

الف) در اختلاف شدید بین زوجین، آیا جایز است از غیر بستگان خود داوری برگزینند؟
جواب: اشکال ندارد.

ب) اگر داور منتخب (که غیر از بستگان است) نسبت به زندگی زن و شوهر ناشناس، بی اطلاع و حتی بی ارتباط باشد انتخاب او چه حکمی دارد؟
جواب: باید او را مطلع کنند.

ج) بر فرض که داور از غیر بستگان زوجین باشد، و زن یا شوهر نسبت به رفتارهای خلاف شرع یکدیگر اعتراض داشته باشند، آیا می توانند با چنین داوری مطرح کنند؟

جواب: به هر حال داور باید از آنچه دخالت در داوری دارد آگاه شود.

د) آیا داور غیر فامیل موجب مخدوش شدن حرمت خانواده ها نمی گردد؟

جواب: اگر داور فرد امینی باشد اشکال ندارد.

ه) آیا این اقدام، منطبق با اخلاق اسلامی است؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۸۸۲. این جانب فرزانه، مدّت پنج سال است به عقد شخصی به نام اسماعیل درآمده ام. ایشان در این مدّت هیچ گونه سازشی با من نداشته، بلکه مرا بازیچه دست خود قرار داده است، به همین جهت در این مدّت فقط چند ماه در خانه ایشان بودم و بقیه مدّت را در منزل پدرم، بدون هیچ گونه خرج و مخارجی، بلا تکلیف مانده ام. ایشان نه حاضر است با من زندگی کند و نه حاضر است مرا طلاق بدهد و مرا از حقّ شرعی ام محروم نموده است. شکایت هم کرده ام و مدّت دو سال است که کارمان به دادگاه کشیده است؛ ولی به دلیل حيله بازی ایشان هنوز تکلیفم را مشخص نکرده اند. ایشان یا در دادگاه حاضر نمی شود و یا وقتی که حاضر می شود به خاطر این که مهریه ام را نپردازد، می گوید: «من همسر را می خواهم» و به محض این که از دادگاه خارج می شوم، همه چیز را زیر پا می گذارد و می گوید: «به هیچ وجه حاضر به زندگی با تو نیستم و تنها در صورتی که از مهریه ات بگذری و جهیزیه ات را نیز به من ببخشی، حاضر تو را طلاق بدهم» لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) تکلیف من چیست؟

جواب: طبق دستور قرآن يك نفر از طرف شما و يك نفر از طرف شوهرتان حکم می شود، تا درباره کار شما تصمیم بگیرند، هرگاه شوهر نه راضی به زندگی شود و نه راضی به طلاق، حاکم شرع می تواند شما را در مقابل بذل مختصری، طلاق خُلع بدهد و مهریه را از شوهرتان بگیرد.

ب) او نه حاضر به سازش و نه حاضر به طلاق بوده و با این وجود من بارها به منزل ایشان مراجعت کردم و سعی نمودم نگذارم زندگی ام از هم پاشد و موجب آبروریزی شود، ولی او هیچ گونه اعتنایی نمی کند. آیا بنده در این صورت مستحقّ نفقه خواهم بود؟

جواب: در فرض مسأله بالا، شما مستحقّ نفقه خواهید بود.

سؤال ۸۸۳. در موضوع اختلاف زن و شوهری که حضرت امام (قدس سره) احتیاط داشتند در تعیین حکمین، که نظر مبارك حضرت عالی هم همین است، اگر زن از شوهر خود تقاضای طلاق کند با این که شرعاً و قانوناً اختیار طلاق با مرد است (مگر موارد استثنایی) آیا در چنین موردی نیز احتیاج به تعیین حکمین است؟ چون اگر زوج راضی به طلاق نباشد حکم نمی تواند کاری بکند و نتیجه ندارد و در موارد استثنایی مانند ترك نفقه و عدم امکان اخذ نفقه زوجه از زوج، که دادگاه می تواند اقدام به طلاق کند آیا در چنین موردی تعیین داور لازم است یا خیر؟

جواب: حکمیت طبق ظاهر قرآن مجید مربوط به مواردی است که اختلاف شدید میان زن و مرد پیدا شده و ممکن است منجر به جدایی یا مطالب ناگوار دیگر شود در این جا حاکم شرع دو حکم برای رسیدگی به کار آنها تعیین می کند و حکمین در صورتی می توانند حکم به جدایی دهند که این امر از سوی زوجین به آنها محوّل شده باشد که هر چه را صلاح دیدند عمل کنند حتی طلاق.

* * *

بخش هفدهم:

شرایط احکام طلاق

بخش هفدهم: شرایط احکام طلاق

۱ بلوغ و عقل و اختیار

سؤال ۸۸۴. آیا مردی که زن خود را طلاق می دهد باید عاقل و بالغ باشد؟

جواب: مردی که همسر خود را طلاق می دهد باید عاقل و بنابر احتیاط واجب بالغ باشد.

سؤال ۸۸۵. اگر مردی از روی اجبار زن خود را طلاق دهد، طلاق صحیح است؟

جواب: مرد باید به اختیار خود طلاق دهد بنابراین طلاق از روی اجبار باطل است.

سؤال ۸۸۶. اگر مردی به شوخی صیغه طلاق را بگوید، عقد باطل می شود؟

جواب: برای طلاق باید قصد جدی داشته باشد، بنابراین اگر صیغه طلاق را به شوخی بگوید

صحیح نیست.

سؤال ۸۸۷. اگر زنی شرط کرده باشد که در صورتی که شوهرش همسر دیگری اختیار کند وکالت در

طلاق داشته باشد آیا در صورتی که شوهر به خاطر ناسازگاری زن، همسر دومی اختیار کند باز هم

همسر اول وکیل در طلاق است؟

جواب: ظاهر این است که این شرط از چنین صورتی منصرف است، زیرا هدف از این شرط، این

بوده که به همسر اول قناعت کند حال اگر همسر اول با پشت پا زدن به زندگی زناشویی مرد را در

بلا تکلیفی گذاشته، جایی برای تأمین آن شرط باقی نمی ماند یعنی زن وکالت در طلاق نخواهد داشت.

سؤال ۸۸۸. آیا طلاق به مجرد ادعای شوهر و این که بگوید: من او را مطلقه نموده ام ثابت

می شود؟ به گونه ای که زن حق ازدواج داشته باشد و نفقه ساقط شود، یا این که باید با شهادت دو

عادل باشد؟

جواب: فقها در این مورد اختلاف دارند، مرحوم محقق قمی در جامع الشّاتات و محقق یزدی در

ملحقات عروه مشروحاً بحث کرده اند و از مجموع ادلّه ظاهر می شود که طلاق به مجرد ادعای زوج خالی

از اشکال نیست، بلکه باید بینه ای بر آن قائم شود.

سؤال ۸۸۹. زن و مردی ازدواج کرده اند و مرد معترف به ازدواج هست ولی ادعا می کند در

حضور عدّه ای، که آنها را عادل می دانسته ام ولی امکان اثبات عدالت آنها ممکن نیست صیغه طلاق

را جاری کرده ام و معلوم نیست که خود صیغه طلاق صحیح بوده یا خیر، چون زوج روحانی نیست اما سواد فارسی دارد و می گوید از روی رساله صیغه طلاق را جاری کرده ام، آیا چنین طلاقى که اصل آن محرز است ولی از نظر صحّت معلوم نیست، صحیح است؟

جواب: ادّعاى طلاق مزبور ظاهراً مسموع است.

* * *

۲ عدالت شهود و صیغه عربی

سؤال ۸۹۰. آیا می توان صیغه طلاق را به فارسی خواند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب باید صیغه طلاق به عربی صحیح خوانده شود.

سؤال ۸۹۱. آیا لازم است افرادی به عنوان شاهد هنگام خواندن صیغه طلاق حاضر باشند؟

جواب: آری، واجب است دو مرد عادل آن را بشنوند.

سؤال ۸۹۲. صیغه طلاق به عربی چگونه است؟

جواب: اگر خود شوهر بخوهد صیغه طلاق را بخواند و اسم زن او مثلاً فاطمه است می گوید:

«زَوْجَتِي فَاطِمَةَ طَالِقٌ» (یعنی همسر فاطمه از همسری رهاست) و اگر دیگری را وکیل کند آن وکیل

باید بگوید: «زَوْجَهُ مُوَكَّلِي فَاطِمَةَ طَالِقٌ» (یعنی همسر موکل من رهاست).

سؤال ۸۹۳. آیا در طلاق، عدالت دو شاهد در نظر زوج کافی است؟

جواب: بله، عدالت دو شاهد در نظر زوج مادام که یقین برخلاف آن نباشد کافی است.

سؤال ۸۹۴. شخصی می خواهد زن خود یا زن دیگری را طلاق دهد، در شهری که ساکن است،

عادل به آن معنایی که فقها عظام فرموده اند نیست مگر بعضی از اشخاصی که شخص مطلق نه به

چشم خود از آنها معصیتی دیده و نه از دیگران شنیده که تا حال معصیتی کرده باشند و در شهرهای

مجاور هم اشخاص عادل را نمی شناسد و از طرفی هم به ناچار باید این طلاق واقع شود بفرمایید آیا نزد

همان اشخاص فوق الذکر که مورد وثوق و حسن ظن هستند می تواند اجرای طلاق کند؟

جواب: همین گونه افراد برای شهود طلاق کافی هستند و عادل محسوب می شوند.

سؤال ۸۹۵. آیا پسران زن و شوهر می توانند به عنوان شهود طلاق والدین خود باشند؟

جواب: اگر پسران او بالغ و عادل باشند، می توانند شهود طلاق شوند.

سؤال ۸۹۶. در مورد طلاق اهل تسنن شنیده شده است که آنها، مخصوصاً شافعی ها، صیغه طلاق

جاری نمی کنند؛ بلکه به صرف اراده جدایی و لفظ «تو مطلقه ای» اکتفا می کنند، آیا صحّت دارد؟

آیا حضور شاهدین عدلین را لازم نمی دانند؟

جواب: طلاق اهل تسنن اگر واجد شرایط شرعیه، مانند شاهدین عدلین، نباشد در مورد شیعیان

کفایت نمی کند؛ ولی درباره خودشان اگر چنین طلاقی دارند از باب قاعده الزام طلاقشان مقبول است

و مشهور در میان آنان عدم اعتبار شاهدین است؛ بلکه شیخ در «خلاف» اجماع فقهای اهل سنت را بر عدم اعتبار شاهدین ادعا می کند.

سؤال ۸۹۷. زن و شوهری ایرانی و شیعه پس از چند سال زندگی مشترک، در ایران از یکدیگر طلاق گرفته. سپس هردو به استرالیا هجرت کرده و پس از ۵ سال مجدداً با یکدیگر ازدواج می کنند. بجز این ازدواج يك نفر سنی بوده که در عرف ایرانیان مقیم «سیدنی» به عنوان وکیل ازدواج شرعی معروف بوده و هست. پس از ازدواج دوباره از یکدیگر طلاق می گیرند، لیکن این بار طلاق مدنی بوده (مطابق قوانین استرالیا) و طلاق شرعی انجام نشده است. بعد از دو سال توسط همان عاقد با مرد دیگری ازدواج نموده و اکنون باردار است. زن اخیراً مطلع شده که طلاق استرالیایی او از شوهر اولش از نظر شرعی معتبر نیست و لذا ازدواج با شوهر دوم نیز دچار اشکال است. ایشان اظهار می دارد مطلقاً تصوّر نمی کرده که طلاق دادگاه استرالیایی بدون اعتبار باشد؛ خصوصاً که وکیل فوق الذکر، ازدواج مجدد ایشان را با همسر دوم اجرا کرده است. اکنون زن و همسر دومش بسیار نگرانند، حلّ مشکل آنها چگونه است؟

جواب: با توجه به این که طلاق فاقد شرایط شرعی، یعنی حضور دو شاهد عادل بوده، باطل است و زن در عقد شوهر اول است و حتی اگر از شوهر اول طلاق شرعی بگیرد، ازدواج او با شوهر دوم مشکل است؛ مگر این که ثابت شود ازدواج دوم زن با شوهر اول باطل بوده است، در این صورت مشکلی با شوهر دوم ندارد.

سؤال ۸۹۸. در مورد عدالت دو شاهد هنگام اجرای صیغه طلاق، هرگاه بجز صیغه، اعتقاد به عدالت و دیگران علم به فسق شهود داشته باشند، آیا طلاق صحیح است؟

جواب: برای آنها که علم به فسق شهود ندارند کافیست.

سؤال ۸۹۹. آیا عدم علم شاهد به فسق خودش در شهادت بر طلاق معتبر می باشد؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۹۰۰. آیا عدالت، که در شهود طلاق شرط است، شرط واقعی است یا شرط علمی و ظاهری؟ به تعبیر دیگر، هرگاه پس از اجرای صیغه طلاق، علم به فسق شاهدین پیدا کنیم، در حالی که به هنگام طلاق آنها را عادل می پنداشتیم، طلاق واقع شده چه حکمی دارد؟

جواب: طلاق مزبور صحیح است.

سؤال ۹۰۱. هرگاه کسی دو نفر را عادل بداند و زن خود را پیش آنها طلاق دهد، دیگری که آنان

را عادل نمی داند، میتواند آن زن را برای خود یا دیگری عقد کند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب نباید آن زن را برای خود یا دیگری عقد کند، ولی اگر شك در عدالت آنها داشته مانعی ندارد.

* * *

۳ پاک‌ی از حیض و نفاس و عدم آمیزش

سؤال ۹۰۲. آیا پاك بودن زن از حیض و نفاس در طلاق شرط است؟

جواب: زن باید هنگام طلاق از خون حیض و نفاس پاك باشد و نیز شوهرش در آن پاک‌ی با او نزدیکی نکرده باشد و اگر در حال حیض و نفاس که پیش از این پاك بوده با او نزدیکی نموده باشد بنا بر احتیاط، طلاق کافی نیست، بلکه باید دوباره عادت شود و پاك گردد.

سؤال ۹۰۳. هرگاه زن را از خون حیض پاك می دانسته و طلاقش داده، بعد معلوم شود که هنگام

طلاق در حال حیض بوده طلاق او صحیح است؟

جواب: طلاق او باطل است.

سؤال ۹۰۴. اگر زن را در حال حیض بدانند و طلاق دهد، بعد معلوم شود پاك بوده، آیا طلاق او

صحیح است؟

جواب: آری، طلاق او صحیح است.

سؤال ۹۰۵. هرگاه کسی می داند همسرش در حال حیض یا نفاس بوده اگر غایب شود، مثلاً

مسافرت کند و نتواند از حالش باخبر شود، چگونه او را طلاق دهد؟

جواب: باید تا مدتی که معمولاً از حیض یا نفاس پاك می شود صبر کند.

سؤال ۹۰۶. هرگاه با همسرش نزدیکی کرده، چگونه می تواند او را طلاق بدهد؟

جواب: باید صبر کند حیض ببیند و پاك شود، ولی اگر باردار باشد می تواند بعد از نزدیکی کردن

بلافاصله او را طلاق دهد، همچنین اگر یائسه باشد.

سؤال ۹۰۷. هرگاه با همسرش که از حیض و نفاس پاك بوده نزدیکی کند سپس مسافرت نماید و

راهی برای تحقیق از حال زن نباشد، چگونه او را طلاق دهد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که حداقل يك ماه صبر کند و بعد طلاق دهد.

سؤال ۹۰۸. زنی که به واسطه بیماری یا غیر آن عادت ماهانه نمی بیند چگونه او را طلاق دهد؟

جواب: باید از زمانی که با او نزدیکی کرده تا سه ماه از نزدیکی خودداری کند و بعد او را طلاق دهد.

سؤال ۹۰۹. آیا ازدواج موقت طلاق دارد؟

جواب: ازدواج موقت طلاق ندارد، هر زمان مدّتش تمام شود یا مرد مدّت را به او ببخشد از قید همسری او رها می شود و پاک بودن از عادت ماهانه و همچنین شاهد گرفتن لازم نیست.

سؤال ۹۱۰. این که طلاق باید در طهر واقع شود، آیا باید زن غسل هم کرد هر باشد، یا پاک شدن

از حیض کافی است؟

جواب: غسل لازم نیست.

* * *

۴ استثنائات

سؤال ۹۱۱. طلاق دادن در حال حیض یا نفاس در چه صورت صحیح است؟

جواب: طلاق دادن در حال حیض یا نفاس در سه صورت صحیح است:

الف) شوهر بعد از ازدواج مطلقاً با او نزدیکی نکرده باشد.

ب) باردار باشد.

ج) زن غایب باشد و مرد نتواند یا برایش مشکل باشد که پاك بودن زن را بفهمد.

سؤال ۹۱۲. شخصی می خواهد همسر خود را که دوشیزه و غیر مدخوله می باشد، طلاق بدهد؛

آیا در این طلاق شرط است که زوجه از حیض پاك باشد؟

جواب: در زوجه غیر مدخوله، خالی بودن از حیض شرط نیست.

سؤال ۹۱۳. هر گاه زنی به خاطر شیر دادن بچه، عادت ماهانه نبیند، تکلیف او برای طلاق

چیست؟

جواب: بعد از آخرین نزدیکی سه ماه صبر می کند، سپس صیغه طلاق جاری می شود، و پس از

آن عده سه ماه نگه می دارد.

سؤال ۹۱۴. اگر همسر مردی باردار باشد و با او نزدیکی کند، می تواند بلافاصله او را طلاق

بدهد؟

جواب: آری؛ اگر باردار باشد می تواند بعد از نزدیکی کردن بلافاصله او را طلاق دهد.

سؤال ۹۱۵. اگر همسر مردی یائسه باشد و با او نزدیکی کند، میتواند بلافاصله او را طلاق بدهد؟

جواب: آری؛ اگر یائسه باشد می تواند بعد از نزدیکی کردن بلافاصله او را طلاق دهد.

بخش هجدهم:

طلاق بائن و رجعی

بخش هجدهم: طلاق بائن و رجعی

طلاق بائن و رجعی

سؤال ۹۱۶. طلاق بر چند قسم است؟

جواب: طلاق بر دو قسم است: «طلاق بائن» و «طلاق رجعی» و طلاق بائن بر پنج قسم است: الف) طلاق زنی که نه سالش تمام نشده.

ب) طلاق زن یائسه، یعنی زنی که بیشتر از ۵۰ سال دارد.

ج) طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد، با او نزدیکی نکرده باشد.

د) طلاق سوم زنی که او را سه بار طلاق داده اند.

ه) طلاق خلع و مبارات که شرح آن بعداً خواهد آمد.

سؤال ۹۱۷. طلاق بائن و رجعی چه تفاوتی دارد؟

جواب: طلاق بائن آن است که مرد در آن حق رجوع به زن خود را ندارد، ولی در طلاق رجعی تا وقتی زن در عده است مرد می تواند به او رجوع کند.

سؤال ۹۱۸. منظور از رجوع که در سؤال بالا مطرح شد چیست؟

جواب: منظور از رجوع آن است که مرد بدون عقد با زن آشتی کند و او را مجدداً به همسری بپذیرد.

سؤال ۹۱۹. رجوع شرایط خاصی دارد؟

جواب: لازم نیست مرد هنگام رجوع کردن شاهد بگیرد، یا به زن خبر دهد، حتی اگر بدون این که کسی بفهمد بگوید. به همسر رجوع کردم صحیح است.

سؤال ۹۲۰. آیا مرد می توان با دریافت پول از زن یا به واسطه مصالحه با او حق رجوع را منتفی کند؟

جواب: خیر، حق رجوع از بین نمی رود.

سؤال ۹۲۱. آیا در عده طلاق سوم هم حق رجوع باقی است؟

جواب: هرگاه همسرش را دوبار طلاق دهد بعد عقدش کند و یا به او رجوع کند (و بنابر احتیاط واجب در هر بار نزدیکی نماید و بعد از دیدن حیض و پاک شدن او را طلاق دهد) در مرتبه سوم که او

را طلاق داد آن زن بر او حرام می شود و تنها در صورتی بر او حلال خواهد شد که بعد از گذشتن عده به عقد دائم شوهر دیگری درآید و با او نزدیکی کند، سپس او را طلاق دهد، بعد از عده؛ شوهر اول می تواند با او ازدواج کند.

سؤال ۹۲۲. رجوع بر چند قسم است؟

جواب: رجوع کردن بر دو قسم است:

(الف) سخنی بگوید که معنایش این باشد که آن زن را دوباره به همسری خود پذیرفته است.

(ب) کاری انجام دهد که همین معنی را برساند.

سؤال ۹۲۳. هرگاه مرد همسرش را طلاق رجعی دهد می تواند او را از منزل بیرون کند؟

جواب: نمی تواند او را از خانه ای که موقع طلاق در آن بوده بیرون کند (مگر در بعضی از موارد

خاص).

سؤال ۹۲۴. هرگاه مرد همسرش را طلاق رجعی دهد زن می تواند از منزل خارج شود؟

جواب: بر زن حرام است که برای کارهای غیر لازم از آن خانه بیرون رود.

سؤال ۹۲۵. زوجه ای در طلاق خلعی، مهریه خویش را به زوج می بخشد و پس از طلاق در ایام

عده به بذل خود رجوع می کند، در این صورت زوج حق رجوع به زوجیت دارد، اما اگر زوج به زوجه

رجوع نکرد، آیا مهریه متعلق به زوجه است؟ حکم سایر احکام طلاق رجعی، از قبیل نفقه زوجه و

توارث و غیره، چیست؟

جواب: با رجوع زوجه به بذل در ایام عده، طلاق رجعی می شود و احکام آن را دارد، و مهر را

باید به او بدهد.

سؤال ۹۲۶. آیا زن در زمان عده طلاق رجعی، به جزء مسأله تمکین، تمام احکام زوجه را دارد؟ یعنی

حقّ نفقه، لباس، منزل، مهریه دارد و باید از شوهر اطاعت کند و از منزل خارج نشود؟

جواب: آری تمام احکام و حقوق زوجیت، که در بالا ذکر شد، را دارد.

سؤال ۹۲۷. در طلاق رجعی که نباید زوجه مطلقه از منزلی که با همسر خود در آن زندگی می کرده

خارج شود و زوج حق ندارد تا زمانی که عده باقی است او را از منزل بیرون کند، آیا این نمی، وظیفه

کیست؟ زوجین یا محضر که صرفاً طلاق را ثبت می کند یا مجری صیغه طلاق یا دادگاه که اجازه طلاق

را صادر می کند. و اگر در موقع اجرای صیغه طلاق زوجین جدا از هم زندگی کنند، یا طلاق در شهر

غربت واقع شود و زوجین اهل يك محل نباشند، تکلیف چیست؟

جواب: به مقتضای آیه شریفه قرآن و سایر ادله، این نمی وظیفه زوجین است ولی دادگاه یا محضر به مقتضای مسأله ارشاد جاهل وامر به معروف، آنها را واقف بر این حکم می کنند و در صورت جدا بودن مسکن آن دو چنانچه مطابق رضایت طرفین انجام شده باشد و جدایی آنها به معنای قهر کردن از یکدیگر نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۹۲۸. زید همسر خود را طلاق رجعی می دهد و از هم جدا می شوند، مرد در يك شهر و زن در شهر دیگر به سر می برد و قبل از انقضای عدّه، مرد رجوع می کند ولی زن مطلع نمی شود و پس از انقضای عدّه، زن ازدواج می کند وظیفه چیست؟ یا مرد رجوع کرده و زن هم تمایل نشان می دهد ولی پدر و برادران زن اجازه نمی دهند برگردد و الان چند سالی گذشته و زن ازدواج نکرده آیا زوجیت اول برقرار است؟

جواب: اگر رجوع مسلم باشد عقد دوم باطل است و گذشتن زمان طولانی اثری ندارد و نیز عقد زوجیت با اعراض از بین نمی رود و طلاق لازم است تا از یکدیگر جدا شوند.

سؤال ۹۲۹. کسی که در عدّه رجعی به زن رجوع کند و فوراً پشیمان شود و بگوید همان جدایی و طلاق برقرار باشد، آیا صرف پشیمانی از رجوع کافی است و یا این که طلاق مجدد لازم است اگر طلاق لازم است چه زمانی باید انجام گیرد؟

جواب: پشیمانی فایده ندارد و با رجوع کردن، آن زن همسر او می باشد و اگر بخواهد جدا شود باید مجدداً طلاق دهد.

سؤال ۹۳۰. اگر مردی زن خود را طلاق دهد اما ورثه زن به آن مرد بگویند که فلان مقدار پول بگیر و طلاق مده، آیا شوهر می تواند رجوع کند؟

جواب: مردی که همسرش را طلاق داده می تواند پولی بگیرد و رجوع کند و اگر غیر طلاق رجعی است احتیاج به عقد مجدد دارد.

سؤال ۹۳۱. هرگاه طبق ادّعی زوج، زوجه مرتکب عمل منافی عفت شده، و زوج نسبت به وی ظنین باشد، و نگه داری وی تا پایان عدّه در منزل مشترك، احتمال تشنج و درگیری ما بین طرفین را به همراه داشته باشد، و زوج برای جلوگیری از این مشکل، متقبّل هزینه مسکن جداگانه و اسکان همسرش در آن منزل شود. آیا در صورت صدور حکم طلاق رجعی توسط دادگاه صالحه، و اسکان زوجه در ایام عدّه در منزل جداگانه به هزینه زوج، اجرای صیغه طلاق و ثبت آن از نظر شرع انور اسلام مانع شرعی دارد؟

جواب: در فرض مسأله، چون احتمال خطر، یا ضرر، یا مفسده ای وجود دارد، عمل کردن به ترتیب فوق مانعی ندارد.

سؤال ۹۳۲. زوج و زوجه ای در اصل رجوع و انقضای مدّت عدّه طلاق رجعی اتفاق نظر دارند، ولی در این که کدام زودتر واقع شده، اختلاف دارند. قول کدام يك مقدم است؟

جواب: در صورتی که تاریخ طلاق معلوم باشد، و تاریخ رجوع مجهول؛ رجوع بی اثر خواهد بود. و اگر بالعکس بوده باشد، رجوع مؤثر است. و اگر تاریخ هر دو مجهول باشد، رجوع فایده ای ندارد.

سؤال ۹۳۳. مردی زوجه اش را طلاق رجعی داده است. زوج مدّعی رجوع به طلاق، و زوجه منکر آن است. حکم شرعی در دو فرض بالا در اثنای عدّه و پس از آن چیست؟

جواب: اگر در اثنای عدّه باشد، این کار خود رجوع محسوب می شود. و اگر بعد از عدّه باشد، بدون دلیل پذیرفته نمی شود.

سؤال ۹۳۴. مرتد فطری که توبه کند حق رجوع را دارد؟

جواب: بعد از توبه میتواند در عده با همان زن ازدواج کند.

سؤال ۹۳۵. شخصی زوجه مدخول به خود را طلاق می دهد و تمام مهر المسمی را به زوجه پرداخت می کند، زوجه فقط نفقه ایام عدّه را به زوجش بذل و گذشت می نماید، در قبال بذل نفقه ایام عدّه، آیا طلاق خلعی می باشد یا رجعی؟ (در صورتی که مهریه را خود دریافت می نماید).

جواب: بذل نفقه ایام عدّه کافی نیست؛ زیرا هنوز نفقه ای واجب نشده است؛ به علاوه زوجه مختلعه نفقه ندارد، نفقه مخصوص مطلقه رجعیه است، بنابراین طلاق مذکور رجعی است.

سؤال ۹۳۶. چنانچه برابر مقررات شرع و قانون برای غایب مفقودالاثّر، حکم طلاق صادر گردد، زوجه باید به میزان عدّه وفات عدّه نگهدارد و هرگاه زوج قبل از انقضای عدّه بازگردد، حق رجوع دارد. حال اگر زوجه مطلقه غایب مفقودالاثّر، یائسه یا غیر مدخوله باشد و زوج در حین عدّه مراجعت نماید، آیا باز هم زوج حق رجوع دارد، و یا چون یائسه، یا غیر مدخول به است، دیگر حق رجوع برای زوج نمی باشد؟ به عبارت دیگر طلاق غایب مفقودالاثّر مطلقاً رجعی است ولو در زن یائسه و غیر مدخول به، یا چنین نیست؟

جواب: این حکم ظاهراً شامل یائسه و غیر مدخوله نمی شود و حق رجوع ثابت نیست.

بخش نوزدهم:

طلاق خُلع و مبارات

بخش نوزدهم: طلاق خُلْع و مبارات

۱. مسائل مشترك خلع و مبارات

سؤال ۹۳۷. می توان صیغه طلاق خلع و مبارات را به فارسی خواند؟

جواب: احتیاط واجب آن است که صیغه طلاق خلع و مبارات به عربی صحیح خوانده شود، ولی اگر زن برای بخشیدن مال خود به شوهر به فارسی بگوید: فلان مال را به تو بخشیدم تا مرا طلاق دهی مانعی ندارد.

سؤال ۹۳۸. زن می تواند در بین عدّه طلاق خلع یا مبارات از بخشش خود برگردد؟

جواب: زن می تواند در بین عدّه طلاق خلع یا مبارات از بخشش خود برگردد.

سؤال ۹۳۹. اگر زن در بین عدّه طلاق خلع یا مبارات از بخشش خود برگردد، شوهر حق رجوع

دارد؟

جواب: شوهر می تواند رجوع کند و بدون عقد دوباره او را همسر خود قرار دهد.

* * *

۲. طلاق خلع

سؤال ۹۴۰. چه طلاقی را طلاق خلع گویند؟

جواب: زنی که مایل نیست با شوهرش زندگی کند، و بیم آن می رود که ادامه همسری آنها باعث گناه شود می تواند مهر خود یا مال دیگری را به او ببخشد که طلاقش دهد، این را طلاق خلع گویند.

سؤال ۹۴۱. صیغه طلاق خلع به چه صورت است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که صیغه طلاق خلع به صورت زیر باشد: اگر خود شوهر

می خواهد صیغه طلاق را بخواند و اسم زن مثلاً «فاطمه» است می گوید: «زَوْجَتِي فَاطِمَةَ خَلَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَلْتُ هِيَ طَالِقٌ» یعنی زنم فاطمه را در برابر چیزی که بخشیده است طلاق دادم، او رهاست و اگر وکیل او بخواند احتیاط واجب آن است که يك نفر از طرف زن وکیل شود و دیگری از طرف مرد، چنانچه مثلاً اسم شوهر «محمد» و اسم زن «فاطمه» است، وکیل زن می گوید: «عَنْ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِكَ مُحَمَّدٍ لِيَخْلَعَهَا عَلَيَّ» پس از آن وکیل مرد بدون فاصله می گوید: «زَوْجَهُ مُوَكَّلِي خَلَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَلْتُ هِيَ طَالِقٌ» (و اگر زن چیزی دیگری غیر از مهر را به شوهر ببخشد باید نام همان را در موقع خواندن صیغه ببرد).

سؤال ۹۴۲. شوهر می تواند برای طلاق خلع مالی بیش از مهریه بگیرد؟

جواب: در طلاق خلع هر مقدار باشد اشکال ندارد.

سؤال ۹۴۳. آیا طلاق خلع (با توجه به بذل مال) عقد است، یا ایقاع؟ اگر عقد است، الفاظ

ایجاب و قبول آن چیست؟

جواب: نوعی عقد است، که الفاظ آن را در توضیح المسائل در بحث خود نوشته ایم.

سؤال ۹۴۴. آیا در تقاضای طلاق خلع، که از ناحیه زوجه مطرح می شود، کراهت و نفرت، باید

کراهت ذاتی باشد، یا کراهت عرضی نیز موجب جواز طلاق خلع است؟

جواب: هرگونه کراهتی سبب طلاق خلع می شود.

سؤال ۹۴۵. با عنایت به این که زن در عده طلاق خلع نفقه ندارد، آیا بذل نفقه ایام عده از سوی زوج به عنوان قسمتی از بذل، وجاهت شرعی دارد؟ و آیا اساساً چیزی که هنوز واجب نشده، می تواند مورد بذل واقع شود؟

جواب: با توجه به این که در ایام عده در طلاق خلع نفقه وجود ندارد، چیزی برای بخشیدن محسوب نمی شود.

سؤال ۹۴۶. قسمتی از مهریه نیز قبلاً توسط زوجۀ مطالبه و وصول شده است، حال زوجۀ مدعی بذل کل مهریه است، حکم شرع نسبت به مبلغ دریافتی زوجۀ چیست؟ آیا باید آن را بازگرداند؟

جواب: مال البذل در طلاق تابع توافق طرفین است؛ بر هر چیزی توافق کنند همان کفایت می کند.

سؤال ۹۴۷. آیا اعلام قبول ما بذل از ناحیه زوج، شرط صحّت طلاق خلع است؟ به عبارت دیگر، آیا اعلام قبول ما بذل از ناحیه زوج شرعاً ضرورت دارد؟ چنانچه زوج قبول ما بذل را اعلام ننماید، آیا می توان طلاق خلع را به صرف بذل از ناحیه زوجۀ انجام داد؟

جواب: در طلاق خلع شرط است که زوج ما بذل را در برابر اجرای طلاق بپذیرد.

سؤال ۹۴۸. آیا شرط حق رجوع به بذل در عده، یا شرط رجوع به نکاح در عده، بر فرض رجوع زن به بذل در زمان عده، مبطل خلع است؟

جواب: این دو موضوع احتیاج به شرط ندارد. و اگر هم شرط شود، تولید اشکال نمی کند.

سؤال ۹۴۹. درباره تعلیق در خلع، آیا تعلیق بر امر محتمل، یا امر مقارن محقق معلوم، ضرر دارد؟

جواب: تعلیق در انشاء، در هر صورت خالی از اشکال نیست.

سؤال ۹۵۰. آیا در خلع، رجوع به بذل صحیح و نافذ است؟ در هر حال، اگر رجوع به بذل حاصل شود، آیا احکام مطلقه رجعیه جاری می شود، یا احکام دیگری دارد؟

جواب: پاسخ این سؤال روشن است؛ رجوع به بذل جایز است. و بعد از رجوع به بذل، احکام مطلقه رجعیه جاری می شود.

سؤال ۹۵۱. اگر در طلاق خلع، شخصی اجنبی به ادعای وکالت از زوجۀ چیزی بذل نماید، سپس روشن شود که دروغ گفته، آیا طلاق خلع صحیح است؟ در صورت عدم صحّت، آیا طلاق رجعی می شود؟ اگر زن بعداً رضی به آن بذل شود، و آن را اجازه نماید، آیا خلع محقق می شود؟

جواب: چنین طلاق اشکال دارد؛ و باید از نو خوانده شود.

سؤال ۹۵۲. اگر زوجه در مرض موت، در حالی که شعور کافی دارد برای طلاق خلع چیزی بذل نماید، آیا خلع صحیح است؟ در صورتی که بذل زاید بر ثلث مال او باشد، چه حکمی دارد؟
جواب: در هر حال اشکال ندارد.

سؤال ۹۵۳. همسر این جانب نسبت به احکام اسلامی بی اعتناست و تمکین نمی کند و هنوز غیر مدخوله است، آیا می توانم او را طلاق دهم؟ طلاق او از چه نوعی است و حکم مهریه او چیست؟
جواب: سزاوار است مدتی با او مدارا کنید و او را نصیحت کرده و به او محبت نمایید شاید تدریجاً عوض شود و کار به طلاق نکشد و در غیر واجبات و محرمات زیاد سختگیری ننمایید، اگر نتیجه نگرفتید می توانید از او جدا شوید، ولی چون مطابق آنچه نوشته اید این زن ناشزه و غیر مدخوله است حق نفقه ندارد و اگر او بخواهد طلاق بگیرد، طلاق او طلاق خلع است و جز از طریق بذل مهریه یا مانند آن و رضایت زوج امکان پذیر نیست.

سؤال ۹۵۴. در رساله حضرت امام قدس سره؛ آمده است: در صورت رجوع زن بمابذل، مرد می تواند دوباره بدون عقد او را زن خود قرار دهد، حال سؤال این است که اگر زن تقاضای استرداد مهریه بخشیده شده خود را کرد و مرد هم پرداخت، ولی دیگر نمی خواهد با او زندگی کند و از او متنفر است، با این وصف آیا زن پس از انقضای ایام عدّه می تواند شوهر کند؟ یا اگر مرد مُرد ارث به او تعلق می گیرد یا طلاق به قوّت خود باقی است؟ در ضمن آیا مسأله مذکور صرفاً مربوط به طلاق خلع است یا در مبارات هم همین طور است؟

جواب: مرد اگر بخواهد می تواند رجوع کند و اگر نخواهد می تواند رجوع نکند. در مبارات نیز اگر مایل نباشد رجوع نمی کند و در مواردی که طلاق رجعی است در زمان عدّه از یکدیگر ارث می برند.
سؤال ۹۵۵. طلاق خلعی واقع شده است ولی شوهر مدّعی است که قبل از طلاق با همسر آمیزش کرده ام و دیگر این که شاهدین عدلین حضور نداشته اند بلکه طلاق در حضور عدّه ای از مؤمنین ظاهر الصّلاح واقع شده است، آیا چنین طلاق صحیح است؟

جواب: طلاق مزبور در هر حال محکوم به صحّت است زیرا ادّعای شوهر در مورد واقعه قبل از طلاق در فرض مسأله پذیرفته نیست و به اعتراف خود او ظاهر حال شهود، عدالت بوده و ما مأمور به باطن نیستیم، بنابر این طلاق اشکالی ندارد مگر این که با دلیل شرعی ادّعای خود را ثابت کند.

سؤال ۹۵۶. اگر مردی زنی را به طلاق خلعی دوم مطلقه کند، لیکن قبل از انقضای عدّه، زن به بذلش رجوع کند اما زوج می گوید: من رجوع می کنم به شرط آن که اکنون که به قرء دوم رسیدی تو

را صیغه می‌کنم و به عقد انقطاعی در می‌آورم و همین عمل هم انجام شد، اما باز اختلاف شروع شد و آنها بر بذل مدّت توافق کردند و احتیاطاً طلاق نیز جاری شد. اکنون بیان فرمایید:

الف) آیا این زن باید سه ماه عده طلاق نگهدارد و یا عده ۴۵ روزه عقد انقطاعی نگهدارد؟
جواب: احتیاط این است که عده طلاق نگهدارد.

ب) آیا بذل مدّت صحیح است یا طلاق سوم؟
جواب: از جواب بالا معلوم شد.

ج) چنانچه بذل مدّت صحیح باشد آیا مجدداً می‌تواند صیغه کند و یا محلّل لازم است؟
جواب: احتیاط آن است که بدون محلّل ازدواج نکند.

سؤال ۹۵۷. آیا طلاق خلع بدون گرفتن مال از زن صحیح است؟
جواب: صحیح نیست.

سؤال ۹۵۸. زنی برای شوهرش چنین می‌نویسد: «مهرم را می‌بخشم و آنچه از شما گرفته‌ام پس می‌دهم و هرآنچه داده‌ام را می‌بخشم، به شرط این که مرا طلاق دهی» شوهر در جواب گفته است: «به این درخواست با شرایط فوق موافقت می‌کنم» حال سؤال این است که:

الف) آیا این ورقه موافقت بدوی، طلاق به حساب می‌آید؟
ب) آیا این نوشته دلالت بر وکالت ضمنی می‌کند؟

ج) اگر شخص ثالث با استناد به این ورقه صیغه طلاق را جاری کند، آیا طلاق صحیح است؟
جواب: طرفین باید به شخص ثالثی وکالت بدهند که در مقابل بذل اموال مزبور صیغه طلاق خلع را با حضور عدلین جاری کند.

سؤال ۹۵۹. بر مبنای توافق زوجین قرار شد زوجه علاوه بر مهریه، مبلغی را نیز جهت طلاق خلع به شوهر بپردازد؛ ولی بعد از اجرای طلاق خلع، زوجه، یا وکیل او از دادن مال مورد توافق امتناع می‌ورزند. زوج نیز به مجرد امتناع زوجه از بذل مال در همان زمان، رجوع خویش را به همسر و خانواده اش اطلاع می‌دهد، آیا در این فرض بعد از رجوع و احراز آن، طلاق بر هم می‌خورد؟

جواب: هرگاه عدم پرداخت به عنوان رجوع به بذل باشد زوج حق دارد رجوع کند و اما اگر صرفاً تعللی در پرداخت بوده باشد زوج حق رجوع ندارد و ازدواج زن بعد از عده جایز است، و زوج می‌تواند طلب خود را از زوجه بگیرد.

سؤال ۹۶۰. مردی در قبال بذل مهریه زوجه، او را طلاق داد، و در ضمن آن حضانت فرزند خردسال خود را برای همیشه به زوجه داده است، آیا بعد از گذشت ایام عده و یا چند سالی که طفل

هنوز صغیر است، مرد می تواند تقاضای استرداد طفل را بنماید؟ و اگر بتواند، آیا زن هم می تواند به مهر خود رجوع و آن را مطالبه نماید؟

جواب: با موافقت طرفین قرارداد به هم می خورد.

سؤال ۹۶۱. زوجه در طلاق خلع، که قبل از دخول صورت گرفته، تمام مهر خود را به زوج بذل نموده است؛ آیا زوج حق دارد نصف مهر را بعد از طلاق مطالبه نماید؟
جواب: حق ندارد.

سؤال ۹۶۲. خانم مطلقه به طلاق خلعی با رجوع شوهرش موافقت کرده است؛ مدت زیادی عمل زناشویی انجام داده اند؛ ولی زوجه رجوع به بذل نکرده است. با توجه به این مقدمه به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

(الف) آیا عمل آنها صحیح است؟

جواب: تا زن رجوع به بذل نکند زوج حق رجوع ندارد؛ ولی می تواند با توافق طرفین او را عقد جدید بنماید.

(ب) آیا کار آنان زناست، یا وطی به شبهه محسوب می شود، و یا رجوع قهری حساب می شود؟
جواب: چون جاهل به مسأله بوده اند وطی به شبهه است و رجوع قهری محسوب نمی شود و زنا هم نیست.

(ج) چنانچه بچه دار شوند، کیفیت ارث چگونه است؟ تکلیف فعلی آنان چیست؟ آیا باید از هم جدا شوند، یا نیاز به طلاق مجدد دارند؟

جواب: اولاد ایشان ملحق به ایشان است و در جمیع احکام مانند بچه حلال زاده است؛ ولی اگر از این به بعد بدون عقد جدید با هم آمیزش کنند زنا محسوب می شود.

(د) در صورتی که بدون طلاق جدا شوند علی القاعده باید عده نگه دارد. آیا از وقتی که از شوهر جدا می شود عده شروع می شود یا بعد از توجه؟ در صورتی که رجوع قهری حساب شود، آیا زن مالک مهریه مبذوله می شود یا نه؟ در صورت امکان تمام شقوق محتمله در این موضوع را بیان فرمایید.

جواب: به واسطه دخول مستحق مهرالمثل می باشد و احتیاط واجب آن است که زن عده نگه دارد و اگر عده طلاق خلع تمام نشده بنا بر احتیاط واجب باید بقیه عده را بگیرد و بعداً عده ای هم برای وطی به شبهه نگه دارد.

سؤال ۹۶۳. در طلاق خلع زوجه با بذل مهریه، یا عندالزوم مازاد بر آن، طلاق خود را از زوج تقاضا می نماید. سؤال این است که:

الف) آیا بذل مهریه و مازاد بر آن در قالب عقد هبه ضمن طلاق خلع صورت می گیرد؟ اصولاً تمليك زوجه نسبت به زوج در طلاق خلع از لحاظ فقهی تحت چه عنوانی از عناوین فقهیه است؟
جواب: بذل زوجه نوعی هبه معوضه است؛ ولی احکامی مخصوص به خود دارد.

ب) در صورتی که زوجه در طلاق خلع و در زمان عدّه به مبذول خود رجوع نماید آیا محض رجوع وی، مهریه یا مال دیگری که توسط زوجه بذل شده، قهراً به ملکیت زوجه برمی گردد و یا برگشت مال به ملکیت زوجه مستلزم رجوع زوج است و تا زمانی که زوج رجوع نکرده مال مبذول در ملکیت زوج باقی است و تنها اثر رجوع زوجه به بذل این است که طلاق خلع که باین است تبدیل به طلاق رجعی می شود؟

جواب: صحیح همان تعبیر اول است؛ یعنی به محض رجوع زوجه به بذل، مالکیت او بازمی گردد.
سؤال ۹۶۴. چهار سال قبل از همسر به طلاق خلع جدا شدم؛ خانم در زمان عدّه تلفن کردند و بنده را همراه تنها فرزندمان دعوت کردند، رجوع و نزدیکی انجام گرفت. بعد نشستیم و صحبت کردم و مطالب زیر مطرح شد:

الف) ما شرعاً رجوع کردیم، ولی من محضر نمی آم، برای این که اگر اداره باخبر شود بنده را اخراج می کند.

ب) حقوق خود را دیگر به شما نمی دهم. گفتم چه بهتر، شما هرطور بخواهی می توانی انجام دهید.
ج) مهریه را که بخشیده بود طلب کرد، جواب دادم جای خود باقی است.
د) از من خواست با برادرش صحبت کنم، که صحبت کردم و او را در جریان گذاشتم. حال تقاضامندم به سؤالات زیر جواب دهید:

الف) آیا رجوع مزبور درست است؟ اگر درست نباشد من مرتکب گناه شده ام؟
ب) اگر رجوع درست باشد، آیا این خانم می تواند بدون جاری شدن صیغه طلاق با مرد دیگری ازدواج نماید؟ اگر با مرد دیگری ازدواج کرده باشد، آیا این زن نسبت به من حرام است؟
ج) اگر زن بعد از رجوع مهر خود را ببخشد، آیا رجوع درست نیست؟

جواب: اگر قبل از اتمام عدّه، زن از مهریه ای که بخشیده برگردد و مرد پس از آن رجوع کند رجوع صحیح است و بدون طلاق مجدد از هم جدا نمی شوند و اگر زن بدون طلاق شوهر کند به شوهر اول حرام نمی شود؛ اما اگر بعد از تمام شدن عدّه رجوع کنند، رجوع باطل است.

سؤال ۹۶۵. این جانب با دختری ازدواج نمودم و بعد از ازدواج از او نفرت پیدا کردم؛ ولی از دادگاه تقاضای طلاق نکردم، اما دختر تقاضای طلاق کرد. من به دلایل عاطفی که دختر مذکور بدبخت نشود

با طلاق مخالفت کردم. با توجه به این که قلباً هم به این امر راضی هستم و می خواهم او را طلاق دهم و با توجه به این که دختر باکره است و فقط قسمت هایی از آلت مرد به مهبل دختر داخل شده است او را باید چه نوع طلاقی داد؟ اگر او را طلاق خلع باین داده باشند آیا طلاق صورت گرفته است؟ آیا ایشان باید عده نگه دارد؟ در ضمن دختر مهریه خود را بخشیده است.

جواب: اگر تمام حشفه داخل شده باشد عده لازم است، در غیر این صورت عده واجب نیست و دخول و عدم دخول تأثیری در نوع طلاق ندارد و اما نوع طلاق در صورتی که زوج مایل به طلاق نباشد، ولو به خاطر جهات عاطفی، و تنها زوجه مایل باشد طلاق خلع است و الا طلاق مبارات است.

سؤال ۹۶۶. اگر در ایام طلاق خلع، زن به مهر خود رجوع کند و زوج نتواند در يك قسط تمام مهر زوجه را پرداخت کند، یا از پرداخت مهر معسر باشد، یا بطور کلی از پرداخت مهر امتناع کند، آیا با این اوصاف طلاق به قوت خود باقی است، یا این که به صرف رجوع زن به مهر بدون رضایت زوج، طلاق باطل و ازدواج برقرار و مرد مکلف به ادامه زندگی زناشویی با زوجه است؟ یا این که طلاق برقرار و زوجه بایستی جهت وصول مهر خود، به مراجع صالحه مراجعه و اقامه دعوا نماید؟

جواب: در مدت عده، زن می تواند بذل خود را بازپس گیرد و شوهر حق ندارد امتناع کند و بعد از بازپس گرفتن طلاق رجعی می شود.

سؤال ۹۶۷. طلاقی که به درخواست زوجه و بدون موافقت زوج واقع می شود چه نوع طلاقی است؟ آیا قاضی دادگاه می تواند بدون رضایت زوج قبول بذل نماید و رأی به طلاق خلع دهد؟

جواب: در مواردی که دادگاه به خاطر تخلفاتی از سوی زوج حق طلاق دارد و بازگشت و رجوع سبب تجدید مشکل می شود، می تواند طلاق خلع دهد و بذل را از طرف زوج بپذیرد.

سؤال ۹۶۸. شخصی خانم خود را در حضور سه نفر عامی طلاق داده، ولی صیغه را به صورت «بذلت» و بدون «علی» خوانده است و خانم پس از اتمام عده، ازدواج کرده است. حکم این طلاق چیست؟

جواب: چنانچه بقیه صیغه را مطابق آنچه در رساله ما آمده است خوانده باشد، اشکالی ندارد؛ زیرا طلاق به هر صورت واقع شده است.

سؤال ۹۶۹. شخصی سنی مذهب در کشور هند با دختری شیعه مذهب ازدواج می کند، پس از مدتی در جایی دیگر با خواهر کوچک تر همسر خود ازدواج می کند. حکم ازدواج این مرد با خواهر همسرش چگونه است؟ در صورتی که این کار حرام بوده، آیا می تواند پس از طلاق همسر خود، دوباره

آن خواهر را به عقد دائم خود درآورد؟ همسر وی پس از این جریان از شوهر خود تقاضای طلاق خلعی دارد و چند سال است که این تقاضا را تکرار می نماید؛ ولی شوهرش در موعد مقرر برای طلاق حاضر نمی شود، این در حالی است که در صورت تمایل زن دادگاه های هند برای وی حکم طلاق صادر خواهند کرد؛ ولی ایشان می خواهد حکم شرعی خود را بداند. لطفاً بیان نمایید که در صورت عدم حضور شوهر، طلاق خلعی چگونه صادر خواهد شد و تکلیف این زن چیست؟ در ضمن شوهر او طلاق و نفقه نمی دهد.

جواب: الف) ازدواج او با خواهر دوم حرام و باطل بوده و اگر مسأله را می دانسته حدّ شرعی دارد؛ ولی اگر خواهر اول را طلاق شرعی بدهد، بعد از پایان عده او، می تواند با خواهر دوم ازدواج کند. ب) در مورد طلاق خواهر اول، اگر آن مرد بدون عذر شرعی نفقه او را قطع کرده و با او زندگی نمی کند، حاکم شرع یا کسی که از طرف او مجاز است به او اتمام حجّت می کند، اگر به وظیفه خود عمل نکرد می تواند زن را طلاق خلعی بدهد و نفقه آن مدّت را از او بگیرد، یا به جای مال خلع حساب کند.

سؤال ۹۷۰. لطفاً به سؤالات چهارگانه زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا برای مردی که همسرش را طلاق رجعی یا خلعی داده، جایز است که همسر مطلقه اش را در زمان عده، عقد موقت کند؟

جواب: در طلاق خلع جایز است، و در طلاق رجعی در واقع رجوع به نکاح سابق است و نکاح جدیدی محسوب نمی شود.

ب) اگر شخص مزبور در زمان عده، صیغه عقد موقت را بخواند و در زمان عده آمیزش کند، آیا این عقد موقت، رجوع محسوب می شود؟ در حالی که در طلاق رجعی، قصد رجوع ندارد و در طلاق خلع بدون رجوع به بذل، رجوع صحیح نیست.

جواب: در مواردی که رجوع جایز است، عقد مزبور، مصداق رجوع است و در طلاق خلع، عقد جدید محسوب می شود.

ج) در فرض مزبور، اگر عقد موقت رجوع محسوب نشود، عده طلاق پس از انتهای مدّت عقد موقت چه مقدار است؟

جواب: احتیاط آن است که عده خلع تکمیل شود، سپس عده عقد جدید را شروع کند.

د) اگر شوهر در فرض مسأله بالا در اثنای عده و حتی بعد از تمام شدن عده، چندین بار آمیزش کند و زن اکنون قصد دارد با مرد دیگری ازدواج کند، عده ای که زن برای ازدواج با شوهر جدید باید عده نگهدارد، چه مدت است؟

جواب: احتیاط آن است که عده طلاق خلع را بعد از پایان عقد موقت تکمیل کند، سپس عده عقد موقت را شروع کند.

سؤال ۹۷۱. چندی قبل به سفارش برادر و پدرم، که روحانی هستند، و در کهولت سن به سر می‌برند، با خانواده دختری به قصد ازدواج آشنا شدم. قبلاً صحبت‌های لازم صورت گرفت، و حتی قبل از عقد، در جلسه‌ای که خود دختر و مادرش حضور داشتند، برای اتمام حجت، آن قدر راجع به ویژگی‌های خود، که گمان بود منفی به نظر برسد، صحبت کردم که هیچ چیز ناگفته نماند. با این حال، دختر هیچ‌گونه اعتراض یا سؤالی نکرد، و عقد ازدواج با رضایت کامل طرفین صورت گرفت، و دختر حاضر شد با همه شرایط مطرح شده اینجانب بسازد. اما هنوز يك ماه نگذشته بود که اختلافات شروع شد، ولی ما به خاطر حفظ شئونات خانوادگی در همان دوران عقد، می‌سوختیم و می‌ساختیم، تا این که شش ماه بعد از عقد، پدر و مادرش را در جریان این اختلافات گذاشتم. ابتدا پدر، نظر دخترش را پرسید. دختر گفت: من حاضر به ادامه این زندگی نیستم. سپس پدر و مادر دختر با خوشرویی گفتند: مانعی ندارد، شما بروید مراحل قانونی طلاق را انجام داده، کارها را آماده کنید، تا ما هم امضا کنیم. بنده با اعتماد به این قول، به قم آمدم و مراحل قانونی را انجام دادم، اما موقعی که باید آنها درخواست توافق طلاق را امضا می‌کردند، استنکاف ورزیدند! البته بنده هم می‌توانستم قضیه را آن قدر مسکوت بگذارم که آنها هم مجبور به اقدام قانونی شوند. اما با توجه به شئونات زندگی خانوادگی، و حفظ حرمت پدرم، نمی‌خواستم بیش از این خاطر ایشان آزرده شود. و تقریباً مجبور شدم در خواست طلاق را برخلاف میل شخصاً پیگیری نمایم. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) با توجه به شرایط فوق الذکر، مبنی بر رضایت طرفین به طلاق، این، چه طلاق محسوب می‌شود؟

جواب: اگر دختر حاضر به پرداخت وجهی در برابر طلاق باشد، هر چند مقدار کمی از حقوقش بوده باشد، طلاق خلعی می‌شود. در غیر این صورت، طلاق رجعی است.

ب) با توجه به این که هنوز عروسی واقع نشده، و دختر به خانه شوهر نرفته، آیا نفقه به او تعلق می‌گیرد؟

جواب: زوجه حقّ نفقه ندارد؛ ولی اگر از مهر خود صرفنظر نکند، می تواند نیمی از آن را با طلاق بگیرد.

* * *

۳ طلاق مبارات

سؤال ۹۷۲. چه طلاقی را طلاق خلع گویند؟

جواب: هرگاه زن و شوهر یکدیگر را نخواهند و زن مهر خود یا مال دیگری را به مرد ببخشد که او را طلاق دهد آن را طلاق مبارات گویند.

سؤال ۹۷۳. صیغه طلاق خلع به چه صورت است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که صیغه طلاق مبارات را به طریق زیر بخوانند، اگر خود شوهر صیغه را می خواند و مثلاً اسم زن «فاطمه» است می گوید: «بَارَأْتُ زَوْجَتِي فَاطِمَةَ عَلَيَّ مَا بَدَلْتُ فَهِيَ طَالِقٌ» یعنی مبارات کردم زنم فاطمه را در مقابل مهر او، پس او رها است (و اگر چیزی غیر مهر را می دهد باید آن را نام برد) و در صورتی که وکیل مرد بخواهد صیغه را بخواند می گوید: «بَارَأْتُ زَوْجَهُ مُوَكَّلِي فَاطِمَةَ عَلَيَّ مَا بَدَلْتُ فَهِيَ طَالِقٌ» البته قبلاً باید زن مهر خود بلکه چیزی کمتر از آن را به شوهر در برابر طلاق مبارات بخشیده باشد.

سؤال ۹۷۴. شوهر می تواند برای طلاق مبارات مالی بیش از مهریه بگیرد؟

جواب: مالی را که شوهر برای طلاق مبارات می گیرد باید بیشتر از مهر نباشد بلکه احتیاط واجب آن است که کمتر باشد.

بخش بیستم:

طلاق غیابی

بخش بیستم: طلاق غیابی

طلاق غیابی

سؤال ۹۷۵. در صورتی که شوهر خانمی غایب و مفقود الاثر باشد، و رفع امر به حاکم کرده باشد، و حاکم به مدّت چهار سال با شرایط معتبر فحص کرده و خبری از وی نیافته باشد، ولی زن پس از چهار سال بقای بر زوجیت را برگزیند، اما پس از مدّتی (مثلاً دو سال) تصمیم به طلاق بگیرد، آیا ضرب الاجل و فحص چهار ساله، دوباره باید تجدید گردد، یا همان فحص نخست کافی است؟

جواب: فحص سابق کافی است.

سؤال ۹۷۶. مردی، که دارای دو عیال است، مفقود می گردد. یکی از همسرانش به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق می کند. دادگاه مدّت چهار سال، از تاریخ رفع مراجعه به حاکم، صبر می کند، و چون اثری از شوهر زن پیدا نمی شود، حکم بر طلاق، با ننگه داشتن عدّه وفات می دهد. دو سال بعد، زن دیگر آن مرد به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق می دهد. آیا این زن هم، از تاریخ رفع مراجعه به حاکم باید چهار سال دیگر صبر کند، یا چون زن اوّل اقدام کرده، و مفقود الاثر بودن شوهر بر حاکم محرز شده، نیاز به این کار نیست؟

جواب: تحقیق و تفحص اوّل برای هر دو زوجه کافی است؛ مگر این که در این اثنا، آثاری بر وجود او آشکار شده باشد.

سؤال ۹۷۷. در مورد درخواست طلاق از سوی زوجه به خاطر عدم تأدیه نفقه از سوی زوج به مدّت شش ماه، و عدم امکان الزام او به دادن نفقه، یا مواردی که دوام زوجیت به تشخیص دادگاه موجب عسر و حرج باشد، و زوج نیز با طلاق موافق نباشد، لطفاً بفرمایید:

الف) طلاق مذکور چه حکمی دارد؟ و آیا زوجه در این صورت موظّف به بذل کلیه حقوق خود در قبال طلاق است، یا حقّ مطالبه کلّ مهریه را دارد؟ یا در صورتی که آن را طلاق خلع بدانیم، برای تحقّق آن می توان مثلاً ده درصد از مهریه را بذل نمود؟

جواب: در صورتی که حاکم شرع مطمئن باشد زوج از حق رجوع استفاده نمی کند، می تواند طلاق رجعی دهد. در غیر این صورت می تواند طلاق خلعی به مبلغ مختصری دهد؛ آن مقدار که حق و عدالت ایجاب می کند.

ب) در صورتی که قاضی بخواهد صیغه طلاق را اجرا نماید، مستدعی است نحوه اجرای آن را به عبارت صحیح بیان فرمایید؛ زیرا قضات غیر روحانی در اجرا مشکل دارند.

جواب: بذلت عن قبل موکلتی کذا لزوجتها لیخلعها علیه ویطلقها به (به جای کذا ذکر بذل شود) سپس بگوید: «قبلت عن قبل زوجها فلان، فهی علی ما بذلت طالق».

سؤال ۹۷۸. فردی که از جانب چند نفر وکیل در خواندن صیغه طلاق بوده، پس از اجرای صیغه های طلاق، (که برخی از آن ها رجعی، و برخی بائن بوده)، یقین حاصل می کند که یکی از طلاق ها باطل بوده است. اگر نام آن زن و شوهرها را نداند، و آن ها را نشناسد، چه وظیفه ای دارد؟
جواب: باید احتیاط کند، و دوباره آنها را طلاق دهد. و اگر اسم آنها را نمی داند با اشاره آنها را مشخص کند. مثلاً بگوید: «اولین نفری را که قبلاً طلاق داده ام، الان به عنوان احتیاط طلاق می دهم؛ او از زوجیت خود یله و رهاست، فهی طالق» و اگر در نوع رجعی و خلعی شك دارد، برای هر کدام احتیاطاً دو طلاق، یکی رجعی و یکی خلعی بخواند.

سؤال ۹۷۹. اگر دادگاه حکم تمکین زوجه را صادر کند، و او تمکین نکند، با عنایت به آیات شریفه ۲۲۸ و ۲۲۹ سوره بقره، و اثبات موارد فوق، حکم طلاق خلع چیست؟ آیا مرد می تواند به ناچار از دادگاه در خواست صدور طلاق و استرداد مهریه نماید؟

جواب: چنانچه ثابت شود زوجه به وظایف خود پایبند نیست، و تنها می خواهد امتیازات و حقوق خود را بگیرد. حاکم شرع می تواند او را تحت فشارهای شدید تعزیراتی قرار دهد (تعزیرات جسمانی و مالی کلان) تا زوجه یا به وظایف خود عمل کند، یا تقاضای طلاق خلع نماید.

سؤال ۹۸۰. حکم مردی که به تعهدات خویش در رابطه با همسرش عمل نمی کند و حاضر به طلاق اونیز نمی باشد چیست؟

جواب: آن مرد باید به تعهد خود عمل کند و اگر زوجه را معلقه گذارده و حاضر نیست به وظایف شرعی خود درباره آن زن عمل کند، حاکم شرع او را ملزم به طلاق و در صورتی که طلاق ندهد حاکم شرع می تواند به درخواست زن او را مطلقه سازد.

سؤال ۹۸۱. پدري دختر نابالغش را به عقد نکاح يك پسر بچه درآورده است، الان دختر ۱۷ ساله است در حالی که پسر ۱۳ ساله است و از نظر جسمانی خیلی کوچک به نظر می رسد، دختر پدر را

از دست داده و یتیم شده و حاضر نیست با آن بچه ازدواج کند، زیرا نمی تواند منتظر بزرگ شدن او باشد. با توجه به مطالب فوق از حضرت عالی تفضاضاً داریم اگر شرع مقدّس اسلام اجازه دهد حکم فرمایید دختر مذکور با برادر بزرگ آن پسر بچه ازدواج کند که خود دختر هم راضی است.

جواب: هرگاه اجرای عقد مذکور از اول به مصلحت دختر صغیر نبوده، اصل عقد باطل است و اگر فرضاً مصلحت بوده ولی الان در انتظار ماندن آن دختر بیش از این موجب عسر و حرج شدید است ولی پسر می تواند صیغه طلاق آن دختر را اجرا کند و بعد با هر کس خواست ازدواج کند.

سؤال ۹۸۲. زنی که شوهرش مفقودالآثر شده و نمی داند زنده است یا نه، چگونه می تواند طلاق بگیرد؟

جواب: اگر بخواهد طلاق بگیرد و شوهر کند باید نزد مجتهد عادل برود و مطابق دستور مخصوصی که در شرع وارد شده عمل نماید.

سؤال ۹۸۳. زنی که معلوم نیست همسرش در فلان حادثه کشته یا مفقود شده است و مدّت چهارسال است که خبری از او نیست، آیا می تواند با شخص دیگری ازدواج کند؟

جواب: نمی تواند با مرد دیگری ازدواج کند، مگر این که یقین به فوت او پیدا کند یا مراجعه به حاکم شرع کرده تا او دستور تحقیق درباره شخص مورد نظر را صادر نماید و پس از طیّ مراحل شرعی او را طلاق دهد.

سؤال ۹۸۴. وظیفه زنی که شوهرش مفقود شده چیست و در این مدّت نفقه او از کجا تأمین می شود؟

جواب: زنی که شوهرش مفقود شده است چند حالت دارد:

(الف) اگر صبر کند تا خبری آید مانعی ندارد و باید نفقه او را از مال شوهرش داد.

(ب) اگر انفاق کننده ای از ولی یا غیر او باشد باید صبر کند، مگر این که عسر و حرج شدید و ضرر مهمّی حاصل شود که حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد.

(ج) در غیر این دو صورت، رفع امر به حاکم شرع می کند و او به مدّت ۴ سال از اطراف محلّ فقدان وی تحقیق می کند، اگر خبری نشد نخست به ولیّ او پیشنهاد طلاق می کند و اگر او طلاق نداد خودش طلاق می دهد سپس عدّه وفات نگه می دارد (هر چند کفایت عدّه طلاق رجعی نیز قوی است اما احتیاط مهمّامکن ترك نشود) و بعد شوهر می کند. اگر شوهر اول مادام که در عدّه است مراجعه کرد اولی است و اگر بعد از عدّه حتی قبل از ازدواج مجدد شوهر اول بیاید طلاق نافذ است و تنها با رضایت طرفین و عقد جدید امکان بازگشت است.

سؤال ۹۸۵. هرگاه مردی زندگی را بر همسرش سخت بگیرد و حاضر به طلاق او هم نباشد قاضی در چه صورتی می تواند این زن را طلاق دهد؟

جواب: طلاق در صورتی برای قاضی جایز است که عدم امکان سازش در حدی باشد که منجر به عسر شدید و حرج اکید گردد زوج شخصاً حاضر به طلاق نباشد و طلاق قاضی طلاق رجعی است، ولی اگر رجوع واقع شود و باز موضوع عدم سازش باقی باشد مجدداً طلاق دهد تا سومین مرتبه که طلاق بائن بشود.

سؤال ۹۸۶. طلاق زنی که همسرش تریاکی است و مدتی است که مفقودالایر شده و محکوم به اعدام است، چگونه است؟

جواب: چنانچه فرار کرده و امید به بازگشت او نیست و زن در عسر و حرج شدید می باشد و زندگی کردن با چنین مردی برای او مقدر نیست حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد، ولی اگر می تواند صبر کند و احتمال بازگشت و امکان زندگی با او وجود دارد، حکم او عدم طلاق است.

سؤال ۹۸۷. خانمی ۲۱ سال پیش با مردی به صورت لفظی و غیر معلوم از نظر دائمی و موقتی ازدواج نموده، بعد از چهارسال زندگی و تولد اولین فرزندشان، آن مرد این خانم و بچه را رها کرده و مفقود شده و جستجو نیز بی فایده بوده آیا این خانم می تواند ازدواج بنماید یا نه؟

جواب: باید به حاکم شرع مراجعه کند هرگاه مأموس از اطلاع بر احوال او شد می تواند او را طلاق دهد و بعد از چهار ماه و ده روز ازدواج کند و احتیاطاً حاکم شرع مدّت باقیمانده را (به فرض موقت بودن عقد) نیز می بخشد و اگر احتمال پیدا شدن شوهر وجود دارد حاکم شرع چهار سال برای جستجو تعیین می کند هرگاه اثری پیدا نشد اقدام به طلاق می کند.

سؤال ۹۸۸. هرگاه زوج بدون عذر شرعی از دادن نفقه خودداری کند آیا طلاق زوجه جایز است؟
جواب: حاکم شرع باید از مال زوج نفقه را بپردازد و اگر میسر نشود به او تکلیف طلاق کند و اگر طلاق ندهد شخصاً او را طلاق می دهد.

سؤال ۹۸۹. اگر زنی پس از طلاق از شوهر اول با مرد دیگری ازدواج کند و به علتی ازدواج دوم باطل باشد آیا این زن می تواند پیش شوهر دوم بماند چون اگر شوهر دوم آن زن را طلاق بدهد و از هم جدا شوند مایه آبروریزی آن مرد یا آن زن است؟

جواب: می تواند بماند، اما نا محرم است و روابط زن و شوهری نباید میان آن دو باشد.

سؤال ۹۹۰. این جانب مدّت شانزده سال قبل با مردی ازدواج نمودم و مدّت هشت ماه زندگی مشترك داشتم که شوهرم به جمهوری اسلامی ایران مسافرت نموده و مدّت شانزده سال این جانب را ترك

نمود. در این مدت هیچ گونه خرجی و نفقه برایم نفرستاد، به ناچار همراه پدر شوهرم جهت ردیابی از همسرم به ایران آمدم، متأسفانه ایشان به جرم مواد مخدر در یکی از زندانها محبوس بود، بعد از یکسال انتظار همسرم آزاد شد و دوباره زندگی مشترک را آغاز نمودیم و از او حامله شدم، شوهرم باز هم فرار کرد بعد از مدتی با زن دیگری که تبعه ایرانی است با تعدادی از فرزندانش پیدا شد، و از آن جا که نه حقیر از همسر دوشم اطلاع داشتم و نه همسر دوشم از من اطلاع داشت، همسر ایرانی بنای ناسازگاری گذاشت، بعد از مدتی با همسر دوشم به جای نامعلومی رفت و فرزند ما بعد از این به دنیا آمد و اکنون مدت دو سال است که در عالم هجرت بدون سرپرست و خرجی و نفقه زندگی می کنم، در ضمن این دفعه پدر پیرش را نیز همراه خود برده است به مراجع قضایی شاکی شده ام خبری از همسرم معلوم نیست، حال تکلیف من چیست و چه کار کنم؟

جواب: در صورتی که مرد حاضر به دادن نفقه و زندگی کردن با این همسر نیست و طلاق هم نمی دهد حاکم شرع می تواند صیغه طلاق او را اجرا کند.

سؤال ۹۹۱. من همراه شوهر و فرزندانم در سال ۱۳۶۶ به نروژ آمدم و الان سه سال است که شوهرم من و بچه هایم را رها کرده و رفته و مرا بلا تکلیف گذاشته است ولی طلاق دولتی را در نروژ انجام داده ام در نروژ مرکز توحید اسلامی برای شیعیان و مسلمین وجود دارد، از جنابعالی درخواست می کنیم که به روحانی این مرکز وکالت و اجازه برای جاری کردن صیغه طلاق شرعی بدهید تا مرا طلاق دهد؟

جواب: چنانچه همسر شما نه حاضر است با شما زندگی کند و نه طلاق شرعی می دهد به روحانی محترم محل وکالت دادیم که شما را بعد از ثبوت این موضوع مطلقه سازد و همچنین در مورد سایر مسلمانانی که در شرایطی همانند شرایط شما زندگی می کنند.

سؤال ۹۹۲. میان من و شوهرم سه سال پیش نزاع و اختلاف به وجود آمد که کار به دادگاه کشیده شد، بعد از آن که شوهرم فهمید که محکوم می شود فرار کرد و به افغانستان رفت و شنیدم که در آن جا زن گرفته و من در این جا سرگردان و بی سرپرست در خانه خواهر خود به سر می برم، آیا شرعاً حاکم شرع می تواند با ولایت خود مرا طلاق دهد؟

جواب: اگر عمداً همسر خود را رها کرده و رفته و رسیدگی به حقوق شرعی او نمی کند و همسر در عسر و حرج گرفتار است حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد ولی اگر دسترسی به او هست قبلاً اتمام حجت شود.

سؤال ۹۹۳. این جانبه با شخصی ازدواج کردم و مدت یکسال و نیم با هم بودم ولی اکنون ایشان سه سال است که مفقودالاثرا شده و خبری از ایشان ندارم، من از مهاجرین خارجی هستم و با يك فرزند خود در شهر مقدس مشهد بی سرپرست و آواره زندگی می کنم و بسیار پریشان می باشم، من در زمان جاری شدن عقد به شوهرم گفتم که اگر به مدت شش ماه نفقه به من نرسید اختیار طلاق به دست خودم باشد ولی آنها در عقدنامه ازدواج این مورد را نوشتند، من هم سواد نداشتم که بخوانم، حال وظیفه من چیست؟

جواب: اگر او عمداً شما را رها کرده و رفته و در عسر و حرج شدید قرار دارید می توانید به روحانی سرشناس و آگاه به مسائل مراجعه کنید تا شما را طلاق دهد.

سؤال ۹۹۴. همسران مفقودالاثراهای جنگ تحمیلی که چندین سال از شوهرانشان خبری ندارند در چه صورتی می توانند ازدواج کنند؟

جواب: در صورتی که یقین به فوت همسرشان پیدا کنند، ازدواج جایز است و در غیر این صورت اگر ماندن در آن حال، مایه عسر و حرج شود، حاکم شرع می تواند آنها را طلاق دهد و در غیر این صورت باید طبق دستور حاکم شرع چهار سال درباره آنها تحقیق شود اگر اثری پیدا نشد حاکم شرع آنها را طلاق می دهد.

سؤال ۹۹۵. شخصی قسم می خورد که دیگر با زوجه اش همبستر نشود و حاضر به شکستن قسم هم نمی باشد، آیا حاکم شرع می تواند زوجه او را طلاق دهد؟

جواب: تا چهار ماه مهلت دارد از قسم خود برگردد و کفاره بدهد، بعد از چهار ماه حاکم شرع او را مخیر می کند که یا از قسم خود برگردد و یا طلاق دهد، اگر هیچ کدام را قبول نکرد او را به زندان می افکنند و کار را بر او سخت می گیرند که یکی از آن دو برنامه بالا را انجام دهد و اگر این امور ممکن نباشد و زوجه به عسر و حرج بیفتد حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد.

سؤال ۹۹۶. شخصی، زنی را عقد شرعی کرده است؛ ولی الان می گوید: «من با این خانم نه عروسی می کنم و نه او را طلاق می دهم» تمام مردم، دوستان و نزدیکان با تمام وسایل ممکنه بر وی فشار آورده اند تا شاید از این تصمیم منصرف شود، ولی او از این تصمیم منصرف نمی شود، وظیفه چیست؟

جواب: حاکم شرع با او اتمام حجّت می کند، اگر گوش نداد می تواند آن زن را مطلقه کند تا بعد از عده بتواند شوهر دیگری انتخاب کند.

سؤال ۹۹۷. این جانبه به عنوان همسر شرعی و قانونی با آقای ازدواج کردم و حاصل این ازدواج سه فرزند می باشد. در ابتدای ازدواج از این که همسرم پیرو مذهب تشیع نبوده مطلع نبودم، تا این که در خلال زندگی متوجه شدم که نامبرده پیرو فرقه اسماعیلیه می باشد و به مقدّسات اسلام و محترّات شیعه بی احترامی می نماید، در حالی که کلاهبرداری وی در این مورد کاملاً محرز می باشد. در طول زندگی از سوی شوهرم مورد شکنجه های فراوانی قرار گرفته ام که هنوز آثار شکنجه مشخص می باشد، علاوه بر این وی معتاد به موادّ مخدّر است و حتّی حدود يك سال با شکنجه فراوان مرا وادار به استفاده از این موادّ افیونی می کرد و حتّی بچه های کوچک را تحت شکنجه زیاد قرار می داد. به همین جهت تقاضای طلاق کردم و بر اساس رأی دادگاه، که در غیاب نامبرده صادر شد، رأی بر حکم طلاق غیابی صادر شد و طلاق صورت گرفت؛ ولی بر اثر اعتراض وی حکم طلاق غیابی مردود اعلام شده و وی حاضر به طلاق نمی باشد، در حالی که وی در طول این مدّت ازدواج کرده است. این جانب به مرحوم آیت الله محمد حسین نابغ آیتی مراجعه کردم، ایشان حکم کردند که نامبرده از طایفه ملاحده است و این طایفه هرچند اظهار اسلام می کنند و لکن نماز و روزه و حج را به هیچ وجه قبول ندارند و پیش خودم بعضی از آنها منکر نماز (به صورتی که مسلمین انجام می دهند) می باشند، و همچنین در ماه مبارک رمضان روزه نمی گیرند و برای خود احکام خاصّی دارند و حج و بسیاری از واجبات دیگر را انجام نمی دهند، لهذا از نظر حقیر مرتد و ماندن زن در خانه آنان حرام است، با توجه به این که قدرت تحمّل مردی خارج از دین اسلام و شکنجه او را ندارم، از محضر مبارك استدعای صدور حکم خدایی را دارم.

جواب: در دو صورت شما می توانید از او جدا شوید:

اول این که به یقین بدانید او نماز و روزه و سایر احکام اسلام را قبول نداشته و از اصل انکار می کرده است که در این صورت بدون طلاق جدا می شوید.

دوم این که ثابت شود شکنجه های طاقت فرسای به شما می دهد و زندگی با او عسر و حرج شدید داشته باشد، در این صورت حاکم شرع یا کسانی که از طرف او مأذون هستند می توانند شما را طلاق دهند.

بخش بیست و یکم:

عده طلاق

بخش بیست و یکم: عدّه طلاق

۱. فلسفه عده

سؤال ۹۹۸. آیا زن، در صورت یقین به عدم انعقاد نطفه، می تواند قبل از سپری شدن ایام عادت اقدام به ازدواج کند؟

جواب: عده در واقع حریم زوجیت است، و فلسفه و حکمت آن منحصر به انعقاد نطفه نیست؛ به همین دلیل اگر مرد سال ها از زن خود جدا زندگی کند، یا در مسافرت باشد، بعد از طلاق عده بر زن مدخوله غیر یائسه واجب است.

سؤال ۹۹۹. امروزه از نظر پزشکی امکانات آزمایشگاهی و تجهیزاتی نظیر سونوگرافی وجود دارد که در کوتاهترین زمان می توان بطور قطع، یقین حاصل نمود که زنی در اثر همبستری و نزدیکی باردار شده، یا خیر؟ حال با چنین فرضی، آیا مدت عده طلاق همان است که قبلاً در احکام آورده شده، یا قابل تغییر است؟

جواب: همان گونه که قبلاً اشاره شد عده تنها مربوط به مسأله بارداری نیست، بلکه در واقع حریم زوجیت است؛ لذا اگر زنی چند سال از شوهرش دور باشد سپس او را طلاق دهد، باید عده نگه دارد. **سؤال ۱۰۰۰.** امروزه با استفاده از دارو (خوراکی تزریقی)، یا به کار بردن وسایل پیشگیری پزشکی، بطور قطع می توان از بارداری زن جلوگیری کرد، با چنین فرضی آیا بر زنانی که از امکانات فوق استفاده می کنند، لازم است عده نگه دارند؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

۲ عده عقد دائم

سؤال ۱۰۰۱. ابتدای شروع عده طلاق از چه زمانی است؟

جواب: ابتدای شروع عده طلاق از آن موقعی است که صیغه طلاق خوانده می شود، خواه زن بدانند یا ندانند.

سؤال ۱۰۰۲. اگر زن بعد از تمام شدن مدت عده بفهمد او را طلاق داده اند لازم است دوباره عده نگه دارد؟

جواب: خیر، لازم نیست دوباره عده نگه دارد.

سؤال ۱۰۰۳. مقدار عده در مورد زنانی که عادت می شوند چقدر است؟

جواب: احتیاط آن است که بقدری صبر کند که دوبار حیض ببیند و پاک شود هنگامی که حیض سوم را دید عده او تمام است.

سؤال ۱۰۰۴. در صورتی که زوج پس از عقد دخول نکرده باشد، ولی انزال صورت گرفته و نطفه به رحم زن منتقل شده باشد، و سپس طلاق واقع گردد. آیا زوجه باید عده نگه دارد؟ حکم مسأله در صورت حامله شدن، و حامله نشدن زوجه چیست؟

جواب: آری زوجه باید عده نگه دارد.

سؤال ۱۰۰۵. دوشیزه ای برای جوانی در نظر گرفته، و جهت حفظ جهات شرعی عقدشان خوانده می شود، و آنها گاه از پشت آمیزش می کردند. متأسفانه پس از مدتی از هم جدا می شوند، دختر بر اثر جهل به مسأله، بدون رعایت عده به عقد دائم شخص دیگری در می آید، حال پس از چند سال زندگی و با داشتن چند فرزند، مسأله را فهمیده است، حکم شرعی او چیست؟

جواب: احتیاط واجب آن است که در فرض مسأله، بعد از عده مجدداً صیغه عقد بخوانند، و حرام ابدی نیست.

سؤال ۱۰۰۶. دو سال است اسلام را پذیرفته، و شش ماه است که از شوهر زردشتی ام جدا شده ام، عده اینجانبه چگونه خواهد بود؟

جواب: چنانچه مدّت دو سال است اسلام را پذیرفته اید از همان زمان قبول اسلام، عدّه شما شروع شده است. و اگر شوهر شما از این امر باخبر بوده، و در مدّت عدّه شما اسلام نیاورده، عدّه شما پایان یافته و از آن شوهر جدا شده اید. و نیازی هم به طلاق نیست.

* * *

۳ عده عقد موقت

سؤال ۱۰۰۷. عده ازدواج موقت چقدر است؟

جواب: عده ازدواج موقت بعد از تمام شدن مدّت، در صورتی که عادت ماهانه می بیند، به مقدار دوحیض کامل است و اگر عادت نمی بیند چهلوپنج روز تمام است.

سؤال ۱۰۰۸. زن مطلقه ای پس از انقضای عده متعه می شود، و پس از چندی با وساطت بزرگان فامیل قرار می شود با شوهر اول ازدواج کند، جریان را به همسر دوم می گوید، او بقیه مدّت عقد موقت را می بخشد، سپس زن را به عقد دائم خویش در می آورد، و قبل از دخول او را طلاق می دهد، و زن با این استدلال که طلاق قبل از دخول عده ندارد، بلافاصله به عقد شوهر اول در می آید. آیا این کار صحیح است؟

جواب: عده عقد سابق با این امور از بین نمی رود، و تا عده پایان نیابد ازدواج مجدد او صحیح نمی باشد، و نمی تواند بدون عده به عقد کسی در آید.

* * *

ء عدّه زن باردار

سؤال ۱۰۰۹. پایان عدّه زن باردار چه زمانی است؟

جواب: متولّد شدن فرزند یا ساقط شدن آن است، حتّی اگر يك ساعت بعد از طلاق بیچّه به دنیا آید، عدّه او تمام می شود و می تواند شوهر کند.

* * *

ه عده و طی به شبه

سؤال ۱۰۱۰. ابتدای عده و طی به شبه چه زمانی است؟

جواب: مبدأ عده و طی به شبه زمان حصول علم به و طی به شبه است.

سؤال ۱۰۱۱. لطفاً به دو سؤال زیر پیرامون عده پاسخ فرمایید:

الف) خانمی در عده طلاق یا وفات بوده، که با او و طی به شبه می شود. آیا لازم است دو عده نگه دارد، یا تکمیل همان عده اول کافی است؟ و اگر دو عده لازم باشد، عده دوم (و طی به شبه) از چه زمانی آغاز می شود؟

جواب: احتیاط واجب آن است که دو عده نگه دارد. و عده دوم پس از انقضای عده اول شروع می شود.

ب) در فرض فوق، اگر از زوج اول، یا از واطی به شبه حامله شود، آیا عده حمل مقدم بر عده دیگری است؟

جواب: عده حمل مقدم است، و بعد عده دوم را آغاز می کند.

سؤال ۱۰۱۲. در صورتی که زمان فهمیدن اشتباه در و طی به شبه مدتی پس از و طی باشد، آیا

در این صورت نیز نگاه داشتن عده لازم است؟

جواب: احتیاط نگه داشتن عده است.

* * *

استثنائات

سؤال ۱۰۱۳. در چه صورت زن برای ازدواج مجدد احتیاجی به گذراندن مدت عده ندارد؟

جواب: زنی که از شوهرش طلاق گرفته باید عده نگه دارد، مگر این که شوهر با او اصلاً نزدیکی نکرده باشد، یا قبل از نُه سال طلاقش دهد، یا زن یائسه باشد، در این سه صورت بعد از طلاق می تواند بلافاصله شوهر کند.

سؤال ۱۰۱۴. اگر زنی که در یائسه نباشد (در سنی باشد که باید عادت ماهانه شود) ولی عادت

نشود؛ مدت عده او چقدر است؟

جواب: چنانچه شوهرش بعد از نزدیکی کردن او را طلاق دهد باید بعد از طلاق سه ماه عده نگه دارد و منظور از سه ماه آن است که اگر اول ماه است سه ماه تمام هلالی و اگر روز دیگری از ماه است مانند پنجم یا دهم هنگامی که پنجم یا دهم ماه چهارم شود عده او تمام است، مثلاً اگر پنجم ماه رجب او را طلاق گفته، پنجم ماه شوال عده او تمام است.

سؤال ۱۰۱۵. اگر شخصی زنی را برای خود عقد دائم یا موقت نماید، و تمام تمتعات (غیر از

دخول) را ببرد، و بعداً او را طلاق بدهد، یا مدتش تمام شود، یا مدتش را ببخشد، آیا در این صورت می تواند بدون رعایت عده طلاق، خواهر یا دختر آن زن را عقد کند؟

جواب: چنین زنی عده ندارد، و ازدواج با خواهر یا دختر او بلامانع است.

سؤال ۱۰۱۶. مردی، زن غیر یائسه ای را به عقد موقت خویش در می آورد، و قبل از اتمام مدت،

باقیمانده مدت را می بخشد، و سپس او را به عقد دائم خویش در می آورد، لطفاً بفرمائید:

(الف) آیا عده لازم است؟

جواب: عده لازم نیست؛ هر چند دخول حاصل شده باشد.

(ب) در فرض بالا، چنانچه بعد از عقد دائم و قبل از دخول زن را طلاق دهد، آیا در اینجا عده

لازم است؟ یا زن می تواند بدون رعایت عده بلافاصله با مرد دیگری ازدواج کند؟

جواب: چنانچه زن بخواهد با دیگری ازدواج کند، باید باقیمانده عده عقد موقت را نگه دارد.

سؤال ۱۰۱۷. زوجه ای العیاذ بالله از زنا حامله شده، و طلاق داده شده است. آیا عدّه او وضع حمل است، یا عدّه غیر حامله دارد؟ حکم مسأله در صورتی که حاملگی از طریق وطی به شبهه باشد، چیست؟

جواب: در صورتی که مسلم باشد حمل از زناست، و احتمال الحاق به زوج شرعی نباشد، عدّه ای برای حمل نیست، تنها عدّه طلاق دارد. و وطی به شبهه عدّه دارد، و در صورت حمل، عدّه آن وضع حمل است.

سؤال ۱۰۱۸. هرگاه زنی که از زنا باردار شده با زانی یا غیر او ازدواج کند، آیا احتیاج به عدّه دارد؟ اگر شوهرش او را بعد از ازدواج طلاق دهد، آیا عدّه دارد؟ و در صورتی که عدّه دارد، آیا عدّه او اُبعد الأجلین است، یا عدّه اقرء؟

جواب: زنی که حامل از زناست عدّه ندارد، و جایز است به عقد زانی یا غیر او در آید، و اگر او را طلاق داد عدّه او به اقرء یا سه ماه است، و وضع حمل معیار نیست. و اما در مورد طهر غیر مواقعه چون این شرط در حامل ساقط است می تواند او را طلاق دهد، بنابراین اگر عادت ماهانه نمی بیند سه ماه صبر می کند و ازدواج می نماید.

سؤال ۱۰۱۹. زنی به عقد ازدواج مردی در می آید و سپس عروسی می کنند و به خانه شوهر می رود، مرد توان نزدیکی ندارد؛ ولی استمتاع دیگر غیر از نزدیکی صورت گرفته است، متأسفانه زندگی مشترك آنها منجر به طلاق می شود، آیا زن باید عدّه طلاق نگهدارد؟ و در صورت طلاق، آیا مهریه زن نصف می شود؟ آیا زن برای ازدواج بعدی باز احتیاج به اذن پدر یا جدّ دارد؟ آیا این دختر می تواند خود را به عقد موقت دیگری درآورد؟

جواب: در فرض مسأله زن عدّه ندارد و مهر او با طلاق نصف می شود و هنوز حکم باکره را دارد.

بخش بیست و دوم:

عدّه وفات و ترك زینت در ایام عدّه وفات

بخش بیست و دوم: عده وفات و ترك زینت در ایام عده وفات

۱. عده وفات

سؤال ۱۰۲۰. در صورت فوت شوهر عده زن چقدر است؟

جواب: باید چهارماه و ده روز عده نگه دارد، خواه ازدواج دائم باشد یا موقت، شوهرش با او نزدیکی کرده باشد یا نه، حتی زن یائسه نیز باید عده وفات نگه دارد و اگر باردار است باید تا هنگام وضع حمل عده نگه دارد، ولی اگر پیش از گذشتن چهارماه و ده روز فرزندش به دنیا آید باید تا چهارماه و ده روز از مرگ شوهر عده را ادامه دهد.

سؤال ۱۰۲۱. هرگاه زن یقین کند همسرش از دنیا رفته و عده وفات نگه دارد و بعداً شوهر کند،

چنانچه معلوم شود شوهر او بعد مرده است؛ حکم ازدواج دوم او چه می شود؟

جواب: چنانچه معلوم شود شوهر او بعد مرده است، باید از شوهر دوم جدا شود و احتیاط واجب آن است که اگر باردار است به مقداری که در عده طلاق گفته شد برای شوهر دوم عده طلاق نگه دارد و بعد از آن برای شوهر اول چهار ماه و ده روز عده وفات نگه دارد و اگر باردار نیست برای شوهر اول عده وفات نگه دارد و بعد برای شوهر دوم عده طلاق.

سؤال ۱۰۲۲. ابتدای عده وفات در صورتی که شوهر غایب باشد و فوت کند از چه موقعی است؟

جواب: از موقعی است که زن از مرگ شوهر باخبر می شود.

سؤال ۱۰۲۳. هرگاه زن بگوید عده من تمام شده از او قبول می شود؟

جواب: از او قبول می شود، به شرط آن که مورد اتمام نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که مورد وثوق باشد.

سؤال ۱۰۲۴. مردی زوجه اش را طلاق می دهد، و پیش از تمام شدن مدت عده، فوت می کند.

آیا زوجه باید عده وفات نگه دارد، یا همان عده طلاق را تمام کند؟ آیا در این مسأله فرقی میان طلاق رجعی و بائن، یا طلاق حامله و غیر حامله وجود دارد؟

جواب: اگر عده رجعی بوده، نگه داشتن عده وفات لازم است. ولی در عده بائن، تکمیل همان عده

کافی است.

سؤال ۱۰۲۵. شخصی زنی را در عده وفات عقد نموده، و پس از پایان عده عروسی می کنند، در حالی که زوجین جاهل به حرمت ازدواج در عده بوده اند، لطفاً بفرمائید:

الف) آیا حرمت ابدی برای آنها ثابت است، یا فقط عقد باطل می باشد؟

ب) در صورتی که حرمت ابدی نباشد و بخوانند عقد جدید بخوانند، آیا برای همسر دوم عده لازم است؟

ج) آیا باید عده وفات را برای همسر اول به انجام برساند؟

جواب: عقد ازدواج باطل است، ولی حرمت ابدی نمی آورد، و آن مرد می تواند مجدداً با آن زن صیغه عقد را جاری کند، ولی اگر زن بخواهد با شخص سومی ازدواج کند، باید عده وطی به شبهه تمام شود.

سؤال ۱۰۲۶. حدود ۱۵ سال پیش از شوهر اولم طلاق گرفتم، و پس از حدود يك سال با مرد دیگری مجدداً ازدواج کردم. پنج ماه پس از ازدواج دوم، شوهر سابقم فوت نمود. اکنون بعد از گذشت حدود ۱۴ سال متوجه شدم که طلاق اولم باطل بوده، و به همین دلیل از شوهر دومم جدا شدم. آیا بنده، که یائسه نیز می باشم، باید بعد از ۱۴ سال برای شوهر اولم عده وفات نگه دارم؟

جواب: هرگاه تازه از فوت او آگاه شده باشید باید عده نگه دارید، ولی اگر قبلاً از فوت او با خبر شده اید، و مدت چهار ماه و ده روز گذشته، عده منقضی شده است.

ترک زینت در ایام عده وفات

سؤال ۱۰۲۷. آیا زن در عده وفات محدودیتی از نظر پوشش و زینت دارد؟

جواب: آری؛ زن باید در مدت عده وفات از پوشیدن لباسهای زینتی، کشیدن سرمه در چشم و کارهای دیگر، که زینت حساب می شود، خودداری کند.

سؤال ۱۰۲۸. زنی جوان (حدود ۳۰ ساله) همسرش را از دست داده است، بخاطر فوت شوهر بیشتر از متعارف ترک زینت می کند، و حتی باندازه معمول نظافت هم نمی کند، و اگر کسی به خواستگاری اش برود جواب منفی می دهد، و می گوید: «با شوهر مرحومم عهد کرده ام که دیگر ازدواج نکنم، و بین ما شرط شده که هر کس زودتر مُرد، دیگری ازدواج نکند». آیا این کارها صحیح، و این شرط واجب الوفا می باشد؟

جواب: حِداد، به معنای ترک زینت در ایام وفات، لازم است؛ ولی ترک زینت، به معنای ترک نظافت نیست، و شرط مزبور اعتباری ندارد، و سزاوار است زن بعد از گذشتن عده ازدواج کند.

سؤال ۱۰۲۹. امروزه بعضی از امور زینتی بسیار مرسوم و متداول گشته است، آیا انجام این گونه امور هم در عده وفات اشکال دارد؟

جواب: آری هرگونه زینت در این مدت اشکال دارد.

* * *

بخش بیست و سوم:

احکام محلل

بخش بیست و سوم: احکام محلّ

احکام محلل

سؤال ۱۰۳۰. در بحث محلل، صرف دخول کفایت می کند یا هر دو باید ارضا شوند؟
جواب: دخول کافی است.

سؤال ۱۰۳۱. آیا نکاح محلل، هادم يك طلاق و دو طلاق نیز می باشد؟ یعنی پس از ازدواج محلل، زوج اول می تواند سه طلاق دیگر بدهد؟
جواب: آری هادم می شود.

سؤال ۱۰۳۲. در صورتی که محلل بعد از وطی مرتد شود، آیا تحلیل حاصل می شود؟ ارتداد پیش از وطی چطور؟ حکم مسأله در صورت ارتداد و اسلام مجدد زوجه، پیش از وطی و پس از آن چه می باشد؟

جواب: ارتداد بعد از وطی اثری ندارد، ولی قبل از وطی زوجیت را باطل می کند؛ بنابراین دخول اثری ندارد.

سؤال ۱۰۳۳. آیا در وطی معتبر در ازدواج محلل، وطی و دخول حلال شرط است، یا اگر دخول حرام واقع شده باشد (مانند وطی در ایام حیض، یا وطی در حال احرام) آن هم در تحقق حلّیت کافی است؟

جواب: کفایت می کند.

سؤال ۱۰۳۴. یکی از برادران اهل سنت زوجه خویش را در يك جلسه و در حالت عصبانیت سه طلاق کرده است، علمای اهل سنت گفته اند: «طلاق بائن واقع شده و زوجه اش بر او حرام شده است و باید محلل بگیرد». اگر آن مرد سنی شیعه شود چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که نسبت به آنچه در گذشته واقع شده معامله مذهب سابق را کند، یعنی احتیاطاً محلل بگیرد.

بخش بیست و چهارم:

احکام متفرقه طلاق

بخش بیست و چهارم: احکام متفرقه طلاق

احکام متفرقه طلاق

سؤال ۱۰۳۵. آیا زن می تواند در موقع عقد شرط کند که هرگاه شوهر مثلاً مسافرت نماید، یا معتاد به مواد مخدر گردد، یا خرجی او را ندهد اختیار طلاق با او باشد؟

جواب: این شرط باطل است، ولی هرگاه شرط کند که او از طرف شوهرش وکیل باشد که هرگاه این کارها را انجام دهد خود را مطلقه کند این وکالت صحیح است و در چنین صورتی حق دارد خود را طلاق دهد.

سؤال ۱۰۳۶. پدر و جدّ پدری دیوانه می توانند زن او را طلاق دهند؟

جواب: در صورت مصلحت می توانند او را طلاق دهند.

سؤال ۱۰۳۷. ولیّ صغیر اگر همسر دائمی برای او عقد کرده، می توانند زن او را طلاق دهند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب نمی تواند او را طلاق دهد، اما اگر همسر موقت برای او عقد کرده می تواند باقیمانده مدّت را در صورت مصلحت ببخشد.

سؤال ۱۰۳۸. بیش از ده سال است که به دلایل زیر قصد طلاق زوجه ام رادارم:

الف) عدم تمکین. ب) خروج بدون اذن از منزل و حتّی از شهر در موارد غیر ضروری. ج) اقدام به آبرویزی و هتک حرمت بنده در جامعه. د) تهمت های ناروا. ه) تهدید به مسموم نمودن. و) نامشروع قلمداد کردن صیغه ازدواج. و قانون نیز توجهی به من نکرده آیا می توانم خود صیغه طلاق را بخوانم و آیا گرفتن حکم طلاق در مقابل پرداخت پول امکان پذیراست و چنین حکمی اعتبار شرعی دارد؟

جواب: عدم تمکین به تنهایی می تواند دلیلی بر اقدام به طلاق باشد، ولی تا می توانید از طلاق پرهیزید مگر این که ناچار شوید.

سؤال ۱۰۳۹. آیا برای تبدیل ازدواج دائم به موقت غیر از طلاق و انجام عقد موقت راهی وجود

دارد؟ و اگر ندارد آیا عده نگهداشتن لازم است یا شوهر سابق در عده می تواند زن را متعه کند؟

جواب: راه آن فقط طلاق است و در عده می تواند با او ازدواج نماید به شرط این که طلاق رجعی نباشد و اگر طلاق رجعی است باید بعد از تمام شدن عده او را به عقد موقت درآورد.

سؤال ۱۰۴۰. این جانب مدّت ۲۴ سال است که با خانم زندگی می‌کنم و دارای شش فرزند می‌باشیم، در این مدّت با دخالت مستقیم پدر و مادر و برادر خانم روبه‌رو بوده‌ام و زندگی تلخی را گذرانده‌ام تا این که مدّتی قبل دیگر کارد به استخوانم رسید و تصمیم به جدایی از همسر گرفتم و چون در تصمیم خود جدّی بودم در چند جلسه (البته به فارسی) گفتم: همسر مانند خواهر و مادرم برای من می‌باشد، حال همسر از گذشته خود پشیمان شده و تعهد داده که دیگر مثل گذشته به تحریکات بستگان خود گوش نکند و من هم می‌خواهم مدّتی دیگر به ایشان فرصت بدهم و با ایشان زندگی کنم با توجه به گفته بالا آیا می‌توانم با ایشان به عنوان زن و شوهر زندگی کنم؟

جواب: چنانچه این سخن را در حالی گفته‌اید که دو شاهد عادل حضور داشته‌اند و آن زن هم در حال عادت نبوده بعد از پاک شدن با او نزدیکی نکرده باشید باید کفّاره بدهید و کفّاره آن دوماه روزه است که باید سی و یک روز آن پشت سر هم باشد و اگر توانایی روزه نداشته باشید ۶۰ مسکین را طعام دهید اما اگر دو شاهد عادل حضور نداشته، کفّاره ای هم ندارد و این سخن بی‌اثر است، در ضمن توجه داشته باشید در آن جا که کفّاره لازم باشد تا کفّاره ندهید حلال نمی‌شود.

سؤال ۱۰۴۱. خانم شوهرداری با افرادی حدود دو سال رابطه داشته است و حتّی مدّت ۲۰ روز بدون اجازه شوهرش معلوم نیست که در کجا به سر برده است آیا لازم است این خانم مشهور به فساد را طلاق داد؟

جواب: طلاق دادن او واجب نیست ولی لازم است او را از کار خلاف بازدارد.

سؤال ۱۰۴۲. لطفاً در مورد اجرت المثل زحمات زن در منزل شوهر به سؤالات زیر پاسخ دهید:
الف) اگر طلاق به درخواست زوجه باشد، آیا استحقاق دریافت حقّ الزّحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده و قصد تبرّع هم نداشته، دارد؟
جواب: زوجه در صورتی می‌تواند اجرت کارهای خود را مطالبه کند که بگوید قصد تبرّع ندارد و زوج این کارها را از او بخواهد.

ب) اگر طلاق به درخواست زوجه نباشد، آیا استحقاق دریافت حقّ الزّحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده و قصد تبرّع هم نداشته، دارد؟

جواب: مسأله طلاق چه از طرف زوج باشد و چه به خواست زوجه، هیچ ارتباطی با مسأله فوق ندارد؛ حتّی بدون طلاق نیز در فرضی که ذکر شد می‌تواند مطالبه اجرت کند.

سؤال ۱۰۴۳. یکی از شروطی که بر اساس تصویب شورای عالی قضایی در سند عقد ازدواج گنجانده شده این است که زوج بعد از عقد ازدواج در کلیه دارایی خود با زوجه شریک خواهد بود و در

صورت قبول زوج، زوجه حق خواهد داشت در صورت طلاق نصف اموال شوهر را دریافت نماید، آیا زوجه با گرفتن نصف اموال باز هم استحقاق دریافت حق الزحمه کارهایی را که بدون قصد تبرع در خانه شوهر انجام داده و شرعاً به عهده وی نبوده دارد؟

جواب: ظاهر این شرط این است که جبران خدمات دوران ازدواج باشد؛ ولی شرط مزبور چون آمیخته به ابهام فراوان است، شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۰۴۴. زوجه از خانواده مذهبی بوده و تا قبل از ازدواج چادری و با حجاب کامل بوده است، زوج بعد از ازدواج وی را وادار کرده که با مانتو و روسری، حجاب خود را حفظ کند و از چادر استفاده نکند و زوجه این موضوع را مغایر با شعونات خانوادگی خود دانسته و به این علت تقاضای طلاق نموده است و به هیچ وجه حاضر نیست که چادر را کنار بگذارد. آیا تقاضای وی برای طلاق به این جهت برای دادگاه قابل قبول می باشد؟ چنانچه پاسخ منفی باشد، آیا زوجه موظف به اجرای دستور زوج در این مورد می باشد؟

جواب: این امر مجوز تقاضای طلاق نیست؛ ولی زوجه می تواند نظر زوج را در این مورد رعایت نکند، و زوج حق اجبار او را ندارد.

سؤال ۱۰۴۵. زوجه به علت این که شوهرش وی را مجبور می نماید که حجاب اسلامی را رعایت ننماید و بعضاً در جلوی مهمانان نامحرم، بدون حجاب حاضر شود و یا در خارج از منزل با آرایش و بدون رعایت کامل حجاب اسلامی بیرون رود، از دادگاه تقاضای طلاق نموده است. آیا عسر و حرج زوجه در این مورد قابل قبول است؟

جواب: اگر این کار از طرف شوهر به صورت وسیع تکرار شود و زوجه را در تنگنای شدید روحی قرار دهد، عسر و حرج ثابت است و حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد.

سؤال ۱۰۴۶. من همسر دوم شوهرم می باشم. پس از این که زن اول ایشان فوت کرد من با ایشان ازدواج کردم، ایشان از زن اول چهار پسر و دو دختر و از من يك پسر دارد، من از داشتن شش بچه ایشان باخبر بودم. لذا تمام اقوام با ازدواج ما مخالف بودند و مرا تحقیر می کردند. الان هفت سال است که من از شوهرم دور هستم و با اجازه او در يك بیمارستان عربستان سعودی مشغول پرستاری هستم. در طول هفت سال که من زحمت کشیدم و پول به دست آورده ام شوهرم آن را بدون اجازه من صرف تجهیزیه دخترش کرد. این بار که به هندوستان رفته بودم بر سر قضیه پول دعوا شد و من مطالبه طلاق کردم، ولی ایشان طلاق نمی دهد در حالی که سنّ من با ایشان تفاوت زیاد دارد و من نمی توانم با ایشان زندگی کنم. آیا من حق طلاق يك جانبه را دارم؟

جواب: هرگاه شوهر حاضر باشد به وظایف خود طبق عقدنامه ای که با شما داشته عمل کند حق طلاق يك جانبه را ندارید، ولی اموالی را که از شما بدون اجازه برده باید بطور کامل برگرداند.

سؤال ۱۰۴۷. پسری، دختری را به عقد نکاح دائم خویش درمی آورد، بعد از يك ماه با همدیگر اختلاف پیدا می کنند و در نتیجه اختلاف، مدّت ۶ سال در حال عقد می مانند و پس از آن پسر با دختر دیگری ازدواج می کند. در ضمن جلسه ای در حضور ریش سفیدان و با تصویب آنها پسر علاوه بر اخذ مهر حاضر، با گرفتن مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ تومان (که مجموعاً ۷۰۰/۰۰۰ تومان می شود) راضی به طلاق می شود، اما در برگه صورت جلسه طلاق این شرط قید می شود که دختر مزبور پس از طلاق نمی تواند با فلان شخص ازدواج کند و دختر که صورت جلسه را امضا کرده است در آن زمان به این شرط توجه نداشته است. این شرط از نظر شرعی چگونه است؟

جواب: شرط مزبور باطل است و دختر می تواند بعد از طلاق و مراسم آن، با هر کس که می خواهد ازدواج کند.

سؤال ۱۰۴۸. زوجه به علت عدم قدرت باروری زوج و نیاز شدید به داشتن فرزند، خود را در حال عسر و حرج می داند، آیا با وجود این موضوع می توان حکم به طلاق زوجه صادر کرد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که واقعاً خطر بیماری روانی زوجه را تهدید کند.

سؤال ۱۰۴۹. زن شیعه ای در عقد مردی سنی بوده است، پس از چند سال زندگی مشترك مرد سنی طبق معتقدات خود، که طلاق در حضور عدلین و سایر شرایطی که در طلاق شیعه است را معتبر نمی داند، زن خود را طلاق گفته است؛

(الف) آیا زن وظیفه دارد طبق قاعده الزام، از آن لحظه عدّه نگه دارد؟

جواب: قاعده الزام شامل حال زن شیعه نمی شود و باید از شوهر وکالت بگیرد و مجدداً طلاق را با شرایط آن جاری کند و اگر شوهر راضی به این کار نشود، حاکم شرع می تواند اجازه طلاق او را صادر کند.

(ب) در صورتی که طلاق از جانب مرد سنی طبق معتقدات خود واقع شده، آیا نفقه دوران عدّه به عهده اوست؟

جواب: زن حقّ نفقه دارد، خواه به عنوان عدّه طلاق باشد یا بقای زوجیت.

(ج) چون طلاق از ناحیه مرد است، آیا لازم است تمام مهریه را پرداخت نماید؟

جواب: مهریه در هر صورت بر عهده زوج می باشد، خواه طلاق بدهد یا ندهد.

(د) چون به عقیده خودش سه طلاقه نموده، آیا بدون محلل بنا بر عقیده خودش حقّ رجوع دارد؟

جواب: از نظر وظیفه شرعی زن، رجوع مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۵۰. زید دختر بالغه و باکره خود را نامزد شخصی کرده و پیش از عقد گفته است: «اگر زن دیگری بگیری، یا به شهر دیگری بروی خود من، که پدر دختر می باشم، دخترم را طلاق می دهم، یا ابرای مدّت می کنم، تو مرا وکیل کن» نامزد، پدر دختر را وکیل می کند و سپس عقد جاری می شود، ولی در ضمن عقد او را دوباره وکیل نکرده، و سپس عروسی می کنند، تقریباً يك سال پس از عروسی، پدر به خاطر تخلف شوهر، دخترش را ابرای مدّت می کند یا طلاق می دهد، شوهر ادّعا می کند: «من او را وکیل کرده بودم، ولی بعداً او را عزل نموده ام» در این صورت آیا این طلاق یا ابرای مدّت صحیح است؟

جواب: وکالت به قوّت خود باقی است و اگر مرد از شرایط تخلف کند پدر زوجه می تواند طلاق دهد.

سؤال ۱۰۵۱. اگر زنی در ضمن عقد با شوهر شرط کند که اگر مرد قصد طلاق او را داشت باید مبلغی به زن بپردازد، آیا عمل به این شرط لازم است؟ آیا طلاق متوقّف بر پرداختن این مبلغ است؟

جواب: این شرط اشکالی ندارد و عمل به آن واجب است.

سؤال ۱۰۵۲. اگر مرتد از طلاق دادن زوجه امتناع کند، حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد؟

جواب: احتیاج به طلاق نیست، بعد از ارتداد از هم جدا می شوند.

سؤال ۱۰۵۳. اگر مردی شك داشته باشد که فلان خانم همسر اوست یا نه لطفاً بفرماید:

الف) آیا می تواند بطور قطعی و جزمی او را طلاق دهد و اگر صحیح نیست برای فرار از این شك چگونه احتیاط کند؟

ب) بر فرض عدم جواز طلاق قطعی در سؤال قبل، آیا این مسأله را می توان به کسی که شك در زوجیت زنی دارد بعد از آن که عقد بر آن زن تمام شده است ولی زن ادّعاهایی می کند که باعث شك زوج در همسری او شده است و با همین شك او را طلاق قطعی داده است و به شك خود اعتنایی نکرده است، مقایسه کرد.

لازم به ذکر است که آنچه باعث این سؤال شد کلام شیخ انصاری (رحمه الله) در مکاسب است که می فرماید: «اگر در امور مقومه شك شود امر مشکل می شود». و سپس از شهید اول نقل کرده که ظاهراً ایشان جزم به بطلان چنین طلاق پیدا کرده است، نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: این طلاق اگر به صورت قطعی و عَنْ جَزْم انجام شده است صحیح است و اگر در زوجیت شك دارد طلاق را به قصد احتیاط جاری کند؛ و اما کلام علامه انصاری (رحمه الله) و بعضی دیگر از فقهای عظام برای اثبات بطلان این طلاق کافی نیست.

سؤال ۱۰۵۴. زوج شیعه جعفری، و زوجه سنی شافعی است. زوج مدعی است که مطابق مذهب شافعی زوجه را سه طلاقه کرده، ولی زوجه منکر آن است. لطفاً بفرمایید:

الف) در فرض اثبات، آیا طلاق مورد ادعا صحیح است؟ به عبارت دیگر، آیا زوج شیعه مذهب می تواند زوجه خود را بر طبق مذهب شافعی سه طلاقه کند، یا رعایت شرایط طلاق از نظر فقه شیعه برای زوج شیعه مذهب در هر حال الزامی است؟

جواب: زوج شیعه موظف است طبق مذهب خود همسرش را طلاق دهد.

ب) آیا آثار طلاق یاد شده را می توان بر اساس قاعده الزام نسبت به زوجه مترتب ساخت؟

جواب: آری زوجه می تواند آثار طلاق مزبور را نسبت به خودش جاری سازد.

ج) آیا مجرای قاعده الزام تنها در فرضی است که زوج سنی مذهب باشد، یا در فرض شیعه بودن زوج و سنی بودن زوجه نیز قاعده الزام جاری می شود؟

جواب: قاعده الزام در هر دو صورت جاری می شود؛ هر چند رعایت احتیاط خوب است.

د) به طور کلی در موارد ادعای وقوع طلاق، قول زوج مقدم است، یا زوجه؟ اثبات آن بر عهده کیست؟

جواب: هر کدام ادعای طلاق کنند، باید طبق موازین شرع ثابت نمایند.

سؤال ۱۰۵۵. مرد و زنی در اثر اختلاف، کارشان به طلاق منتهی شده است. زن در ازای طلاق، مهریه اش را بخشیده، و جهیزیه خود را برده، و صیغه شرعی طلاق جاری شده است. حال دو سؤال پیش آمده، مستدعی است پاسخ فرمایید:

الف) در طول مدت ۹ سال زندگی مشترک، کادوهایی از خانواده های طرفین به این زن و شوهر داده شده است. حال که این دو نفر از هم جدا شده اند، این کادوها، که بعضی توسط بستگان مرد، و بعضی توسط اقوام زن داده شده، شرعاً به کدام يك تعلق دارد؟

جواب: کادوهایی که زنانه است به زن تعلق دارد، و آنها که مردانه است به مرد. و اگر به درد هر دو می خورد چنانچه از خانواده و دوستان مرد آورده اند به مرد تعلق دارد، و اگر از خانواده و دوستان زن آورده اند به زن تعلق دارد.

ب) در طول این مدت این زن و شوهر نیز کادوهایی به اقوام همدیگر داده اند (البته پول این کادوها را مرد پرداخت نموده است). تکلیف این کادوها چیست؟ آیا زن باید این کادوها را از فامیل خود گرفته، و تحویل مرد دهد؟ یا چون این کادوها در آن زمان داده شده، متعلق به گیرنده آن می باشد؟

جواب: در صورتی که کادوها موجود باشد مرد می تواند باز پس بگیرد، (به شرط این که با مرد خویشاوند نباشد؛ ولی این کار مکروه و ناپسند است).

سؤال ۱۰۵۶. اگر زوج، زوجه را تهدید به استفاده از حق طلاق کند، مثلاً به زوجه اش بگوید: «یا منزل شخصی ات را ملک من کن، یا تو را طلاق می دهم» و زن برای جلوگیری از طلاق ملک را به نام شوهر بزند، آیا اگر صدق می کند؟ حکم این انتقال چیست؟

جواب: آری عرفاً مصداق اکراه است.

سؤال ۱۰۵۷. با توجه به اطلاق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی که می گوید: «مرد هر وقت بخواهد، می تواند همسر خود را طلاق دهد.» بعضی از محاکم همان طور که طلاق بی دلیل زوجه را رد می کنند، در مورد درخواست زوج نیز همین حکم را صادر می نمایند. آیا این مطلب با اختیارات مطلق زوج طبق روایت مشهور نبوی «الطَّلَاقُ بَيِّدٌ مِّنْ أَخَذَ بِالسَّاقِ»^{۲۴} منافات ندارد؟

جواب: مطابق عنوان اولی اختیار طلاق به دست زوج است؛ هر زمان که بخواهد. ولی با توجه به عناوین ثانویه، که برگرفته از شرایط خاص اجتماعی امروز است، حاکم شرع می تواند اجازه طلاق مرد را به مواردی موقوف کند که عذر موجهی داشته باشد.

سؤال ۱۰۵۸. اگر مردی زنی را فریب دهد که از شوهرش طلاق بگیرد و همسر او شود طلاق و عقد آن زن صحیح است؟

جواب: صحیح است، ولی هر دو معصیت بزرگی انجام داده اند.

۲۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۷۲، ح ۲۰۸۱؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۱۱، ص ۳۰۰، ح ۱۸۰۰؛ الدارقطنی، ج ۴، ص ۲۴، ح ۳۹۴۷؛ سنن بیهقی، ج ۷، ص ۳۶۰؛ کنز العمال، ج ۹، ص ۶۴۰، ح ۲۷۷۷۰.

بخش بیست و پنجم:

ارث زن و شوهر

بخش بیست و پنجم: ارث زن و شوهر /

۱ ارث شوهر

سؤال ۱۰۵۹. هرگاه زن دائمی از دنیا برود چه مقدار ارث به شوهر او می رسد؟

جواب: اگر فرزندی نداشته باشد نصف تمام مال او به شوهر می رسد و بقیه را ورثه دیگر می برند و اگر از آن شوهر یا از شوهر دیگری فرزندی داشته باشد يك چهارم تمام مال او به شوهرش می رسد و بقیه به وارثان دیگر.

سؤال ۱۰۶۰. هرگاه زن در حال بیماری، شوهر کند و با همان بیماری از دنیا برود شوهرش از او

ارث می برد؟

جواب: ارث می برد، خواه نزدیکی کرده باشد یا نه.

سؤال ۱۰۶۱. هرگاه زن را به ترتیبی که در احکام طلاق گفته شد، طلاق رجعی دهد و در بین عدّه

بمیرد شوهر از او ارث می برد؟

جواب: آری ارث می برد.

سؤال ۱۰۶۲. اگر شوهر زن را طلاق رجعی دهد و در بین عدّه بمیرد، زن از او ارث می برد؟

جواب: آری ارث می برد.

سؤال ۱۰۶۳. اگر زن و شوهر طلاق بائن بگیرند و در بین عدّه یکی از آنها بمیرد، طرف مقابل از

او ارث می برد؟

جواب: خیر، در عدّه طلاق بائن هرگاه یکی از آنان بمیرد دیگری از او ارث نمی برد.

سؤال ۱۰۶۴. آیا مهریه زن جزء ترکه اوست و اگر جزء ترکه اوست آیا شوهر می تواند به نسبت

سهم الارث خود از آن، کسر و مانده مهریه را به سایر ورثه زن (زوجه خود) پرداخت نماید؟

جواب: آری جزء ترکه اوست و مانند سایر اموال تقسیم می شود.

سؤال ۱۰۶۵. هر گاه زن از دنیا برود و به غیر از شوهر وارث دیگری نداشته باشد اموال او به چه

کسی می رسد؟

جواب: اگر زوجه از دنیا برود و وارثی نداشته باشد تمام اموال او به شوهرش می رسد.

سؤال ۱۰۶۶. شوهر در ضمن عقد تعهد می دهد که پس از عروسی و آمدن زوجه به خانه او،

چند یا چندین قلم کالا و چیز دیگری به عنوان جهیزیه، برای همسرش خریداری نماید. بعد از عروسی و

قبل از این که شوهر به تعهد خود عمل نماید همسرش فوت می کند. اگر سایر ورثه این زن از طریق دادگاه زوج را ملزم به انجام تعهد نمایند، آیا خود شوهر نیز جزء وراثت زنش می باشد و از جهیزیه ای که می خرد، ارث می برد؟

جواب: سهم الارث دارد.

سؤال ۱۰۶۷. فردی که نظامی بوده، بر اثر جدال و نزاع خانوادگی، با پدر زنش درگیر شده است. پدر زن به طرف اسلحه داماد دست دراز کرده و قصد استفاده از اسلحه را داشته است؛ او برای این که پدر زنش دست از جدال و نزاع بردارد، ابتدا دو تیر هوایی شلیک می کند، سپس به علت این که پدرزن دور نشده، بلکه با چوبدستی به طرف او و اسلحه اش نزدیک می شود، به طرف دست پدرزنش شلیک می کند که ناگهان همسرش به حمایت از پدرش درمی آید و در این میان اشتباهاً کشته می شود. قاتل از این همسر، دارای پسری دو ساله است و متوفیه پدر و مادر هم دارد. در این مورد سهم همسر، پسر، پدر و مادر متوفیه را بطور دقیق مشخص نمایید.

جواب: يك ششم ديه كامله به پدر و يك ششم ديه كامله به مادر و بقیه به فرزند می رسد و چیزی از ديه به شوهر نمی رسد؛ خواه ديه قتل خطا باشد یا ديه قتل عمد، که گاه به جای قصاص توافق بر آن می شود.

سؤال ۱۰۶۸. چنانچه مهریه خانمی سفر حج بوده، و آن خانم قبل از تشرّف به حج، فوت نماید، آیا ورثه وی می توانند مهریه را مطالبه کنند؟ نحوه تقسیم يك سفر حج، بین چند وارث چگونه خواهد بود؟

جواب: آری می توانند مطالبه کنند، و هزینه يك حجّ به هنگام فوت آن مرحومه را از شوهر او می گیرند، و مانند سایر اموال زن بین همه ورثه تقسیم می کنند

سؤال ۱۰۶۹. اگر زنی که در حالت حیات مهریه اش را مطالبه نکرده فوت کند، آیا ورثه این زن می توانند مهریه او را از شوهر مطالبه کنند، اگر شوهر هم مرده باشد حکم مسأله چیست؟

جواب: همانطور که در بالا اشاره شد مهریه مانند سایر دیون است و به ارث منتقل می شود، و ورثه می توانند آن را مطالبه کنند.

سؤال ۱۰۷۰. چرا اسلام سهم الارث مردان را دو برابر سهم زنان قرار داده است؟

جواب: دلیل آن روشن است؛ زنان هنگامی که شوهر می کنند هزینه ای برای زندگی نمی پردازند، و تمام هزینه آنها در اسلام بر دوش مردان است. به تعبیر دیگر، مردان هم باید هزینه زندگی خود را بپردازند و هم هزینه زندگی فرزندان و زنانشان را، و با این حال طبیعی است که سهم ارث آنها بیشتر باشد.

ممکن است گفته شود بعضی از زنان شوهر نمی کنند، و بعضی از مردان زن نمی گیرند، درباره آنها چگونه؟ پاسخ آن نیز با توجه به يك نکته معلوم می شود، و آن این است که: قوانین الهی، (بلکه تمام قانونها) هماهنگ با نوع افراد جامعه است، و افراد استثنایی معیار قوانین نیستند.

۲ ارث زن

سؤال ۱۰۷۱. هرگاه مردی از دنیا برود چه مقدار ارث به همسر دائمی او می رسد؟
جواب: هرگاه فرزند نداشته باشد، يك چهارم مال او را همسر دائمی او می برد و بقیه را ورثه دیگر و هرگاه از آن زن یا از زن دیگر فرزند داشته باشد، يك هشتم مال به زن او می رسد و بقیه به وارثان دیگر.

سؤال ۱۰۷۲. زن از کدام اموال شوهر ارث می برد؟
جواب: زن از تمام اموال منقول شوهر ارث می برد، ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی برد، خواه زمین خانه باشد یا باغ، یا زمین زراعتی و مانند آن و نیز از خود هوایی ساختمان ارث نمی برد، مثل بنا و درخت، اما باید هوایی را قیمت کنند و از قیمت آن سهم ارث او را بدهند.

سؤال ۱۰۷۳. زن می تواند در چیزی که از شوهرش ارث نمی برد (مانند زمین و بنای خانه) تصرف کند؟

جواب: برای تصرف باید از ورثه دیگر اجازه بگیرد.

سؤال ۱۰۷۴. اگر ورثه دیگر سهم زن را از قیمت هوایی ندهند (مانند بنای خانه) می توانند بدون اجازه زن در آن تصرف کنند؟

جواب: تا سهم زن را از قیمت هوایی نداده اند (مانند بنای خانه) نباید بدون اجازه او در آن تصرف کنند.

سؤال ۱۰۷۵. چنانچه پیش از دادن سهم زن از قیمت هوایی بنای خانه و امثال آن، آن را بفروشند معامله صحیح است؟

جواب: در صورتی که زن معامله را اجازه دهد صحیح و گرنه نسبت به سهم او باطل است.

سؤال ۱۰۷۶. چگونه قیمت بنا و درخت و مانند آن را حساب کنند؟

جواب: باید چنین حساب کنند که اگر آنها با دادن مال الاجاره در آن زمین باقی بماند چقدر ارزش دارد، سپس سهم زن را از قیمت آن بدهند.

سؤال ۱۰۷۷. مجرای آب قنات و آجر و چیزهایی که در آن بکار رفته چه حکمی دارد؟
جواب: مجرای آب قنات و مانند آن حکم زمین را دارد و آجر و چیزهایی که در آن بکار رفته در حکم ساختمان است.

سؤال ۱۰۷۸. اگر میت بیش از يك زن دائم داشته باشد؛ به هر کدام چه مقدار ارث می رسد؟
جواب: اگر میت بیش از يك زن داشته باشد در صورت نداشتن فرزند چهار يك اموال او و در صورت داشتن فرزند، هشت يك آن به شرحی که در سوالات بالا گفته شد بطور مساوی میان زنان او تقسیم می شود، خواه شوهر با آنها نزدیکی کرده باشد یا نه، اما اگر در مرضی که به آن مرض از دنیا رفته زنی را عقد کرده، در صورتی از او ارث می برد که با او نزدیکی کرده باشد.

سؤال ۱۰۷۹. هرگاه شوهر در حال بیماری، همسرش را طلاق دهد و پیش از گذشتن يك سال (قمری) از دنیا برود، زن از او ارث می برد؟

جواب: زن با سه شرط از او ارث می برد:

الف) این که شوهر در همان مرض از دنیا برود.

ب) این که زن بعد از طلاق و گذشتن عده، شوهر نکند.

ج) آن که طلاق به رضایت زن نباشد و اگر با رضایت او باشد، ارث بردنش مشکل است.

سؤال ۱۰۸۰. لباس و زینت آلات و مانند آنها که مرد برای همسرش می گیرد متعلق به کیست؟
جواب: لباس و زینت آلات و مانند آنها که مرد برای همسرش می گیرد مال همسر اوست، مگر این که ثابت شود که قصد تمليك نکرده بلکه جنبه عاریتی داشته باشد.

سؤال ۱۰۸۱. شخصی با کامیون خود به جبهه رفته، و خودش شهید شده و کامیونش نابود گردیده است، سپس دولت عوض کامیون را به خانواده شهید داده است، آیا همسر شهید می تواند سهم الارث خود را از آن ادعا کند؟

جواب: اگر آوردن کامیون به جبهه به امر دولت بوده یابه ضمانت او (هرچند ضمانت جنبه عام داشته باشد نه در خصوص این شخص) همسر شهید يك هشتم از کامیون را به ارث می برد و اگر شخص مزبور با میل خود و بدون امر و ضمانت دولت اقدام به چنین کاری کرده، باید از مسؤولین ذی ربط پرسید که هدف آنها تنها کمک کردن به فرزند شهید بوده یا همسر او را هم شامل می شود و نیز باید سؤال کرد که آیا این هدیه به نسبت سهم الارث است یا بیشتر و کمتر؟

سؤال ۱۰۸۲. چگونگی ارث زن از شوهرش در صورتی که وارث دیگری نباشد، بیان فرمایید.

جواب: اگر زوج از دنیا برود يك چهارم مال از آن زوجه و بقیه به امام(علیه السلام) تعلق می گیرد. و در زمان ما به دست حاکم شرع می رسد و چنانچه آن زن واقعاً نیازمند باشد، حاکم شرع می تواند همه یا قسمتی از آن را به او بازگرداند.

سؤال ۱۰۸۳. آیا در ازدواج دائم، مرد می تواند ضمن عقد با همسرش شرط کند که اگر زن وارث مرد شد، ارث خودش را به فرزند آن مرد که از زوجه مرحومه او باقی مانده است ببخشد و هبه کند؟
جواب: با توجه به این که این شرط کاملاً مبهم است خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۰۸۴. شوهر این جانب، در سال ۶۳ فوت کرده است، با توجه به این که من زن دوم ایشان بودم و عقد این جانب به صورت دائم بوده، فرزندان او دو سال بعد از فوت ایشان اموال وی را تقسیم کرده اند و به هیچ وجه حق مرا نداده اند، اموال آن مرحوم به شرح زیر می باشد:

الف) باغات پسته. ب) سه واحد منزل مسکونی که سند آنها به نام آن مرحوم است. ج) تراکتور با تمام وسایل. د) چاه و پمپ و ساختمان موتورخانه و امتیاز آب و برق و پروانه چاه. ه) اموال منقول و وسایل خانه. با توجه به مطالب فوق الذکر لطفاً به سؤالات زیر جواب دهید:

الف) آیا بنده از این اعیانی حقی دارم و اگر دارم به چه صورت می باشد؟

جواب: يك هشتم از قیمت اعیانی و يك هشتم اموال منقول به هر دو زن می رسد که به طور مساوی میانشان تقسیم می گردد.

ب) با توجه به این که در طول ۱۳ سال ارثیه مرا نداده اند، آیا درآمد این چند سال به من تعلق می گیرد؟

جواب: نسبت به درآمد اموال منقول باید منافع این مدت را پردازند و احتیاط آن است که نسبت به اعیانی نیز همین کار را بکنند.

ج) آیا در دادن ارثیه، قیمت روز پرداخت ملاک می باشد یا قیمت روز مرگ میت و اگر قیمت روز مرگ میت ملاک است، آیا تورم این چند سال محاسبه می شود؟

جواب: قیمت یوم الادا ملاک است.

سؤال ۱۰۸۵. اگر شوهر قسمتی از ثلث اموالش را به همسرش هبه کند؛ مشروط بر این که بعد از مرگ شوهر از هشت يك خود صرف نظر کند، آیا زوجه می تواند بعد از مرگ زوج درخواست هشت يك کند؟

جواب: زوجه باید به شرطی که با او شده عمل نماید و اگر به شرط عمل ننماید هبه از سوی ورثه قابل فسخ است.

سؤال ۱۰۸۶. آیا زن علاوه بر جهیزیه خود، مالك زبورآلات و طلاجاتی که شوهر مرحومش برای او خریده نیز می باشد؟

جواب: زبورآلات معمولاً ملك زن است؛ مگر این که شوهر تصریح کرده باشد که به عنوان امانت نزد اوست.

سؤال ۱۰۸۷. آیا بدهی متوفی از کلّ ماترك، منقول و غیر منقول، پرداخت می شود یا فقط از منقول داده می شود؟

جواب: بدهی از کلّ ماترك پرداخت می شود.

سؤال ۱۰۸۸. آیا وسایل خانه، که از طرف بستگان اهدا می شود، مال شخص زن می شود، یا جزء ماترك است؟

جواب: وسایلی را که برای زن آورده اند مال زن می باشد، و وسایلی که برای مرد آورده اند مال اوست و اگر کسانی قصد هر دو کرده اند مال هر دوست.

سؤال ۱۰۸۹. شخصی در زمان حیات خود، صاحب قطعه باغی بوده است. ده سال پس از فوت نامبرده قطعه باغ مزبور در طرح ساخت و ساز شهری و در مسیر خیابان قرار گرفته است و شهرداری معادل آن، زمینی داده است، حال زمین مزبور به فروش رفته است، با توجه به برگ حصر وراثت که يك هشتم اموال منقول و بهای اعیانی غیر منقول سهم زن قید گردیده و سند مالکیت زوجه نیز بر این اساس تنظیم شده، آیا زوجه آن مرحوم در ثمن (يك هشتم) زمین که به جای درخت باغ داده اند ذی حق می باشد، یا ثمن بهای اعیانی زمان بعد از فوت شوهرش ملاك می باشد و او ذی حق نیست؟

جواب: آن زن مالك ثمن بهای اعیانی در زمان فوت است و اگر با گذشت زمان قیمت اعیانی بالا رفته و زمین مزبور به عنوان قیمت آن پرداخت شده است، زن در آن زمین سهم است.

سؤال ۱۰۹۰. شخصی از دنیا رفته است. وارث او همسر و دو برادرزاده و يك خواهرزاده اش می باشند. ترکه او عبارت است از آب، ملك و رودخانه؛ لطفاً نحوه تقسیم ارث را بیان فرمایید.

جواب: همسر او از زمین چیزی نمی برد؛ ولی اگر ساختمان و مانند آن دارد از قیمت آنها ارث می برد (به مقدار يك چهارم مال)، بقیه در میان برادرزاده ها و خواهرزاده تقسیم می شود. برادرزاده ها دو سهم و خواهرزاده يك سهم می برند، این در صورتی است که همه از يك پدر و مادر باشند، به علاوه زن از آب رودخانه هم سهم می برد.

سؤال ۱۰۹۱. آیا زوجه از سرقفلی املاك موقوفه ارث می برد؟

جواب: زوجه از سرقفلی ارث می برد، چه در املاك موقوفه و چه در غیر موقوفه.

سؤال ۱۰۹۲. هرگاه مردی از دنیا برود و وراثت وی عبارت باشند از يك زوجه و چند فرزند صغیر و کبیر، و از متوفی يك واحد مسکونی به عنوان ماترك باقی مانده باشد، با عنایت به این که زوجه حقی نسبت به عین بناها نداشته و فقط در قیمت آن سهم می باشد، آیا قبل و بعد از پرداخت حق زوجه، نامبرده می تواند به سکونت در آن منزل ادامه دهد، یا منوط به اذن سایر وراثت می باشد؟

جواب: باید سایر ورثه اجازه دهند.

سؤال ۱۰۹۳. با توجه به این که در کتب تفسیر، آیه ۱۲ سوره نساء را به طور مطلق تفسیر کرده اند، دلیل فقهی ارث بردن زوجه از قیمت هوایی بناها و درختان چیست؟

جواب: دلیل این مسأله روایاتی است که از معصومین (علیهم السلام) رسیده، که آیات را تخصیص می زند، و تخصیص آیات ارث منحصر به این مورد نیست، بلکه این مطلب در موارد متعدّد در فقه شیعه و اهل سنت دیده می شود. برای آگاهی بیشتر به جواهر الکلام جلد ۳۹ مراجعه کنید.

سؤال ۱۰۹۴. میان زوجه مطلقه ای، که همسرش فوت کرده، و ورثه شوهر وی در اصل طلاق اتفاق نظر، و در زمان آن اختلاف وجود دارد. زوجه مطلقه مدعی وقوع طلاق در مرض منتهی به مرگ زوج می باشد، و ورثه مدعی وقوع طلاق در زمان صحّت وی می باشند. قول کدام يك مقدم است؟

جواب: زوجه باید اثبات کند که طلاق در مرض موت واقع شده، وگرنه حق ندارد، ولی بهتر این است که با ورثه بر مبلغی مصالحه کنند.

سؤال ۱۰۹۵. همسر اول شخصی به هنگام وضع حمل فوت می کند، سپس فرزندش فوت می نماید، شوهر يك سال پس از فوت تنها فرزندش با دختری ازدواج می کند، و بیست سال با هم زندگی می کنند، ولی صاحب فرزندی نمی شوند. اکنون شوهر فوت کرده است، ارث زن چگونه است؟

جواب: هر گاه شوهر در زمان مرگ هیچ فرزندی نداشته، يك چهارم اموال او (غیر از زمین) به همسرش می رسد، و بقیه متعلق به ورثه دیگر است.

سؤال ۱۰۹۶. آیا سرقفلی قابل فروش است؟ آیا زوجه از آن ارث می برد؟

جواب: سرقفلی زمین و مغازه حکم زمین را ندارد، و همسر از آن ارث می برد، و با موافقت مالک، یا متولی موقوفه، قابل فروش است.

سؤال ۱۰۹۷. آیا زن از آب قنات، یا چاه، ارث می برد؟

جواب: فقط از مقدار آبی که در حال مرگ شوهر در قنات یا چاه موجود است ارث می برد.

سؤال ۱۰۹۸. آیا همسر از چاه عمیق، قنات، آب جاری ارث می برد؟

جواب: در صورتی که آب در زمین مباح جریان دارد، مانند آب نهرهای بزرگ، زن از عین آن ارث می برد، و اگر فرضاً شوهر وی در هفته دو ساعت آب را مالک بوده، باید یک چهارم یا یک هشتم آن را به زن بدهند. و اگر در زمین ملک آن مرد، قنات یا چاه آب وجود دارد، زن از عین آن ارث نمی برد، ولی باید چاه و وسائل آن قنات را قیمت کنند، و سهم زن را از قیمت آن بپردازند.

سؤال ۱۰۹۹. آیا زوجه از پولی که عوض دیه خون شوهر گرفته اند، ارث می برد؟

جواب: آری از آن، مانند سایر اموال، ارث می برد.

سؤال ۱۱۰۰. زنی در زمان حیات شوهر مهریه اش را مطالبه نکرده است، آیا پس از فوت شوهر می تواند مطالبه کند؟ در صورتی که قابل مطالبه باشد، آیا در ردیف سایر بدهکاری های میت است، یا مقدم بر آنها می باشد؟

جواب: مهریه مانند سایر دیون است، و باید از اصل ترکه پرداخته شود.

* * *

واژه ها و اصطلاحات فقهی

الف

احتیام: خارج شدن منی از انسان در حالت خواب.

احتیاط: رعایت تمام جوانب نمودن که در این صورت موجب اطمینان انسان به رسیدن به واقع می شود.

احتیاط لازم: احتیاط لازم آن است که قبل یا بعد از آن فتوایی از فقیه صادر نشده باشد.

احتیاط مستحب: احتیاط مستحب آن است که قبل یا بعد از آن فتوایی از فقیه در مورد آن صادر شده باشد.

احتیاط واجب: به معنای احتیاط لازم است که گذشت. در چنین مواردی مقلد می تواند به فتوای مجتهد دیگری که در رتبه بعد قرار دارد عمل نماید.

احتیاط را ترك نکند: اشاره به احتیاط واجب است.

إدعا: چیزی را به نفع خود یا دیگری اظهار داشتن.

إذن: اجازه.

إرتماس: فرو رفتن در آب برای غسل. فرو کردن دست و صورت در آب برای وضوء.

إرث: ماترك متوفی که برای ورثه باقی می ماند.

إستبراء: سعی در برائت و پاکی از آلودگی و نجاست. در سه مورد بکار رفته است:

الف) استبراء از بول.

ب) استبراء از منی یعنی ادرار کردن پس از خروج منی به قصد اطمینان از اینکه ذرات منی در مجرای بول نمانده باشد.

ج) استبراء حیوان نجاستخوار یعنی باز داشتن آن از خوردن نجاست انسان تا وقتی که به خوراك طبیعی خود عادت کند.

إستحاضه: بطور کلی تمام خونهایی که غیر از حیض و نفاس و زخم و دمل است و از رحم زن خارج

می شود خون استحاضه است.

اِسْتِغْنَاء: مطالبه فتوا، سؤال کردن و کسب نظر مجتهد درباره حکم شرعی يك مسئله.

اِسْتِطَاعَت: توانایی انجام فریضه حج از حیث بدن، مال و راه.

اِسْتِمْتَاع از همسر: لذت بردن از همسر.

اِسْتِمْنَاء: انجام کاری با خود که موجب انزال منی می شود.

اشکال دارد: به معنای احتیاط واجب است که معنی آن گذشت.

اضطرار: ناگزیری، ناچاری.

أَعْلَم: عالم تر.

إفشاء: باز شدن. یکی شدن و تداخل مجاری بول و حیض یا مجاری حیض و غائط یا هر سه مجری.

إفطار: باز کردن روزه.

إقامه معروف: پیاداشتن کارهای واجب یا مستحب است.

إکتفا به رفع ضرورت کند: به اندازه ناچاری اکتفا کند و بیشتر از آن انجام ندهد.

إلزام کردن: اجبار نمودن.

إمرار معاش: گذراندن زندگی.

أمر به معروف: واداشتن افراد به انجام احکام و سنتی که از نظر شارع پسندیده است.

أموال محترمه: اموالی که بنابر ضوابط اسلامی دارای احترام است.

إنتقال: جابجایی، جابجا شدن چیز نجس به نحوی که دیگر شیء اول محسوب نشود مانند انتقال خون انسان به پشه.

إنزال: بیرون ریختن منی.

اورع: پرهیزکارتر. کسی که تقوای او بیشتر است.

اولی: سزاوارتر، بهتر.

اهل کتاب: غیر مسلمانی که خود را پیرو یکی از پیامبران صاحب کتاب می داند مانند یهودی و مسیحی.

ب

بالغ: فردی که به سن بلوغ رسیده باشد.

بدل از وضوء: به جای وضوء. در جایی که آب نباشد وظیفه مکلف تیمم است و این تیمم جایگزین غسل یا وضو خواهد شد.

برائت ذمه: در موارد شك، مكلف بایستی عمل را بگونه ای انجام دهد که یقین پیدا کند تکلیف خود را انجام داده است.

بعید نیست: فتوا این است (مگر قرینه ای بر خلاف آن در کلام باشد).
بلوغ: رسیدن به حد تکلیف.

ت

تصدیق: گواهی نمودن، تأکید کردن.

تفریط: کوتاهی کردن، مسامحه نمودن.

تقاص: قصاص کردن. تهاثر. مال مدیون را بابت طلب خود برداشتن.

تقلید: تبعیت از فتاوی مجتهد و عمل نمودن به دستور وی.

تلقیح مصنوعی: نطفه مرد را با وسیله ای نظیر سرنگ به رحم زن رساندن.

تمکن: دارایی.

تمکین: تن دادن (تبعیت از درخواست حلال همسر در مسائل جنسی).

تیمم: در موارد عدم دسترسی به آب به جای وضوء و غسل در هفت مورد باید تیمم کرد.

تیمم بدل از غسل: در جایی که غسل، ممکن نباشد و یا آبی برای غسل موجود نباشد، تیمم جایگزین غسل خواهد شد.

تیمم جیره ای: تیمم کسی که بر اعضاء تیمم او مرهم یا پوشش است.

توکیل: وکیل یا نماینده قرار دادن.

توریه: سخنی دو پهلو است که شنونده از آن چیزی می فهمد ولی مقصود گوینده چیز دیگری است.

تُهْمَت: افترا بستن، نسبت ناروا دادن.

ج

جاهل به مسئله: ناآشنا به مسئله. کسی که مسئله شرعی خود را نمی داند.

جاهل قاصر: جاهلی که در شرایط عدم امکان دسترسی به حکم خدا قرار دارد.

جاهل مقصر: جاهلی که امکان آموختن مسائل را داشته ولی در فراگیری آن کوتاهی کرده است.

جیره: مرهم، پارچه و پوششی که زخم یا شکستگی را با آن ببندند.

جرح. جروح: جراحت، زخم.

جُنُب: کسی که منی از او خارج شده یا با دیگری آمیزش کرده است.
جَماع: مقاربت، آمیزش جنسی.

ح

حائض: زنی که در عادت ماهیانه باشد.
حاکم شرع: مجتهدی که بر اساس موازین شرعی دارای قدرت بر فتوا است.
حج: زیارت خانه خدا و انجام اعمالی مخصوص در زمانی خاص.
حج نیابتی: زیارت خانه خدا به نیابت از طرف شخص دیگر.
حدث اصغر: هر امری که باعث ابطال وضو شود.
حدث اکبر: هر کاری که غسل برای نماز را سبب شود.
حرام: هر عملی که از نظر شرعی ترکش لازم باشد.
حَرَج: مشقت، سختی، دشواری.
حصه: سهم.
حیض: قاعدگی، عادت ماهیانه زنان.

خ

خالی از قوت نیست: فتوا این است.
خبیره: کارشناس.
خبیث: پلید، زشت.
خسارت: زیان، ضرر.
خوف: ترس، هراس، واهمه.
خون جهنده: یعنی حیوانی که وقتی رگ گردن آن را ببرند خون از آن جستن می کند.

د

دائمه: زنی که طی عقد دائم به همسری مردی در آمده باشد.
دُبُر: پشت، مقعد.
دعوی: دادخواهی.
دفاع: دفع دشمن، مقاومت در برابر دشمن.

دیه: مالی که بنا بر تقویم شرعی به جبران خون مسلمان یا نقص بدنی او پرداخت شود.

ذ

ذمه: تعهد به ادای چیزی یا انجام عملی.

ذمی: کافران اهل کتاب مانند یهود و نصاری در مقابل تعهدشان نسبت به رعایت قوانین اجتماعی اسلامی از حمایت و امنیت حکومت اسلامی بر خوردار می شوند و در بلاد مسلمین زندگی خواهند کرد.

ر

رُجوع: باز گشتن، باز گشت.

رضاعی: همشیر، پسر و دختری که از يك زن شیر خورده باشند.

رفع ضرورت: بر طرف شدن حال اضطرار.

ریبه: خوف وقوع در گناه (نظر به ریبه).

ز

زینت: زیور، آرایش.

س

سال شمسی: مدت يك بار حرکت انتقالی زمین به دور خورشید که ۳۶۵ روز و چند ساعت که برابر ۱۲ برج از فروردین تا اسفند می باشد.

سال قمری: مدت ۱۲ بار گردش ماه به دور زمین که ۳۵۴ روز و چند ساعت برابر ۱۲ ماه قمری از محرم تا ذی حجه می باشد.

سفیه: کم عقل، کسی که قدرت نگهداری مال خودش را ندارد و سرمایه اش را در کارهای بیهوده مصرف می کند.

سقط شده: افتاده، جنین نارس که قبل از موعد تولد از رحم خارج شده باشد.

ش

شاهد: گواه.

شهادت: گواهی دادن.

شهادتین: شهادت به یگانگی خداوند و رسالت رسول الله (صلی الله علیه وآله).

شیوع: شایع شدن، همگانی شدن.

شُهرت: مشهور شدن، آشکار شدن برای همه افراد.

شیر کامل: منظور انجام یافتن تمام شرایط نه گانه ای است که در رساله برای مساله شیرخوارگی گفته

شده و موجب محرم شدن است.

ص

صحت: درستی.

صغیره: دختری که به سن بلوغ نرسیده است.

صلح: سازش طرفین. اینکه کسی مال یا حق خود را برای توافق و سازش به دیگری واگذار کند.

صیغه: خواندن کلماتی که وسیله تحقق عقد است.

ض

ضامن: عهده دار. متعهد.

ضرورت: وجوب، حتمیت.

ضروری دین: آنچه بدون تردید جزء دین است مانند وجوب نماز و روزه. که اگر انکار آن باعث

انکار نبوت شود چنین شخصی از اسلام خارج می شود.

ط

طلاق: رهایی، گسستن پیمان زناشویی.

طلاق بائن: طلاق است که پس از آن مرد حق رجوع به همسرش را ندارد.

طلاق خلع: طلاق زنی که به شوهرش مایل نیست و مهر یا مال دیگرش را در قبال این کراهت به او

می بخشد تا طلاق بگیرد.

طلاق رجعی: طلاق است که مرد در عده زن می تواند به او رجوع نماید.

طلاق مبارات: طلاق است که در نتیجه عدم سازش زن و مرد با یکدیگر و دادن مقداری مال از طرف زن به شوهر واقع می شود.

طواف نساء: آخرین طواف حج و عمره مفرده است که ترك آن موجب استمرار حرمت همبستری و سایر مناسبات همسری برای طواف کننده با همسرش می شود.

طهارت: پاکی. حالتی معنوی که در نتیجه وضوء و غسل یا تیمم حاصل شود.

طهارت ظاهری: چیزی که بر اساس نظر شارع مقدس محکوم به پاکی است هر چند در واقع نجس باشد مثل اینکه شخصی وارد خانه مسلمانی شود مادام که او نجاست چیزی را مطرح ننماید تمام اشیاء آن خانه محکوم به پاکی است.

ظ

ظاهر این است: فتوا این است (مگر اینکه در کلام قرینه ای برای مقصود دیگر باشد)

ع

عادت ماهیانه: قاعدگی، حیض.

عادت وقتیه و عددیه: زن هایی که عادت ماهیانه آنها دارای وقت مشخص و مقدار زمان معین باشد، عادتشان «وقتیه و عددیه» است.

عادل: شخصی که دارای ملکه عدالت است.

عاریه: دادن مال خود به دیگری برای استفاده موقت و بلا عوض از آن.

عاقله: مردان خویشاوند نسبی از طرف پدر.

عاصی: عصیان کننده، کسی که نسبت به احکام الهی نا فرمان است.

عرف: فرهنگ عموم مردم.

عرق جنب از حرام: عرقی که پس از آمیزش نامشروع یا استمناء از بدن خارج گردد.

عزل: کنار گذاشتن چیزی. الف) انزال نمودن در خارج از رحم برای جلوگیری از آبستنی زن. ب)

برکنار کردن وکیل یا مأمور خود از کار مانند برکناری وصی یا متولی خائن توسط حاکم شرع.

عُسر و حرج: مشقت و سختی.

عُسرت: سختی، تنگدستی.

عقد: گره، پیمان زناشویی، پیوند.

عقد بیع: قرارداد خرید و فروش.

عقد دائم: ازدواج دائم.

عقد غیر دائم: ازدواج موقت، متعه، صیغه.

عمل به احتیاط: ملکف تکلیف خود را بگونه ای عمل نماید که یقین پیدا کند تکلیف شرعی را انجام داده است. طریقه احتیاط در کتاب های فقهی مطرح شده است.

عنین: مردی که قادر به انجام آمیزش جنسی نیست.

عورت: اعضاء تناسلی.

عهد: پیمان، تعهد انسان در برابر خداوند برای انجام کار پسندیده یا ترك ناپسند که با صیغه مخصوص اداء می شود.

عیال: زن، همسر، نان خور.

غ

غایب شدن: پنهان شدن، غایب شدن شوهر برای مدتی معین که موجب در خواست طلاق زوجه از حاکم شرع می شود.

غائط: مدفوع.

عَرَض عقلائی: هدفی که از نظر عقلا قابل قبول و پسندیده باشد.

عُساله: آبی که معمولاً پس از شستن چیزی خود به خود یا با فشار از آن خارج می شود.

غسل: شستن، شستشو، شستشوی بدن با کیفیت مخصوصی که بر دو نوع است:

۱. ترتیبی. ۲. ارتماسی.

غسل واجب: غسلی که انجام دادن آن الزامی است.

غسل مستحب: غسلی که به مناسبت ایام و لیالی خاص یا عبادات و زیارات مخصوص یا افعال خاص مستحب است، مانند غسل جمعه و غسل زیارت وغیره.

غسل ارتماسی: به نیت غسل يك مرتبه در آب فرو رفتن.

غسل ترتیبی: به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست و سپس طرف چپ را شستن.

غسل جبیره: غسلی که با وجود جبیره بر اعضای بدن انجام می گیرد.

غُلّات: گروهی از مسلمانان هستند که درباره امیرالمومنین علی (علیه السلام) یا سایر ائمه (علیهم السلام)

غلو می کنند و آن حضرت را خدا می شمارند یا صفات مخصوص خداوند برای آنها قائل می شوند.

ف

فتوا: رأی مجتهد در مسائل شرعیه.

فجر: سپیده صبح.

فجر اول و دوم: نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سپیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را فجر اول یا صبح کاذب می گویند. موقعی که آن سپیده گسترده شد، فجر دوم یا صبح صادق و اول وقت نماز صبح است.

فرج: معمولاً به عورت زن گفته می شود.

فرض: امر الزامی، امری که انجام یا ادای آن واجب است.

فُفَاع: آب جو.

فقیر: محتاج، کسی که نیازمند تأمین مخارج سال خود و عیالاتش است. و چیزی هم ندارد که به طور روزانه قادر به تأمین هزینه زندگیش باشد.

فی سبیل الله: به کارهایی که جنبه دینی داشته باشد و نفع آن عام باشد، گفته می شود.

ق

قُبُل: پیش (کنایه از عضو جنسی که در جلو بدن زن یا مرد قرار دارد).

قتل: کشتن.

قتل نفس محترمه: کشتن کسی که خونس از نظر شرعی محترم است و نباید کشته شود.

قروح: دملها، زخم های چرکین.

قرب: نزدیک به واقع و حقیقت.

قرینه: نشانه، علامت، همانند.

قسامه: قسم یاد کردن شهود در مورد جنایات در دادگاه که شرایط خاص دارد.

قصاص: کیفر، نوعی از مجازات است که مشابه با جنایت انجام شده می باشد مثل اینکه شخصی

کسی را عمداً بکشد که اولیای دم حق دارند او را زیر نظر حاکم شرع بکشند.

قصد انشاء: تصمیم به ایجاد معامله یا مانند آن همراه با صیغه معینی.

قصد قربت: یعنی عمل خود را برای خدا بجا آورد.

قضاء: ۱. بجا آوردن عملی که در وقت فوت شده است. ۲. قضاوت کردن.

قیّم: سرپرست، کسی که بر اساس وصیت یا حکم حاکم شرع مسئول امور صغیر یا مجنون یا بیماری می شود.

ک

کافر: کسی که اعتقاد به توحید و نبوت یا هر دوی آنها ندارد، یعنی:

۱. کسی که وجود خدا را انکار می کند.
 ۲. کسی که برای خدا شریک می تراشد.
 ۳. کسی که پیغمبری پیغمبر اسلام را قبول ندارد.
 ۴. کسی که در امور فوق شک دارد.
 ۵. کسی که منکر ضروری دین است و انکار او به انکار خدا و رسول (صلی الله علیه وآله) می انجامد.
- کافر حربی: کافری که با مسلمین در حال جنگ می باشد.
- کافر ذمی: اهل کتابی که در بلاد اسلامی با شرایط مخصوص اهل ذمه در پناه حکومت اسلامی قرار گرفته و زندگی مسالمت آمیزی دارند.

کفالت: ضمانت.

کفیل: ضامن.

کیفیت: چگونگی.

ل

لازم: واجب.

لازم الوفاء: باید به آن عمل شود.

لغو: بی فایده، بی معنا، بیهوده.

م

ما به التفاوت: مقدار تفاوت بین دو شیء.

مال المصالحة: مالی که مورد صلح میان دو یا چند نفر قرار گرفته است.

مالیت شرعی: چیزهایی که از نظر شارع مقدس مال محسوب می شود.

مالیت عرفی: چیزهایی که از نظر فرهنگ عموم مردم (عرف) مال محسوب می شود. هر چند از نظر دین اسلام مالیت نداشته باشد، مثل مشروب.

ماه هلالی: ماه قمری، مدت ۲۹ یا ۳۰ روز از رویت هلال ماه تا هلال دیگر که يك ماه (یا «شهر» در زبان عرب) است و تکرار ۱۲ بار آن، سال قمری است از محرم تا ذی الحجه. مؤونه: مخارج یا هزینه زندگی.

مباح: هر فعلی که از نظر شرعی انجام آن جایز است.

مبتدئه: زنی که برای اولین بار عادت شود.

مبطلات: اموری که باطل کننده عبادت می باشد.

متعه: زنی که با عقد موقت به همسری مردی در آمده است.

متولی: سرپرست اوقاف.

مجتهد: کوشا، کسی که در فهم احکام الهی به درجه اجتهاد رسیده، یعنی دارای قدرت علمی مناسبی است که می تواند احکام اسلام را از روی کتاب و سنت و عقل و اجماع استنباط نماید.

مجتهد جامع الشرائط: مجتهدی است که شرایط مرجعیت تقلید را دارا می باشد.

مجرای طبیعی: مسیر طبیعی هر چیز.

مجزی است: کافی است، ساقط کننده تکلیف است

محتلم: کسی که در خواب از او منی خارج شده باشد.

محدور: مانع.

مُحَرَّم (مُحَرَّمَات): چیزی که حرام است، اولین ماه از سال قمری.

مَحَرَّم: فامیل های نزدیک نسبی و بعضی از فامیل های سببی، کسانی که ازدواج با آنها حرام ابدی است مانند: خواهر، مادر، دختر و دختر دختر، عمه و عمات، خاله و خالات، ربائب، مادر زن و مادر او، دختر و خواهر رضاعی.

مُحَرِّم: کسی که در حال احرام حج یا عمره باشد.

مَحْجُور: کسی که از تصرف در اموال ممنوع شود.

مَحْظُور: ممنوع.

محل اشکال است: باید احتیاط کرد.

مخیر است: یعنی مقلد می تواند يك طرف را انتخاب کند.

مخرج بول و غائط: مجرای طبیعی خروج ادرار و مدفوع.

مدعی: خواهان، کسی که برای خودش حقی قائل است.

مَدی: رطوبتی که پس از ملاعبه از انسان خارج می گردد.

مُرتد: مسلمانی که منکر خدا و رسول یا حکمی از ضروریات دین شده که انکارش به انکار خدا و رسول باز می گردد.

مرتد فطری: کسی که از پدر یا مادر مسلمان متولد شده و خودش نیز مسلمان بوده و سپس از دین خارج شده است.

مرتد ملی: کافری که از پدر و مادر غیر مسلمان متولد شده ولی پس از قبول اسلام مجدداً کافر گردیده است.

مرجوح (مرجوح شرعی): چیزی که کراهت شرعی داشته باشد.

مس: لمس کردن.

مستحب: پسندیده، مطلوب، چیزی که مطلوب شارع است ولی واجب نیست.

مصالحه: سازش، آشتی؛ معمولاً در امور مالی بکار می رود.

مُضطربه: زنی که عادت ماهیانه اش بی نظم است.

مُفلس: کسی که دارائیش کمتر از بدهکاریش می باشد.

مقررات شرعیه: آنچه از طرف خداوند به عنوان تکلیف شرعی معین گردیده است.

مکروه: ناپسند، نامطلوب، آنچه انجام آن حرام نیست ولی ترکش بهتر است.

مکلف: هر انسانی که بالغ و عاقل است.

مُلاعبه: بازی کردن، معاشقه کردن.

مُمَیز: خردسالی که خوب و بد را تمیز می دهد.

ن

ناسیه: زنی که وقت عادت ماهیانه خود را از یاد برده است.

نظر به ریبه: نگاهی که موجب فتنه و فساد شود.

نجس: پلید، ناپاک.

نفاس: خونی که پس از زایمان از رحم زن خارج می گردد.

نفساء: زنی که خون نفاس ببیند.

نکاح: ازدواج کردن، زناشویی.

نماز مستحب: هر نمازی که بجا آوردن آن پسندیده است ولی واجب نیست.
 نهی از منکر: باز داشتن دیگران از هر عملی که به حکم شارع ناپسند است.
 نیت: قصد، تصمیم انجام عمل دینی با هدف تقرب به خداوند.

و

واجب: هر امری که انجام آن از نظر شرع الزامی و اجباری است.

واجب تخییری: واجب بودن یکی از دو یا چند چیز.

واجب عینی: واجبی که بر هر فردی با قطع نظر از دیگران واجب است مانند نماز و روزه.

واجب کفایی: واجبی که اگر به حد کافی کسانی نسبت به آن اقدام نمایند از دیگران ساقط شود مانند

غسل و سایر تجهیزات میت که بر همه واجب است ولی وقتی که يك نفر یا عده ای اقدام کنند، از دیگران ساقط می شود.

واجب مُوسَّع: واجبی است که وقت انجام آن وسیع است مانند نماز ظهر و عصر که از ظهر تا

غروب وقت دارد.

واجب مُصَيَّق: واجبی است که دارای وقت مشخص و محدود است مانند روزه گرفتن در ماه رمضان.

وَرَاث: کسانی که ارث می برند.

واقف: وقف کننده.

وثیقه: سپرده، گروهی.

وَدی: رطوبتی که گاهی پس از خروج بول مشاهده می شود.

وَذی: رطوبتی که گاهی پس از خروج منی مشاهده می شود.

وصی: کسی که مسئول انجام وصیتی شود.

وصیت: سفارش، توصیه هایی که انسان برای کارهای پس از مرگش به دیگری می کند.

وطی: پایمال کردن و گاه کنایه از عمل جنسی است.

وکیل: نماینده، کسی که از طرف شخصی اختیار انجام کاری را داشته باشد.

ولی (با قیم): کسی که به دستور شارع مقدس، سرپرست دیگری است مانند پدر و پدر بزرگ و

مجتهد جامع الشرایط.

هبه: بخشش

هدیه: تحفه، ارمغان.

ی

یائسه: زنی که سنش به حدی رسیده که دیگر عادت ماهیانه نمی شود.

هو ولی التوفیق

«ما توفیقی إلا بالله علیه توکلت و الیه انیب»